



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معیینیت امور علمی

امانت در پرتو قرآن و حدیث

رساله ماستری

محصل: عبد الغفور " محمدی "

استاد رهنما: دکتور فصیح الله " عبد الباقي "

سال: 1398 هـ.ش. 1440 هـ.ق



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

امانت در پرتو قرآن و حدیث

رساله ماستری

محصل: عبد الغفور " محمدی "

استاد رهنما: دکتور فصیح الله " عبد الباقي "

سال: 1398 هـ.ش. 1440 هـ.ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دپارتمنت تفسیر و حدیث

بورده ماستری

تصدیق نامه

محترم عبدالغفور ولد خان محمد: ID: SH-MST-97-392 محصل دور چهارم تفسیر و حدیث که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: امانت در یرتو قرآن و حدیث به روز چهارشنبه تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۳ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق ۹۰ (نمره به عدد) چهاره لود (نمره به حروف) گردید.

موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	استاد شکرالله مخلص	عضو هیات	
۲	دکتور محمد مزمل اسلامی	عضو هیات	
۳	دکتور فصیح الله عبدالباقی	استاد رهنما و رئیس جلسه دفاع	

..... معاون علمی

..... امر بورده ماستری

- 1- این رساله را در قدم نخست به رهبر محبوب مان، معلم بشریت، رهبر انصاف و عدالت محمد امین و صادق صلی الله علیه وسلم، اهداء می نمایم.
- 2- همچنان به یاران امین و با وفای پیامبر صلی الله علیه وسلم و به تمام اهل بیتش که صادقانه و با امانتداری روش زندگی پیامبر را تعقیب کردند، اهداء می نمایم.
- 3- همچنان رساله خویش را برای والدین گرامی ام که واقعاً در قسمت پرورش و تعلیم بنده لحظه ی تغافل ننموده اند، اهداء می نمایم.
- 4- همچنان برای تمام اساتید عالیقدرم، که در حقیقت هر یک شان حیثیت پدر معنوی و آب حیات روحی بنده در زندگی بوده اند، اهداء می کنم.
- 5- و همچنان برای تمام دعوتگران و بیدارگران امین که لحظه به لحظه در فکر رشد روحی و معنوی جوانان این سرزمین بشکل حقیقی و واقعی هستند و عملاً در این قسمت سعی و تلاش دارند، اهداء مینمایم.

عبد الغفور " محمدی "

سپاسگزاری

در اول شکر و سپاس پروردگاری را که برایم توفیق عنایت فرمود تا این رساله ماستری خود را به پایان برسانم.

در قدم دوم از وزارت محترم تحصیلات عالی ابراز تشکر و امتنان می نمایم، که از یک طرف زمینه تحصیل را مساعد ساخته است و از طرف دیگر بزرگترین حامی برای مراکز تحصیلی می باشند.

در قدم سوم سپاس و تشکری خویش را خدمت تمام کسانی که مرا در این راه یاری نمودند، تقدیم میکنم و از پوهنتون سلام و مسئولین شان، مخصوصاً از پوهنچی شرعیات، دیپارتمنت تفسیر و حدیث، اظهار سپاس می نمایم که در مدت تحصیل ام، برایم هر نوع کمک نمودند.

در قدم چهارم از تمام اساتید معظم و گرانقدرم به ویژه از استاد گرامی ام، دکتور فصیح الله "عبد الباقي" که رهنمایی بنده را به عهده گرفتند و وقت گرانبهای خویش را در این راستا صرف کردند، اظهار امتنان نموده که ما را رهین منت خود ساختند، فجزاهم الله خیر.

خلاصه بحث

یکی از موضوعات مهم و اساسی که قانون الهی آن را به عظمت و بزرگی یاد نموده و همه ادیان به آن پرداخته و در جامعه ای بشری نیز مطرح بوده و قوام و دوام جامعه به آن وابسته شده است؛ امانت است.

امانت در پرتو قرآن و حدیث، از مسایل و موضوعات بسیار مهم و ارزنده به شمار می رود، زیرا در آیات متعددی از قرآن کریم به رعایت امانت و امانتداری توصیه شده و آن را از یک طرف صفت مؤمنین و از طرف دیگر فلاح و رستگاری شان دانسته است و در احادیث شریف نیز به آن تاکید شده و ایمان یک مسلمان به آن گره خورده است و حتی قوام و دوام زندگی بشر به آن وابسته شده است.

این رساله دارای یک مقدمه و سه فصل تهیه شده است، که فصل اول آن روی عمومیات بحث شده است، فصل دوم روی جایگاه امانت و موارد آن در قرآن و حدیث بحث مفصل گردیده است، فصل سوم روی آثار رعایت کردن امانت و اضرار عدم رعایت کردن آن از نگاه قرآن و حدیث بحث شده است و با نتیجه گیری، پیشنهادات و فهارس ختم گردیده است.

امانت ضد خیانت است و این امانت عبارت از صیانت و نگهداری انسان است هر آن چیزی را که مناسب است تا نگهداری گردد، از قبیل حقوق، فرایض، واجبات، حدود، اشیای مادی و معنوی، برابر است از جهت الله متعال باشد و یا هم از جهت انسانان.

امانت در پرتو قرآن و حدیث دارای معانی و مفاهیم مختلف است از قبیل فرض، ودیعت، عفت، از ترس در امان بودن، نجات، راحت و اطمینان نفس، اهل و تمام تکالیف، علامه و نشانه ایمان و کفایت است.

امانت دارای دو نوع است مادی و معنوی و موارد آن عبارت اند از امانت در ودیعت، در نعمت، در معاشرت، در اولاد، در اموال، در تعامل همراهِ مردم، در وظیفه، در مجالس، در عبادت، بر رعیت و زبردستان، در ولایت کردن، در حفظ کردن جوارح، در کلام در امانت علمی و غیره.

برای امانت داری آثاری وجود دارد، این آثار شامل آثار دنیوی، دینی اخروی می گردد، آثار دنیوی عبارت اند از جلب اعتماد عمومی، نوید دهنده صلح و آرامش، سبب جلب محبت و رضایت الهی، سبب محبت مردم، یکی از اسباب نجات از شر آفات، سبب غنماندی و غیره. اما آثار دینی و اخروی آن عبارت اند از فلاح و رستگاری، نشانه و کمال ایمان، یکی از اسباب قبول شدن دعا، قوام و دوام کاینات، محور دین، رحمت اجتماعی، مایه خیر و برکت و غیره.

اضرار عدم رعایت کردن امانت در پرتو قرآن و حدیث، بدبخش تقسیم می گردد، اضرار عدم رعایت امانت در قرآن و اضرار عدم رعایت امانت در حدیث، اضرار عدم رعایت امانت در قرآن عبارت اند از: الله متعال انسان خاین را دوست ندارد، اشخاص که با چشم شان خیانت می کنند سخت جزا می بینند، عذاب خداوند را از شخص خاین کسی دفع نمی تواند، خاینین به اهداف شان نمی رسند و غیره.

اضرار عدم رعایت کردن امانت در حدیث، شامل دو بخش می گردد، اضرار عدم رعایت امانت در دنیا و اضرار آن در آخرت، اضرار عدم رعایت امانت در دنیا عبارت اند از: خیانت از علایم نفاق، خیانت بدترین خصلت باطنی، محروم از ادای شهادت. اما اضرار خیانت در آخرت عبارت اند از: روز قیامت از نیکی های خاین گرفته می شود، خاین در روز قیامت دشمن الله محسوب می گردد و از رفتن به جنت محروم می گردد و غیره.

فهرست موضوعات

1.....	مقدمه
1.....	اهمیت و ضرورت تحقیق
2.....	اسباب اختیار تحقیق
2.....	اهداف تحقیق
2.....	سوالات تحقیق
3.....	پیشینه تحقیق
4.....	روش تحقیق
5.....	پلان تفصیلی بحث

فصل اول

عمومیات

7.....	مبحث اول: تعریف و مشتقات امانت
8.....	مطلب اول: تعریف امانت
8.....	الف: تعریف لغوی امانت
10.....	ب: تعریف اصطلاحی امانت
12.....	مطلب دوم: امانت و مشتقات آن در قرآن
16.....	مبحث دوم: مفاهیم و مظاهر امانت و انواع آن در قرآن و حدیث
17.....	مطلب اول: مفهوم و مظاهر امانت در قرآن کریم
17.....	فرع اول: امانت به معنای فرائض
20.....	فرع دوم: استعمال امانت به مفهوم ودیعت
24.....	فرع سوم: استعمال امانت به مفهوم عفت
26.....	فرع چهارم: امانت به مفهوم امن بودن است

- 27..... فرع پنجم: یکی از مظاهر امانت به معنای نجات است.
- 28..... فرع ششم: یکی از مشتقات امانت «أَمْنَةٌ» است به مفهوم راحت و اطمینان نفس.
- 30..... مطلب دوم: مفهوم و مظاهر امانت در حدیث شریف.
- 30..... فرع اول: یکی از مظاهر امانت به معنای اهل و تمام تکالیف است.
- 33..... فرع دوم: یکی از مظاهر امانت، امانت علامه و نشانه ایمان است.
- 34..... فرع سوم: یکی از مظاهر امانت، کفایت است.
- 38..... مطلب سوم: انواع ادای امانت در قرآن و حدیث.
- 39..... فرع اول: امانت مادی.
- 41..... فرع دوم: امانت معنوی.

فصل دوم

جایگاه امانت و موارد آن در قرآن و حدیث

- 47..... مبحث اول: جایگاه امانت در قرآن و حدیث.
- 48..... مطلب اول: جایگاه امانت در قرآن کریم.
- 48..... فرع اول: امانت را تنها انسان حمل می کند.
- 50..... فرع دوم: امانت عین ایمان است.
- 51..... فرع سوم: امانت داری صفت اساسی مؤمن.
- 52..... فرع چهارم: امانت صفت ملائیکه.
- 54..... فرع پنجم: امانت صفت انبیاء.
- 67..... فرع ششم: امانت مخصوص انسان است.
- 69..... مطلب دوم: جایگاه امانت در حدیث شریف.

69.....	فرع اول: امانت علامه ایمان.....
72.....	فرع دوم: ضیاع امانت از علایم قیامت.....
75.....	مبحث دوم: موارد امانت در قرآن و حدیث.....
76.....	مطلب اول: امانت در ودیعت.....
79.....	مطلب دوم: امانت در نعمت.....
81.....	مطلب سوم: امانت در معاشرت.....
83.....	مطلب چهارم: امانت در تربیه اولاد.....
86.....	مطلب پنجم: امانت در اموال.....
88.....	مطلب ششم: امانت در تعامل همراه مردم.....
93.....	مطلب هفتم: امانت در وظیفه.....
97.....	مطلب هشتم: امانت در مجالس.....
100.....	مطلب نهم: امانت در عبادت.....
101.....	مطلب دهم: امانت در حق رعیت و زیردستان.....
103.....	مطلب یازدهم: امانت در ولایت کردن.....
104.....	مطلب دوازدهم: امانت در کلام.....
106.....	مطلب سیزدهم: امانت علمی.....

فصل سوم

آثار رعایت کردن امانت و اضرار عدم رعایت کردن آن از نگاه قرآن و حدیث

110.....	مبحث اول: آثار رعایت کردن امانت در قرآن و حدیث.....
111.....	مطلب اول: آثار دنیوی امانت از نگاه قرآن و سنت.....

- 111.....فرع اول: جلب اعتماد عمومی.....
- 112.....فرع دوم: امانت داری سبب جلب محبت و رضای الهی.....
- 113.....فرع سوم: امانت داری یکی از اسباب نجات.....
- 113.....فرع چهارم: امانت داری سبب غنآمدی.....
- 114.....مطلب دوم: آثار دینی و اخروی امانت از نگاه قرآن و سنت.....
- 114.....فرع اول: فلاح و رستگاری.....
- 114.....فرع دوم: امانت داری نشانه مؤمن و دلیل بر کمال ایمان.....
- 115.....فرع سوم: امانتداری یکی از اسباب قبول شدن دعا است.....
- 118.....مبحث دوم: اضرار عدم رعایت کردن امانت در پرتو قرآن و حدیث.....**
- 119.....مطلب اول: اضرار عدم رعایت کردن در پرتو قرآن.....
- 119.....1- الله متعال انسان خاین را دوست ندارد.....
- 120.....2- جزای کسانی که با چشم شان خیانت می کنند.....
- 120.....3- عدم دفع عذاب از خائن.....
- 121.....4- خاینین به اهداف شان نمی رسند.....
- 122.....مطلب دوم: اضرار عدم رعایت کردن امانت در پرتو حدیث.....
- 122.....فرع اول: اضرار خیانت در دنیا.....
- 122.....1- خیانت از علایم نفاق است.....
- 123.....2- خیانت بدترین خصلت باطنی.....
- 124.....3- مردود شدن شهادت خاین.....
- 125.....فرع دوم: اضرار خیانت در آخرت.....
- 125.....1- روز قیامت از نیکی های شخص خاین گرفته می شود.....

- 126.....2- محروم شدن رهبر خاین از جنت
- 127.....3- الله متعال با خاین روز قیامت دشمن است
- 128.....نتیجه گیری
- 129.....پیشنهادات
- 130.....فهرست آیات قرآن کریم
- 135.....فهرست احادیث نبوی
- 139.....فهرست اعلام
- 142.....فهرست منابع

مقدمه

الحمد لله رب العالمين، والعاقبة للمتقين، ولا عدوان إلا علي الظالمين، والصلاة والسلام علي سيدنا محمد الأمين الذي أرسله ربه رحمة للعالمين و علي آله و صحبه أجمعين.

و بعد: يکي از موضوعات مهم و اساسی که قانون الهی آن را به عظمت و بزرگی یاد نموده و همه ی ادیان به آن پرداخته و در جامعه ای بشری نیز مطرح بوده و قوام و دوام جامعه به آن وابسته شده است؛ امانت است، که از گذشته دور و دراز دارای اهمیت و ارزش خاصی بوده است، لذا الله متعال در قرآن کریم دهها آیت را روی امانت، رعایت آن، موارد و اهمیت آن و تحذیر از عدم رعایت آن اختصاص داده است، به همین شکل پیامبر صلی الله علیه وسلم علاوه از این که خودش مشهور به امین بود، بشریت را نیز به این مکتب فراخوانده است، که دهها حدیث بیان گر آن است.

بنابراین، امانت و امانت داری همان پرداخت حق و حقوق محافظت از آن بوده و مسلمان باید حق را به طور کامل، آن چنان که سزاوار است، بپردازد. حق الله متعال را در عبادت ادا نموده، و خود را از حرام محفوظ نگاه دارد و سپرده ها را دوباره به صاحبان شان بسپارد و ... این رفتار از برنامه های زیبای اسلام و یکی از اصول اساسی آن می باشد، که قرآن و حدیث به آن تذکر داده اند.

امانتداری فریضه ی بزرگی است که انسان بر دوش خود حمل کرده و زمین و آسمان به خاطر سنگینی و عظمت آن از حمل آن خودداری کردند.

اهمیت و ضرورت تحقیق

موضوع امانت در پرتو قرآن و حدیث، از مسایل و موضوعات بسیار مهم و ارزنده به شمار می رود، زیرا امانت و امانتداری از موضوعاتی است که در اسلام بسیار مورد تاکید قرار گرفته است؛ در قرآن کریم در آیات متعددی به رعایت امانت توصیه شده و آن را صفت یک مؤمن موفق و کامیاب خوانده است و در احادیث شریف نیز به آن تاکید شده و ایمان یک مسلمان به آن گره خورده است و حتی قوام و دوام زندگی بشر به آن وابسته شده است، ولی امروز در جامعه ما دیده می شود، که اکثریت مردم به آن توجه نمی کنند و در امانت خیانت می کنند، و بی اعتمادی و بی اعتباری فضای جامعه را پوشانده است، بر این اساس خواستم تا روی این عنوان در پرتو قرآن و حدیث تحقیق نمایم و بعداً آن را در خدمت مردم خود قرار دهم، تا مردم ما از اهمیت و مزایای آن آگاه شده و دوباره به آن رجوع نمایند و اعتبار و اعتماد که امروز از جامعه ما چیده شده، دوباره برگردد.

اسباب اختیار تحقیق

هر تحقیق وقتیکه نوشته میشود، دارای اسباب است، تحقیق حاضر هم دارای اسباب ذیل اند:

1. آگاهی دادن جامعه از امانت، فضیلت آن، موارد آن، آثار رعایت امانت و اضرار عدم رعایت آن، تا با این آگاهی، مردم به رعایت امانت رجوع کنند و از خیانت که باعث بی اعتمادی، نا امنی و عذاب آخرت می گردد، خود داری نمایند.

2. این موضوع یکی از موضوعات ضروری و داغ روز بود، زیرا امروز امانت و امانتداری به اعتبار اغلب از جامعه و کشور ما چیده شده است و علت آن بی خبری از امانت و امانتداری است، بنابراین، خواستم تا روی این موضوع تحقیق نمایم تا امانتداری دوباره در جامعه ما حاکم گردد.

3. یکی دیگر از اسباب در نوشتن این رساله، ادای مسئولیت است، زیرا وقتی که یک محصل از درجه ماستری فارغ می گردد، لازم است تا همراهی فراغتش یک رساله تقدیم نماید و من این عنوان را به این سبب انتخاب نمودم.

4. همچنان تشویق و ترغیب از طرف اساتیدم بود که باید این عنوان را جهت تحقیق رساله ماستری ام انتخاب نمایم.

اهداف تحقیق

1- جمع آوری موارد امانت در قرآن و حدیث که ایمان مؤمن با داشتن صفت امانتداری زیاد می گردد.

2- شناخت بهتر از جایگاه امانت در پرتو قرآن و حدیث.

3- شناخت مفاهیم و فضیلت امانت در پرتو قرآن کریم و احادیث شریف.

4- دانستن آثار رعایت کردن امانت در پرتو قرآن و حدیث.

5- شناسای اضرار عدم رعایت کردن امانت از دیدگاه قرآن و حدیث

سوالات تحقیق:

برای هر تحقیق دو گونه سوال مطرح می گردد، 1- سوال اصلی 2- سوالات فرعی.

سوال اصلی:

امانت از نگاه قرآن و سنت چگونه است؟

سوالات فرعی:

1. امانت چیست؟
2. مفاهیم امانت در قرآن کریم و احادیث نبوی کدام ها اند؟
3. فضیلت امانت از نگاه قرآن و حدیث کدام ها اند؟
4. امانت چند نوع است؟
5. موارد امانت کدام ها اند؟
6. آثار رعایت کردن امانت کدام ها اند؟
7. اضرار عدم رعایت امانت در دنیا و آخرت کدام ها اند؟

پیشینه تحقیق

از آنجایی که رساله هذا در مورد امانت در پرتو قرآن و حدیث است، باید گفت: با پیدایش انسان در روی زمین، امانت هم لازمه اش قرار گرفت، که باید در تمام عرصه های زندگی سعی و تلاش نمایند تا مراعات گردد، بناءً برای این که انسانها بدانند امانت چیست و چگونه آن را رعایت کنند؟ هر پیامبر الهی در هر عصر و زمان که آمد، آن را برای مردم و پیروانش تشریح نمود و به مراعات آن تاکید کرد و از عدم رعایت آن تحذیر نمود و با آمدن آخرین و خاتم پیامبران محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم و نزول قرآن کریم، احکام و مسایل امانت کاملاً در قرآن و حدیث بیان گردید.

گرچند قبل از تحقیق من، رساله های به زبان عربی به شکل صریح در این قسمت بحث نموده و یا هم نوشته شده است که تعداد از این کتاب ها قرار ذیل اند:

1. مفاهیم الامانة في القرآن والسنة وأعمال المفسرين: از محسن العونی
2. الامانة العظمی فی القرآن: از ناصر العبیکان.
3. الأمانة ومشتقاتها في القرآن الكريم: از عبدالمعروف حسین احمد مجدی.
4. خيانة الامانة فی الحضارة الاسلامیة: از عبدالله شمري
5. مفهوم الامانة فی القرآن الكريم و الحديث الشريف: عبدالقادر محجوبی. وغيره

ولی از آنجا که قرآن کریم، احادیث پیامبر صلی الله علیه و سلم، تفاسیر قرآن، شروحات حدیث و کتاب های که راجع به امانت بشکل خاص نوشته شده اند، به زبان عربی هستند و مردم و ملت افغانستان به زبان عربی تسلط ندارند، از طرف دیگر کتاب های که پیرامون امانت در پرتو قرآن و سنت نوشته شده بود در حدی یک مقاله بود و یا هم مختصر بود و از آنها آگاهی کامل راجع به امانت گرفته نمی شد، و از طرف دیگر خیانت و عدم رعایت امانت بالای مردم سایه افکنده است، لازم دیدم تا روی این عنوان به زبان فارسی که زبان ملی کشورمان است، تحقیق نمایم و هم بشکل تفصیلی، تا مردم از این موضوع آگاهی پیدا کنند و به رعایت امانت تمرکز نموده و از خیانت خود داری نمایند.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از جمله تحقیق استقرائی محسوب می گردد، که تفصیل آن قرار ذیل است:

الف: ذکر آیات در رابطه به مطالب امانت همراهی نام سوره و شماره آیات، با ترجمه آیات از ترجمه فارسی صفوة التفاسیر که مؤلف آن محمد علی صابونی و مترجم آن دکتور عبدالباری ابراهیمی است اخذ نموده ام.

ب: بیان کردن امانت، فضیلت آن، موارد آن، آثار رعایت آن و اضرار عدم رعایت آن از قرآن کریم و احادیث شریف، با ذکر اقوال مفسرین و محدثین راجع به تفسیر و شرح آیات و احادیث از کتاب های شان.

ج: تخریج احادیث که در رابطه به امانت اند، از کتاب های حدیث، با ذکر نام نویسنده کتاب، خود کتاب، محل چاپ، نام ناشر، طبع و سال طبع، همراهی جلد و صفحه آن.

د: از منابع معتبر قدیم استفاده نموده ام و کمتر به منابع معاصر مراجعه نمودم مگر اینکه در منابع قدیم، پیدا نکردم.

ه: از منابع تفسیر و حدیث اهل سنت والجماعة استفاده نموده ام.

و: به کتب تخریج احادیث مراجعه نموده، صحت و سقم احادیث را بیان نموده و حکم آن را واضح ساخته ام و در پهلوی آن وجه استدلال حدیث را نیز تذکر داده ام.

ز: قواعد دستوری نگارش مانند کامه (،)، شارحه (:)، نداییه (!)، سوالیه (?)، قوس ها ()، { } و نقطه ها (.) را تا حدی توان و طاقت بشری خود مراعات نموده ام.

ح: اعلام را معرفی نموده ام.

پلان تفصیلی بحث

این رساله شامل مقدمه - سه فصل - نتیجه گیری و فهرس می باشد، که تفصیل آن قرار ذیل است:

- 1- فصل اول: شامل عمومیات است، که در مبحث اول این فصل به تعریف و مشتقات امانت، که شامل تعریف لغوی واصطلاحی امانت و مشتقات آن است، بحث گردیده است. متعاقباً در مبحث دوم روی مفاهیم امانت و انواع آن در قرآن و حدیث، که شامل مفهوم امانت در قرآن کریم و حدیث شریف است و هم انواع امانت که مادی و معنوی است، بحث گردیده است.
- 2- فصل دوم: فضیلت، امانت و موارد آن در قرآن و حدیث بحث شده است، که در مبحث اول آن، فضیلت امانت در قرآن و حدیث صحبت شده است. سپس در مبحث دوم موارد امانت در قرآن و حدیث که شامل امانت در ودیعت، در نعمت، در معاشرت، در اولاد، در اموال، در تعامل همراهی مردم، در وظیفه، در مجالس، در عبادت، بر رعیت و زیردستان، در ولایت کردن، در کلام، در امانت علمی و غیره می گردد، بحث شده است.
- 3- فصل سوم: آثار رعایت کردن امانت و اضرار عدم رعایت کردن آن از نگاه قرآن و حدیث بحث شده است، که در مبحث اول آن آثار رعایت کردن امانت در قرآن و حدیث از قبیل: آثار دنیوی و اخروی امانت از نگاه قرآن و سنت بحث شده است. در مبحث دوم اضرار عدم رعایت کردن امانت در پرتو قرآن و حدیث بحث گردیده است که شامل اضرار دنیوی، دینی و اخروی می گردد. متعاقباً این رساله با نتیجه گیری و توضیحات حاصل شده از خلال همین بحث همراهی فهرس آیات، احادیث، اعلام و منابع پایان یافته است.

فصل اول

عمومیات

مبحث اول

تعریف و مشتقات امانت

در این مبحث روی دو مطلب بحث می‌گردد:

مطلب اول: تعریف امانت

مطلب دوم: مشتقات امانت در قرآن و حدیث

مطلب اول: تعریف امانت

برای معرفی درست از امانت، لازم است تا امانت در نخست تعریف لغوی گردیده، سپس تعریف اصطلاحی آن بیان گردد:

الف: تعریف لغوی امانت

لفظ امانت از (أمن) گرفته شده است که ضد خوف است، ابن منظور افریقی⁽¹⁾ می گوید: (الأمانُ والأمانة بِمَعْنَى وَاحِدٍ. وَقَدْ أَمِنْتُ فَأَنَا أَمِنٌ، وَأَمِنْتُ غَيْرِي مِنَ الْأَمْنِ وَالْأَمَانِ. وَالْأَمْنُ: ضِدُّ الْخَوْفِ. وَالْأَمَانَةُ: ضِدُّ الْخِيَانَةِ. وَالْإِيمَانُ: ضِدُّ الْكُفْرِ. وَالْإِيمَانُ: بِمَعْنَى التَّصَدِيقِ، ضِدُّهُ التَّكْذِيبُ. يُقَالُ: أَمَنَ بِهٖ قَوْمٌ وَكَذَّبَ بِهٖ قَوْمٌ).⁽²⁾

ترجمه: امان و امانت به یک معنا است، طوری که گفته می شود: وَقَدْ أَمِنْتُ فَأَنَا أَمِنٌ، ترجمه: در امانت داخل شدم، پس من در امان ام. وَأَمِنْتُ غَيْرِي مِنَ الْأَمْنِ وَالْأَمَانِ، یعنی غیر از خود را امان و امان دادم. امان ضد خوف است و امانت ضد خیانت است و ایمان ضد کفر است و هم ایمان به معنای تصدیق است که ضدش تکذیب می باشد، گفته می شود: أَمَنَ بِهٖ قَوْمٌ وَكَذَّبَ بِهٖ قَوْمٌ، یعنی بوسیله آن قومی ایمان آورد و قومی هم آن را تکذیب کرد.

راغب اصفهانی⁽³⁾ امانت را در لغت چنین تعریف نموده است: (الأصل الاشتقاقی للأمانة، الفعل الثلاثی أَمِنَ - الهمزة والمیم والنون - وأصل الأمان، طمأنينة النفس وزوال الخوف، وهي مصدر تعني

1 - ابن منظور، أبو زكريا، يحيى بن زياد بن عبد الله بن منظور الأسدی (الوفاة: 201 - 210 هـ)، یکی از علماء و دانشمندان نحو، صرف و لغت بود، از جمله تألیفاتش: لسان العرب و معانی القرآن می باشد. الذهبي، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز (المتوفى: 748هـ)، تاریخ الإسلام وَوَفِيَاتِ الْمُشَاهِيرِ وَالْأَعْلَامِ، المحقق: بشار عواد معروف، الناشر: دار الغرب الإسلامي، الطبعة: الأولى، 2003 م، ج 5 ص 141.

2 - محمد بن مكرم بن علي، أبو الفضل، جمال الدين ابن منظور الأنصاري الرويفعي الإفريقي (المتوفى: 711هـ)، لسان العرب، الناشر: دار صادر - بيروت، الطبعة: الثالثة - 1414 هـ، ج 13 ص 21.

3 - راغب اصفهانی، ابوالقاسم، حسین بن محمد بن المفضل معروف به راغب اصفهانی، شخص ادیب، نحوی، لغات دان، شاعر، مفسر، محدث، متکلم، حکیم و فقیه قرن پنجم است. ولادت او در اصفهان بوده اما بیشتر عمرش را در بغداد سپری نموده است، آثار و تألیفات اصفهانی: مفردات الفاظ القرآن، محاضرات الادباء و غیره میباشند. تاریخ وفات 502 هـ میباشند. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبد الله کاتب حلبی القسطنطینی (المتوفى: 1067 هـ)، كشف الظنون عن أسامي الكتب والفنون، الناشر: مكتبة المثنى - بغداد، تاریخ النشر: 1941م، ج 1 ص 36. السيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين (المتوفى: 911 هـ)، بغية الوعاة في طبقات اللغويين والنحاة، المحقق: محمد أبو الفضل إبراهيم، الناشر: المكتبة العصرية - لبنان / صيدا، ج 1 ص 396.

الأمان، وهو اسم للحالة التي يكون عليها الإنسان من الأمن، وأحياناً تكون اسماً لما يؤتمن عليه الإنسان⁽¹⁾.

ترجمه: لفظ امانت اصلاً اشتقاق از فعل ثلاثی «أمن» است، مرکب از حرف های – همزه، میم و نون – و اصل أمن: اطمینان، سکون و آرامش نفس و دور شدن خوف و ترس است و أمن مصدر است و منظور از آن «امان» است و «امان» اسم است برای حالتی که انسان احساس امنیت و آرامش می کند و برخی وقت «امان» اسم است به چیزی که برای انسان سپرده می شود.

الله متعال می فرماید: **{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ}**.⁽²⁾

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! به خدا و پیامبر خیانت نکنید و (نیز) در امانتهای خودتان خیانت نکنید، و خود می دانید (که نباید خیانت ورزید).

همچنان ابن منظور افریقی می گوید: امانت مفرد است و جمع آن امانات می شود، بمعنای ودیعت، ضد خیانت و آنچه که خداوند بر بندگان واجب کرده است.⁽³⁾

ابن عاشور⁽⁴⁾ رحمه الله امانت را در لغت چنین تعریف نموده است: (وَالْأَمَانَةُ اسْمٌ لِمَا يَحْفَظُهُ الْمَرْءُ عِنْدَ غَيْرِهِ مُشْتَقَّةٌ مِنَ الْأَمْنِ لِأَنَّهُ يَأْمَنُهُ مِنْ أَنْ يُضَيِّعَهَا، وَالْأَمِينُ الَّذِي يَحْفَظُ حُقُوقَ مَنْ يُوَالِيهِ).⁽⁵⁾

ترجمه: امانت اسم است برای چیزی که یک شخص جهت حفاظت نزد شخص دیگر می گذارد، از أمن مشتق شده است، زیرا از ضایع گردیدن در أمن می گردد و امین کسی است که حقوق کسانی را که برایش این ولایت را داده است حفظ می کند.

1 - أبو القاسم الحسين بن محمد المعروف بالراغب الأصفهاني (المتوفى: 502هـ)، المفردات في غريب القرآن، المحقق: محمد سيد كيلاني، الناشر: دار المعرفة، الطبعة: الأولى - 1412هـ، ص 90.

2- {الانفال، آیه 27}.

3- ابن منظور، لسان العرب، ج 1 ص 140.

4 - ابن عاشور (1284 هـ = 1868 م)، محمد الطاهر بن محمد الشانلي بن عبد القادر بن محمد بن عاشور، یکی از علماء، مفسرين، اديب، لغت دان و نحوی معاصر و از اهل تونس بود، مدت زیادی را در تونس بحدیث قاضی ایفای وظیفه نمود، سپس در تونس وفات نمود، دارای تالیفات کثیره ب.د، از جمله التحرير و التنوير، شفاء القلب الجريح في شرح البردة، هدية الأريب وغيره. عادل نويهض، معجم المفسرين «من صدر الإسلام وحتى العصر الحاضر»، الناشر: مؤسسة نويهض الثقافية للتأليف والترجمة والنشر، بيروت - لبنان، الطبعة: الثالثة، 1409 هـ - 1988 م، ج 2 ص 541.

5 - محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر بن عاشور التونسي (المتوفى: 1393هـ)، التحرير والتنوير «تحرير المعنى السديد وتنوير العقل الجديد من تفسير الكتاب المجيد»، الناشر: الدار التونسية للنشر - تونس، 1984 هـ، ج 9 ص 323.

امام قرطبی (1) رحمه الله در تفسیرش چنین تعریف نموده است: (الْأَمَانَةُ مَصْدَرٌ سُمِّيَ بِهِ الشَّيْءُ الَّذِي فِي الدِّمَةِ). (2)

ترجمه: امانت مصدر است به این نام مسمی شده است چیزی که در ذمه انسان است.

خلاصه: امانت ضد خیانت و خوف است و بر هر چیزی که در عهده انسان از قبیل تکالیف شرعی و غیر شرعی مثل عبادت و ودیعت گذاشته می شود اطلاق می گردد و هم از جمله امانت اهل و مال است.

ب: تعریف اصطلاحی امانت

مفسرین و علمای اسلامی راجع به امانت تعاریفات زیاد نموده اند، که تعداد از این تعاریفات قرار ذیل اند:

امام غزالی (3) رحمه الله امانت را این گونه تعریف نموده است: (الْأَمَانَةُ فَهِيَ الطَّهَارَةُ بَاطِنًا عَنِ الْفُسُوقِ وَالْكَبَائِرِ وَالْإِصْرَارِ عَلَى الصَّغَائِرِ). (4) ترجمه: امانت عبارت از طهارت باطنی است از فسق، گناهان کبیره و اصرار کردن بر گناهان صغیره.

1 - امام قرطبی: (671 هـ = 1273 م)، محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح، أنصاري، خزرجي، أندلسي، أبو عبد الله، قرطبي، یکی از بزرگان مفسرین در زمانش بود، تولدش در قرطبه شده است، سپس به شرق اسیوط که قریه از قریه های مصر است، مسکن گزید و در همانجا وفات یافت، دارای تالیفات زیاد است از جمله: الجامع لأحكام القرآن که در حدود 20 جزء است، التقريب لكتاب التمهيد، قمع الحرص بالزهد والقناعة وغيره است. عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين السيوطي (المتوفى: 911هـ)، طبقات الحفاظ، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، 1403، 634.

2 - أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين القرطبي (المتوفى: 671هـ)، الجامع لأحكام القرآن = تفسير القرطبي، تحقيق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش، الناشر: دار الكتب المصرية - القاهرة، الطبعة: الثانية، 1384هـ - 1964 م، ج 3 ص 415.

3- امام غزالي (450 - 505 هـ = 1058 - 1111 م)، أبو حامد محمد بن محمد بن محمد الطوسي، یکی فیلسوف، متصوف و بزرگان مذهبی شافعی است، تولد و وفات او در قریه طوس خراسان صورت گرفته است و بیش از دوصد تألیف دارد از جمله: إحياء علوم الدين و ياقوت التأويل في تفسير التنزيل می باشد. تاج الدين بن علي بن عبد الكافي السبكي، طبقات الشافعية، دار النشر: هجر للطباعة والنشر والتوزيع - 1413هـ، ج 4 ص 101.

4 - أبو حامد محمد بن محمد الغزالي الطوسي (المتوفى: 505هـ)، إحياء علوم الدين، الناشر: دار المعرفة - بيروت، ج 1 ص 175.

همچنان امام ابوالبقاء کفوی⁽¹⁾ رحمه الله چنین تعریف نموده است: (الامانة كل ما افترض على العباد فَهُوَ أمانة

كَصَلَاةٍ وَزَكَاةٍ وَصِيَامٍ وَأَدَاءِ دِينٍ، وَأَوْكُذْهَا الْوَدَائِعُ، وَأَوْكُذْ الْوَدَائِعُ كَتَمِ الْأَسْرَارِ).⁽²⁾

ترجمه: امانت هر آن عملی را گویند که بالای بنده ها فرض شده باشد، پس آن عمل امانت است مثل نماز، زکات، روزه و ادای قرض، تاکیدترین امانت و دیعت ها است و تاکیدترین و دیعت پوشانیدن اسرار مردم است.

امام مناوی⁽³⁾ رحمه الله چنین تعریف نموده است: (الأمانة هي كل حق لزمك أداؤه وحفظه).⁽⁴⁾

ترجمه: امانت عبارت از هر حق که بر تو ادای آن و حفظ آن لازم است.

این تعاریفات شامل سه عنصر می گردد:

1- عفت امین که نزدش غیر از حق خودش، حق دیگران را نگرفته است، بلکه حق دیگران به شکل و دیعت نزدش می باشد و هر وقت دیگران حق خود را بخواهند، برای شان بدون کم و کاستی مسترد می کند.

2- اداء کردن شخص امین حقوقی را که بر بالایش می باشد، برابر است حقوق الله باشد و یا هم حقوق العباد.

3- اهتمام و توجه نمودن شخص امین در قسمت حفظ و نگهداری مال و متاع که برایش به عنوان امانت سپرده شده است و عدم تفریط و سهل انگاری در آن قسمت.⁽¹⁾

1 - ابوالبقاء کفوی: (1094 م = 1683 م)، ایوب بن موسی الحسینی القریمی الکفوی، الحنفی، أبو البقاء: یکی از فقهاء و علمای بزرگی مذهب احناف بود، در کفه ترکیه متولد گردید، سپس چندین سال بحیث قاضی بود، و در استانبول وفات نمود و در تریة خالد دفن گردید و از جمله تالیفات او الکلیات معجم فی المصطلحات والفروق اللغویة است. إسماعیل بن محمد أمین بن میر سلیم البابیانی البغدادي (المتوفی: 1399 هـ)، هدیة العارفين أسماء المؤلفين وآثار المصنفين، الناشر: طبع بعناية وكالة المعارف الجلیلة فی مطبعتها البهیة استانبول 1951م، ص 229.

2 - ایوب بن موسی الحسینی القریمی الکفوی، أبو البقاء الحنفی (المتوفی: 1094 هـ)، الکلیات معجم فی المصطلحات والفروق اللغویة، المحقق: عدنان درویش - محمد المصري، الناشر: مؤسسة الرسالة - بیروت، ص 187.

3 - امام مناوی: (952 - 1031 هـ = 1545 - 1622 م)، محمد عبد الرؤوف بن تاج العارفين ابن علي بن زين العابدين الحدادي ثم المناوي القاهري، زين الدين: یکی از بزرگان علمای فنون و حدیث بود، تولد و وفات او در قاهره بوده است، مجموعه تالیفات او به هشتاد کتاب می رسد، از جمله کنوز الحقائق فی الحدیث، التیسیر فی شرح الجامع الصغیر، فیض القدير شرح الجامع الصغیر وغيره. محمد عبْد الحَيّ بن عبد الكبير ابن محمد الحسني الإدريسي، المعروف بعبد الحي الكتاني (المتوفی: 1382 هـ)، فهرس الفهارس والأثبات ومعجم المعاجم والمشیخات والمسلسلات، المحقق: إحسان عباس، الناشر: دار الغرب الإسلامي - بیروت، الطبعة: 2، 1982م، ج 2 ص 2.

4 - زين الدين محمد المدعو بعبد الرؤوف بن تاج العارفين بن علي بن زين العابدين الحدادي ثم المناوي القاهري (المتوفی: 1031 هـ)، فیض القدير شرح الجامع الصغیر، الناشر: المكتبة التجارية الكبرى - مصر، الطبعة: الأولى، 1356 هـ، ج 1 ص 223.

خلاصه: مشخص گردید که تمام تعریف ها با هم قرابت دارند و از تمام تعاریف دانسته می شود که: امانت ضد خیانت است و این امانت عبارت است از صیانت و نگهداری انسان هر آن چیزی را که مناسب است

تا نگهداری گردد، از قبیل حقوق، فرایض، واجبات، حدود، اشیای مادی و معنوی، برابر است از جهت الله متعال باشد و یا هم از جهت انسانان.

مطلب دوم: امانت و مشتقات آن در قرآن

لفظ امانت و مشتقات اش در (31) جای قرآن کریم آمده است، که (10) جای آن در آیت های مدنی⁽²⁾ و (21) جای دیگر آن در آیت های مکی⁽³⁾ آمده است و این آیات در (17) سوره از کتاب الله تذکر رفته است، که از جمله این (17) سوره: (6) سوره مدنی است و (11) سوره مکی است و این لفظ در قرآن کریم همراهی تعدادی از مشتقات اش که به صیغه های مضارع معلوم، ماضی معلوم و مجهول، اسم مفرد، اسم جمع و مصدر است، آمده است.⁽⁴⁾

برای این که واضح گردد، که لفظ امانت همراهی مشتقاتش در کدام سورها و آیات قرآن کریم به کار رفته است، ضرورت دیدم تا جدولی را بسازم تا مطابق آن به شکل آسان این لفظ شناسای گردد، این جدول قرار ذیل است، که معرفی می گردد:

شماره	نام سوره	شماره آیت	مکی یا مدنی	لفظ وارده	آیت
1	البقرة	125	مدنیة	أَمْنَا	وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَا
2	البقرة	283	مدنیة	أَمَانَتُهُ	فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ

1- کاید فرعوش و خالد القضاة وآخرون، الأخلاق في الإسلام، الناشر: دار المناهج، عمان، الطبعة الاولى، 1420 هـ = 1999 م، ص 122.
 2 - مدنی: منسوب به مدینه، شهر پیامبر - صلی الله علیه وسلم - است و منظور از آن سوره های را گفته می شود، که بعد از هجرت و در دوره ده ساله رسالت در مدینه و دیگر جاها بر پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نازل گردیده اند. عبد القدوس راجی، شناخت مکی و مدنی قرآن، کابل، انتشارات سعید، چاپ اول، 1395 هـ ش، ص 16.
 3 - مکی: منسوب به "مکه"، شهر مکه، سرزمین وحی و زادگاه پیامبر اسلام - صلی الله علیه وسلم - است، منظور از سوره های مکی که قبل از هجرت و در دوره سیزده ساله اول رسالت در مکه و حومه های آن بر پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرود آمده اند. شناخت مکی و مدنی قرآن، ص 14 - 15.
 4 - محمد فؤاد عبد الباقي، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الكريم، القاهرة، الناشر: دارالحديث، الطبعة الاولى، ص 81 - 89.

3	آل عمران	75	مدنية	تَأْمَنُهُ مَنْ إِنْ تَأْمَنُهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدُّهُ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنُهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدُّهُ إِلَيْكَ
4	آل عمران	154	مدنية	تَمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نَاعَسًا يَعْشَى طَائِفَةٌ مِنْكُمْ
5	النساء	58	مدنية	إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا
6	النساء	83	مدنية	وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّعَوْا بِهِ
7	الأنعام	81	مكية	فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
8	الأنعام	82	مكية	أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ
9	الأعراف	68	مكية	وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ
10	الأنفال	11	مدنية	إِذْ يُعْشِيكُمُ النَّعَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ
11	الأنفال	27	مدنية	وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ
12	يوسف	11	مكية	قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُفَ
13	يوسف	54	مكية	فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ
14	يوسف	64	مكية	قَالَ هَلْ آمَنُكُمْ عَلَيْهِ
15	يوسف	64	مكية	إِلَّا كَمَا آمَنْتُكُمْ عَلَى أَخِيهِ مِنْ قَبْلُ
16	المؤمنون	8	مكية	وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ
17	النور	55	مدنية	وَلْيُبَدِّلْهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا
18	الشعراء	125	مكية	إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ
19	الشعراء	143	مكية	إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

20	الشعراء	162	مكية	أَمِينٌ	إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ
21	الشعراء	178	مكية	أَمِينٌ	إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ
22	الشعراء	193	مكية	الْأَمِينُ	نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ
23	النمل	39	مكية	أَمِينٌ	وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ
24	القصص	26	مكية	الْأَمِينُ	قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ
25	الأحزاب	72	مدنية	الْأَمَانَةَ	إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ
26	الدخان	18	مكية	أَمِينٌ	أَنْ أَدُوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ
27	الدخان	51	مكية	أَمِينٍ	إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ
28	المعارج	32	مكية	لِأَمَانَاتِهِمْ	وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ
29	التكوير	21	مكية	أَمِينٍ	مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ
30	التين	3	مكية	الْأَمِينِ	وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ

در جدولی فوق لفظ امانت و مشتقات آن را به شکل واضح تذکر داده ام.

از جدول فوق دانسته می شود که در عهد مکی، مردم برای معرفی احکام امانت، چگونگی حمل و قیام آن، بخاطری تامین عدالت و اعتماد سازی میان مردم نسبت به هر چیزی دیگر، نیازمندتر بودند و این سخن به این معنا نیست که زمان و عهد مدینه منوره از امانت بی پروا بودند، بلکه در عهد مدینه مجموعی از آیات پیرامون امانت نازل گردید تا آیات مکی را بیشتر و بیشتر تقویت و عملی ساختند، ولی با آن هم آیات مدنی نسبت به آیات مکی پیرامون این موضوع کم و قلیل است، زیرا احکام امانت در قلوب مردم و نفوس مؤمنین کاشته شده بود و نیاز به تاکید بیشتر دیده نمی شد. (1)

1 - محمد حسن حسن جبل، المؤصل المعجم الاشتقاقی لألفاظ القرآن الکریم، القاهرة، الناشر: دارالحدیث، الطبعة الاولى، 1422هـ، ص

از طرف دیگر مردم و اهل مدینه تابع اسلام گردیده بودند و برای احکام و اوامر الله متعال مطیع و فرمانبردار

بودند، آنها اکثریت شان برای امانات و ودیعت ها حافظ و نگهدار بودند، زیرا ایمان در قلوب شان رسوخ نموده بود، گرچند تعداد کمی منافقین هم وجود داشتند که خیانت می کردند، از همین جهت وعظ و نصیحت در آیات مدنی کمتر است نسبت به وعظ و نصیحت که در آیات مکی صورت گرفته است، پس اهل مکه زیادتر نسبت به ادای امانات به اهل شان محتاج و نیازمند بودند، مخصوصاً نزد بسیار شان امانت ضایع می گردید، از همین جهت قلب های شان راحت نمی شدند تا وقتی که امانات شان را نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم تسلیم نمی گذاشتند، زیرا از پیامبر صلی الله علیه وسلم تماماً معنا حفاظت و ادای امانت را از زمان نوجوانی و جوانی اش دیده بودند.⁽¹⁾

از همین جهت الله متعال می فرماید: {إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا}.⁽²⁾

ترجمه: همانا خداوند شما را فرمان می دهد تا امانت ها را به صاحبانشان برسانید و هنگامی که میان مردم داوری می کنید دادگرانه داوری کنید، همانا خداوند شما را به بهترین اندرز پند می دهد، همانا خداوند شنوا و بینا است.

1 - همان مرجع، ص 5212 - 5213.

2- {النساء، آیه 58}.

مبحث دوم

مفاهیم و مظاهر امانت و انواع آن در قرآن و حدیث

این مبحث دارای سه مطلب است:

مطلب اول: مفهوم و مظاهر امانت در قرآن کریم

مطلب دوم: مفهوم و مظاهر امانت در حدیث شریف

مطلب سوم: انواع ادای امانت در قرآن و حدیث

مطلب اول: مفهوم و مظاهر امانت در قرآن کریم

امانت در قرآن کریم به معانی و مفاهیم و مظاهر مختلف آمده است، که عبارت از فرائض، ودیعت، عفت، امنیت داشتن از ترس و نجات می باشد، که تفصیل آن قرار ذیل است:

فرع اول: امانت به مفهوم فرائض

یکی از معانی و مفاهیم امانت فرائض می باشد این که فرائض چیست؟ و مفهوم امانت که در قرآن کریم به معنای فرائض آمده است، قرار ذیل بحث می گردد:

جزء اول: تعریف فرائض

الف: تعریف لغوی فرائض: فرائض جمع فریضه است و از کلمه فرض گرفته شده است، به معنای: تقدیر، اندازه کردن، بخشش و چیزی ضخیم گفته شده است.⁽¹⁾

ابن سیده⁽²⁾ می گوید: والفريضة من الإبل والبقر ما بلغ عدده الزكاة وأفرضت الماشية وجبت فيها الفريضة ورجل فريض وفريض عالم بالفرائض كقولك عالم وعليم عن ابن الأعرابي والفرض العطية وقيل ما أعطيته بغير فرض وأفرضت الرجل أعطيته والفرض جند يفترضون والجمع الفروض والفروض الضخم من كل شيء.⁽³⁾

ترجمه: فریضه از شتر و گوسفند یعنی که عدد و اندازه شان به زکات رسیده باشد، بر مواشی فرض شد یعنی در مواشی عدد زکات واجب شد و مرد فارض و فریض، یعنی شخصی که عالم به علم فرایض (میراث) باشد، مثل این قول عالم و علیم (شخصی که به یک عالم باشد)، از ابن اعرابی⁽⁴⁾ رحمه الله نقل شده است: فرض به معنای عطیه و بخشش است و گفته شده است: فرض

1- عمر بن محمد بن أحمد بن إسماعيل، أبو حفص، نجم الدين النسفي (المتوفى: 537هـ)، طلبه الطلبة، الناشر: المطبعة العامرة، مكتبة المثنى ببغداد، 1311هـ، ص 170.

2- ابن سیده (458-390هـ = 1007-1066م) علی بن اسمعیل معروف به ابن سیده، ابوالحسن، امام در لغت و ادب، در مرسیه قریه ی در شرق اندلس به دنیا آمده است، بعد از آن انتقال کرد به دانیه و در آنجا وفات یافت، خودش همراه پدرش ضریر بود. خیر الدین بن محمود بن محمد بن علی بن فارس، الزرکلی دمشقی (المتوفی: 1396هـ)، الاعلام، الناشر: دار العلم للملایین، الطبعة: الخامسة عشر - أيار / مايو 2002 م، ج 4 ص 263. شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی (المتوفی: 748هـ)، سیر الاعلام النبلاء، الناشر: دار الحديث- القاهرة، الطبعة: 1427هـ-2006م، ج 18 ص 144.

3 - أبو الحسن علي بن إسماعيل بن سيده المرسي [ت: 458هـ]، المحكم والمحيط الأعظم، المحقق: عبد الحميد هندواوي، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، 1421 هـ - 2000 م، ج 8 ص 184.

4 - ابن اعرابی: ابو عبدالله محمد بن زیاد هاشمی، یکی از علماء علم لغت و از اهل کوفه بود، در مدحش گفته شده است که: بسیار یک شخص صالح، زاهد و صادق بود. الذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 10 ص 687.

چیزی است که بدون قرض اعطاء گردد، معنای «وَأَفْرَضْتُ الرَّجُلَ» یعنی به آن مرد بدون قرض اعطاء کردم، و فرض لشکری است که به مردم اعطاء و کمک می کنند و جمع فرض فروض است و فرض چیزی که از هر چیز ضخیم تر باشد.

الله متعال در مورد می فرماید: {سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا...}. (1)

ترجمه: این از سوره های عظیم الشان قرآن است که آن را بتو ای محمد وحی کرده ایم و احکام آن را بصورت قطعی واجب گردانیده ایم.

راغب اصفهانی می گوید: فرض در این آیت به معنای عمل به آن را بر تو واجب کردیم. (2)

ب: در اصطلاح: فرائض اعمال و اوامر می باشد که الله متعال بالای مسلمین ضمن امانات فرض ساخته است و مسلمین باید بر آنها محافظت نموده و به ادای آن به شکل درست سعی و تلاش نمایند. (3)

جزء دوم: استعمال امانت به مفهوم فرائض

همان طوری که الله متعال می فرماید: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ}. (4)

ترجمه: ای مؤمنان با افشای اسرار مسلمانان بر مشرکان به دین پیامبرتان خیانت موزید و در تکالیف شرعی که خداوند شمارا امانتدار به آن گردانیده خیانت موزید و شما می دانید که این کار خیانت است و از عواقب آن نیز آگاه هستید.

امام طبری (5) رحمه الله در تفسیر این آیت می گوید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَنْقُصُوا اللَّهَ حُقُوقَهُ عَلَيْكُمْ مِنْ فَرَائِضِهِ وَلَا رَسُولَهُ مِنْ وَاجِبِ طَاعَتِهِ عَلَيْكُمْ، وَلَكِنْ أَطِيعُوهُمَا فِيمَا أَمَرَاكُمْ بِهِ وَنَهَيَاكُمْ عَنْهُ، لَا

1 - {النور، آیه 1}.

2 - راغب اصفهانی، المفردات في غريب القرآن، ج 2 ص 1710.

3 - وهبة بن مصطفى الزحيلي، التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، الناشر: دار الفكر المعاصر - بيروت، دمشق، 30 جلد، الطبعة: الثانية، 1418 هـ، ج 9 ص 297.

4 - {الانفال، آیه 27}.

5 - امام طبری: محمد بن جرير بن يزيد بن كثير، أملي، طبري، أبو جعفر، یکی از بزرگترین و مشهورترین مفسر قرآن است، در سال 224 هـ در بغداد تولد گردید و در سال (310 هـ) به عمر 86 سالگی وفات یافته است، از جمله تالیفات او: تاریخ الأمم والملوك، جامع البيان في تأويل القرآن، الجامع، الغرائب، التنزيل، العدد وغيره می باشد. محمد بن علي بن أحمد، شمس الدين الداودي المالكي (المتوفى: 945 هـ)، طبقات المفسرين للداودي، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، ج 2 ص 112-115.

تَنْقُصُوهُمَا، وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ، وَتَنْقُصُوا فَرَائِضَكُمْ، وَوَاجِبَ أَعْمَالِكُمْ، وَلَا زِمَهَا لَكُمْ، وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ أَنَّهَا
لَا زِمَةٌ عَلَيْكُمْ وَوَاجِبَةٌ بِالْحَجَجِ الَّتِي قَدْ تَبَيَّنَتْ لِلَّهِ عَلَيْكُمْ. (1)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! حقوق الله متعال را که بالای شما از قبیل فرائض است و حقوق پیامبرش را از قبیل اطاعت که بالای شما واجب است، کم و ناقص نسازید، بلکه در آنچه الله و رسولش امر نموده اند، اطاعت نمایید و از آنچه که منع نموده اند، اجتناب نمایید و نقص در این قسمت ننمایند. بشکل که در امانات خیانت نمایید و در فرائض، اعمال واجبه و لوازم آن نقصان نمایید. {وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ} یعنی در حال که می دانید که بر بالای تان لازم و واجب است به سبب دلائل که بر بالای تان ثابت گردیده است.

در این تفسیر دیده شد که مفهوم امانات به معنای فرائض است.

به همین شکل در تفسیر این آیت: ابن کثیر (2) رحمه الله در تفسیرش (تفسیر القرآن العظیم) چندین روایات را نقل کرده است، که یکی از این روایات قرار ذیل اند:

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: {وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ} الْأَمَانَةُ الْأَعْمَالُ الَّتِي ارْتَمَنَ اللَّهُ عَلَيْهَا الْعِبَادَ - يَعْنِي الْفَرِيضَةَ يَقُولُ: لَا تَخُونُوا: لَا تَنْقُصُوهَا. (3) ترجمه: از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که فرمود: {وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ}. امانت اعمالی را گویند که الله متعال آن ها را بر بنده هایش سپرده - منظور فریضه است، می گوید: {لَا تَخُونُوا} یعنی فریضه را نقض نکنید.

وجه استدلال از این روایت: در این روایت مشخص گردید که معنای امانات در {أَمَانَاتِكُمْ} فرائض است.

1 - محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب الأملي، أبو جعفر الطبري (المتوفى: 310هـ)، جامع البيان في تأويل القرآن، المحقق: أحمد محمد شاكر، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولى، 1420 هـ - 2000 م، ج 11 ص 125.

2 - ابن کثیر: إسماعيل بن عمر بن كثير بن ضوء بن كثير بن درع، قرشي، أموي، بصروي، شافعي، شيخ عماد الدين، معروف به ابن كثير صاحب تفسير القرآن العظيم وتاريخ البدايه والنهيه مي باشد، در سال 701 هـ متولد گردید و در سال 774 هـ در دمشق وفات یافت. أبو بكر بن أحمد بن محمد بن عمر بن قاضي شهبة، طبقات الشافعية - لابن قاضي شهبة، دار النشر: عالم الكتب - بيروت، الطبعة: الأولى، 1407 هـ، ج 3 ص 85.

3 - أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير، القرشي، البصري، الدمشقي (المتوفى: 774 هـ)، تفسير القرآن العظيم، المحقق: سامي بن محمد سلامة، الناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع، الطبعة: الثانية 1420 هـ - 1999 م، ج 4 ص 41.

امام زمخشری⁽¹⁾ صاحب تفسیر کشاف رحمه الله نیز می گوید: (...وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَالْمَعْنَى لَا تَخُونُوا اللَّهَ بَأَنْ تَعَطَّلُوا فَرَائِضَهُ).⁽²⁾ ترجمه: معنای {وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ} به الله خیانت نکنید به شکلی که فرائض او را تعطیل نمایید.

خلاصه: مشخص گردید که یکی از معانی امانت، فرائض است که با نقل از روایات و آراء مفسرین این معنا بحث و بررسی گردید.

فرع دوم: استعمال امانت به مفهوم ودیعت

یکی دیگر از معانی و مفاهیم امانت، ودیعت می باشد، این که ودیعت چیست؟ و چگونه امانت به معنای ودیعت است، قرار ذیل بحث می گردد:

جزء اول: تعریف ودیعت

الف: تعریف لغوی ودیعت: ودیعت در لغت بمعنای چیزی است که برای شخصی سپرده می شود، ودیعت مفرد است و جمع آن ودائع می باشد، طوری که گفته می شود: (أَوْدَعَهُ مَالاً أَيْ دَفَعَهُ إِلَيْهِ لِيَكُونَ وَدِيعَةً عِنْدَهُ).⁽³⁾

ترجمه: مالش را به شخصی ودیعت کرد، یعنی مالش را برایش سپرد تا نزد او به شکل ودیعت باشد.

ب: ودیعت در اصطلاح: فقهای اسلامی ودیعت را این گونه تعریف نموده اند: (هِيَ الْمَالُ الْمَوْضُوعُ عِنْدَ الْغَيْرِ لِيَحْفَظَهُ، وَزَادَ الْحَنَابِلَةُ: بِلَا عَوَضٍ).⁽⁴⁾ ترجمه: ودیعت عبارت از مالی که نزد غیر گذاشته

1 - زَمَخْشَرِي: (467 - 538 هـ = 1075 - 1144 م) محمود بن عمر بن محمد بن أحمد، خوارزمي، زمخشری، جار الله، أبو القاسم، یکی از ائمه تفسیر، لغت و ادب بود، در زمخشر یکی از قریه های خوارزم تولد گردید و در جرجانیه از قریه های دیگری خوارزم وفات نمود، مشهورترین تالیفات او: تفسیر الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، أساس البلاغة و المقامات می باشد. أبو العباس شمس الدین أحمد بن محمد بن ابراهیم بن ابي بکر ابن خلکان البرمکی الإربلي (المتوفى: 681هـ)، وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان، المحقق: إحسان عباس، الناشر: دار صادر - بيروت، م1900م، ج 2 ص 81.

2 - أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد، الزمخشری جار الله (المتوفى: 538هـ)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، الناشر: دار الكتاب العربي - بيروت، الطبعة: الثالثة - 1407 هـ، ج 2 ص 213.

3 - أحمد بن فارس بن زكريا، أبو الحسين، مُعْجَمُ مَقَائِيسِ اللُّغَةِ، المحقق: عبد السلام محمد هارون، الناشر: دار الفكر، بيروت، الطبعة: 1399هـ - 1979م، ج 6 ص 96.

4 - كمال الدين محمد بن عبد الواحد السيواسي المعروف بابن الهمام (المتوفى: 861هـ)، فَتْحُ الْقَدِيرِ، بيروت، الناشر: دار الفكر، ج 7 ص 88. أحمد بن غانم بن سالم، شهاب الدين النفراوي الأزهرى المالكي (المتوفى: 1126هـ)، الفواكه الدواني على رسالة ابن أبي زيد القيرواني، بيروت، الناشر: دار الفكر، الطبعة الأولى، 1415هـ - 1995م، ج 2 ص 185. 203. أبوزكريا محيي الدين يحيى بن شرف، النووي، (المتوفى: 676هـ)، روضة الطالبين وعمدة المفتين، تحقيق: زهير الشاويش، الناشر: المكتب الإسلامي، بيروت- دمشق- عمان، الطبعة: الثالثة، 1412هـ / 1991م، ج 6 ص 324. منصور بن يونس بن صلاح الدين ابن حسن بن إدريس الحنبلي، البهوتي، (المتوفى: 1051هـ)، كشاف القناع عن متن الإقناع، الناشر: دار الكتب العلمية، ج 4 ص 166.

می شود تا آن را حفظ نماید، همچنان مذهب حنبلی ها این کلمه را نیز اضافه نموده اند: که بدون از عوض باشد(یعنی در برابر حفاظت آن مال کدام مزد و پاداش نداشته باشد).

میان ودیعت و امانت تفاوت وجود دارد و آن عبارت از اینست که امانت عام است و ودیعت جزء آن می باشد، یعنی امانت بعض وقت بشکل حفاظت کردن به کسی سپرده می شود که او را ودیعت هم گفته می شود، بعض وقت امانت در ضمن عقد دیگر مثل اجاره و استعاره صورت می گیرد و بعض وقت هم امانت بدون عقد و قصد صورت می گیرد، مثلیکه باد مال را از خانه یک شخص به خانه شخص دیگر انتقال می دهد، مال منقوله به وسیله باد، به خانه شخص دومی امانت است.⁽¹⁾

جزء دوم: امانت به مفهوم ودیعت

در ودیعت اشیای عینی از قبیل مال، متاع و هر چیزی که انسان به انسان دیگر جهت می سپارد، شامل می گردد، بالای جانب مقابل واجب می گردد تا آن مال و متاع را به صاحبش به شکل درست و کامل و بدون از نقصان دوباره تسلیم نماید، موافق این معنا، الله متعال امانت را بیان کرده است، طوری که فرموده است: { وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ }.⁽²⁾

ترجمه: و مؤمنان کسانی اند که امانتها و پیمان هایشان را رعایت می کنند.

امام آلوسی⁽³⁾ رحمه الله در تفسیرش روح المعانی می گوید: (والأمانات جمع أمانة وهي في الأصل مصدر لكن أريد بها هنا ما اتّمن عليه إذ الحفظ للعين لا للمعنى وأما جمعها فلا يعين ذلك إذ المصادر قد تجمع كما قدمنا غير بعيد).⁽⁴⁾

ترجمه: امانات جمع امانت است و امانت در اصل مصدر است و مراد از امانت در این آیت: چیزی که بر یک شخص سپرده می شود، زیرا حفاظت کردن تنها از عین صورت می گیرد نه از معنا، اما آوردن لفظ امانت به کلمه جمع(امانات) این موضوع را تعیین نمی سازد(یعنی که تنها عین را شامل

1 - وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية، الموسوعة الفقهية الكويتية، طباعة ذات السلاسل، الكويت، الطبعة الثانية، 1409 هـ = 1989 م، ج 43 ص 5.

2 - {المؤمنون، آیه 8}.

3 - آلوسی: (1217 - 1270 هـ = 1802 - 1854 م) محمود بن عبد الله، حسینی، آلوسی، شهاب الدین، أبو الثناء: یکی از بزرگترین مفسر و محدث در زمانش بود، تولد و وفاتش در بغداد صورت گرفته است، دارای تالیفات زیاد است، از جمله: تفسیر روح المعانی، دقائق التفسیر، مقامات و غیره می باشد. الزرکلی، الأعلام، ج 7 ص 176 - 177.

4 - شهاب الدین محمود بن عبد الله الحسینی الألوسی (المتوفی: 1270 هـ)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، المحقق: علی عبد الباری عطیة، الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، 15 جلد، الطبعة: الأولى، 1415 هـ، ج 9 ص 214.

گردد)، زیرا مصدر ها بعضی وقت به لفظ جمع هم می آید طوری که قبلاً تذکر دادم و آمدن مصدر به لفظ جمع بعید نیست.

بنابراین، مؤمنین ودیعت های مردم را به اهلش اداء می کنند و هم وقتیکه چیزی برای شان سپرده شد، خیانت نمی کنند، زیرا می دانند که دین همراهی خیانت جمع نمی گردد، طوری که در حدیث شریف به روایت از انس⁽¹⁾ رضی الله عنه آمده است: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ، وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ...»⁽²⁾. ترجمه: ایمان ندارد آنکه امانت نگاه نمی دارد، و دین ندارد آنکه عهد و پیمان را نمی شناسد.

وجه استدلال از این حدیث: در این حدیث مشخص گردیده است که اساس داشتن ایمان به امانت وابسته است، که هرکس امانت را نگاه می دارد، ایمان هم دارد و هرکس امانت را نگاه نمی دارد، در حقیقت ایمان هم ندارد.

ادای ودیعت ها و سایر امانات واجب است، مخصوصاً وقتی که صاحب شان مطالبه نماید و هر شخص اگر ودیعت ها را در دنیا به اهل شان تسلیم ننماید، از او روز قیامت گرفته می شود.⁽³⁾ در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَتُؤَدَّنَ الْحُقُوقَ إِلَى أَهْلِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُقَادَ لِلشَّاةِ الْجَحَاءِ مِنَ الشَّاةِ الْقُرْنَاءِ»⁽⁴⁾.

1- انس بن مالك بن نضر بن ضمضم بن زيد بن حرام بن جندب بن عامر بن غنم بن عدی بن نجار، أنصاری، نجاری، أبو حمزة مدنی، امام، مفتی، قاری، محدث، و خادم رسول الله صلى الله عليه و سلم بود، در سال 92 هـ و یا 93 هـ وفات کرده است. الذهبي، سير أعلام النبلاء، ج 5 ص ص 391.

2 - سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني، (المتوفى: 360هـ)، الروض الداني (المعجم الصغير)، المحقق: محمد شكور محمود الحاج أمير، الناشر: المكتب الإسلامي، دار عمار - بيروت عمان، الطبعة: الأولى، 1405 هـ = 1985م، ج 10 ص 227 رقم الحديث 10553. أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخُسْرُو جردی الخراساني، أبو بكر، البيهقي، (المتوفى: 458هـ)، السنن الكبرى للبيهقي، المحقق: عبد المعطي أمين قلجی، دار النشر: جامعة الدراسات الإسلامية، كراتشي - باكستان، الطبعة: الأولى، 1410 هـ - 1989م، ج 6 ص 471 رقم الحديث 12690. هيثمي رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح و قابل استدلال است. أبو الحسن نور الدين علي بن أبي بكر بن سليمان الهيتمي (المتوفى: 807هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، المحقق: حسام الدين القدسي، الناشر: مكتبة القدسي، القاهرة، 1414 هـ، 1994م، ج 1 ص 96 رقم الحديث 241.

3 - وهبة الزحيلي، التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، ج 5 ص 122.

4 - محمد بن حبان بن أحمد بن حبان بن معاذ بن مَعْبُد، التميمي، أبو حاتم، الدارمي، البُستِي (المتوفى: 354هـ)، صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، المحقق: شعيب الأرنؤوط، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، 17 جلد، الطبعة: الثانية، 1414 - 1993، ج 16 ص 362. أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني (المتوفى: 241هـ)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، وآخرون، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولى، 1421 هـ - 2001م، رقم الحديث 7204. این حدیث را آلبانی صحیح خوانده است.

ترجمه: از ابو هریره رضي الله عنه روایت است که: رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمود: بخداوند قسم که حقوق را به صاحبانش در روز قیامت خواهید پرداخت تا قصاص گوسفند بی شاخ از گوسفند شاخدار گرفته شود.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص گردید که هر انسان تلاش نماید تا حق و حقوق مردم را دردنيا اداء نماید، ولی اگر چنین کاری نکرد، روز قیامت هر شخص حق و حقوق خود را از دیگر شخص می گیرد.

پس امانت به معنای ودیعت است و حق در اموال ودیعت آن است که باید به اهل شان اداء گردد، زیرا در قرآن کریم به شکل صریح، با صیغه تاکید و لام امر دستور به این کار شده است، طوری که الله متعال می فرماید: {... فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ...} (1)

ترجمه: باید کسی که امین قرار داده شده است امانتش را باز پس بدهد، و از پروردگارش بترسد.

به همین شکل در قسمت مسترد کردن ودیعت ها به صاحبان شان، الله متعال به لفظ صریح «امر» دستور داده است، طوری که فرموده است: { إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ...} (2)

ترجمه: همانا خداوند شما را فرمان می دهد تا امانت ها را به صاحبانشان برسانید و هنگامی که میان مردم داوری می کنید دادگرانه داوری کنید.

خلاصه: مشخص گردید که یکی از معانی امانت، همان ودیعت است که مفصلاً بحث گردید.

فرع سوم: استعمال امانت به مفهوم عفت

یکی دیگر از معانی و مفاهیم امانت، عفت می باشد، این که عفت چیست؟ و چگونه امانت به معنای عفت است، قرار ذیل بحث می گردد:

أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني (المتوفى: 1420 هـ)، سلسلة الأحاديث الصحيحة وشيء من فقهها وفوائدها، الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، الرياض، الطبعة: الأولى، 1415 هـ - 1995 م، ج 4 ص 608.

1 - {البقرة، آية 283}.

2 - {النساء، آية 58}.

جزء اول: تعریف عفت برای عفت دوگونه تعریف است، تعریف لغوی و تعریف اصطلاحی، نخست تعریف لغوی نموده، سپس تعریف اصطلاحی می نمایم:

الف: تعریف لغوی عفت: عفت بر لغت به معنای جلوگیری از محارم و امتناع ورزیدن از چیزهای خسیس است، طوری که عرب ها می گویند: (عَفَّ الرَّجُلُ وَعَفَّتِ الْمَرْأَةُ عَنِ الْمَحَارِمِ، وَفِي الْمُؤَنَّةِ يُزَادُ فِيهَا هَاءُ التَّأْنِيثِ: إِذَا امْتَنَعَ عَنِ الْمَحَارِمِ وَالْأَطْمَاعِ الدَّنِيَّةِ). (1)

ترجمه: معنای (عَفَّ الرَّجُلُ وَعَفَّتِ الْمَرْأَةُ عَنِ الْمَحَارِمِ): مرد و زن را از محارم جلوگیری نمود. و معنای (وَفِي الْمُؤَنَّةِ يُزَادُ فِيهَا هَاءُ التَّأْنِيثِ: إِذَا امْتَنَعَ عَنِ الْمَحَارِمِ وَالْأَطْمَاعِ الدَّنِيَّةِ): و در مؤنث آن حرف (هاء) که علامه و نشانه مؤنث است، اضافه می گردد و معنایش: وقتی که شخص از چیزهای حرام و آرزوهای های خسیس امتناع ورزد.

استغفاف: طلب عَفَّت و پاکدامنی و خود داری از حرام است. (2)

در قرآن کریم نیز کلمه استغفاف آمده است، طوری که الله متعال می فرماید: ﴿وَمَنْ كَانَ عَنِيًّا فُلَيْسَتْغَفِّ...﴾. (3)

ترجمه: و هرکس که توانگر و ثروتمند باشد باید (از گرفتن اجرت سرپرستی) خودداری کند.

همچنان الله متعال می فرماید: ﴿وَلَيْسَتْغَفِّ الدِّينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا﴾. (4)

ترجمه: و آنان که امکان ازدواج ندارند باید پاکدامنی پیشه کنند.

ب: تعریف اصطلاحی عفت: معنای اصطلاحی عفت از معنای لغوی آن، بیرون نیست، یعنی عفت: حاصل شدن حالتی برای نفس و جان آدمی که به وسیله آن از غلبه و تسلط شهوت و از آنچه که برای انسان حلال نیست جلوگیری می کند. (5)

1 - ابن منظور، لسان العرب، ج 4 ص 3015.

2 - راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج 1 ص 1504.

3 - {النساء، آیه 6}.

4 - {النور، آیه 33}.

5- محمد عبد الرؤوف المناوي، التوقيف على مهمات التعاريف، تحقيق: محمد رضوان الداية، الناشر: دار الفكر المعاصر، دار

الفکر - بیروت، دمشق، الطبعة الأولى، 1410هـ، ص 518.

جزء دوم: امانت به مفهوم عفت

در قرآن کریم یکی از معانی امانت، عفت آمده است، طوری که الله متعال از زبان دختران شعیب علیه السلام حکایت می کند: {قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ}. (1)

ترجمه: یکی از آن دو (دختر) گفت: ای پدر من! او را استخدام کن، بی گمان بهترین کسی است که استخدام می کنی: هم نیرومند (و هم) درستکار و امین است.

امام بیضاوی⁽²⁾ رحمه الله می گوید: {إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ}. أي: القوي في بدنه، الأمين في عفافه وصفته بأفضل صفات الأجير، القوة في القيام بالأمر والأمانة في حفظ الشيء، ومصدر هاتين الصفتين ما شاهدت من حاله، حيث قال لها أبوها: ما أعلمك بذلك؟ قالت: إنه رفع الصخرة التي لا يطيق حملها إلا عشرة رجال، وإني لما جئت معه تقدمت أمامه، فقال لي: كوني من ورائي، وبذلك تكون قد استندلت بفراستها على قوته وأمانته. (3)

ترجمه: تفسیر این آیت: {إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ}. (4) ترجمه: بی گمان بهترین کسی است که استخدام می کنی: هم نیرومند (و هم) درستکار و امین است. یعنی معنای «قوی»: قوی از نگاه بدن است و معنای «امین»: امین در عفت و صفت به بهترین صفات که در یک شخص اجیر می باشد، یا معنای «قوی»: داشتن توانای در کار کردن است. معنای «امین»: امانت داشتن در نگهداری شی (چیز) است. مصدر و منبع هر دو صفت به موسی علیه السلام، همانا مشاهده نمودن دختر شعیب علیه السلام از حال موسی علیه السلام است، طوری که شعیب علیه السلام برای دخترش گفت: چه چیز تو را به این صفات که به موسی علیه السلام نسبت میدهی، عالم ساخته است؟ در جواب پدرش گفت: موسی سنگی را بلند کرد که توانای حمل آن سنگ را جز ده نفر ندارد، و هم زمانی که

1 - {الفصص، آیه 26}.

2 - بیضاوی: (المتوفى 685 هـ = 1286 م)، عبد الله بن عمر بن محمد بن علي، شيرازي، أبو سعيد، يا أبو الخير، ناصر الدين بيضاوي، شافعي: قاضي، مفسر و علامه بود، در شهر بیضاوی شیراز متولد گردید و در تبریز وفات یافت، از جمله تالیفات او: أنوار التنزيل وأسرار التأويل، منهاج الوصول إلى علم الأصول، الغاية القصوى في دراية الفتوى وغيره می باشد. عادل نويهض، معجم المفسرين «من صدر الإسلام وحتى العصر الحاضر»، الناشر: مؤسسة نويهض الثقافية للتأليف والترجمة والنشر، بيروت - لبنان، الطبعة: الثالثة، 1409 هـ - 1988 م، ج 1 ص 318 - 319. عبد الرحيم بن الحسن بن علي الإسنوي الشافعي، أبو محمد، جمال الدين (المتوفى: 772 هـ)، طبقات الشافعية، تحقيق: كمال يوسف الحوت، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى 2002م، ج 1 ص 136.

3 - ناصر الدين أبو سعيد عبد الله بن عمر بن محمد الشيرازي البيضاوي (المتوفى: 685 هـ)، أنوار التنزيل وأسرار التأويل، المحقق: محمد عبد الرحمن المرعشلي، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة: الأولى - 1418 هـ، ج 4 ص 175.

4 - {الفصص، آیه 26}.

همرايش آمدم، از او پيش شدم، در اين حال برايم گفـت: پشت سر من باش! از همين جهت با فراست خود، به قوت و امانت او استدلال مي كنم.

فرع چهارم: امانت به مفهوم امن بودن است

چهارمين معنا و مفهوم امانت: امن است، زيرا امن از امانت مشتق شده است، امن يعني داشتن امنيت از ترس است، طوري كه الله متعال مي فرمايد: **{وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّعُوا بِهِ...}** (1).

ترجمه: و هنگامی که خبری (حاکمی) از امنیت یا ترس به آنها برسد آن را پخش می کنند.

از همين جهت در تفسير اين آيه گفته شده است: **{وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ مِمَّا يوجب الأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّعُوا بِهِ}**. (2) ترجمه: هنگامی که خبری از امن یا ترس به آنها برسد، از چیزهای که امن یا ترس را ايجاب می کند، آن را پخش می کنند.

سعدی (3) صاحب تفسير - تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان - رحمه الله می گوید: (هذا تأديب من الله لعباده عن فعلهم هذا غير اللائق. وأنه ينبغي لهم إذا جاءهم أمر من الأمور المهمة والمصالح العامة ما يتعلق بالأمن وسرور المؤمنين، أو بالخوف الذي فيه مصيبة عليهم أن يتثبتوا ولا يستعجلوا بإشاعة ذلك

الخير...). (4)

ترجمه: الله متعال در اینجا بندگانش را ادب می نماید از این کار که شایسته آنها نیست دوری کنند، و به آنها می فرماید: شایسته است وقتی که کاری مهم و منفعتی عمومی که امنیت و شادی مومنان را

1 - {النساء، آیه 83}.

2 - بیضاوی، أنوار التنزيل وأسرار التأويل، ج 2 ص 87.

3 - سَعْدِي: (1307 - 1376 هـ = 1890 - 1956 م)، عبد الرحمن بن ناصر بن عبد الله، سَعْدِي، تَمِيمِي: مفسر، از علمای حنابلہ و از اهل تجد بود، تولد و وفات او در عنيزة (قصيم) صورت گرفته است، دارای تالیفات زیاد بود، از جمله این تالیفات: تفسير تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان، تيسير اللطيف المنان في خلاصة مقاصد القرآن، القواعد الحسان في تفسير القرآن وغيره می باشد. عمر بن رضا بن محمد راغب بن عبد الغني كحالة دمشق (المتوفى: 1408 هـ)، معجم المؤلفين، الناشر: مكتبة المثنى - بيروت، دار إحياء التراث العربي بيروت، ج 13 ص 396.

4 - عبد الرحمن بن ناصر بن عبد الله السعدي (المتوفى: 1376 هـ)، تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان، المحقق: عبد الرحمن بن معلا اللويحي، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولى 1420 هـ - 2000 م، ص 191.

در پی دارد، با ترسی که مصیبت را برای آنها به همراه دارد پیش آید، پابرجا باشند، و در پخش همراه دارد پیش آید، پابرجا باشند، و در پخش کردن این خبر شتاب نورزند.

فرع پنجم: یکی از مظاهر امانت به معنای نجات است

یکی از مشتقات امانت امن است و امن در قرآن کریم، به معنای نجات آمده است، طوری که الله متعال می

فرماید: {... فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ} (1)

ترجمه: پس کدامیک از دو گروه سزاوار امنیت است اگر شما می دانید.

یعنی: حق نجات و آرامش را روز قیامت کی دارد؟ مؤمنین موحد یا گروه مشرکین، الله متعال در این مورد پاسخ می دهد که حق نجات و آرامش را کی دارد، طوری که می فرماید: {الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ} (2)

ترجمه: کسانی که ایمان آورده اند و ایمانشان را به شرک آلوده نکرده اند، امنیت، ایشان را سزاوار و آنان راه یافتگانند.

پس کسانی که بوجود الله متعال و وحدانیت او صادق هستند و عبادت را خالص برای الله واحد که شریک ندارد، انجام می دهند و به الله چیزی را شریک نمی سازند و هم ایمان شان را با معصیت و گناه آلوده نمی سازند، آنها روز قیامت در امان هستند و در دنیا و آخرت هدایت شده هستند (3)

در روایت از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه آمده است که: «لَمَّا نَزَلَتْ {الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا} [الأنعام]:

[82] إِيْمَانَهُمْ بِظُلْمٍ، قُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيُّنَا لَا يَظْلِمُ نَفْسَهُ؟ قَالَ: " لَيْسَ كَمَا تَقُولُونَ {لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ} [الأنعام: 82] بِشِرْكٍ، أَوْلَمْ تَسْمَعُوا إِلَى قَوْلِ لُقْمَانَ لِابْنِهِ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ « (4)

1 - {الأنعام، آیه 81}.

2 - {الأنعام، آیه 82}

3 - جابر بن موسی بن عبد القادر بن جابر أبو بكر الجزائري، أيسر التفاسير لكلام العلي الكبير، الناشر: مكتبة العلوم والحكم، المدينة المنورة، المملكة العربية السعودية، الطبعة: الخامسة، 1424هـ/2003م، ج 2 ص 83 - 84.

4 - محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة، أبو عبد الله الجعفي، البخاري، صحيح البخاري، المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، الناشر: دار طوق النجاة، بيروت، الطبعة: الأولى 1422هـ، ج 4 ص 141 رقم الحديث 3360. مسلم بن الحجاج بن مسلم، أبو الحسين القشيري النيسابوري، صحيح مسلم، الناشر: دار الجيل بيروت + دار الأفاق الجديدة - بيروت، ج 1 ص 114 رقم الحديث 197.

ترجمه: هنگامی که این آیه نازل شد: **{الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا}**.⁽¹⁾ ترجمه: (کسانی که ایمان آورده اند و ایمان خود را با ظلم (شرك) آلوده نکرده اند، آنان در امان خدا قرار دارند و از جانب خدا هدایت یافته اند)، مسلمانان ترسیدند و ناراحت شدند گفتند: ای رسول خدا! هیچ يك از ما نیست که به خود ظلم نکرده و دچار گناه نشده باشد. پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: منظور از ظلم گناه نیست، بلکه منظور شرك است، مگر نشنیده اید وقتی که لقمان پسرش را پند می داد به او چه گفت؟ گفت: ای پسر! شريك برای خدا قرار مده به حقیقت شرك ظمی است بس بزرگ.

فرع ششم: یکی از مشتقات امانت «أَمْنَةٌ» است به مفهوم راحت و اطمینان نفس

راحت و اطمینان نفس یکی از معانی مشتقات امانت است و آن عبارت از کلمه «أَمْنَةٌ» و در مقابل برای شخص خائف و ترسنده، که ضد «أَمْنَةٌ» است، خواب نمی آید و به همین سبب الله متعال بالای مسلمین در غزوه بدر خواب را انعام نمود، در حال که مسلمین حالت آمادگی برای قتال و مبارزه را داشتند، این دلالت به راحت و اطمینان نفس آنها می کند، الله متعال در مورد می فرماید: **{إِذْ يُعَشِّيكُمُ النَّعَاسَ أَمْنَةً مِنْهُ...}**.⁽²⁾

ترجمه: (و به یاد آورید) زمانی را که خواب خفیفی را بر شما افکند، تا باعث راحت و آرامش از جانب خدا بگردد.

به همین شکل این نعاس (خواب خفیف) در شب صورت گرفته بود که فردای آن شب غزوه بدر صورت گرفت و خواب برای یک جماعت بزرگ در حالت خوف شدید و یکبارگی چیزی عجیب است و در حکم معجزه و امر خارق العاده است، با وجودی که پیش روی شان امر مهم و ارزنده بود، ولی الله متعال قلبهای شان را آرامش و اطمینان داد.⁽³⁾

امام ماوردی⁽⁴⁾ می گوید: **وَفِي امْتِنَانِ اللَّهِ عَلَيْهِمُ بِالنَّوْمِ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَجَهَانٍ: - أَحَدُهُمَا: أَنْ قَوَّاهُمْ بِالْإِسْتِرَاحَةِ عَلَى الْقِتَالِ مِنَ الْغَدِ. الثَّانِي: أَنْ أَمَّنَهُمْ بِرُؤَالِ الرُّعْبِ مِنْ قُلُوبِهِمْ، كَمَا يُقَالُ: الْأَمْنُ مِنْهُمْ، وَالْخَوْفُ مِنْهُمْ.**⁽¹⁾

1 - {الأنعام، آیه 82}.

2 - {الأنفال، آیه 11}.

3- قرطبی، الجامع لأحكام القرآن = تفسیر القرطبی، ج 7 ص 326. وهبة الزحيلي، التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، ج 9 ص 266.

4- ماوردی (364 - 450 هـ = 974 - 1058 م)، علي بن محمد حبيب، أبو الحسن الماوردي، یکی از فقهای مذهب شافعی و مجتهدش بود، در بصره متولد گردید، سپس به بغداد رفت و در مناطق مختلف به حیث قاضی در زمان خلافت القائم بامر الله ایفاء وظیفه نموده است و در بغداد وفات یافت، تألیفات زیاد از خود بجا گذاشت از جمله: أدب الدنيا والدين، الأحكام السلطانية، النکت والعيون في تفسیر القرآن، الحاوي الكبير في فقه الشافعية، نصيحة الملوك، تسهيل النظر في سياسة الحكومات، أعلام النبوة، معرفة الفضائل، الأمثال والحكم، الإقناع في الفقه،

ترجمه: و در منت نهادن الله متعال خواب را بر بالای آنها در این شب، دو نظر است:

- 1- تا اینکه آنها را بوسیله این استراحت بر جنگ کردن در فردا قوی سازد.
 - 2- الله متعال آنها را با دور کردن رعب و هراس از قلب های شان آرامش و راحت داد، طوری که گفته می شود: آرامش و امنیت خواب آورنده است و ترسیدن بیدار کننده.
- همچنان این معنا در این قول الله متعال نیز آمده است: **{ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنَةً نُّعَاسًا...}**. (2)
- ترجمه: سپس بعد از (آن) غم، آرامشی به صورت خواب خفیف بر شما فرود آورد.

الله متعال خواب خفیف را بعد از غم، بر آنها نازل کرد، از جهت رحمت، احسان، تثبیت قلوب و زیادت آرامش شان، زیرا بالای شخص خائف، خواب نمی آید از جهت که در قلبش خوف وجود دارد و این طایفه را که الله متعال برای شان بوسیله خواب انعام کرده است، همانا مؤمنین است. (3)

از همین جهت امام بغوی (4) رحمه الله در تفسیرش پیرامون این آیت می گوید: **{مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنَةً نُعَاسًا}**.

يَعْنِي: أَمْنًا وَالْأَمْنُ وَالْأَمْنَةُ بِمَعْنَى وَاحِدٍ وَقِيلَ: الْأَمْنُ يَكُونُ مَعَ زَوَالِ سَبَبِ الْخَوْفِ وَالْأَمْنَةُ مَعَ بَقَاءِ سَبَبِ الْخَوْفِ وَكَانَ سَبَبُ الْخَوْفِ هُنَا قَائِمًا، {نُعَاسًا} بَدَلٌ مِنَ الْأَمْنَةِ... (5).

ترجمه: **{مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنَةً نُعَاسًا}**. ترجمه: (سپس بعد از (آن) غم، آرامشی به صورت خواب خفیف بر شما فرود آورد) معنای «أَمْنَةً»: امن است و امن و امنه به یک معنا است و برخی گفته اند: امن

قانون الوزارة بعنوان أدب الوزير، سياسة الملك وغيره. أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: 774هـ)، طبقات الشافعيين، الناشر: مكتبة الثقافة الدينية، تاريخ النشر: 1413 هـ - 1993 م، ج 1 ص 418. الزركلي، الاعلام، ج 4 ص 327.

1 - أبو الحسن علي بن محمد بن محمد بن حبيب البصري البغدادي، الشهير بالماوردي (المتوفى: 450هـ)، تفسير الماوردي = النكت والعيون، المحقق: السيد ابن عبد المقصود بن عبد الرحيم، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان، ج 2 ص 299.

2 - {آل عمران، آية 154}.

3 - سيد قطب، في ظلال القرآن، بيروت، الناشر: دار الفكر، الطبعة الاولى، 1407هـ، ج 2 ص 109.

4 - بَغْوِي: (436 - 510 هـ = 1044 - 1117 م)، حسين بن مسعود بن محمد، فراء، يا ابن الفراء، أبو محمد، ملقب به محبي السنة، بغوي: امام در تفسير، حديث و فقه و در مذهب شافعي بود، نسبش به بغوي است و آن قريه است میان هرات و مرو، تالیفات زیاد دارد از جمله: التهذيب في فقه الشافعية، شرح السنة في الحديث، لباب التأويل في معالم التنزيل في التفسير، مصابيح السنة و الجمع بين الصحيحين وغيره، وفاتش به مرو رود شده است. ابن كثير، طبقات الشافعيين، ج 1 ص 548. طبقات المفسرين للداودي، ج 1 ص 161.

5 - أبو محمد الحسين بن مسعود البغوي (المتوفى: 510هـ)، معالم التنزيل في تفسير القرآن = تفسير البغوي، المحقق: حقه و خرج أحاديثه محمد عبد الله النمر - عثمان جمعة ضميرية - سليمان مسلم الحرش، الناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع، الطبعة: الرابعة، 1417 هـ - 1997 م، ج 2 ص 121.

همراهی سبب دور شدن خوف می باشد و امنه همراهی بقای سبب خوف می باشد و در اینجا سبب خوف قایم است و کلمه {نُعَاسًا} بدل از کلمه {أَمَنَةً} است.

خلاصه: در این مطلب مشخص گردید که امانت در قرآن کریم به مفاهیم مختلف از جمله: فرائض، ودیعت، عفت، نجات، از ترس در امان بودن و راحت و اطمینان نفس آمده است.

مطلب دوم: مفهوم و مظاهر امانت در حدیث شریف

به همین شکل امانت در حدیث شریف به چندین مفهوم آمده است، که تفصیل آنها قرار ذیل اند:

فرع اول: یکی از مظاهر امانت به معنای اهل و تمام تکالیف است

درین فرع هم نخست اهل تعریف گردیده، سپس بیان می گردد که یکی از مظاهر امانت، اهل و تمام تکالیف است، که تفصیل آن قرار ذیل است:

الف: تعریف اهل

اهل در لغت به معنای پیروان و اولیای شخص را گفته می شود، طوری که عربها می گویند: (أَهْلُ الرَّجُلِ؛ أَيُّ أَتْبَاعُهُ وَأَوْلِيَاؤُهُ).⁽¹⁾

ترجمه: اهل مرد، یعنی پیروان و اولیای او.

برخی وقت لفظ اهل مرادف با لفظ آل استعمال می گردد، ولی لفظ اهل وقتی که به معنای زوجه بیاید، خاص می باشد.⁽²⁾

طوری که الله متعال به ابراهیم علیه السلام خطاب می کند: {رَحِمْتُ اللَّهَ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ}.⁽³⁾

ترجمه: ای اهل بیت ابراهیم رحمت و برکت خداوند بر شما باد، ذات و صفات خداوند ستوده و سزاوار ستایش از جانب بندگان است.

امام قرطبی رحمه الله در تفسیر این آیه می گوید: (وَنَصَبَ (أَهْلَ الْبَيْتِ) عَلَى الْإِخْتِصَاصِ وَهَذِهِ الْآيَةُ تُعْطِي أَنْ زَوْجَةَ الرَّجُلِ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ).⁽¹⁾

1 - محمد بن یعقوب الفیروزآبادی، القاموس المحیط، الناشر: دارالفکر، بیروت، الطبعة الأولى، 1407 هـ، ج 1 ص 1245.

2 - الفیروزآبادی، القاموس المحیط، ج 1 ص 1245.

3 - {هود، آیه 73}.

اهل در اصطلاح: (وَهُوَ كُلُّ مَنْ يُشَارِكُهُ فِي النَّسَبِ إِلَى أَقْصَى أَبِي لَهُ فِي الْإِسْلَامِ، وَهُوَ الَّذِي أُدْرِكَ الْإِسْلَامَ، أَسْلَمَ أَوْ لَمْ يُسْلَمْ). (2)

ترجمه: اهل عبارت از هر کسی که در نسب تا دورترین پدر شریک باشد، که آن دورترین پدر در اسلام باشد و آن عبارت از شخص که اسلام را درک کرده باشد، اسلام آورده باشد و یاخیر.

خلاصه: مشخص گردید که تعریف اصطلاحی از تعریف لغوی کرده خاص است، یعنی در تعریف لغوی گفته شد: که اهل پیروان و اولیای شخص را گفته می شود، ولی در تعریف اصطلاحی گفته شد: که اهل همان اشخاص را گفته می شود که با شخص در نسب شریک باشد.

ب: یکی از مظاهر امانت به معنای اهل و تمام تکالیف

یکی از مفاهیم و مظاهر امانت در احادیث شریف، امانت به معنای اهل و حسن سفر گفته شده است، که الله متعال رعایت و حفظ آن را بالای مؤمنین تاکید نموده است، همچنان مؤمنین باید در دعاهای شان از الله متعال سوال نمایند تا در قسمت حفظ و نگهداری امانت برای شان معاونت و همکاری نمایند، طوری که در حدیث شریف آمده است: عن سالم بن عبد الله بن عمر أن عبد الله بن عمر رضي الله عنهما كان يقول للرجل إذا أراد سفراً: ادن مني حتى أودعك كما كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يودعنا فيقول: «أستودع الله دينك، وأمانتك، وخواتيم عملك». (3)

ترجمه: از سالم بن عبدالله بن عمر روایت شده است که گفت: عبدالله بن عمر - رضي الله عنهما - به هر مردی که قصد سفر داشت، می گفت: به من نزدیک شو تا چنان که پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - با ما وداع می فرمود، با تو وداع کنم، سپس می گفت: «دین و امانت و خاتمه ی کارهایت را به خدا می سپارم».

1 - قرطبی، الجامع لأحكام القرآن = تفسیر القرطبی، ج 9 ص 71.

2 - کاسانی، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج 7 ص 350.

3 - أبوداود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني (المتوفى: 275هـ)، سنن أبي داود، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد، الناشر: المكتبة العصرية، صيدا - بيروت، ج 2 ص 24 رقم الحديث 2600. محمد بن عيسى بن سورة بن موسى بن الضحاك، الترمذي، أبو عيسى (المتوفى: 279هـ)، سنن الترمذي، تحقيق وتعليق: أحمد محمد شاكر، الناشر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر، الطبعة: الثانية، 1395 هـ - 1975 م، ج 5 ص 499 رقم الحديث 3442. ابن حديث صحيح است. الحسن بن أحمد بن يوسف بن محمد بن أحمد الرباعي الصنعاني (المتوفى: 1276هـ)، فتح الغفار الجامع لأحكام سنة نبينا المختار، المحقق: مجموعة بإشراف الشيخ علي العمران، الناشر: دار عالم الفوائد، الطبعة: الأولى، 1427 هـ، ج 4 ص 1763 رقم الحديث 5183.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث امانت به معنای اهل و حسن سفر استفاده گردیده است، طوری که ملا علی القاری⁽¹⁾ رحمه الله در شرح این حدیث می گوید: (وَأَمَانَتِكَ أَي: حِفْظَ أَمَانَتِكَ فِيمَا تُزَاوِلُهُ مِنَ الْأَخْذِ وَالْإِعْطَاءِ وَمُعَاشَرَةِ النَّاسِ فِي السَّفَرِ إِذْ قَدْ يَقَعُ مِنْهُ هُنَاكَ خِيَانَةٌ، وَقِيلَ: أُرِيدَ بِالْأَمَانَةِ الْأَهْلُ وَالْأَوْلَادُ الَّذِينَ خَلَفَهُمْ، وَقِيلَ: الْمُرَادُ بِالْأَمَانَةِ التَّكَالِيفُ كُلُّهَا كَمَا فُسِّرَ بِهَا)².

ترجمه: معنای (وَأَمَانَتِكَ) یعنی: حفظ امانت تو در آنچه که مشغول می گردی از قبیل گرفتن، دادن و نیکی کردن با مردم در سفر، زیرا بعضی وقت در این گونه چیزها خیانت صورت می گیرد، و بعضی گفته است: مراد از امانت اهل و اولاد شخص است که بعد از رفتن شخص در سفر بجایش می ماند، و بعضی گفته است: مراد به امانت تمام تکالیف است، چنانچه که این گونه محدثین تفسیر نموده اند.

فرع دوم: یکی از مظاهر امانت، امانت علامه و نشانه ایمان است

یکی دیگر از مظاهر و لوازم امانت، امانت به معنای علامه و نشانه ایمان گفته شده است، در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَنَسٍ، قَالَ: مَا خَطَبْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خُطْبَةً، إِلَّا قَالَ فِي خُطْبَتِهِ، لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ، وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ»⁽³⁾.

ترجمه: از انس رضی الله عنه روایت است که فرمود: هیچ خطبه ای را پیامبر صلی الله علیه وسلم به ما ارایه نکرد، مگر این که در خطبه اش می گفت: ایمان نیست برای شخص که امانت ندارد و دین نیست برای شخص که عهد و پیمان ندارد.

1 - ملا علی القاری: علی بن (سلطان) محمد، أبو الحسن نور الدین الملا الهروی القاری (المتوفی: 1014هـ)، یکی از محدثین و علمای قرن یازدهم هجری بود، در هرات متولد گردید، سپس به مکه هجرت نمود و نزد ابن حجر مکی که یکی از فقهای حنفی بود درس آموخت، سپس به تالیف مشغول گردید، از جمله تالیفات او المرقاة فی شرح المشکاة، شرح الشفا للقاضي عياض، الحزب الأعظم فی الأدعية، الناموس فی مختصر القاموس وغيره بود. أبو الطیب محمد صدیق خان بن حسن بن علی ابن لطف الله الحسینی البخاری القنوجی (المتوفی: 1307هـ)، التاج المکمل من جواهر مآثر الطراز الآخر والأول، الناشر: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية، قطر، الطبعة: الأولى، 1428 هـ - 2007 م، ص 390.

2 - علی بن (سلطان) محمد، أبو الحسن نور الدین الملا الهروی القاری (المتوفی: 1014هـ)، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، الناشر: دار الفکر، بیروت - لبنان، الطبعة: الأولى، 1422هـ - 2002م، ج 4 ص 1690.

3 - أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشیبانی (المتوفی: 241هـ)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، وآخرون، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولى، 1421 هـ - 2001 م، ج 20 ص 422 رقم الحديث 13199. این حدیث صحیح است. أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدین، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني (المتوفی: 1420 هـ)، صحیح موارد الظمان إلى زوائد ابن حبان، الناشر: دار الصمیعی للنشر والتوزیع، الرياض - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، 1422 هـ - 2002 م، ج 1 ص 112 رقم الحديث 48.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص گردید که امانت علامه و نشانه ایمان است و کسی که امانت ندارد، معنایش این است که او ایمان ندارد، از همین جهت ضد امانت از علایم نفاق است، طوری که در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ: إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ، وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ، وَإِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ».(1)

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که نبی اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: نشانه منافق، سه چیز است: اول اینکه در صحبت های خود، دروغ می گوید. دوم اینکه خلاف وعده، عمل می کند. سوم اینکه در امانت، خیانت می کند.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص گردید که یکی از علایم نفاق همان خیانت است، پس امانت علایم ایمان و خیانت علایم نفاق است.

در حدیث دیگر آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُوعِ، فَإِنَّهُ يَنْسُ الضَّجِيعُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخِيَانَةِ، فَإِنَّهَا بِنُسْتِ الْبِطَانَةِ».(2)

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - (در دعا) می فرمود: بار خدایا! من از گرسنگی به تو پناه می برم؛ زیرا که همخواب بدی است و از خیانت به تو پناه می برم؛ زیرا که از بدترین خصلت های پنهانی است.

وجه استدلال از حدیث: امام طیبی(3) رحمه الله پیرامون این حدیث می گوید: (الْخِيَانَةُ وَهِيَ ضِدُّ الْأَمَانَةِ هِيَ مُخَالَفَةُ الْحَقِّ بِنَقْضِ الْعَهْدِ فِي السِّرِّ، وَالْأَظْهَرُ أَنَّهَا شَامِلَةٌ لِجَمِيعِ التَّكْلِيفِ الشَّرْعِيِّ كَمَا يَدُلُّ عَلَيْهِ).(4)

1 - محمد بن اسمعيل بخارى، صحيح البخارى، ج 1 ص 16 رقم الحديث 33. مسلم بن الحجاج النيسابورى، صحيح مسلم، ج 1 ص 78 رقم الحديث 107.

2 - أبو عبد الله محمد بن يزيد القزويني (المتوفى: 273هـ)، سنن ابن ماجه، المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد - محمد كامل قره بللي - عبد اللطيف حرز الله، الناشر: دار الرسالة العالمية، الطبعة: الأولى، 1430 هـ - 2009 م، ج 4 ص 451 رقم الحديث 3354. سنن أبي داود، ج 2 ص 91 رقم الحديث 1547. ابن حدیث حسن لغیره است و قابلیت استدلال را دارد. أبو الحسن نور الدين علي بن أبي بكر بن سليمان الهيتمي (المتوفى: 807هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، المحقق: حسام الدين القدسي، الناشر: مكتبة القدسي، القاهرة، 1414 هـ، 1994 م، ج 5 ص 235 رقم الحديث 9189.

3 - طیبی: (743 هـ = 1342 م)، حسین بن محمد بن عبد الله، شرف الدين، طیبی، از علمای تفسیر، حدیث و بیان بود، از اهل عراق بود، دارای تالیفات زیاد است: التبیان فی المعانی والبیان، الخلاصة فی معرفة الحدیث، شرح الکشاف وغیره. محب الدین، ابو عبد الله، محمد بن محمود ابن الحسن بن هبة الله بن محاسن المعروف بابن النجار البغدادي (المتوفى 643 هـ)، ذیل تاریخ بغداد، تحقیق: مصطفى عبد القادر عطا، الطبعة: الأولى، دار الطبع: دار الکتب العلمیة بیروت - لبنان، 1417 هـ - 1997 م، ج 5 ص 4.

4 - ملا علی القاری، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ج 4 ص 1711.

ترجمه: خیانت عبارت است از ضد امانت و آن عبارت از مخالفت حق با نقض عهد در سر و پنهان و ظاهراً این خیانت شامل تمام تکالیف شرعی است همان شکل که عبارت دعا به آن دلالت می کند. خلاصه مشخص گردید که یکی از مفاهیم و معانی امانت، همانا نشانه و علامه ایمان است.

فرع سوم: یکی از مظاهر امانت، کفایت است

برای این که مشخص گردد، کفایت چیست؟ و چگونه یکی از مظاهر و مصادیق امانت کفایت است، در نخست کفایت را تعریف نموده، سپس چگونگی مفهوم امانت را به کفایت بیان می نمایم:

جزء اول: تعریف کفایت

در نخست کفایت را در لغت تعریف نموده، سپس در اصطلاح تعریف می کنم:

الف: تعریف لغوی کفایت: کفایت از ماده كَفَى، يَكْفِي، كِفَايَةً گرفته شده است، دارای سه معنا است، که این معانی قرار ذیل است:

1- هر چیزی است که توسط آن بی نیازی از غیر حاصل می گردد. (1) طوری که پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «مَنْ قَرَأَ بِالْأَيِّتِينَ مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْبَقَرَةِ فِي لَيْلَةِ كَفَنَاهُ». (2) ترجمه: هر کس، دو آیه آخر سوره بقره را در شب بخواند، او را کفایت می کنند. وجه استدلال از حدیث: در این حدیث دیده شد که خواندن دو آیت آخر سوره بقره برای یک شخص کفایت است.

2- کفایت به معنای درخواستن و قایم شدن به یک کار است، طوری که عربها می گویند: (اسْتَكْفَيْتُهُ أَمْرًا فَكَفَانِيهِ، أَي قَامَ بِهِ مَقَامِي، كَفَاهُ الْأَمْرَ إِذَا قَامَ مَقَامَهُ فِيهِ فَهُوَ كَافٍ). (3) ترجمه: طلب کفایت کردم امری را بوسیله آن، پس مرا کفایت داد، یعنی آن شخص در جای من برخواست. به آن امر کافی است، یعنی وقت که در جای او قایم شد، پس او کافی است. طوری که الله متعال می فرماید: {الَّذِينَ كَفَّيْتَهُمُ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ}. (1)

1 - المبارک بن محمد، أبو السعادات الجزري، النهاية في غريب الحديث، تحقيق: طاهر أحمد الزاوي - محمود محمد الطناحي، الناشر: المكتبة العلمية - بيروت، 1399هـ - 1979م، ج 4 ص 193.

2 - محمد بن اسمعيل بخاری، صحيح البخاري، ج 5 ص 84 رقم الحديث 4008. مسلم بن الحجاج النيسابوري، صحيح مسلم، ج 1 ص 555 رقم الحديث 256.

3 - عياض بن موسى بن عياض بن عمرو بن اليحصبي السبتي، أبو الفضل (المتوفى: 544هـ)، مشارق الأنوار على صحاح الآثار، بيروت، دار النشر: المكتبة العتيقة ودار التراث، ج 4 ص 368. لسان العرب، ج 15 ص 325.

ترجمه: آیا الله برای بنده اش کافی نیست؟.

3- کفایت به معنای حاجت را بند کردن و به کار رسیدن است، طوری که گفته می شود: (كَفَاهُ مُتُونَتَهُ). (2) ترجمه: از حاجت و نیازمندی اورا بند ساخت.

ب: تعریف اصطلاحی کفایت: مفسرین و فقهاء کفایت را چنین تعریف نموده اند: (أَهْلِيَّةُ الشَّخْصِ لِالْقِيَامِ بِالْأَفْعَالِ الْمُهِمَّةِ الْمُتَعَلِّقَةِ بِمَصَالِحِ الْأُمَّةِ، كَالْوَلَايَاتِ الْعَامَّةِ وَالْوَطَائِفِ الْخَاصَّةِ، وَهِيَ تَخْتَلِفُ بِاخْتِلَافِ مَقْصُودِ الْوَلَايَةِ وَوَسَائِلِ تَحْقِيقِ ذَلِكَ الْمَقْصُودِ). (3)

ترجمه: کفایت عبارت از اهلیت شخص است برای ایفای وظایف مهم که مربوط به مصالح امت می گردد مثل ولایت عامه (4) و وظایف خاصه (5) و این اهلیت نظر به مقصود و وسائل تحقیق آن مقصود، مختلف می باشد.

جزء دوم: یکی از مظاهر امانت، کفایت است

یکی از مصادیق و مفاهیم امانت آن است که شخص مناسب باید در مکان مناسب استخدام گردد که به آن کفایت می گوید، و این که بهترین اشخاص مسؤولیت و وظایف عامه را به عهده بگیرند، در صورت که این موضوع مدار اعتبار قرار نگیرد، بلکه از طریق قرابت، هوا و هوس، مصلحت های نادرست، واسطه و فساد، شخص وظایف عامه را به دست گیرد، به آن خیانت گفته می شود و غیر از خیانت دیگر نام ندارد. (6)

1 - {الزمر، آیه 36}.

2 - ابن منظور، لسان العرب، ج 15 ص 325.

3 - أبو الحسن علي بن محمد بن محمد بن حبيب البصري البغدادي، الماوردي، (المتوفى: 450هـ)، الأحكام السلطانية، القاهرة، الناشر: دار الحديث، ص 22. خطيب الشربيني، محمد. مغني المحتاج إلى معرفة معاني ألفاظ المنهاج، عددالاجزاء: 4، بيروت، الناشر دار الفكر، ج 3 ص 106.

4 - ولایت عامه: به ولایتی گفته می شود که شخص برای قضاوت و حاکمیت بالای همه گماشته می شود و مسؤولیت دارد تا از همه نمایندگی درست نموده و امانت که برایش سپرده شده است، به وجه احسن آن اداء نماید. لجنة علماء برئاسة نظام الدين البليخي، الفتاوى الهندية، بيروت، الناشر: دار الفكر، الطبعة: الثانية، 1310 هـ، ج 6 ص 137. أبو اسحاق إبراهيم بن علي بن يوسف الشيرازي (المتوفى: 476هـ)، المهذب في فقه الإمام الشافعي، بيروت، الناشر: دار الكتب العلمية، ج 2 ص 471.

5 - وظایف خاصه: به وظایف گفته می شود که مربوط و منوط به حفاظت و نگهداری از مال یک شخص خاص و یا محل خاص است مثل وصی و ناظر وقف. أبو محمد موفق الدين عبد الله بن أحمد بن محمد الجماعلي ثم الدمشقي الحنبلي، الشهير بابن قدامة المقدسي (المتوفى: 620هـ)، المغني لابن قدامة، الناشر: مكتبة القاهرة، تاريخ النشر: 1388هـ - 1968م، ج 9 ص 40.

6 - محمد الغزالي، خلق المسلم، الناشر: دار نهضة مصر، الطبعة: الأولى، ص 47.

در مورد پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «مَنْ اسْتَعْمَلَ رَجُلًا مِنْ عِصَابَةِ وَفِي تِلْكَ الْعِصَابَةِ مَنْ هُوَ أَرْضَى لِلَّهِ مِنْهُ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَخَانَ رَسُولَهُ وَخَانَ الْمُؤْمِنِينَ» (1).

ترجمه: هر کس که مردی را بکار گمارد و بر گروهی امارت دهد با اینکه در میان آن گروه کسی را پسندیده تر از وی مییابد، به خدا و رسولش خیانت ورزیده و به مؤمنان نیز خیانت کرده است.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث دیده شد در صورتی که شخص بکار گماشته می شود، که شخص دیگر از او کرده با کفایت است، خیانت به الله، رسول و مؤمنین صورت گرفته شده است، پس امانت در این جا همان کفایت است.

پس معنای امانت، گذاشتن هر چیز در جایش می باشد که به آن کفایت نیز می گوید، پس منصب و وظیفه سپرده نشود، مگر به اشخاص که مناسب و کفایت آن را دارند و این همان امانت است (2).

در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي ذَرٍّ، قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَلَا تَسْتَعْمَلُنِي؟ قَالَ: فَضْرَبَ بِيَدِهِ عَلَى مَنْكِبِي، ثُمَّ قَالَ: «يَا أَبَا ذَرٍّ، إِنَّكَ ضَعِيفٌ، وَإِنَّهَا أَمَانَةٌ، وَإِنَّهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ خِزْيٌ وَنَدَامَةٌ، إِلَّا مَنْ أَخَذَهَا بِحَقِّهَا، وَأَدَّى الَّذِي عَلَيْهِ فِيهَا» (3).

ترجمه: از ابوذر - رضی الله عنه - روایت شده است که گفت: گفتیم: ای رسول خدا! آیا مرا بر کاری نمی گماری؟ پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - با دست خویش بر شانه ی من زده و فرمودند: ای ابوذر! تو ضعیف هستی و این شغل، امانت است و در قیامت مایه ی عذاب و رسوایی و پشیمانی است، مگر، (برای) کسی که با قیام به حق آن، آن را قبول کند و آنچه در آن بر او فرض است، ادا کند و وظایف خود را به انجام برساند.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص گردید که اشخاص ضعیف نمی تواند وظایف مهم را انجام دهند، زیرا کفایت ندارند و کفایت همان امانت است، طوری که امام نووی (1) رحمه الله می

1 - أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبي الطهماني النيسابوري المعروف بابن البيع (المتوفى: 405هـ)، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، 1411 - 1990م، ج 4 ص 104. أبو القاسم عبد الملك بن محمد بن عبد الله بن بشران بن محمد بن بشران بن مهران البغدادي (المتوفى: 430هـ)، أمالي ابن بشران - الجزء الثاني، المحقق: أحمد بن سليمان، الناشر: دار الوطن للنشر، الرياض، الطبعة: الأولى، 1420 هـ - 1999 م، ج 1 ص 110 رقم الحديث 1162. ابن الملحق رحمه الله در تخریج این حدیث می گوید: این حدیث حسن لغیره است. ابن الملحق سراج الدین أبو حفص عمر بن علي بن أحمد الشافعي المصري (المتوفى: 804هـ)، مختصرُ استدرک الحافظ الذهبي علی مُستدرک أبي عبد الله الحاكم، الناشر: دارُ العاصمة، الرياض - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، 1411 هـ، ج 5 ص 2511 رقم الحديث 856.

2 - الغزالي، خلق المسلم، ص 46.

3 - مسلم بن الحجاج النيسابوري، صحيح مسلم، ج 2 ص 1457 رقم الحديث 1825.

گوید: (هَذَا الْحَدِيثُ أَصْلٌ عَظِيمٌ فِي اجْتِنَابِ الْوَلَايَاتِ لَا سِيَّمَا لِمَنْ كَانَ فِيهِ ضَعْفٌ عَنِ الْقِيَامِ بِوِظَائِفِ تِلْكَ الْوَلَايَةِ وَأَمَّا الْخِزْيُ وَالنَّدَامَةُ فَهُوَ فِي حَقِّ مَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلًا لَهَا أَوْ كَانَ أَهْلًا وَلَمْ يَعْدِلْ فِيهَا فَيُخْزِيهِ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَفْضَحُهُ وَيَبْدُمُ عَلَى مَا فَرَطَ وَأَمَّا مَنْ كَانَ أَهْلًا لِلْوَلَايَةِ وَعَدَلَ فِيهَا فَلَهُ فَضْلٌ عَظِيمٌ تَطَاهَرَتْ بِهِ الْأَحَادِيثُ الصَّحِيحَةُ كَحَدِيثِ سَبْعَةَ يُظَلُّهُمُ اللَّهُ وَالْحَدِيثِ الْمَذْكُورِ هُنَا عَقِبَ هَذَا أَنَّ الْمُفْسِطِينَ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ وَغَيْرِ ذَلِكَ وَإِجْمَاعِ الْمُسْلِمِينَ مُنْعَقِدٌ عَلَيْهِ وَمَعَ هَذَا فَلِكَثْرَةِ الْخَطَرِ فِيهَا حَذَرَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْهَا وَكَذَا حَذَرَ الْعُلَمَاءُ وَامْتَنَعَ مِنْهَا خَلَائِقُ مِنَ السَّلَفِ وَصَبَرُوا عَلَى الْأَدَى حِينَ امْتَنَعُوا).⁽²⁾

ترجمه: این حدیث یک اصل بزرگ در قسمت اجتناب کردن از ولایت‌ها می‌باشد، برای کسانی که، از انجام این گونه وظایف ضعف و ناتوانی احساس می‌کنند و اما رسوای و پشیمانی برای کسانی هستند که اهلیت وظایف را ندارند و یا دارند، ولی در وظیفه عدالت نمی‌کنند، پس الله روز قیامت آنها را رسوا می‌سازد، و آنها را سرزنش و پشیمان می‌سازد از آنچه که افراط کرده بودند و اما شخص که اهلیت ولایت را داشته باشد و در آن عدالت نماید، برایش یک فضل بزرگ است تا وظایف را به عهده بگیرد، که این مورد را احادیث صحیح واضح و آشکار نموده است، مثل حدیث هفت شخص که در زیر سایه رحمت الهی قرار می‌گیرد و این حدیث که تذکر رفت و هم حدیث دیگری که در مورد عدالت کنندگان بکار رفته است که بر منبرهای از نور روز قیامت قرار می‌گیرند و غیره، همچنان اجماع مسلمانان به این اتفاق دارند که شخص بدون کفایت، ولایت وظیفه کرده نمی‌تواند، از همین جهت که در این قسمت خطر زیاد است، پیامبر صلی الله علیه وسلم امتش را تحذیر نموده است، همچنان علماء از این کار تحذیر نموده اند، از این کار بسیار از بزرگان گذشته امتناع نموده اند و از اذیت که در وقت خود داری، در این قسمت (مثل گرفتن ولایت و منصب قضاء) از طرف حکام دیده اند، صبر نموده اند.

مطلب سوم: انواع ادای امانت در قرآن و حدیث

در این مطلب انواع امانت معرفی می‌گردد، که انواع امانت دو قسم است:

فرع اول: امانت مادی که متعلق به ودیعت‌های عینی است.

1- النووي، أبو زكريا، محبي الدين، يحيى بن شرف (المتوفى: 676هـ)، یکی از محدثین و علام اسلام است، و فقیه مذهب شوافع، تألیفات زیاد دارد از جمله: المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، ریاض الصالحین، الاذکار و غیره. السبکی، تاج الدین عبد الوهاب بن تقي الدين (المتوفى: 771هـ)، طبقات الشافعية الكبرى، المحقق: محمود محمد الطناحي و عبد الفتاح محمد الحلوة، الناشر: هجر للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة: الثانية، 1413هـ، ج 5 ص 165. ابن قاضي شهبة الأسدی، أبو بكر بن أحمد بن محمد بن عمر الشهبي الدمشقي، تقي الدين (المتوفى: 851هـ)، طبقات الشافعية، المحقق: الحافظ عبد العليم خان، دارالنشر: عالم الكتب - بيروت، الطبعة: الأولى، 1407هـ، ج 2 ص 153.

2 - أبو زكريا محبي الدين يحيى بن شرف النووي (المتوفى: 676هـ)، المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة: الثانية، 1392هـ، ج 12 ص 211.

فرع دوم: امانت معنوی که متعلق و مربوط به حقوق الله متعال است که بالای بنده هایش می باشد از قبیل عبادات مثل نماز، روزه، زکات و غیره. همچنان از جمله امانت مادی، تعاملات که مردم میان هم انجام می دهند را شامل می گردد.

فرع اول: امانت مادی

برای این که مشخص گردد، امانت مادی چیست؟ و کدام امانت ها را شامل می گردد، قرار ذیل بحث می گردد:

الف: تعریف امانت مادی:

مفسرین امانت مادی را این گونه تعریف نموده اند: (وهي أن يودع أحد الأشخاص عند إنسان يثق به وديعة عينية من مال أو ذهب أو أوراق نقدية أو متاع أو نحوه مما يسمي أمانات).⁽¹⁾

ترجمه: امانت مادی عبارت است از این که یک انسان نزد انسان دیگر که مورد اعتمادش است، چیزی عینی را به ودیعت گزارد از قبیل مال، یا طلا، یا اوراق نقدی و یا مانند آنها از چیزهای که امانات مسمی شده است.

ب: حکم امانت های مادی:

بنابر این بالای مسلمان واجب است که در قسمت حفظ ودیعت که برایش سپرده شده است، از خدا بترسد، تا وقت که دوباره به صاحبش مسترد کند، الله متعال در مورد می فرماید: {وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَى سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ...}.⁽²⁾

ترجمه: و اگر در مسافرت بودید و نویسنده ای نیافتید پس گروی بستانید، و اگر کسی از شما دیگری را امین دانست، باید کسی که امین قرار داده شده است امانتش را باز پس بدهد، و از پروردگارش بترسد.

سعدی رحمه الله می گوید: (فهذه الآية فيها مشروعية الوثيقة بالحقوق، وهي الرهن والضمانات التي تكفل للعبد الحصول على حقه سواء كان التعامل مع أمين أو خائن، فالوثائق تحفظ الحقوق وتقطع المنازعات).⁽³⁾

1 - السعدی، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، ج 1 ص 244.

2 - {البقرة، آیه 283}.

3 - السعدی، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، ج 1 ص 245.

ترجمه: در این آیت مشرّوعیت و وثیقه گرفتن در مقابل حقوقی که به دیگران واگذار می شود، ثابت می گردد. وثیقه و ضمانت ضامن رسیدن حق بنده می باشند، خواه با فرد نیکوکار معامله کند و یا با فرد فاسق، و خواه طرف معامله امانتدار باشد یا خائن. بنابراین، وثیقه ها باعث حفظ حقوق و قطع اختلافات می گردند.

ابن ابی حاتم⁽¹⁾ از ابوسعید خدری⁽²⁾ رضی الله عنه روایت می کند: (هذه نسخة ما قبلها).⁽³⁾

ترجمه: این آیت { فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا } آیت قبل از خود (آیت مداینه) را منسوخ نموده است. یعنی در آیت مداینه وجوب شواهد و کتابت لازم دیده شده است، ولی در این آیت در صورت برخی بالای برخی دیگر اعتماد دارد، بدون شواهد و کتابت هم معامله اش درست است.

امام شعبی⁽⁴⁾ رحمه الله می گوید: (إذا أؤتمن بعضهم بعضاً فلا بأس أن تكتبوا أو لا تشهدوا).⁽⁵⁾

ترجمه: وقت که برخی به برخی دیگر تان، امانت سپردند، باکی ندارد که کتابت و یا شواهد میان تان قرار ندهند.

ج: موارد که شامل امانت های مادی می گردد:

در مورد الله متعال می فرماید: { إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ ... }.⁶

ترجمه: همانا خداوند شما را فرمان می دهد تا امانت ها را به صاحبانشان برسانید و هنگامی که میان مردم داوری می کنید دادگرانه داوری کنید.

1 - ابن ابی حاتم: (متوفی 327هـ) عبد الرحمن بن ابی حاتم، محمد بن إدريس بن منذر بن داود بن مهران، أبو محمد تميمي، حنظلي، یکی از امامان حدیث و اصول حدیث بود، در منطقه ری از مناطق خراسان متولد گردیده بود، دارای تالیفات زیاد است از جمله: الجرح والتعديل، التفسير الكبير، كتاب العلل وغيره. أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: 852هـ)، لسان الميزان، المحقق: عبد الفتاح أبو غدة، الناشر: دار البشائر الإسلامية، الطبعة: الأولى، 2002 م، ج 5 ص 130.

2 - أبو سعيد الخدري سَعْدُ بْنُ مَالِكِ بْنِ سِنَانٍ، امام، مجاهد، مفتی مدینه یکی از جلیل القدر صحابه بود و در 63 یا 64 یا 65 هـ و یا 74 هـ بنا بر اختلاف اقوال به مدینه وفات یافت، احادیث زیاد از او صحاح سته روایت کرده است. الذّهبي، سير أعلام النبلاء، ج 5 ص 163.

3 - ابن كثير، تفسير القرآن العظيم، ج 1 ص 450.

4 - شعبي: (متوفی 101 - 110)، عامر بن شراحيل، شعب همدان، ابو عمرو، یکی از علامه های اهل کوفه و از محدثین مشهور زمانش بود و در وسط خلافت عمر رضی الله عنه متولد گردید. مغطاي بن قليج بن عبد الله البكري المصري الحنفي، أبو عبد الله، علاء الدين (المتوفى: 762هـ)، إكمال تهذيب الكمال في أسماء الرجال، المحقق: أبو عبد الرحمن عادل بن محمد - أبو محمد أسامة بن إبراهيم، الناشر: الفاروق الحديثة للطباعة والنشر، الطبعة: الأولى، 1422 هـ - 2001 م، ج 7 ص 1128 - 129.

5 - ابن كثير، تفسير القرآن العظيم، ج 1 ص 450.

6 - {النساء، آیه 58}.

پس این آیت از جمله واضح ترین آیت در این بخش می باشد که متضمن تمام دین و احکام شرع می گردد و این که مخاطب در این آیت کیست؟ ظاهراً دیده می شود که این آیت عام است و شامل تمام مردم می گردد، پس این آیت شامل والی ها می گردد که برای شان امانات اند، از قبیل اموال و رد کردن حق ها به اصحاب شان، همان شکل که این امانات متضمن عدل حکومت است، همچنان این آیت شامل می گردد حفظ و نگهداری تمام اموال را که برخی نزد برخی دیگر می گزارند تا از آنها مواظبت نمایند، و غیره از امانت های مادی که حفظ و نگهداری آنها بالای انسانها واجب اند.⁽¹⁾

فرع دوم: امانت معنوی

برای این که مشخص گردد، امانت معنوی چیست؟ و کدام موارد را شامل می گردد، قرار ذیل بحث می گردد:

الف: تعریف امانت معنوی:

منظور و هدف از امانت معنوی: برخواستن و بجا نمودن حق الله متعال است، که بنام عبادات یاد می گردد و این نوع از امانت را بنام امانت عظمی و کبری نیز یاد می نمایند.⁽²⁾

در مورد الله متعال می فرماید: {وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ}.⁽³⁾

ترجمه: و من جن و انس را جز برای آنکه مرا بندگی و عبادت کنند، نیافریده ام.

همچنان از جمله امانت معنوی، عمل نمودن مطابق احکام دین است، که تمثیل آن در شریعت که الله متعال بالای رسول الله صلی الله علیه وسلم نازل نموده است، واضح شده است، طوری که الله متعال می فرماید: {ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ}.⁽⁴⁾

ترجمه: آن گاه تو را بر آئین و راه روشنی از دین قرار دادم، پس، از آن پیروی کن و از خواسته های آنان که نمی دانند پیروی مکن.

وجه استدلال از آیه: در این آیه الله متعال به پیروی از دین تأکید نموده است و پیروی از دین همان امانت معنوی است و پیروی از هوا و هوس همان خیانت در قسمت دین است.

1 - قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج 5 ص 245.

2 - الغزالی، خلق المسلم، ص 73. محسن العونی، مفاهیم الامانة في القرآن والسنة وأعمال المفسرين، القاهرة، الناشر: دارالمحور، 2003م، ص 58.

3 - {الذاریات، آیه 56}.

4 - {الجاثية، آیه 18}.

همچنان الله متعال به پیامبرش صلی الله علیه وسلم دستور می دهد، که مطابق احکام این دین حکم و داوری میان مردم را انجام بدهد و از هوا و هوس که جز تفریقه و پراگندگی چیزی دیگری را نمی آورد، پیروی نکند و این هم یک نوع از امانت معنوی است، طوری که الله متعال می فرماید: {وَأَنْ أَحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ} (1)

ترجمه: و در میان آنان طبق آنچه خدا به سوي تو فرستاده است حکم کن، و از خواست ها و آرزو هایشان پیروی مکن، و از آنان برحذر باش، مبدا که تو را از برخی چیزهایی که خدا بر شما نازل کرده است منحرف و دور کنند، پس اگر روی گردانند، بدان که خدا می خواهد آنها را به سبب پاره ای از گناهانشان دچار عذاب و مصیبت نماید، و بی گمان بسیاری از مردم سرپیچی می کنند.

برای يك مسلمان وقت که خالق خود را الله متعال می داند و شریعت خود را دین الله می داند، مناسب نیست که از تحکیم شریعت الله، در تمام امورات زندگی فاصله بگیرد، یا در یک بخش آن از قبیل بخش های اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و غیره فاصله بگیرد، در حال که الله متعال از این کار منع و تحذیر نموده است، در مورد الله متعال می فرماید: {أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنْ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ} (2)

ترجمه: آیا حکم جاهلیت را می جویند؟ و داوری چه کسی از (داوری) خدا بهتر است برای قومی که یقین دارند؟

به همین شکل، الله متعال سوگند یاد نموده است، که ایمان مردم کامل و تمام نمی گردد مگر بعد از این که خصومت شان را پیش رسول الله صلی الله علیه وسلم ببرند تا میان شان حل و فصل نمایند و از آنچه که رسول الله صلی الله علیه وسلم در امورات خورد و بزرگ شان فیصله نماید، راضی باشند، طوری که الله متعال می فرماید: {فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِي مَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا} (3)

ترجمه: اما، نه! به پروردگارت سوگند که آنان ایمان نمی آورند تا تو را در درگیری ها و اختلافات خود داور قرار ندهند، و سپس ملالی از داوری تو در دل خود نداشته و کاملاً تسلیم باشند.

1 - {المائدة، آیه 49}.

2 - {المائدة، آیه 50}.

3 - {النساء، آیه 65}.

أبو السعود (1) رحمه الله در تفسیرش پیرامون این آیت می گوید: (أي يقبلوا حكم الرسول بحب واستسلام كامل عن طواعية ورضا وهي الامانة). (2) ترجمه: یعنی حکم رسول صلی الله علیه وسلم را با محبت و تسلیمی کامل به شکل طاعات و رضایت قبول نمایند و این امانت است.

همچنان الله متعال می فرماید: {وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخَيْرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا}. (3)

ترجمه: و هیچ مرد و زن مؤمنی در کاری که خدا و پیغمبرش (در آن) داوری کرده باشند اختیاری از خود ندارند و کسی که از خدا و پیامبرش نافرمانی کند در گمراهی آشکاری گرفتار آمده است.

همچنان از جمله امانات معنوی امانت گفتاری است، یعنی الله متعال به انسان زبان را عنایت نموده است و این انسان تلاش نماید تا این نعمت پروردگار را بشکل درست و واقعی آن گشوده شود و از خیانت کردن بوسیله آن خود داری نماید، از همین جهت در حدیث شریف آمده است: عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- « الْمَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ إِلَّا ثَلَاثَةَ مَجَالِسَ سَفَكُ دَمٍ حَرَامٍ أَوْ فَرْجٍ حَرَامٍ أَوْ اقْتِطَاعِ مَالٍ بِغَيْرِ حَقٍّ ». (4)

ترجمه: از جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: باید امانت همه مجالس به جز مجالسی که برای خون ریزی، تجاوز ناموسی و غصب ستمگرانه اموال منعقد می گردند، رعایت شوند.

1 - أبو السعود: (898 - 982 هـ = 1493 - 1574 م)، محمد بن محمد بن مصطفی، عمادی، أبو السعود: مفسر، شاعر، از مشهورترین علمای ترک بود، در قسطنطنیه متولد گردید و صاحب تالیفات کثیره است از جمله: تفسیر أبي السعود، تحفة الطلاب وغيره می باشد. عبد الحي بن أحمد، عكري، دمشقي، شذرات الذهب في أخبار من ذهب، بيروت، دار النشر: دار الكتب العلمية، ج 8 ص 398.

2 - أبو السعود العمادي، محمد بن محمد بن مصطفی (المتوفى: 982هـ)، تفسیر أبي السعود = إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج 1 ص 544.

3 - {الاحزاب، آیه 36}.

4 - سنن أبي داود، ج 4 ص 419، رقم الحديث 4871. مناوی رحمه در تخریج این حدیث می گوید: این حدیث صحیح و اسنادش موثق است. محمد بن ابراهیم بن إسحاق السلمی المُنَاوِي ثم القاهري، الشافعي، صدر الدين، أبو المعالي (المتوفى: 803هـ)، كَشَفُ الْمَنَاهِجِ وَالتَّنَائِيحِ فِي تَخْرِيجِ أَحَادِيثِ الْمَصَابِيحِ، دِرَاسَةٌ وَتَحْقِيقٌ. د. مُحَمَّدُ إِسْحَاقُ مُحَمَّدُ إِبْرَاهِيمَ، الناشر: دار العربية للموسوعات، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، 1425 هـ - 2004 م، ج 4 ص 336، رقم الحديث 4075.

وجه استدلال از حدیث: صنعانی⁽¹⁾ رحمه الله می گوید: (الجلساء أمناء علی أحادیث بعضهم بعضًا لا یفشوا بها وأمناء علی جلسائهم یناصحونهم ولا یغشونهم).⁽²⁾

ترجمه: جلسه ها بنا بر سخنان بعضی با بعضی امانت است، این سخنان را افشاء نکنند و بر جلسات شان امین باشند، همدیگر شان را نصیحت نمایند و خیانت به همدیگر شان نکنند.

همچنان در حدیث دیگر آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْمُسْتَشَارُ مُؤْتَمَنٌ».⁽³⁾

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: مشوره دهنده امانت دار است.

وجه استدلال از این حدیث: در این حدیث واضح گردید که مشوره دهند امین است و باید درست و صحیح مشوره دهد، و اگر بشکل درست آن مشوره ندهد، خیانت زبانی کرده است، طوری که در حدیث شریف آمده است: «مَنْ أَفْتَى بِغَيْرِ عِلْمٍ كَانَ إِثْمُهُ عَلَى مَنْ أَفْتَاهُ وَمَنْ أَشَارَ عَلَى أَخِيهِ بِأَمْرٍ يَعْلَمُ أَنَّ الرُّشْدَ فِي غَيْرِهِ فَقَدْ خَانَهُ».⁽⁴⁾

1 - صنعانی: (1099 - 1182 هـ = 1688 - 1768 م)، محمد بن إسماعیل بن صلاح بن محمد حسنی، کحلانی، صنعانی، أبوإبراهیم، عز الدین، یکی از مجتهدین در فقه و از محدثین جهان اسلام بشمار می رود، از بیت الامامه یمن است، و نشأت و وفات او در صنعاء شده است، بیش از صد تالیف دارد، از جمله توضیح الأفكار، شرح تنقیح الأنظار دارای دو جلد، سبل السلام، شرح بلوغ المرام من أدلة الأحكام لابن حجر العسقلانی وغیره. فهرس الفهارس، ج 1 ص 387. محمد بن علی بن محمد بن عبد الله الشوکانی الیمینی (المتوفی: 1250 هـ)، البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع، الناشر: دار المعرفة - بیروت، ج 2 ص 133.

2 - محمد بن إسماعیل بن صلاح بن محمد الحسنی، الکحلانی ثم صنعانی، أبو إبراهیم، عز الدین، المعروف كأسلافه بالأمریر (المتوفی: 1182 هـ)، التَّنْوِيرُ شَرْحُ الْجَامِعِ الصَّغِيرِ، المحقق: محمّد إسحاق محمّد إبراهیم، الناشر: مكتبة دار السلام، الرياض، الطبعة: الأولى، 1432 هـ - 2011 م، ج 10 ص 465.

3 - سنن ابوداود، ج 7 ص 446 رقم الحدیث 5128. سنن ابن ماجه، ج 2 ص 1233 رقم الحدیث 3745. متقی الهندی در تخریج این حدیث می گوید: این حدیث صحیح است. علاء الدین علی بن حسام الدین ابن قاضی خان القادری الشاذلی الهندی البرهانفوری ثم المدنی فالمکی الشهیر بالمتقی الهندی (المتوفی: 975 هـ)، كنز العمال في سنن الأقبوال والأفعال، المحقق: بكری حیانی - صفوة السقا، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الطبعة الخامسة، 1401 هـ/1981 م، رقم الحدیث 7190.

4 - أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة بن عبد الملك بن سلمة الأزدي الحجري المصري المعروف بالطحاوي (المتوفی: 321 هـ)، شرح مشكل الآثار، تحقيق: شعيب الأرناؤوط، الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة: الأولى - 1415 هـ، 1494 م، رقم الحدیث 410. شیخ مزى رحمه الله این حدیث را حسن و قابل استدلال می داند. جمال الدین أبو الحجاج یوسف بن عبد الرحمن المزی (المتوفی: 742 هـ)، تحفة الأشراف بمعرفة الأطراف، المحقق: عبد الصمد شرف الدین، طبعة: المكتب الإسلامی، والدار القیمة، الطبعة: الثانية: 1403 هـ، 1983 م، رقم الحدیث 14611.

ترجمه: کسانی که جواب فتوایشان را از مفتیان بی علم دریافت می کنند گناهشان بر مفتیان است و شخصی که کاری را برای برادرش مشوره دهد و در حالی که رشد و موفقیت را در غیر آن کار می بیند، براستی که خیانت کرده است.

وجه استدلال از این حدیث: در این حدیث واضح و آشکار گردید، در صورتی که یک شخص در مشوره دادن برای برادرش مشوره نادرست بدهد، این شخص خیانت کرده است، بنابراین، مشوره به زبان صورت می گیرد باید این امانت معنوی را تماماً معنا درک کرد و در آن نباید خیانت کرد.

خلاصه: امانت معنوی شامل تمام بخش های زندگی مسلمانان از قبیل بخش های، عقیدتی، عبادتی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، اخلاقی، گفتاری و غیره می گردند، حتی کلمه طیبیه، نماز، روزه و أمثال آنها امانت است، و مسلمانان مکلف است تا تمام این ها را مراعات نمایند و از هر نوع خیانت معنوی که باعث ذلت و خواری دنیا و آخرت شان می گردند، خود داری نمایند و بهترین رفعت و جایگاه وقت نصیب مسلمانان می گردند، که در تمام عرصه های زندگی شان مطابق دستور الله متعال و عملکرد پیامبر صلی الله علیه وسلم گام بردارند و الله متعال را در هر جا و هر وقت ناظر بر احوال شان بدانند و تنها راه موفقیت را، مسیر و راهی رسول الله علیه وسلم بدانند.⁽¹⁾

1 - محسن العونی، مفاهیم الامانة في القرآن والسنة وأعمال المفسرين، ص 65.

فصل دوم

جایگاه امانت و موارد آن در قرآن و حدیث

این فصل دارای دو مبحث است، که این دو مبحث قرار ذیل است:

مبحث اول: جایگاه امانت در قرآن و حدیث

مبحث دوم: موارد امانت در قرآن و حدیث

مبحث اول

جایگاه امانت در قرآن و حدیث

این مبحث دارای مطالب ذیل است:

مطلب اول: جایگاه امانت در قرآن کریم

مطلب دوم: جایگاه امانت در حدیث شریف

مطلب اول: جایگاه امانت در قرآن کریم

امانت داری در اسلام از فضیلت و جایگاه بسیار بزرگ برخوردار است، که از جمله می توان گفت: امانت را تنها انسان حمل کرد، امانت عین ایمان، امانت صفت ملائیکه، امانت صفت انبیاء و امانت در اعمال مفسرین قرآن است، که تفصیل هر کدام شان قرار ذیل اند:

فرع اول: امانت را تنها انسان حمل میکند

الله متعال برای ضخامت و بزرگی امانت مثال بیان نموده است و واضح ساخته است که حمل آن را بجز از انسان، دیگران عاجز ماندند، بنابراین، برای انسان مناسب نیست تا امانت را به نظر حقیر و خوار ببیند و یا هم در حق امانت تفریط نماید، الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾. (1) ترجمه: ما فرایض و تکالیف شرعی را به آسمانها، زمین و کوه ها عرضه داشتیم آنها بنا بر سنگینی و شدت این بار امانت از حمل آن خود داری کردند و انسان آن را حمل نمود و بطور قطع انسان بر خویشتن بسیار ستم روا می دارد و نسبت به عواقب امور بسیار نا آگاه است.

در مورد این که مراد از امانت در این آیه چیست؟ ابن عباس رضی الله عنه می گوید: (أَرَادَ بِالْأَمَانَةِ الطَّاعَةَ وَالْفَرَائِضَ الَّتِي فَرَضَهَا اللَّهُ عَلَى عِبَادِهِ، عرضها على السموات والأرض والجبال على أنهم إن أدوها أثابهم وإن ضيعوها عذبهم). (2)

ترجمه: مراد از امانت: طاعت و فرایض است که الله متعال بالای بنده هایش فرض نموده است، این امانت را الله متعال بر آسمانها، زمین و کوه ها عرضه نمود، بر این مبنا که اگر آنها اداء نمایند، ثواب می گیرند و اگر ضایع نمودند، عذاب شان می دهد.

برخی از مفسرین می گویند: (أَرَادَ بِالْأَمَانَةِ الْغُسْلُ مِنَ الْجَنَابَةِ. وَقَالَ مَالِكٌ، عَنْ زَيْدِ بْنِ أَسْلَمَ قَالَ: الْأَمَانَةُ ثَلَاثَةٌ: الصَّلَاةُ، وَالصَّوْمُ، وَالْإِغْتِسَالُ مِنَ الْجَنَابَةِ). (3) ترجمه: مراد از امانت غسل از جنابت است و امام مالک رحمه الله از زید ابن اسلم (1) نقل می کند که فرمود: مراد از امانت سه چیز است: نماز، روزه و غسل کردن از جنابت.

1- {الاحزاب، آیه 72}.

2- الحسين بن مسعود البغوي، معالم التنزيل في تفسير القرآن = تفسير البغوي، ج 6 ص 380.

3- ابن كثير، تفسير القرآن العظيم، ج 6 ص 489.

امام قتاده (2) رحمه الله می گوید: (الْأَمَانَةُ: الدِّينُ وَالْفَرَائِضُ وَالْحُدُودُ). (3) ترجمه: مراد از امانت: دین، فرایض و حدود است.

ابن کثیر (4) رحمه الله پیرامون این اقوال چنین می گوید: (وَكُلُّ هَذِهِ الْأَقْوَالِ لَا تَنَافِي بَيْنَهَا، بَلْ هِيَ مُتَّفَقَةٌ وَرَاجِعَةٌ إِلَى أَنَّهَا التَّكْلِيفُ، وَقَبُولُ الْأَوَامِرِ وَالنَّوَاهِي بِشَرْطِهَا، وَهُوَ أَنَّهُ إِنْ قَامَ بِذَلِكَ أُتِيبَ، وَإِنْ تَرَكَهَا عُوقِبَ، فَقَبَلَهَا الْإِنْسَانُ عَلَى ضَعْفِهِ وَجَهْلِهِ وَظُلْمِهِ، إِلَّا مَنْ وَفَّقَ اللَّهُ). (5)

ترجمه: تمام این اقوال میان هم منافات ندارند، بلکه این اقوال با هم متفق و به این امر بر می گردد که امانت به معنای تکلیف است و قبول اوامر و نواهی شرط آن است و اگر به این تکلیف برخیزند و انجام دهند، ثواب داده می شوند و اگر ترک نمایند، عذاب داده می شوند، سپس این امانت را انسان با وجود ناتوانی، جهل و ظلم که داشت قبول نمود، مگر کسی را که الله متعال برایش توفیق نصیب سازد.

امام غزالی رحمه الله می گوید: والظلم والجهل آفتان عرضتا للفطرة الأولى ، وبُلي الإنسان بجهدهما فإذا انتصر على الظلم والجهل كان على حمل الأمانة أقدر. (6)

ترجمه: ظلم و جهل دو آفتی بود که برای انسان از فطرت اولی عرضه گردید و انسان با این دو آفت مورد

آزمایش قرار می گیرد، پس اگر بر علیه ظلم و جهل موفق و پیروز گردید، در این صورت بر حمل امانت هم قدرت مند تر می گردد.

1- زَيْدُ بْنُ أَسْلَمَ: (136 هـ = 753 م) زيد بن أسلم، عدوي، عمري، أبو أسامة، یکی از فقهاء و مفسر و از اهل مدینه منوره بود، یک شخص ثقه و متقن بود، زیاد حدیث از زبانش روایت شده است و در داخل مسجد نبوی حلقه درسی تفسیر و حدیث داشت و کتاب تفسیر هم داشت. أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر أبو الفضل العسقلاني (المتوفى: 852هـ)، تهذيب التهذيب، الناشر: مطبعة دائرة المعارف النظامية، الهند، الطبعة: الطبعة الأولى، 1326هـ، ج 3 ص 395.

2- امام قتاده: (61 - 118 هـ = 680 - 737 م)، قتاده بن دعامة بن قتاده بن عزيز، أبو الخطاب سدوسي، بصري، یکی از حافظان و مفسر مشهور قرآن و محدث بود، از اهل بصره بود، در لغت و مفردات عربی، نسب شناسی نظیر نداشت، شب قدر را می دید و در حدیث برخی وقت تدلیس می کرد و بوسیله مرض طاعون در بصره وفات نمود. شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبي (المتوفى: 748هـ)، تذكرة الحفاظ، الناشر: دار الكتب العلمية بيروت-لبنان، الطبعة: الأولى، 1419هـ-1998م، ج 1 ص 115.

3- ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج 6 ص 489.

4 - ابن کثیر: إسماعيل بن عمر بن كثير بن ضوء بن كثير بن درع، قرشي، أموي، بصروي، شافعي، شيخ عماد الدين، معروف به ابن كثير صاحب تفسير القرآن العظيم وتاريخ البدايه والنهائيه می باشد، در سال 701هـ متولد گردید و در سال 774هـ در دمشق وفات یافت. أبو بكر بن أحمد بن محمد بن عمر بن قاضي شهبة، طبقات الشافعية - لابن قاضي شهبة، دار النشر: عالم الكتب - بيروت، الطبعة: الأولى، 1407هـ، ج 3 ص 85.

5- ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج 6 ص 489.

6- الغزالی، خلق المسلم، ص 46-53.

فرع دوم: امانت عین ایمان است

همچنان از فضیلت دیگری امانت آن است، که امانت انسان را به مراعات کردن حقوق دیگران دعوت می کند و هم انسان را از کارهای خسیس و بیهوده نگاه می دارد و امانت در وجود انسان به این مثابه وقتی می رسد که در وجدان او مستقر گردد و آن عین ایمان است، طوری که در حدیث شریف آمده است: **عَنْ حُدَيْفَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَدِيثَيْنِ، رَأَيْتُ أَحَدَهُمَا وَأَنَا أَنْتَظِرُ الْآخَرَ: حَدَّثَنَا: «أَنَّ الْأَمَانَةَ نَزَلَتْ فِي جَذْرِ قُلُوبِ الرِّجَالِ، ثُمَّ عَلِمُوا مِنَ الْقُرْآنِ، ثُمَّ عَلِمُوا مِنَ السُّنَّةِ» وَحَدَّثَنَا عَنْ رَفِعِهَا قَالَ: " يَنَامُ الرَّجُلُ النَّوْمَةَ، فَتَقْبِضُ الْأَمَانَةُ مِنْ قَلْبِهِ، فَيَظِلُّ أَثَرُهَا مِثْلَ أَثَرِ الْوَكْتِ، ثُمَّ يَنَامُ النَّوْمَةَ فَتَقْبِضُ فَيَبْقَى أَثَرُهَا مِثْلَ الْمَجْلِ، كَجَمْرِ دَحْرَجْتَهُ عَلَى رِجْلِكَ فَتَنْفِطُ، فَتَرَاهُ مُنْتَبِرًا وَلَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ، فَيُصْبِحُ النَّاسُ يَتَّبِعُونَ، فَلَا يَكَادُ أَحَدٌ يُؤَدِّي الْأَمَانَةَ، فَيَقَالُ: إِنَّ فِي بَنِي فُلَانٍ رَجُلًا أَمِينًا، وَيَقَالُ لِلرَّجُلِ: مَا أَعْقَلَهُ وَمَا أَظْرَفَهُ وَمَا أَجْلَدَهُ، وَمَا فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ حَبَّةِ خَرْدَلٍ مِنْ إِيْمَانٍ " وَلَقَدْ أَتَى عَلِيَّ زَمَانٌ وَمَا أَبَالِي أَيْكُمْ بَايَعْتُ، لَئِنْ كَانَ مُسْلِمًا رَدَّهُ عَلَيَّ الْإِسْلَامَ، وَإِنْ كَانَ نَصْرَانِيًّا رَدَّهُ عَلَيَّ سَاعِيهِ، فَأَمَّا الْيَوْمَ: فَمَا كُنْتُ أَبَايَعُ إِلَّا فُلَانًا وَفُلَانًا».** (1)

ترجمه: از حذیفه بن الیمان رضی الله عنه روایت شده که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم دو حدیث را برای ما بیان فرمود که یکی از آنها را به چشم خود مشاهده کردم و منتظر دومی می باشم. فرمود: امانت و درستکاری (امری است فطری) که خداوند آن را در اعماق قلب مردم قرار داده است، و قرآن و حدیث هم آن را به مردم یاد داده اند. (پس مردم هم از طریق فطری و هم از طریق شرعی بر اهمیت آن آگاه هستند.) پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - در مورد از بین رفتن امانت نیز برای ما بحث کرد و فرمود: گاهی انسان می خوابد و وقتی که بیدار می شود می بیند که امانت و درستکاری و ایمان از قلبش برداشته شده است، همین که نور امانت در دلش خاموش شد لکه سیاهی در آن ظاهر می شود همانگونه که در جامه سفید لکه سیاه پدید می گردد، بار دیگر که خوابید آثار باقی مانده نور امانت و درستکاری به تمامی از قلبش برداشته می شود و ظلمت و تاریکی بیشتری بر قلب او مسلط می گردد و آثار آن بر قلب ظاهر می شود همانگونه که آبله ها در اثر فشار و کار بر روی پا ظاهر می گردند و می بینی که پوست آن ورم کرده ولی تو خالی است. (یعنی تاریکی بر روی قلب اثری بیشتر به جا می گذارد) آنگاه مردم با هم به معامله و داد و ستد می پردازند و هیچ يك امانت را رعایت نمی کنند (و کار به جایی می رسد که انسان امین انگشت نما می شود) و گفته

1 - محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، صحيح البخاري، المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، الناشر: دار طوق النجاة، الطبعة: الأولى، 1422هـ، رقم الحديث 6497. مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري (المتوفى: 261هـ)، صحيح مسلم، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، رقم الحديث 143.

می شود در بین فلان طایفه يك نفر امین وجود دارد، و مردم از او تعریف و تمجید می نمایند. مثلاً می گویند: فلانی عجب انسان عاقل و باظرافت و بردباری می باشد! گر چه این مرد نیز به اندازه ذره ای ایمان در دلش موجود نیست. حذیفه رضی الله عنه می گوید: زمانی بود به هر کس که می رسیدم با او معامله می کردم (چون افراد امین زیاد بودند و به مردم اطمینان داشتم درباره درستی آنان تحقیق نمی کردم) چون کسی که با او معامله می کردم یا مسلمان بود و اسلام و ایمانش او را وادار می ساخت که امانت را در حق من رعایت کند، و یا نصرانی بود و حاکم او را ملزم به رعایت امانت نسبت به من می کرد، ولی امروز (به علت عدم رعایت امانت و کثرت خیانت) جز با افراد معدودی مانند فلان شخص و فلان شخص معامله نمی کنم.

وجه استدلال از این حدیث: امام طیبی رحمه الله پیرامون این حدیث می گوید: (الأمانة في الحديث هي الأمانة المذكورة في قوله تعالى: {إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ} الآية وهي عين الإيمان).¹

ترجمه: امانت در حدیث همان امانتی است که در این قول الله متعال تذکر داده شده است: {إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ...}.⁽²⁾

ترجمه: ما فرائض و تکالیف شرعی را به آسمانها، زمین و کوه ها عرضه داشتیم.

و آن عین ایمان است.

فرع سوم: امانت داری صفت اساسی مؤمن

دین مقدس اسلام عمل کردن به امانت را بر مسلمانان فرض ساخت، پس شخصی که امین است، آن شخص مطیع و فرمانبردار پروردگارش و هم ملتزم به تطبیق شریعت اسلام است و هم ادای امانت دلیل بر زیادت ایمان شخص است، از همین جهت مردم از شر او آرام می گردد و از خونها و اموال شان در امان می شوند و این همان مؤمن است، طوری که در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ النَّاسُ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ، وَالْمُؤْمِنُ مَنْ أَمِنَهُ النَّاسُ عَلَى دِمَائِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ». (3)

1 - شرف الدين الحسين بن عبد الله الطيبي (743هـ)، شرح الطيبي على مشكاة المصابيح المسمى بـ (الكاشف عن حقائق السنن)، المحقق: عبد الحميد هنداوي، الناشر: مكتبة نزار مصطفى الباز (مكة المكرمة - الرياض)، الطبعة: الأولى، 1417 هـ - 1997 م، ج 11 ص 3402.

2 - {الاحزاب، آیه 72}.

3 - مسند الإمام أحمد بن حنبل، رقم الحديث 8931. ابن حجر رحمه الله می گوید: سند این حدیث صحیح است. شهاب الدين أبي الفضل بن حجر العسقلاني، مختصر زوائد مسند البزار على الكتب الستة ومسند أحمد، المحقق: صبري عبد الخالق أبو ذر، الناشر: مؤسسة الكتب الثقافية بيروت، الطبعة: الأولى 1412 هـ، 1992 م، رقم الحديث 790.

ترجمه: از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: مسلمان کسی است که مردم از شر زبان و دستش سالم باشد و مؤمن کسی است که خونها و اموال مردم از شر او در امان باشد.

وجه استدلال از این حدیث: ملا علی القاری در شرح این حدیث می گوید: (وَالْمُؤْمِنُ) أَيِ الْكَامِلُ (مَنْ أَمَنَهُ النَّاسُ) : كَعَلِمَهُ أَيِ انْتَمَنَهُ، يَعْنِي جَعَلُوهُ أَمِينًا وَصَارُوا مِنْهُ عَلَى أَمْنٍ (عَلَى دِمَائِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ) لِكَمَالِ أَمَانَتِهِ وَدِيَانَتِهِ، وَعَدَمِ خِيَانَتِهِ. (1)

ترجمه: (مؤمن) یعنی مؤمن کامل (کسی است که مردم از شر او در امان باشد) مثل علم بر این که او امین است، یعنی مردم او را به عنوان امین گردانیده اند و از او در امان گردیده اند (بر خون ها و اموال شان) از جهت کامل بودن امانت، دیانت و عدم خیانت او.

فرع چهارم: امانت صفت ملائکه

الله متعال برای مراعات کننده گان امانت، وعده اجر و ثواب بزرگ و ستایش عظیم کرده است، اما تمام ملائکه به ادای امانت بشکل کامل قایم هستند، زیرا آنها نافرمانی الله متعال را نمی کنند و همان عملی را انجام می دهند که به آنان دستور داده شده است و هم آنها از انجام اعمال خیر بشکل که الله متعال دوست می دارد و از آن اعمال راضی می گردد خوشحال می شوند، الله متعال در مورد می فرماید: {... لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ}. (2)

ترجمه: هیچ گاهی از خداوند نافرمانی نمی کنند و در اجرای فرامین خداوند تأخیر نمی ورزند.

بنابراین، ملائکه با عبادت کامل بسوی پروردگار شان می شتابند و از اوامر الله متعال یک لحظه مخالفت

نمی کنند و با آنچه که امر شده اند بدون تأخیر اداء می کنند و آنها بر اجراء اعمال قادر هستند و برای آنها عاجزی از ادای فعل رخ نمی دهند. (3)

الله متعال می فرماید: {عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ * لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهٖ يَعْمَلُونَ}. (4)

1 - ملا علی القاری، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ج 1 ص 107.

2 - {التحریم، آیه 6}.

3 - وهبة بن مصطفى الزحيلي، التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، الناشر: دار الفكر المعاصر - دمشق، الطبعة: الثانية، 1418 هـ، ج 28 ص 317 - 318.

4 - {الانبياء، آیه 27}.

ترجمه: آنان بر گزیده خداوند اند که نزد او تعالی دارای مقامات عالی اند و مطیع فرمانبردارند، آنان حرف جز حرف خداوند نگویند و بگونه بندگان مؤدب فرمانبردار خداوند اند و از دستور او سرپیچی نمی کنند.

همچنان الله متعال در مورد شان می فرماید: **{يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ}**.⁽¹⁾

ترجمه: و از جلال و عظمت خداوند بیم دارند و پیوسته اوامر او را بجا می آورند.

با این حال امانت از صفات ملائیکه است، مخصوصاً از صفت جبرئیل علیه السلام که قرآن کریم را بر قلب پیامبر امین محمد صلی الله علیه وسلم نازل نمود، الله متعال در موردش می فرماید: **{وَإِنَّهُ لَنَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ * نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ * بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ}**.⁽²⁾

ترجمه: این قرآن معجز از جانب پروردگار جهانیان فرستاده شده است، آن را حضرت جبرئیل، امین آسمانها بر قلب تو فرستاده تا آن را حفظ کنی و به وسیله آیات آن تکذیب کننده گان را بیم بدهی، این قرآن به زبان عربی فصیح که زبان قریش است نازل شده است تا عذری برای آنان نماند.

امام طبرانی³ رحمه الله در تفسیر این آیه **{ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ }**.⁽⁴⁾ می گوید: (أَي نَزَلَ اللَّهُ جِبْرِيْلَ بِالْقُرْآنِ وَهُوَ أَمِينٌ).⁽⁵⁾

ترجمه: یعنی الله متعال جبرئیل را همراهی قرآن نازل کرد، در حالی که جبرئیل یک شخص امین بود.

همچنان الله متعال جبرئیل امین علیه السلام را به شخص امین و امانت دار توصیف کرده است، طوری که می فرماید: **{مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ}**.⁶

ترجمه: در عالم بالا فرشتگان از وی فرمان می برند و در رسانیدن وحی بر پیامبران امین است.

1 - {النحل، آیه 50}.

2 - {الشعراء، آیه 192-195}.

3 - طبرانی: أبو القاسم سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير، لخمي، طبراني، یکی از مفسرین، محدثین و فقیه زمانش بود، در سال 260 هجری قمری در طبریه شام متولد گردید، سپس به اصفهان آمد و در آنجا گزید تا این که در سال 360 هجری به عمر 100 سالگی وفات یافت، دارای تالیفات کثیره بود، از جمله: المعجم الكبير، المعجم الأوسط، المعجم الصغير، تفسیر القرآن العظيم وغيره. أبو العباس شمس الدين أحمد بن محمد بن إبراهيم بن أبي بكر ابن خلکان البرمکی الإربلي (المتوفى: 681هـ)، وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان، المحقق: إحسان عباس، الناشر: دار صادر - بيروت، الطبعة: 0، 1900م، ج 2 ص 407.

4 - {الشعراء، آیه 193}.

5 - سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى: 360هـ)، تفسیر القرآن العظيم المنسوب للإمام الطبراني، دار النشر: مكتبة ابن تيمية - القاهرة، الطبعة: الثانية، ج 6 ص 6.

6 - {التكوير، آیه 21}.

وجه استدلال از آیه: امام ابن کثیر رحمه الله می گوید: فقله تعالی: [أَمِين] صفة لجبریل بالأمانة، ووصف عظیم من الله رب العالمین بأن زکی عبده ورسوله الملائکی جبریل علیه السلام، كما زکی عبده محمد صلی الله علیه وسلم بهذا الخلق الرفیع. (1)

ترجمه: پس قول الله متعال { أَمِين } صفت برای جبرئیل بوسیله امانت است، این یک توصیف عظیم و بزرگ است از جانب الله که پروردگار عالمیان است، بشکل که بنده و رسولش جبرئیل ملک علیه السلام را تزکیه نموده است، همان طوری که بنده اش محمد صلی الله علیه وسلم با این خصلت بلند مرتبه تزکیه نموده است.

فرع پنجم: امانت صفت انبیاء

امانت شرط اساسی برای برگزیدن پیامبران الهی و از بارزترین اخلاق شان بود، پس اگر آنها امین بر قوم شان نمی بودند و یا هم حریص به هدایت و ارشاد مردم نمی بودند، هر آینه الله متعال امانت شان را که وظیفه رسالت برای هدایت مخلوقاتش بود به آنها واگذار نمی کرد، الله متعال تمام پیامبران خود را که به سوی مردم ارسال نموده است، این صفت را داشتند و خودشان این صفت را به مردم اقرار و اعتراف می کردند، طوری که الله متعال حکایت از موسی علیه السلام می کند: {... وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ * أَنْ أَدُوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ}. (2)

ترجمه: پیامبر بزرگواری از لحاظ نسب و حسب گرامی ترین بندگان خدا بحساب می آمد، موسی کلیم الله به سراغ آنان آمد، بدانان گفت: بندگان خدا را از شکنجه رها کنید و به من واگذارید، من پیامبری امانتدار در مسأله وحی و خیرخواه شما هستم، حرف هایم را پذیرا شوید.

همچنان الله متعال در باره هود علیه السلام می فرماید: {أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ}. (3)

ترجمه: و من اوامر خدا را بشما ابلاغ می دارم و در این دعوت دلسوز و خیرخواه شما هستم و در آنچه می گویم یکرنگ و امانت دار هستم.

وجه استدلال از این آیه: ابن کثیر رحمه الله پیرامون تفسیر این آیه می گوید: (أي إني رسول من الله إليكم أمين فيما بعثني به ، أبلغكم رسالات ربي ولا أزيد عليها ولا أنقص ومأمور على تبليغ هذه الرسالة). (1)

1 - تفسير القرآن العظيم ، لابن كثير ، ج 3 ص 615.

2 - {الدخان، آیه 17 - 18}.

3 - {الاعراف، آیه 68}.

ترجمه: یعنی من از جانب الله رسول بسوی شما هستم، در آنچه مبعوث شده ام امین هستم و من اوامر خدا را بشما ابلاغ می دارم، نه از آن زیاد و نه کم می کنم و بر تبلیغ این رسالت مأمور گردیده ام. تعداد از پیامبران الهی که به امانت توصیف گردیده اند و قرآن کریم از آنها یاد آوری کرده است، قرار ذیل اند:

1- نوح علیه السلام

نوح علیه السلام مدتی زیادی را در بین قوم شان سپری کرد و آنها را دعوت بسوی عبادت الله متعال که پروردگار عالمیان است می داد، ولی با نوح علیه السلام جز تعداد اندک، اکثریت شان ایمان نیآوردند، الله متعال می فرماید: { كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ (105) إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ (106) إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (107) فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (108) وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (109) }. (2)

ترجمه: قوم نوح پیامبر شان را تکذیب کردند، بدانگاه که برادرشان نوح بدیشان گفت: آیا در پرستش بتان از عذاب خداوند نمی ترسید؟ من برای شما خیرخواه و امین هستم، از عذاب خدا بترسید و از امر من فرمان برید و در برابر تبلیغ خود پاداشی از شما نمی خواهم، پاداش خود را جز از خداوند از کسی نمی خواهم.

نوح علیه السلام قومش را به وعظ، نصیحت و ارشاد با زبان خودشان دعوت می کرد و از عذاب الله متعال بیم می داد و بسوی رحمت و رضایت الله متعال فرا می خواند، الله متعال در مورد می فرماید: { قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ * قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ * أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ }. (3)

ترجمه: اشراف قوم او گفتند: ما تو را بدور از حق و در گمراهی آشکار می بینیم، نوح علیه السلام گفت: ای قوم من! من گمراه نیستم اما من فرستاده پروردگار شما هستم که مالک امور و مراقب احوال شماست، پیام خدا را بشما ابلاغ می کنم و خیرخواه شما هستم و برخی از امور غیبی را که شما نمی دانید، من می دانم.

1 - تفسیر القرآن العظیم ، لابن کثیر، ج 3 ص 356.

2 - {الشعراء، آیه 105 - 109}.

3 - {الاعراف، آیه 60 - 62}.

امام فخر رازی(1) در تفسیر این آیه {أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ} می گوید: (وَالْمَعْنَى: أَنِّي أَبْلَغُ إِلَيْكُمْ تَكْلِيفَ اللَّهِ ثُمَّ أُرْشِدُكُمْ إِلَى الْأَصْوَابِ الْأَصْلَحِ وَأَدْعُوكُمْ إِلَى مَا دَعَانِي وَأُحِبُّ إِلَيْكُمْ مَا أَحْبَبَهُ لِنَفْسِي). (2)

ترجمه: معنا: من تکالیف الهی را به شما ابلاغ می کنم، سپس شما را برای رسیدن اعمال صالح رهنمای می کنم و شما را بسوی چیزی که مرا دعوت نمود، دعوت می کنم و دوست دارم به شما آنچه را که برای خود دوست دارم.

یعنی نوح علیه السلام قوم خود را مخاطب قرار داد و فرمود: ای قوم من! من گمراه نیستم طوری که شما گمان دارید، بلکه من رسول از طرف پروردگار عالمیان هستم، پیام خدا را بشما ابلاغ می کنم و من برای شما شخص نصیحت کننده و امانت دار هستم، تا برای شما صلاح و نیک بختی بیاید و از بدبختی و شقاوت

دور گردید و الله برای من چیزی را تعلیم داده است که شما نمی دانید. (3)

2- هود علیه السلام

هود علیه السلام قومش را که بنام عاد یاد می گردید بسوی عبادت الله یکتا دعوت داد و از پرستش بت ها ممانعت کرد، طوری که الله متعال حکایت می کند: { كَذَّبَتْ عَادَ الْمُرْسَلِينَ (123) إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُوْدٌ أَلَا تَتَّقُونَ (124) إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (125) فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (126) وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ (127) }. (4)

ترجمه: قوم عاد پیامبران شان را تکذیب کردند، بدانگاه که برادرشان هود بدیشان گفت: آیا در پرستش بتان از عذاب خداوند نمی ترسید؟ من برای شما خیرخواه و امین هستم، از عذاب خدا بترسید و از امر من فرمان برید و در برابر تبلیغ خود پاداشی از شما نمی خواهم، پاداش خود را جز از پروردگار عالمیان از کسی نمی خواهم.

1 - فخر رازی: (544 - 606 هـ = 1150 - 1210 م)، محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين، تیمی، بکری، أبو عبد الله، فخر الدین، رازی، یکی از امامان مفسرین در زمانش بود، اصلش از طبرستان و تولدش در ری شده است، از همین جهت برایش ابن خطیب الری گفته می شد، در هرات وفات نمود، دارای تالیفات زیاد است از جمله: مفاتیح الغیب، لوامع البینات فی شرح أسماء الله تعالی والصفات، معالم أصول الدین وغیره. عبد الرحیم بن الحسن بن علی الإسنوی الشافعی، أبو محمد، جمال الدین (المتوفی: 772 هـ)، طبقات الشافعیة، تحقیق: کمال یوسف الحوت، بیروت، الناشر: دار الکتب العلمیة، الطبعة: الأولى 2002م، ج 5 ص 33.

2 - محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التیمی أبو عبد الله الرازی الملقب بفخر الدین الرازی خطیب الری (المتوفی: 606 هـ)، مفاتیح الغیب = التفسیر الکبیر، الناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، الطبعة: الثالثة - 1420 هـ، ج 14 ص 297.

3 - عقیف عبد الفتاح طبارة، مع الأنبياء فی القرآن الکریم، دار العلم للملایین، بیروت، لبنان، الطبعة: 15، 1985م، ص 63.

4 - {الاعراف، آیه 65}.

این دعوت های پیهم هود علیه السلام به مردم عاد تاثیر پذیر نگردید، حتی هود علیه السلام را تحقیر و توهین کردند و به سفاهت، دروغ و خیانت توصیف کردند، ولی هود علیه السلام این تهمت نادرست و باطل شان را رد نموده و برای شان می گفت: من رسول از جانب پروردگار هستم و پیام الله متعال را بشما ابلاغ می کنم و من یک نصیحت کننده امانت دار هستم.(1)

الله متعال در مورد می فرماید: {قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ * قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ * أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ}.(2)

ترجمه: اشراف و رؤسای قوم او گفتند: ما تو را دچار بیخردی و ابلهی می بینیم و ما تو را در ادعای رسالت دروغگو می پنداریم، هود گفت: ای قوم من! هیچگونه کم خردی در من نیست ولی من هدایتی را از جانب پروردگار جهانیان بشما آورده ام و من اوامر خدا را بشما ابلاغ می دارم و در این دعوت دلسوز و خیرخواه شما هستم و در آنچه می گویم امین هستم.

ابن قیم جوزی(3) رحمه الله در تفسیر این جزء از آیه {وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ} می گوید: (امین علی الرسالة. وقيل: كنت فيكم أميناً قبل اليوم).(4)

ترجمه: امانت دار بر رسالت خود هستم، و گفته شده است: من در بین شما پیش از امروز امانت دار بودم.

صالح علیه السلام

الله متعال پیامبرش صالح علیه السلام را بسوی قوم ثمود روان کرد، صالح علیه السلام مردم ثمود را به عبادت الله متعال و ترک پرستش بت دعوت نمود و این که الله متعال را که ذات یکتا و بی همتا

1 - تفسیر البیضاوی، ج 1 ص 210.

2 - {الاعراف، آیه 66 - 68}.

3 - ابن قیم، محمد بن ابی بکر بن ایوب بن سعد بن حریز الرزعی دمشقی، شمس الدین ابو عبد الله، الجوزیه، الحنبلی (691-751)، یکی از بزرگترین شاگردان ابن تیمیه رحمه الله بود، در فقه و علم در عصرش بی نظیر و حنبلی مذهب بود، تألیفات زیاد کرده است از جمله: تهذیب سنن ابی داود، سفر الهجرتین و باب السعادتین، و غیره. ولید بن حُسَیْنِ بن بَدَوِي بن مُحَمَّدِ الْأُمَوِي، معجم أصحاب شیخ الإسلام ابن تیمیه، بیروت، الناشر: دارالفکر، 1430 هـ، ج 1 ص 136. السلامی، زین الدین عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، البغدادي، ثم الدمشقي، الحنبلي (المتوفى: 795 هـ)، ذیل طبقات الحنابلة، المحقق: عبد الرحمن بن سليمان العثيمين، الناشر: مكتبة العبيكان - الرياض، الطبعة: الأولى، 1425 هـ - 2005 م، ج 5 ص 171.

4 - جمال الدین أبو الفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد الجوزي (المتوفى: 597 هـ)، زاد المسیر في علم التفسیر، المحقق: عبد الرزاق المهدي، الناشر: دار الكتاب العربي - بيروت، الطبعة: الأولى - 1422 هـ، ج 2 ص 133.

است عبادت کنند، الله متعال در مورد می فرماید: {إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ * إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا * وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ * أَنْتَرَكُونَ فِي مَا هَاهُنَا آمِنِينَ * فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ * وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ * وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَارِهِينَ * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا}. (1)

ترجمه: بدانگاه که صالح علیه السلام بدانان گفت: آیا از عذاب و انتقام الهی نمی ترسید که جز او را پرستش می کنید! من برای شما پیامبر امین هستم، از خدا بترسید و از من اطاعت کنید، من در برابر تبلیغ رسالت مزدی از شما نمی خواهم و پاداش خود را جز از خداوند از کسی نمی طلبم، تکرار این آیات بیانگر آن است که پیامبران هدف واحد را دنبال می کنند و هر پیامبری هدف رسالت خود را که سعادت بشریت می باشد، اعلام می دارد، آیا خداوند شما را در ناز و نعمت های دنیا جاویدانه رها می کند و انگار که مرک به سراغ نمی آید، آیا خداوند شما را در این باغها و چشمه سارها و سرزمین های پر از کشت و نخلستان های دارای میوه های رسیده رها خواهد کرد؟ و در مورد این نعمت ها سوای از شما نخواهد کرد؟ و دردل کوه ها سرمستانه و هوا پرستانه خانه می تراشید در حال که نیاز به سکونت در آن ندارید، از خدا بترسید و از حرف های خیرخواهانه من اطاعت کنید.

ابوبکر الجزائری در تفسیر این آیات می گوید: (یخبرهم بأنه مرسل من الله تعالى إليهم وأمين على رسالة الله وأخبرهم بكل صراحة أنه لا يطلب مهم أجراً على التبليغ وإنما الأجر من الله رب العالمين). (2)

ترجمه: صالح علیه السلام به آنان خبر داد که از طرف الله متعال بسوی آنان فرستاده شده است و بر رسالت الله متعال امین است و هم آنها را با صراحت خبر داد که از این تبلیغش مزد و پاداش از آنها طلب نمی کند و شکی نیست که اجر از طرف الله متعال است که پروردگار عالمیان است.

3- لوط علیه السلام

الله متعال پیامبر خود لوط علیه السلام را به امانت در تبلیغ رسالت توصیف نموده است، وقتی که قومش را به بجا آوری اوامر الله متعال که در آن هدایت و رشد است دعوت نمود و از فساد که مخالف نظام طبیعت و فطرت سلیم است منع نمود، ولی آنها از دعوت لوط علیه السلام سرپیچی

1 - {الشعراء، آیه 143 - 150}.

2 - جابر بن موسی بن عبد القادر بن جابر أبو بكر الجزائری، أيسر التفاسير لكلام العلي الكبير، الناشر : مكتبة العلوم والحكم، المدينة المنورة، المملكة العربية السعودية، الطبعة : الخامسة، 1424هـ/2003م، ج 3 ص 670.

نمودند و اعمال فحشا را در مردان انجام می دادند و زنان شان را ترک کردند، در جای که فطرت سلیم تقاضای همبستر شدن ذکور با اناث را می کردند، الله متعال در مورد می فرماید: {كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطِ الْمُرْسَلِينَ * إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطُ أَلَا تَتَّقُونَ * إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا * وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ * أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ} (1)

ترجمه: قوم لوط پیامبرشان لوط علیه السلام را تکذیب کردند، بدانگاه که برادرشان لوط بدانان گفت: آیا از عذاب خداوند نمی ترسید که جز او را پرستش می کنید! من برای شما پیامبر امین هستم از خدا بترسید و از سخنان من اطاعت کنید و من در مقابل تبلیغ رسالت از شما مزدی نمی خواهم و پاداش خود را جز از پروردگار جهانیان از کسی نمی طلبم، استفهام انکاری جنبه هشدار و توبیخ دارد یعنی: آیا با مردان به همجنسگرایی می پردازید و در میان جهانیان تنها شما بدین کار ننگین آلوده اید؟

لوط علیه السلام در قسمت امر به معروف و نهی از منکر امین بود و از تجاوز آنها بر مردان و ترک کردن همسران شان شدیداً منع نمود و برای شان توضیح داد که با زنان تان همبستر شوید که نسل تان گسترش نموده و از اعمال حیوانی که لواط است دور شوند، ولی آنها از این کار دست بردار نشدند تا این که عذاب الهی آنها را نابود ساخت. (2)

4- شعیب علیه السلام

بعد از این که الله متعال اهل مدین را هلاک نمود و شعیب علیه السلام و کسانی که با ایمان آورده بودند نجات داد، الله متعال شعیب علیه السلام را بطرف اصحاب ایکه روان نمود تا آنها را دعوت نماید، طوری که الله متعال از واقعه چنین حکایت می کند: {كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ * إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ * إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا * وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ * أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ * وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ * وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ} (3)

ترجمه: ساکنان اصحاب ایکه پیامبرشان شعیب علیه السلام را تکذیب کردند، بدانگاه که شعیب بدانان گفت: آیا از عذاب خدا نمی ترسید، من برای شما رسول امین هستم، از خدا بترسید و از من اطاعت کنید، من در مقابل تبلیغ رسالت مزدی از شما نمی خواهم و پاداش خود را جز از خداوند نمی طلبم، در پیمانها و وزن حقوق مردمان را به تمام و کمال بدهید و از زمره کم فروشان مباشید و اجناس و

1 - {الشعراء، آیه 160 - 165}.

2- محمد جمال الدین القاسمی، محاسن التأویل، دار العلم للملایین، بیروت، لبنان، الطبعة الاولى، 1407هـ، ج 8 ص 37.

3 - {الشعراء، آیه 176 - 183}.

اشیاء را با ترازوی راست و صحیح وزن کنید و به وسیله غضب، غبن و... از حقوق مردمان مکاهیدو انواع از فساد را براه میاندازید.

در تفسیر این آیه **{إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ}** گفته شده است: **{إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِهِ سُبْحَانَهُ أَمِينٌ مَبْلَغُ إِلَيْكُمْ أَمَانَتِهِ}**. (1)

ترجمه: من برای شما رسول از نزد الله سبحانه و تعالی هستم، امانت دار هستم، یعنی بسوی شما امانت الهی ابلاغ کرده می شود.

5- یوسف علیه السلام

زندگی یوسف علیه السلام پر از تکالیف و مشقت ها است از طفولیت تا این که وفات می کند، همه مشقت ها را موفقانه سپری می کند و از خود درسهای بزرگ برای مان می گذارد، از جمله در تمام عرصه های زندگی امانت را مراعت می کرد، می توان گفت سخت ترین حالاتی که یوسف علیه السلام در زندگی دید سه حالت بود که از هر سه این سه حالت با امانت، صبر و توکل بر الله متعال موفقانه بیرون آمد، این سه حالت قرار ذیل اند:

الف: یوسف علیه السلام و برادرانش

برادران یوسف علیه السلام دستور قتل یوسف را صادر نمودند، در حالی که یوسف طفل بود و توانای و قدرت دفاع از خود را نداشت، سپس اتفاق کردند تا او را به چاه بیاندازند و این کار را کردند، یوسف علیه السلام با توکل بر الله از چاه سالم بدر آمد، سپس کاروان تجارتي آمد و او را با خود به مصر بردند، الله متعال در مورد می فرماید: **{فَلَمَّا دَهَبُوا بِهِ وَاجْمَعُوا أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غِيَابَةِ الْجُبِّ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ}**. (2)

ترجمه: چون او را از پدرش بردند و دور ساختند و تصمیم گرفتند که او را به ژرفای چاه بیافکنند و به یوسف الهام کردیم که در آینده برادرانت را از کاری که در حق تو کردند آگاه خواهیم کرد و آنان نمی فهمند که تو برادر ایشان هستی.

1 - نعمة الله بن محمود النخجواني، ويعرف بالشيخ علوان (المنوفى: 920هـ)، الفواتح الإلهية والمفاتيح الغيبية الموضحة للكلم القرآنية والحكم

الفرقانية، الناشر: دار ركابي للنشر - الغورية، مصر، الطبعة: الأولى، 1419 هـ - 1999 م، ج 2 ص 51.

2 - {يوسف، آيه 15}.

ب: یوسف و مکر زن عزیز مصر

فضیلت امانت بشکل واضح در تعامل یوسف علیه السلام همراهی مکر، فریب، هوا و هوس زن عزیز مصر ظاهر می گردد، بشکل که زن عزیز مصر سه طرح و برنامه را بر علیه یوسف علیه السلام می سنجد، که این سه طرح عبارت اند از 1- خواستن کار ناشایسته از یوسف علیه السلام 2- بستن هفت دروازه 3- آمادگی زن عزیز مصر برای انجام کار ناشایسته با یوسف علیه السلام، در مقابل این سه طرح و هوس زنی عزیز مصر، یوسف علیه السلام سه پاسخ دیگر که بیان گرفت، امانت و فضیلت است، به زن عزیز مصر می دهد، که این سه عبارت اند از 1- معاذ الله إنه ربی، یعنی به الله پناه می برم که او پروردگار من است. 2- احسن مثنوی، یعنی زندان بهترین جای برای من است. 3- إنه لا یفلح الظالمون، یعنی ظالمان هیچ وقت با طرح هایشان کامیاب نمی شوند. (1)

الله متعال این موضوع را چنین به تصویر می کشد: {وَرَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْت لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ}. (2)

ترجمه: همسر عزیز مصر که یوسف در خانه او بود، از آن حضرت تقاضای همبستری کرد و آرام آرام او را فراخواند و کلیه وسایل را بکار بست و دروازه خانه ها را بر خود و یوسف محکم بست و گفت: نگرانی وجود ندارد، بیا جلو. یوسف گفت: از این کار زشت به الله پناه می برم، شوهر تو که سردار من است، مرا گرامی داشته، پس چگونه ممکن است به ناموس او خیانت روا دارم؟ و ستمگاران به اهداف شان نایل نخواهند شد، از زمره آنان است کسانی که در برابر نیکی بدی روا می دارند.

در تفسیر این آیه (إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ) گفته شده است: (أَيُّ إِنَّهُ - تَعَالَى - وَلِيَّ أَمْرِي كُلِّهِ، أَحْسَنَ مَقَامِي عِنْدَكُمْ وَسَخَّرَكُم لِي بِمَا وَقَفْتِي لَهُ مِنَ الْأَمَانَةِ وَالصِّيَانَةِ، فَهُوَ يُعِيدُنِي وَيَعْصِمُنِي مِنْ عِصْيَانِهِ وَخِيَانَتِكُمْ). (3)

ترجمه: یعنی الله متعال کارساز تمام امر من است، بهترین جایگاه نزد شما دارم و شما را برای من بوسیله آنچه که توفیق داد از قبیل امانت و صیانت مسخر نمود، پس الله متعال من را از نافرمانی کردن و خیانت کردن نسبت به شما پناه می دهد و نگاه می دارد.

1 - عصام العبد زهد و زکریا ابراهیم الزمیلی، أساليب البيان في القرآن والسنة، دار المقداد للطباعة، حلب، الطبعة الاولى، 1428 هـ - 2007 م، ص 47.

2 - {یوسف، آیه 23}.

3 - محمد رشید بن علی رضا بن محمد شمس الدین بن محمد بهاء الدین بن منلا علی خلیفة القلمونی الحسینی (المتوفی: 1354 هـ)، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، الناشر: الهيئة المصرية العامة للكتاب، 1990 م، ج 12 ص 228.

ج: یوسف علیه السلام و سختی زندان.

یوسف علیه السلام بسبب دروغ، تهمت و بهتان در زندان انداخته شد و در آنجا سالها باقی ماند، تا آنکه برائت یوسف علیه السلام ظاهر گردید، الله متعال از این حادثه چنین حکایت می نماید: {فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قَدْ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ * يُوسُفُ أَعْرَضَ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذُنُوبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ}. (1)

ترجمه: هنگامی که شوهرش دید، پیراهن او از پشت پاره شده، گفت: این کار از نیرنگ شما زنان است، تاکید برای جمله قبلی است، یعنی: نیرنگ شما زنان بخاطر نجات از نقشه هایتان بسی بزرگ است.

سپس زنان در پیش ملک مصر بشکل صریح به برائت یوسف امین و صدیق علیه السلام اعتراف و اقرار کردند، الله متعال در مورد می فرماید: {قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ إِذْ رَاوَدْتُنَّ يُوسُفَ عَنْ نَفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ قَالَتِ امْرَأَةُ الْعَزِيزِ الْآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ * ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ}. (2)

ترجمه: ملک مصر زنان را همراه باهمسر عزیز احضار کرد و بدانان گفت: جریان کار خطیر شما بدانگاه که یوسف را به ارتکاب زنا فرا خواندید، چگونه است؟ گفتند: پناه بخدا ما از یوسف بدی را سراغ نداریم و همسر عزیز گفت: اکنون حق آشکار گردید، این من بودم که او را با نیرنگ بسوی خویش خواندم و او از هرگونه خیانت پاک و در این سخن خود: زن مرا بسوی خود خواند صادق است، این کار را که فرستاده ملک را برگشتاندم بدان خاطر کردم تا عزیز مصر بداند که من در غیابش به همسر او خیانت نرورزیدم و دامن عفت او را آلوده نساختم و اینکه خداوند خائنان را به هدف نمی رساند و نیرنگ شان را راست نمی سازد.

در تفسیر این آیه گفته شده است: {قَالَتِ امْرَأَتِ الْعَزِيزِ الْآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ} أي ظهر وانكشف الحق و بان بعد خفائه {أَنَا رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ} أي أنا التي أغريته ودعوته إلى نفسي وهو بريء من الخيانة وصادق في قوله «هي راودتني عن نفسي» وهذا اعتراف صريح ببراءة يوسف على رءوس الأَشْهَادِ {ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ} الأظهر أن هذا من كلام يوسف قاله لما وصله براءة

1 - {يوسف، آیه 28 - 29}.

2 - {يوسف، آیه 51 - 52}.

النسوة له والمعنى ذلك الأمر الذي فعلته من ردّ الرسول حتى تظهر براءتي ليعلم العزيز أنني لم أخنه في زوجته في غيبته بل تعففت عنها {وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ} أي لا يوفق الخائن ولا يسدّد خطاه). (1)

ترجمه: همسر عزیز گفت: اکنون حق ظاهر و آشکار گردید و بعد از خفاء و پنهان بودن واضح شد، این من بودم که او را با نیرنگ بسوی خویش خواندم و او از هرگونه خیانت پاک و در این سخن خود: زن مرا بسوی خود خواند، صادق است. و این اعتراف صریح همسر عزیز دلیل بر پاکدامنی یوسف است که در حضور جمعی از مردم اعلام داشت. از ظاهر کلام بر می آید که این جمله از سخنان یوسف است و بعد از آنکه خبر برائت وی از جانب زنان برایش رسید گفت: این کار را که فرستاده شاه را برگشتاندم بدان خاطر کردم تا عزیز مصر بداند که من در غیابش به همسر او خیانت نورزیدم و دامن عفت او را آلوده نساختم و اینکه خداوند خاینان را به هدف نمی رساند و نیرنگ شان را راست نمی سازد.

وقتی که امانت، برائت و عفت یوسف علیه السلام در نزد ملک مصر ظاهر شد، در این وقت تمایل ملک مصر به یوسف علیه السلام بیشتر گردید و ملک مصر از یوسف علیه السلام خواست تا یک مقام بزرگی را در مصر بعهده گیرد، ولی یوسف علیه السلام از ملک مصر می خواهد تا امور اقتصادی مصر را به او بسپارد و برایش قدرت دهد تا در زمین مصر هر نوع تصرف نماید و این شأن الله متعال در بنده های مخلصش می باشد. (2)

الله متعال در مورد می فرماید: {وَقَالَ الْمَلِكُ انْتُونِي بِهِ اَسْتَخْلِصُهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ * قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ * وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ}. (3)

ترجمه: ملک گفت: یوسف را نزد من بیاورید تا از مقربان و خاصان خود قرار دهم، بعد از آنکه امانت، عفت، شهامت، علم و دانش یوسف نزد ملک مسلم شد، این سخن را گفت. هنگامی که یوسف را آوردند و با او سخن گفت و ملک فضل و کمال و هوشیاری و ذکاوت او را درک کرد بدو گفت: امروز تو نزد ما دارای منزلت و مورد اعتماد هستی، یوسف به ملک مصر گفت: مرا مسئول دارای سرزمین خود قرار بدار، من در مورد آنچه برایم می دهی بسی امانت دار و راجع به اجرای برنامه آگاه هستم. و این چنین یوسف را در سرزمین مصر جادادیم و بعد از زندان و دشواریها بدو قدرت و

1 - محمد علي الصابوني، صفوة التفاسير، الناشر: دار الصابوني للطباعة والنشر والتوزيع - القاهرة، الطبعة: الأولى، 1417 هـ - 1997 م،

ج 2 ص 51.

2 - العفيف عبدالفتاح الطباره، مع الأنبياء في القرآن، ص 172 - 173.

3 - {يوسف، آيه 54 - 56}.

عزت بخشیدیم هر كجای كه می خواست سكونت می گزید، چگونه كه می خواست تصرف می كرد، هر كس از بندگان مان را بخواهیم مشمول فضل و انعام خود قرار می دهیم و پاداش نيكو كاران و اطاعت گذاران را ضایع نمی سازیم، بلکه چند برابر می داریم.

6- موسی علیه السلام

در مورد امانت داری موسی علیه السلام، الله متعال چنین حكایت می كند: **{قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ**

إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ}.⁽¹⁾

ترجمه: یکی از دختران شعیب علیه السلام به پدرش گفت: ای پدر! اورا به چوپانی گوسفندان مان بگمار، بهترین کسی را كه بكار بگماری کسی است كه نیرومند و امین باشد.

ابوحیان نحوی⁽²⁾ رحمه الله در تفسیر این آیه می گوید: **{وَقَوْلُهَا كَلَامٌ حَكِيمٌ جَامِعٌ، لِأَنَّهُ إِذَا اجْتَمَعَتِ الْكِفَايَةُ وَالْأَمَانَةُ فِي الْقَائِمِ بِأَمْرٍ، فَقَدْ تَمَّ الْمَقْصُودُ}**.⁽³⁾

ترجمه: این سخن حكیمانه و جامع است، زیرا شخصی كه بکاری گماریده می شود همین بسنده است كه او دارای كفایت و امانت باشد.

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می گوید: **أَفْرَسُ النَّاسِ ثَلَاثَةٌ : صَاحِبَةُ مُوسَى الَّتِي قَالَتْ : يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ} قَالَ : وَمَا رَأَيْتِ مِنْ قُوَّتِهِ ؟ قَالَتْ : جَاءَ إِلَى الْبَيْتِ وَعَلَيْهِ صَخْرَةٌ لَا يُقْلَعُ كَذَا ، وَكَذَا فَرَفَعَهَا ، قَالَ : مَا رَأَيْتِ مِنْ أَمَانَتِهِ ؟ قَالَتْ : كُنْتُ أَمْشِي أَمَامَهُ فَجَعَلَنِي خَلْفَهُ ،**

1 - {القصص، آیه 26}.

2 - ابوحیان نحوی: (654 - 745 هـ = 1256 - 1344 م)، محمد بن یوسف بن علی بن یوسف ابن حیان، غرناطی، أندلسی، جیانی، نَفَرِي، أثیر الدین، أبو حیان، یکی از بزرگان علمای تفسیر، حدیث، نحو، تاریخ و لغت بود، در غرناطه تولد گردید، سپس به مالمقه هجرت کرد و بعداً به قاهره مسکن گزید تا این كه در آنجا وفات نمود، تالیفاتش در زمان خودش به شهرت رسیده بود و از جمله این تالیفات: البحر المحيط في تفسیر القرآن، النهر المختصر به البحر المحيط، مجانی العصر في تراجم رجال عصره، طبقات نحاة الأندلس وغيره. وفوات الوفيات، ج 2 ص 282. فهرس الفهارس، ج 1 ص 208. شذرات الذهب، ج 6 ص 145.

3 - أبو حیان محمد بن یوسف بن علی بن یوسف بن حیان أثیر الدین الأندلسی (المتوفى: 745 هـ)، البحر المحيط في التفسیر، المحقق: صدقي محمد جمیل، الناشر: دار الفكر - بیروت، الطبعة: 1420 هـ، ج 8 ص 299.

وَصَاحِبُ يُوسُفَ حَيْثُ قَالَ : {أَكْرَمِي مَثْوَاهُ عَسَى أَنْ يَنْفَعَنَا ، أَوْ نَنْتَهِدَهُ وَآدَا} وَأَبُوبَكْرٍ حِينَ اسْتَخْلَفَ عُمَرَ (1)

ترجمه: آگاه و زیرک ترین مردم سه کس بود: 1- همسر موسی علیه السلام، که گفت: ای پدر! اورا به چوپانی گوسفندان مان بگمار، بهترین کسی را که بکار بگماری کسی است که نیرومند و امین باشد. نیرومندی و درست کاری اورا چگونه دانستی؟ در پاسخ گفت: او سنگ را برداشت که جز ده نفر توان حمل او را ندارد و من هنگامی که همراه با او می آمدم از او جلو شد به من گفت: در عقب من بیا و راه را برایم راهنمایی کن و وقتی که برگشتم چشمانش را فرو گرفت و به من متوجه نشد. 2- و شخصی که اورا از شهر مصر خریده بود به همسرش گفت: مکان مناسبی برای او تهیه مدار، شاید هنگامی که جوان شود بعضی از کارهای مارا بعهده بگیرد یا اورا فرزند بخوانیم و آنها فرزند نداشتند. 3- ابوبکر الصدیق رضی الله عنه هنگامی که عمر رضی الله عنه را خلیفه گرفت.

7- محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم

در بین مردم محمد صلی الله علیه وسلم به امانت داری و صداقت شهرت داشت، حتی مردم قریش اورا به صادق و امین لقب می دادند، طوری که قصه و حادثه حجر الاسود⁽²⁾ به این موضوع دلالت می کند، همچنان مردم اموال شان را نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم به امانت و ودیعت می گذاشتند.⁽³⁾

1 - سلیمان بن أحمد بن ایوب بن مطیر اللخمی الشامی، أبو القاسم الطبرانی (المتوفی: 360هـ)، المعجم الكبير، المحقق: حمدي بن عبد المجيد السلفي، دار النشر: مكتبة ابن تيمية - القاهرة، الطبعة: الثانية، 1415 هـ - 1994 م، رقم الحديث 8829. امام هیثمی رحمه الله می گوید: این اثر صحیح است. مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، رقم الحديث 17942.

2 - هنگام تجدید بنای کعبه اختلاف شدیدی بر سر گذاشتن حجر الاسود رخ داد به گونهای که نزدیک بود خونریزی و جنگ صورت گیرد. و آنها شرط کردند اولین کسی که وارد کعبه شود بین آنها قضاوت کند. و خداوند خواست که آن کس پیامبر باشد. هنگامی که از در مسجد وارد شد. فریاد برآوردند: این، [داور] امین است؛ و به حکمیت وی خرسندیم. سپس محمد - صلی الله علیه وسلم با حکمت و بصیرت از این جنگ مانع شد و نظر داد که سنگ را وسط چادر بگذارند و با دست مبارک سنگ را در محلش گذاشت و از سران قبیله ها خواست که هر کدام گوشه ای از آن را بگیرند و بلند کنند تا به محل نصب حجر می رسد. آنان چنین کردند و پیامبر با دست خود آن را برگرفت و در جایش نصب نمود. این حکمیت خردمندانه، از خون ریزی جلوگیری کرد و تمام قبایل هم به آن خشنود گشتند. صفی الرحمن مبارکفوری، خورشید نبوت ترجمه فارسی «الرحیق المختوم»، محمدعلی لسانی فشارکی، محلہ جنگی پشاور، مکتبة القریشیة، ص 122.

3 - محمد سعید رمضان البوطی، فقه السيرة النبوية مع موجز لتاريخ الخلافة الراشدة، الناشر: دار الفكر - دمشق، الطبعة: الخامسة والعشرون - 1426 هـ، ص 178.

محمد صلی الله علیه وسلم قرآن را بالای خود عملی می کرد و دیگران را به ادای امانت تشویق و ترغیب می نمود، زیرا با این قول الله متعال عمل کرد: **{إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا}**. (1)

ترجمه: ای مؤمنان! خداوند شمارا امر به تادیبه امانات به صاحبانش می کند و خداوند بشما امر می کند در داوریهها بین مردم عدالت نمایید، چه بهتر است آنچه که خداوند برایتان حکم می کند، خداوند بر گفتار شما شنوا و بر کردارتان بینا است.

از همین جهت پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: **«فَإِذَا ضَيِّعَتِ الْأَمَانَةُ فَانْتَظِرِ السَّاعَةَ»**. قَالَ: كَيْفَ إِضَاعَتُهَا؟ قَالَ: «إِذَا وُضِدَ الْأَمْرُ إِلَىٰ غَيْرِ أَهْلِهِ فَانْتَظِرِ السَّاعَةَ» (2).

ترجمه: هرگاه که امانت ضایع شود، منتظر قیامت باش. وی پرسید: امانت چگونه ضایع می شود؟ آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - فرمود: هرگاه کارها بدست نا اهلان سپرده شوند، منتظر قیامت باشید.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص و واضح گردید که پیامبر صلی الله علیه وسلم وقوع قیامت را وقتی دانسته است که امانت ضایع گردید، بنابراین، این یک نوع تحذیر است برای امت اسلامی تا هیچ وقت امانت را ضایع نکنند، وقتی که پیامبر صلی الله علیه وسلم دیگران به مراعات کردن امانت دعوت می کند، طبیعی است که خودش بطریقه اولی مراعات می کرد.

خلاصه: واضح و آشکار گردید که امانت یکی از صفات برجسته و موفقیت پیامبران الهی بودند و آنها تا آخرین رمق حیات شان به این کار تلاش می کردند و هم پیروان شان را به مراعات کردن امانت تشویق و ترغیب می کرد و حتی با نام امین مشهور می گردیدند.

فرع ششم: امانت مخصوص انسان است

یکی دیگر از فضیلت امانت آن است که امانت مخصوص انسان است، از همین جهت الله متعال می فرماید: **{إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا}**. (3)

1 - {النساء، آیه 58}.

2 - محمد بن اسمعیل بخاری، صحیح البخاری، رقم الحیث 59.

3 - {الاحزاب، آیه 72}.

ترجمه: ما فرايض و تكاليف شرعى را به آسمانها، زمين و كوه ها عرضه داشتيم آنها بنابر سنگينى و شدت اين بار امانت از حمل آن خود دارى كردند و انسان آن را حمل نمود و بطور قطع انسان برخويشتن بسيار ستم روا مى دارد و نسبت به عواقب امور بسيار نا آگاه است.

وجه استدلال از آيه: راغب اصفهاني رحمه الله در تفسير اين آيه مى گويد: عَظَّمَ اللهُ أَمْرَ الْأَمَانَةِ، وبين انه من خصائص الإنسان، حيث قال تعالى: {إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ}. و قال عليه السلام: «ثَلَاثَةٌ يُؤَدِّينَ إِلَى الْبِرِّ وَالْفَاجِرِ: الرَّحِمُ تُوَصَّلُ كَانَتْ بَرَّةً أَوْ فَاجِرَةً، وَالْأَمَانَةُ تُؤَدِّي إِلَى الْبِرِّ وَالْفَاجِرِ، وَالْعَهْدُ يُؤَفَّى بِهِ لِلْبِرِّ وَالْفَاجِرِ». وتأدية الأمانة استحقاق المستودع ووضعه حيث أمر بوضعه فيه، وليس ذلك في رد الوديعة فقط، بل في جميع ما خص الله تعالى به الإنسان من ماله ونفسه، فكل ذلك أمانة من الله عليه بحفظه حيث ما يجب حفظه، ويضعه حيث ما يجب وضعه، ولذلك قال تعالى: {إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ...} [التوبة 111]، ولهذا قال صلى الله عليه وسلم: «كلكم راع، وكلكم مسؤول عن رعيته». (1)

ترجمه: الله متعال مسئله امانت را بزرگ دانسته است و بيان نموده است كه امانت مخصوص و ویژه انسان است، همان طوری كه الله متعال می فرماید: {إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ}. (2)

ترجمه: ما فرايض و تكاليف شرعى را به آسمانها، زمين و كوه ها عرضه داشتيم آنها بنابر سنگينى و شدت اين بار امانت از حمل آن خود دارى كردند و انسان آن را حمل نمود.

همچنان پیامبر صلى الله عليه وسلم می فرماید: «ثَلَاثَةٌ يُؤَدِّينَ إِلَى الْبِرِّ وَالْفَاجِرِ: الرَّحِمُ تُوَصَّلُ كَانَتْ بَرَّةً أَوْ فَاجِرَةً، وَالْأَمَانَةُ تُؤَدِّي إِلَى الْبِرِّ وَالْفَاجِرِ، وَالْعَهْدُ يُؤَفَّى بِهِ لِلْبِرِّ وَالْفَاجِرِ». (3)

1 - الحسين بن محمد بن المفضل المعروف بالراغب الأصفهاني أبو القاسم، التفسير الراغب الاصفهاني، دراسة و تحقيقاً، من أول سورة آل عمران وحتى نهاية الآية 311 من سورة النساء، عادل بن علي بن أحمد الشدي، الناشر: دارالنفائس، القاهرة، ص 1280.

2 - {الاحزاب، آيه 72}.

3 - أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخُسْرُوْجْردي الخراساني، أبو بكر البيهقي (المتوفى: 458هـ)، شعب الإيمان، حققه وراجع نصوصه وخرج أحاديثه: عبد العلي عبد الحميد حامد، الناشر: مكتبة الرشد للنشر والتوزيع بالرياض بالتعاون مع الدار السلفية ببومباي بالهند، الطبعة: الأولى، 1423 هـ - 2003 م، رقم الحديث 4899. أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي، المصنف في الأحاديث والآثار، الناشر: مكتبة الرشد - الرياض، الطبعة الأولى، 1409 هـ، رقم الحديث 32855. طليحي رحمه الله مى گويد: اين روايت صحيح و موقوف صحابى است. إسماعيل بن محمد بن الفضل بن علي القرشي الطليحي التيمي الأصبهاني، أبو القاسم، الملقب بقوام السنة (المتوفى: 535هـ)، الترغيب والترهيب، المحقق: أيمن بن صالح بن شعبان، الناشر: دار الحديث - القاهرة، الطبعة: الأولى 1414 هـ - 1993 م، رقم الحديث 239. محمد

ترجمه: سه چیز منجر و متصل به نیکی و یا هم به بدی می گردد: 1- صله رحم که وصل گردد به نیکی متصل می گردد و یا هم به بدی. 2- امانت متصل به نیکی و بدی می شود. 3- عهد که به آن وفاء شود برای نیکی و بدی است.

بنابراین، امانت به نگهداری کردن و حفظ محل آن ارتباط دارد و این که گذاشته شود به همان شکل که امر نموده است تا گذاشته شود و امانت تنها به برگرداندن ودیعت به صاحبش خلاصه نمی شود، بلکه امانت در تمام چیزهای که الله متعال آن را به انسان خاص ساخته است از قبیل مال و نفسش ارتباط دارد، پس تمام آنها امانت است که الله متعال بر انسان احسان نموده است تا حفظ نماید در جاهای که حفظ آن واجب است و گذاشته شود در جاهای که گذاشتن آن واجب است، از همین جهت الله متعال می فرماید: {إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ...} (1).

ترجمه: خداوند در ازای بهشت جان و مال مجاهدین را خریداری کرده است.

همچنان پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ...» (2).

ترجمه: هر کدام از شما مسئول است، و از هر يك از شما، درمورد زیر دستانش سؤال خواهد شد.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث واضح گردید که همه مسئولیت دارد و این مسئولیت همان امانت است.

مطلب دوم: جایگاه امانت در حدیث شریف

همچنان در احادیث شریف برای امانت فضیلت های تذکر رفته است، که تفصیل آن قرار ذیل است:

فرع اول: امانت علامه ایمان است

یکی از فضیلت و اهمیت امانت آن است که امانت علامه و نشانه ایمان است، از همین جهت در حدیث شرف آمده است: عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: مَا خَطَبْنَا نَبِيَّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَّا قَالَ: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ، وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ» (3).

صالح العثيمين رحمه الله می گوید: موقف صحابی در صورتی که تعارض با نصوص دین نداشته باشد قابل استدلال است. محمد بن صالح بن محمد العثيمين (المتوفى: 1421هـ)، مصطلح الحديث، الناشر: مكتبة العلم، القاهرة، الطبعة: الأولى، 1415 هـ - 1994 م، ص 32.

1 - {التوبة، آیه 111}.

2 - محمد بن اسمعيل بخارى، صحيح البخارى، رقم الحديث 893.

3 - مسند احمد بن حنبل، رقم الحديث، 12383. ابن طاهر السوسى رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. محمد بن محمد بن سلیمان بن الفاسی بن طاهر السوسى الردوانى المغربى المالکى (المتوفى: 1094هـ)، جمع الفوائد من جامع الأصول ومجمع الزوائد، تحقیق وتخریج: أبو

ترجمه: از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که فرمود: هیچ تبلیغ و وعظ برای ما رسول الله صلی الله علیه وسلم نمی کرد مگر این که می فرمود: ایمان ندارد آنکه امانت نگاه نمی دارد، و دین ندارد آنکه عهد و پیمان را نمی شناسد و ندارد.

وجه استدلال از این حدیث: امام مناوی رحمه الله می گوید: (لا ایمان لمن لا أمانة له) أي لا ایمان کامل فالأمانة لب الإيمان و علامته وهي منه بمنزلة القلب من البدن والأمانة الجوارح السبع العين والسمع واللسان واليد والرجل والبطن والفرج فمن ضيع جزءا منها سقم إيمانه وضعف بقدره فإن ضيع الكل خرج عن جملة الإيمان⁽¹⁾.

ترجمه: معنای (لا ایمان لمن لا أمانة له). ترجمه: ایمان ندارد آنکه امانت نگاه نمی دارد) یعنی ایمان کامل ندارد، پس امانت مغز و علامه ایمان است و این امانت برای ایمان بمنزله قلب برای بدن است، و امانت همان اعضای هفت گانه است که عبارت از چشم، گوش، زبان، دست، پای، شکم و فرج می باشد، پس کسی که یک جزئی از این امانت را ضایع نماید، ایمانش مریض می گردد و به همان اندازه ضعیف می گردد، اگر تمام امانت را ضایع کند از جمله ایمان خارج می گردد.

از همین جهت ضد امانت خیانت است، پس کسی که در امانت خیانت نماید، یکی از علایم نفاق را کسب نموده است، طوری که در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ: إِذَا حَدَّثَ كَذَبًا، وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ، وَإِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ»⁽²⁾.

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که نبی اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: نشانه منافق، سه چیز است: اول اینکه در صحبت های خود، دروغ می گوید. دوم اینکه خلاف وعده، عمل می کند. سوم اینکه در امانت، خیانت می کند.

وجه استدلال از این حدیث: شیخ محمد بن صالح عثیمین⁽³⁾ رحمه الله می گوید: (آية المنافق ثلاث آيته يعني علامته ثلاث إذا حدث كذب وإذا وعد أخلف وإذا أؤتمن خان يعني أن هذه من علامات المنافقين

علي سليمان بن دريع، الناشر: مكتبة ابن كثير، الكويت - دار ابن حزم، بيروت، الطبعة: الأولى، 1418 هـ - 1998 م، ج 2 ص 264 رقم الحديث 4985.

1 - المناوی، فیض القدير شرح الجامع الصغير، ج 6 ص 381.

2 - محمد بن اسمعيل بخاری، صحيح البخاری، رقم الحديث 33. مسلم بن الحجاج النيسابوري، صحيح مسلم، رقم الحديث 107.

3 - عثیمین: ابو عبدالله محمد بن صالح بن محمد بن سليمان بن عبد الرحمن العثيمين الوهبي التميمي است. ولادته در شب 27 ماه مبارك رمضان سال 1347 هـ ق در شهر عنيزة - يكي از شهرهاي استان قصيم - در کشور عربستان سعودي بود، رشد و پرورش او نزد مادرش و استادش عبدالرحمن سعدی رحمه الله صورت گرفت و قبل از غروب آفتاب، روز چهارشنبه، پانزدهم ماه شوال سال 1421 هـ ق، در شهر جده کشور عربستان سعودي وفات نمود، دارای تالیفات کثیره است از جمله: شرح رياض الصالحين، مصطلح الحديث، مجموعه فتاوی محمد

إذا رأيت الرجل يكذب وإذا حدث ويخلف إذا وعد ويخون إذا أوتمن فهذه من علامات المنافقين لأن أصل المنافق مبني على التورية والستر يستر الخبيث ويظهر الطيب يستر الكفر ويظهر الإيمان).⁽¹⁾

ترجمه: معنای «آیه المنافق ثلاث» یعنی معنای آیه علامه است، علامه منافق سه است، اینکه در صحبت های خود، دروغ می گوید، دوم اینکه خلاف وعده، عمل می کند، سوم اینکه در امانت، خیانت می کند، یعنی این سه خصلت از علایم منافقین است، وقتی شخص را دیدی که دروغ می گوید وقتی سخن می راند و خلاف وعده عمل می کند وقتی که وعده می سپارد و خیانت می کند وقتی که برایش امانت سپرده می شود، پس این سه چیز از علایم منافقین است زیرا اصل منافق بر مبنای توریه⁽²⁾ است و پنهان کاری است، که پلیدی های خود را پنهان می کند و پاکیزه گی های خود را ظاهر می کند، کفر خود را پنهان می کند و ایمان را در وجودش ظاهر می سازد.

همچنان مراعت کردن امانت بالای مرد و زن مسلمان واجب است، ولو که جانب مقابل شخص خاین هم باشد، طوری که در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَدُّ الْأَمَانَةَ إِلَى مَنْ أُنْتَمَنَكَ، وَلَا تَخُنْ مَنْ خَانَكَ».⁽³⁾

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: امانت را به کسی که تو را امین دانسته است برگردان، و به کسی که به تو خیانت می کند، خیانت نکن.

وجه استدلال از این حدیث: امام مناوی رحمه الله در شرح این حدیث می گوید: (أی لا تعامله بمعاملته ولا تقابل خیانتك فتكون مثله وليس منها ما يأخذ من مال من جده حقه إذ لا تعدي فيه أو

بن صالح بن عثمان و غیره. گزیده ای از خصلت ذاتی استاد علامه محمد بن صالح العثیمین، این کتاب «گزیده ای از خصلت ذاتی استاد علامه محمد بن صالح العثیمین» از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

1 - محمد بن صالح بن محمد العثیمین (المتوفی: 1421 هـ)، شرح ریاض الصالحین، الناشر: دار الوطن للنشر، الرياض، الطبعة: 1426 هـ، ج 4 ص 47.

2 - توریه: این که انسان از سخن خود منظوری داشته باشد که با ظاهر کلام مخالف است. سید سابق (المتوفی: 1420 هـ)، فقه السنة، الناشر: دار الكتاب العربي، بیروت - لبنان، الطبعة: الثالثة، 1397 هـ - 1977 م، ج 5 ص 126.

3 - سنن أبي داود، رقم الحديث 3534. محمد بن عيسى بن سورة بن موسى بن الضحاك، الترمذي، أبو عيسى (المتوفى: 279 هـ)، سنن الترمذي، تحقيق وتعليق: أحمد محمد شاكر و محمد فؤاد عبد الباقي، الناشر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر، الطبعة: الثانية، 1395 هـ - 1975 م، رقم الحديث 1264. ابن حجر رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر أبو الفضل العسقلاني (المتوفى: 852 هـ)، إتحاف المهرة بالفوائد المبتكرة من أطراف العشرة، تحقيق: مركز خدمة السنة والسيرة، بإشراف د زهير بن ناصر الناصر، الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف (بالمدينة)، الطبعة: الأولى، 1415 هـ - 1994 م، رقم الحديث 18148.

المراد إذا خانك صاحبك فلا تقابله بجزاء خيانتته وإن كان حسنا بل قابله بالأحسن الذي هو العفو وادفع بالتني هي أحسن).⁽¹⁾

ترجمه: یعنی مثل معامله خاین معامله مکن و هم خیانت خود را در مقابل خیانت او مقابله مکن، اگر این کار را انجام دهی (یعنی در مقابل خیانت خاین خیانت نمای و یا مثل معامله خاین معامله نمای)، پس مثل خاین می گردی و از جمله خیانت نیست که شخص، مال خود را از نزد کسی که حق او را انکار کرده است اخذ نماید، زیرا در اینجا تعدی صورت نگرفته است بلکه حق خود را گرفته است، یا مراد از حدیث: وقتی که رفیق و همراهی تو خیانت با تو خیانت کرد، در برابرش از جهت جزائی خیانتش مقابله مکن گرچند جزائی نیک باشد، بلکه مقابله با جزائی نیکوتر و بهتر بکن که همانا بخشش و پاسخ نیکوتر است.

فرع دوم: ضیاع امانت از علایم قیامت

یکی دیگر از چیزهای که فضیلت و اهمیت امانت را ثابت می سازد، آن است که در صورت ضایع شدنش انتظار قیامت را باید کشید، پیامبر صلی الله علیه وسلم یکی از علایم قیامت را ضایع شدن امانت شمرد، که با این کار نظم و نظام دنیا خراب گردیده و عدالت و انصاف از بین می رود، طوری که در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: بَيْنَمَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي مَجْلِسٍ يُحَدِّثُ الْقَوْمَ، جَاءَهُ أَعْرَابِيٌّ فَقَالَ: مَتَى السَّاعَةُ؟ فَمَضَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُحَدِّثُ، فَقَالَ بَعْضُ الْقَوْمِ: سَمِعَ مَا قَالَ فَكَّرَهُ مَا قَالَ. وَقَالَ بَعْضُهُمْ: بَلْ لَمْ يَسْمَعْ، حَتَّى إِذَا قَضَى حَدِيثَهُ قَالَ: «أَيْنَ - أَرَاهُ - السَّائِلُ عَنِ السَّاعَةِ» قَالَ: هَا أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: «فَإِذَا ضَيَّعَتِ الْأَمَانَةُ فَاَنْتَظِرِ السَّاعَةَ»، قَالَ: كَيْفَ إِضَاعَتُهَا؟ قَالَ: «إِذَا وُجِدَ الْأَمْرُ إِلَى غَيْرِ أَهْلِهِ فَاَنْتَظِرِ السَّاعَةَ». ⁽²⁾

ترجمه: از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که: روزی، نبی اکرم صلی الله علیه وسلم در جلسه ای، مردم را وعظ و ارشاد می کرد که يك مرد بادیه نشین، وارد مجلس شد و درباره قیامت، سؤال کرد و گفت: قیامت کی خواهد آمد؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم (بدون اینکه پاسخ بدهد) به صحبت خود ادامه داد. بعضی ها فکر کردند که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم سؤال را شنید اما چون از این سؤال، خوشش نیامد، جوابی نداد. بعضی ها گفتند: رسول الله صلی الله علیه وسلم سؤال را نشنیده است. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم بعد از اینکه به سخنش خاتمه داد، پرسید: سائل کجا است؟ سائل عرض کرد: یا رسول الله! من حاضرم. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: هرگاه که امانت

1 - المناوی، فیض التقدير شرح الجامع الصغير، ج 1 ص 223.

2 - محمد بن اسمعيل بخاری، صحيح البخاری، رقم الحديث 59.

ضایع شود، منتظر قیامت باش. وی پرسید: امانت چگونه ضایع می شود؟ آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - فرمود: هرگاه کارها بدست نا اهلان سپرده شوند، منتظر قیامت باشید.

وجه استدلال از حدیث: شاه انور شاه کشمیری⁽¹⁾ رحمه الله در معنای این جزء از حدیث (فَإِذَا ضُيِّعَتِ الْأَمَانَةُ) می گوید: (ومعنى الضياع: أن لا يبقى اعتماداً لأحد على أحد، لا في الدين ولا في الدنيا. وقد مرَّ مني أن الأمانة صفةٌ متقدمة على الإيمان، فيجيء أولاً لون الأمانة ثم يجيء عليه لون الإيمان. ولذا اشتق منها الإيمان).⁽²⁾

ترجمه: و معنای ضایع شدن: اینکه اعتماد یکی بالای دیگری باقی نماند، نه در دین و نه در دنیا، قبلاً گذشت که گفتیم: امانت صفت مقدم بر ایمان است، پس اول رنگ امانت بر یک شخص می آید، سپس رنگ ایمان بر او می آید، از همین جهت ایمان از امانت اشتقاق یافته است.

همچنین ابن بطل⁽³⁾ رحمه الله در شرح این جزئی از حدیث «إِذَا وُسِّدَ الْأَمْرُ إِلَىٰ غَيْرِ أَهْلِهِ، فَانْتَظِرِ السَّاعَةَ» می گوید: معناه أن الأئمة قد ائتمنهم الله على عباده، وفرض عليهم النصيحة لهم، لقوله، (صلى الله عليه وسلم): كلکم راع وكلکم مسئول عن رعیتہ -، فینبغی لهم تولیة أهل الدین والأمانة للنظر فی أمر الأمة، فإذا قلدوا غیر أهل الدین، واستعملوا من یعینهم على الجور والظلم فقد ضیعوا الأمانة التي فرض الله علیهم. وقد جاء عن النبی، (صلى الله عليه وسلم)، أنه قال: لا تقوم الساعة حتی یؤتمن الخائن، ویخونَ الأمين، وهذا إنما یكون إذا غلب الجهل، وضعف أهل الحق عن القيام به ونصرته.⁽⁴⁾

ترجمه: معنایش ائمه و حاکمان را الله متعال بالای بنده هایش به امانت سپرده است و الله متعال بالای حاکمان نصیحت کردن را به مردمش فرض ساخته است، زیرا قول پیامبر صلی الله علیه وسلم: تمام

1 - شاه انور شاه کشمیری: (1292 - 1353 هـ = 1875 - 1933 م) انور شاه بن معظم شاه، حسینی، حنفی، کشمیری، یکی از محدثین و فقهای مذهب احناف در قرن 14 هجری بحساب می آید، در منطقه بدوده از مناطق کشمیر تولد گردید و در شهر دیوبند وفات نمود، مدت 13 سال در دیوبند هندوستان مشغول فتوا و ریاست حدیث بود، دارای تالیفات کثیره است، از جمله فیض الباری علی صحیح البخاری و غیره. محمود الجیزی و فریق من الباحثین، معجم البابین للشعراء العرب المعاصرین، هذا الكتاب من كتب المستودع بموقع المكتبة الشاملة، ص 1402 - 1403.

2 - محمد انور شاه بن معظم شاه کشمیری الهندی ثم الدیوبندی (المتوفی: 1353 هـ)، فیض الباری علی صحیح البخاری، المحقق: محمد بدر عالم المیرتھی، الناشر: دار الکتب العلمیة بیروت - لبنان، الطبعة: الأولى، 1426 هـ - 2005 م، ج 1 ص 241.

3 - ابن بطل: (449 هـ = 1057 م)، علی بن خلف بن عبد الملك بن بطل، أبو الحسن، یکی از علمای حدیث، شارح بخاری و از اهل قرطبه بود، دارای تالیفات زیاد بود از جمله: شرح صحیح البخاری لابن بطل و غیره. عبد الحی بن أحمد بن محمد ابن العماد العکری الحنبلی، أبو الفلاح (المتوفی: 1089 هـ)، شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، حقه: محمود الأرناؤوط، الناشر: دار ابن کثیر، دمشق - بیروت، الطبعة: الأولى، 1406 هـ - 1986 م، ج 3 ص 283.

4 - ابن بطل أبو الحسن علی بن خلف بن عبد الملك (المتوفی: 449 هـ)، شرح صحیح البخاری لابن بطل، تحقیق: أبو تمیم یاسر بن ابراهیم، دار النشر: مكتبة الرشد - السعودية، الرياض، الطبعة: الثانية، 1423 هـ - 2003 م، ج 1 ص 138.

شما مسئولیت دارید و تمام شما از رعیت تان سؤال می شوند، بنابراین، برای مردم است تا اهل دین و امانت را برای فکر و اندیشه در امر دین ولی بگردانند، ولی وقتی که ولایت را بر گردن غیر از اهل دین سپردند، و بالای شان اعمال کردند کسی را که به ظلم و ستم مردم را کمک می کرد، در این صورت امانتی که الله متعال بالای شان فرض ساخته بود ضایع گردید. از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت شده است که فرمود:

«لا تقوم الساعة حتي ... يُؤْتَمَنَ الْخَائِنُ، وَيُخَوَّنَ الْأَمِينُ» (1).

ترجمه: قیامت قائم نمی گردد تا وقتی که امانت به خاین سپرده شود و شخص امین خاین پنداشته شود. و این وقتی صورت می گیرد که جهل غالب گردد و اهل حق از برخواستن، قیام و کمک کردن به حق ضعیف گردند.

خلاصه: ابن عاشور رحمه الله می گوید: (أَيُّ إِذَا أَنْقَرَضَتْ الْأَمَانَةُ كَانَ أَنْقِرَاضُهَا عَلَامَةً عَلَى اخْتِلَالِ الْفِطْرَةِ، فَكَانَ فِي جُمْلَةِ الْإِخْتِلَالَاتِ الْمُنْذِرَةِ بِدُنُوِّ السَّاعَةِ مِثْلَ تَكْوِيرِ الشَّمْسِ وَأَنْكَدَارِ النُّجُومِ وَدَكِّ الْجِبَالِ). (2)

ترجمه: یعنی وقتی که امانت انقراض و نابود گردید، انقراض آن علامه و نشانه بر اختلال و برهم و درهم شدن فطرت و طبیعت است، از جمله این اختلالات ترساننده و بیم دهنده به نزدیک قیامت مثل پیچیده شدن و درهم خوردن آفتاب، پراکنده شدن ستاره گان و هموار گردیدن کوه ها.

1 - مسند الإمام أحمد بن حنبل، رقم الحديث 6514. الْمُعْجَمُ الْكَبِيرُ لِلطَّبْرَانِيِّ، رقم الحديث 14507. امام کنانی رحمه الله می گوید: این حدیث روایانش ثقه هستند و از طرق دیگر هم روایت شده است، بنابراین، صحیح است. أبو العباس شهاب الدین أحمد بن أبي بكر بن إسماعيل بن سليم بن قايمار بن عثمان البوصيري الكناني الشافعي (المتوفى: 840هـ)، إتحاف الخيرة المهرة بزوائد المسانيد العشرة، المحقق: دار المشكاة للبحث العلمي بإشراف أبو تميم ياسر بن إبراهيم، دار النشر: دار الوطن للنشر، الرياض، الطبعة: الأولى، 1420 هـ - 1999 م، رقم الحديث 7580.

2 - ابن عاشور، التحرير والتنوير «تحرير المعنى السديد وتنوير العقل الجديد من تفسير الكتاب المجيد»، ج 22 ص 128.

مبحث دوم

موارد امانت در قرآن و حدیث

این مبحث دارای مطالب ذیل است:

مطلب اول: امانت در ودیعت

مطلب دوم: امانت در نعمت

مطلب سوم: امانت در معاشرت

مطلب چهارم: امانت در تربیه اولاد

مطلب پنجم: امانت در اموال

مطلب ششم: امانت در تعامل همراه مردم

مطلب هفتم: امانت در وظیفه

مطلب هشتم: امانت در مجالس

مطلب نهم: امانت در عبادت

مطلب دهم: امانت در حق رعیت و زیردستان

مطلب یازدهم: امانت در ولایت کردن

مطلب دوازدهم: امانت در کلام

مطلب سیزدهم: امانت علمی

مطلب اول: امانت در ودیعت

یکی از موارد امانت، امانت در ودیعت است، که تفصیل آن قرار ذیل است:

امانت در ودیعت آن است که اموال و اشیای خود را انسان‌ها برای همدیگر شان می‌سپارند تا آن را در یک مقطع از زمان حفظ کنند، سپس آن را دوباره به صاحبانش وقتی که مطالبه می‌نمایند برگرداند، این گونه از امانت از جمله قضایای اند که از آن روز قیامت سوال کرده می‌شوند و در قسمت چگونگی نگهداری ودیعت، بهترین الگو و نمونه نیک پیامبرمان محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم است، طوری که در سیرت رهبر محبوب مان محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم آمده است:

امام بخاری⁽¹⁾ رحمه الله در صحیح خود و ابن هشام⁽²⁾ رحمه الله در سیره خود، از عایشه صدیقه رضی الله عنها روایت می‌کند: در روزهای آخر هجرت، رسم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چنان بود که هر روز یکبار یا طرف صبح و یا شام بخانه ما می‌آمد تا روزی که آن حضرت مأمور به هجرت از مکه شد هنگام ظهر در آن وقتی که گرما بشدت رسیده بود ناگهان رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بر خلاف عادت بخانه ما آمد، پدرم که چنان دید بما گفت: مسلما پیش آمد تازه ای شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در این ساعت بخانه ما آمد پس از جای خود برخاسته و حضرت را در جای خویش نشانید و جز پدرم و من و خواهرم اسماء دیگری در خانه نبود. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشست و نگاهی به ابو بکر رضی الله عنه کرده فرمود: اطاق را خلوت کن! ابوبکر عرض کرد: کسی جز این دو دختر من در اطاق نیست، مگر چه پیش آمدی کرده؟ فرمود: الله متعال بمن اجازه داده تا از مکه هجرت کنم! پدرم ابوبکر عرض کرد: مرا هم به همراهی خود می‌بری؟ فرمود: آری! ابوبکر از شوق به گریه افتاد، سپس عرض کرد: من دو

1 - امام بخاری: (194 - 256 هـ = 810 - 870 م)، محمد بن إسماعیل بن ابراهیم بن المغیره البخاری، أبو عبد الله، دانشمند اسلام، حافظ و حجه در حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم، بیش از یک هزار استاد داشت و بیش از شش صد هزار حدیث جمع آوری کرده بود، در بخارا تولد گردید، سپس برای علم رحلت زیاد نمود، سپس به تالیف و تدریس مشغول گردید، سپس در قریه خرتنگ که از قریه های سمرقند بود وفات نمود، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: صحیح البخاری که در حدود شانزده سال تالیف نمود، التاريخ، الضعفاء في رجال الحديث، خلق أفعال العباد، الأدب المفرد وغيره. أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، هدی الساری مقدمة فتح البخاری، الناشر: دار المعرفة - بیروت، 1379 هـ، ج 2 ص 193 - 206.

2 - ابن هشام، (213 هـ = 828 م)، عبد الملك بن هشام بن أيوب، حميري، معافري، أبو محمد، جمال الدين، یکی از علمای مؤرخ، لغت دان، تاریخ دان و نسب دان بود، تولد و پرورشش در بصره شده است و وفاتش به مصر صورت گرفته است، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: السيرة النبوية المعروف بسيرة ابن هشام، القوائد الحميرية في أخبار اليمن وملوكها في الجاهلية، التيجان في ملوك حمير وغيره. أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: 774 هـ)، البداية والنهاية، الناشر: دار الفكر، بيروت، 1407 هـ - 1986 م، ج 10 ص 267. أبو القاسم عبد الرحمن بن عبد الله بن أحمد السهيلي (المتوفى: 581 هـ)، الروض الأنف، الناشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت، الطبعة: الأولى، 1412 هـ، ج 1 ص 5.

مرکب از چندی پیش خریداری کرده از تصمیمی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای هجرت گرفته بود جز علی بن ابی طالب رضی الله عنه و خانواده ابو بکر رضی الله عنه کسی اطلاعی نداشت، و اطلاع علی بن ابی طالب رضی الله عنه نیز بدان جهت بود که چون مردم مکه محمد صلی الله علیه و آله را بصدافت و امانت شناخته بودند هر کس میخواست مال خود را نزد شخص امینی بگذارد بنزد آن حضرت میآمد و از این رو امانات بسیاری نزدش جمع شده بود، و چون رسول خدا صلی الله علیه و آله خواست از مکه هجرت کند آن امانتها را بعلی بن ابی طالب سپرد و باو دستور داد در مکه بماند و آنها را بصاحبانش برساند.⁽¹⁾

در حالی که پیامبر صلی الله علیه وسلم علی بن ابی طالب رضی الله عنه را دستور داد تا امانات و دیعت های مردم را به اهلش بسپارند، ولی مشرکین برای قتل، یا بیرون کردن پیامبر صلی الله علیه وسلم برنامه می ریختند، این نشان گر اوج امانت داری پیامبر صلی الله علیه وسلم است.⁽²⁾

زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم معنای این آیه را می دانست: **{إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا...}**⁽³⁾

ترجمه: ای مؤمنان! خداوند شمارا امر به تادیه امانات به صاحبانش می کند.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْقَتْلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُكَفِّرُ الذُّنُوبَ كُلَّهَا أَوْ قَالَ: يُكَفِّرُ كُلَّ شَيْءٍ إِلَّا الْأَمَانَةَ قَالَ: يُؤْتَى بِصَاحِبِ الْأَمَانَةِ، فَيَقَالُ لَهُ: أَدَّ أَمَانَتَكَ، فَيَقُولُ: أَيُّ رَبِّ، وَقَدْ ذَهَبَتِ الدُّنْيَا فَيَقُولُ: أَذْهَبُوا بِهِ إِلَى الْهَٰوِيَةِ، فَيَذْهَبُ بِهِ إِلَيْهَا، فَيَهْوِي فِيهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى قَعْرِهَا، فَيَجِدُهَا كَهَيْئَتِهَا، فَيَأْخُذُهَا، فَيَحْمِلُهَا عَلَى عَاتِقِهِ، ثُمَّ يَصْعَدُ بِهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ، حَتَّى إِذَا رَأَى أَنَّهُ قَدْ خَرَجَ بِهَا زَلَّتْ فَهَوَتْ، وَهُوَ فِي أَثَرِهَا أَبَدَ الْأَبَدِينَ، وَالْأَمَانَةُ فِي الصَّلَاةِ، وَالْأَمَانَةُ فِي الصَّوْمِ، وَالْأَمَانَةُ فِي الْوُضُوءِ، وَالْأَمَانَةُ فِي الْحَدِيثِ، وَأَشَدُّ ذَلِكَ الْوَدَائِعُ».⁽⁴⁾

1 - عبد الملك بن هشام بن أيوب الحميري المعافري، أبو محمد، جمال الدين (المتوفى: 213هـ)، السيرة النبوية لابن هشام، تحقيق: مصطفى السقا وإبراهيم الأبياري وعبد الحفيظ الشلبي، الناشر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده بمصر، الطبعة: الثانية، 1375هـ - 1955 م، ج 4 ص 484 - 486. محمد ابن اسمعيل بخارى، صحيح البخاري، رقم الحديث 3904.

2 - محمد سعيد رمضان البوطي، فقه السيرة، ص 178.

3 - {النساء، آية 58}.

4 - شعب الإيمان، رقم الحديث 5266. أبو بكر محمد بن جعفر بن محمد بن سهل بن شاکر الخرائطي السامري (المتوفى: 327هـ)، مكارم الأخلاق ومعاليها ومحمود طرائقها، تقديم وتحقيق: أيمن عبد الجابر البحيري، الناشر: دار الأفاق العربية، القاهرة، الطبعة: الأولى، 1419 هـ - 1999 م، رقم الحديث 160. آلبانی رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. محمد ناصر الدین الألبانی، صحیح الترغیب والترہیب، الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، الرياض - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، 1421 هـ - 2000 م، رقم الحديث 2995.

از عبد الله بن مسعود رضی الله عنه روایت است، که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: کشته شدن در راه الله کفاره تمام گناهان می گردد، یا گفت: کفاره همه چیز (همه گناهان) می گردد، بجز از امانت، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: صاحب امانت را آورده می شود و برایش گفته می شود: امانت که برایت سپرده شده ادا کن، در پاسخ می گوید: ای پروردگار! دنیا رفت (یعنی این کار در دنیا امکان داشت و اینجا امکان ندارد)، سپس برایش گفته می شود: این شخص را بسوی دوزخ ببرید، سپس این شخص را بسوی دوزخ می برند، سپس در دوزخ انداخته می شود تا این که به قعر دوزخ منتهی می شود، سپس امانت را مثل شکل دنیوی آن می یابد، پس این شخص او را می گیرد، پس امانت بر گردن او حمل می شود، سپس همراهی آن در آتش جهنم بلند می شود، تا این که وقتی می بیند همراهی این امانت خارج گردیده است، توقف داده می شود، سپس دوباره انداخته می شود و این شخص به این عذاب همیشه و همشه می باشد، و امانت در نماز است، امانت در روزه است، امانت در وضوء است، امانت در سخن گفتن است و سخت ترین و شدیدترین امانت ودیعت ها است.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث واضح و مشخص گردید که همه گناهان بنده بخشیده می شود، وقتی که در راه الله جهاد نماید و کشته شود، مگر ودیعت، از طرف دیگر در این حدیث جزا و سزای خائنین در امانت بیان گردید و در اخیر نمونه های از امانت تذکر رفت، مهم تر از همه این موضوع تذکر رفت که شدیدترین امانت، امانت در ودیعت است.

از همین جهت در شرح این جزء از حدیث (وأشد ذلك الودائع) گفته شده است: (فعندما يقول لك إنسان: ضع لي هذه الحاجة عندك. فهذه ودیعة. وكم من الناس يؤتمن علی شيء فيأخذة ويقول: لم أر شيئاً؟ ولم آخذ شيئاً؟ وكم من إنسان يستعير الشيء ويتلف عليه ويقول: لقد ضاع، فماذا أعمل؟ وينتهي الأمر).⁽¹⁾

ترجمه: پس وقتی که برای تو انسان می گوید: بگذار برای من همان حاجتی (مال و دیعت) که نزد تو است، پس آن ودیعت است، و بسیاری از مردم وقتی که پیشش چیزی به عنوان امانت گذاشته می شود، سپس آن را می گیرد و می گوید: چیزی ندیدم و چیزی نگرفتم، و بسیاری از انسان ها به عاریت چیزی را می گیرد و او را تلف می کند و به صاحبش می گوید: قسم است که این چیز ضایع گردید و من چه کنم؟ و به همین شکل این کار پایان میابد.

1 - الطیب أحمد حطیبة، شرح الترغیب والترهیب للمنزری، الناشر: دارالنفائس، القاهرة، 1413هـ، ج 29 ص 2.

مطلب دوم: امانت در نعمت

یکی دیگر از موارد امانت، امانت در نعمت است و مقصود از نعمت چیزهای است که الله متعال بالای بنده هایش از قبیل مال و روزی عنایت نموده است، طوری که ابن درید ازدی⁽¹⁾ رحمه الله می گوید: **{وَالنَّعْمَةُ، بِكَسْرِ النُّونِ: مَا أَنْعَمَ اللَّهُ بِهِ عَلَى عِبَادِهِ مِنْ مَالٍ أَوْ رِزْقٍ}**.⁽²⁾

ترجمه: نعمت با کسر حرف « ن »: چیزی است که الله متعال بر بنده هایش از قبیل مال و روزی عنایت نموده است.

بنابراین، مال از یک طرف نعمت و از طرف دیگر امانت است، مصرف نشود مگر در جای که در آن جای مصلحت دین و دنیا باشد، از همین جهت الله متعال ما را از اسراف و تبذیر منع نموده است، طوری که الله متعال در مورد می فرماید: **{وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ}**.⁽³⁾

ترجمه: و در آراستن لباس و خوردن و نوشیدن اسراف موزید که به مال و بدن انسان زیان دارد، خداوند کسانی را که از حدود مقرر داشته تحریم خداوند تجاوز می کنند، دوست نمی دارد.

از همین جهت الله متعال در وصف بنده هایش می فرماید: **{وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا}**.⁽⁴⁾

ترجمه: این پنجمین صفت بندگان رحمن است، یعنی: آنان در خرچ خوراک و پوشاک اسراف و باد دستی نمی کنند و بخل و تنگدستی هم نمی کنند، و در خرچ و انفاق راه اعتدال و در میانه را می گیرند.

1 - ابن درید ازدی: (223 - 321 هـ = 838 - 933 م)، محمد بن الحسن بن درید الأزدي، من أزد عمان من قحطان، أبو بكر، یکی از امامان لغت و ادب بود، در بصره تولد گردید، بعداً به عمان رفت و دوازده سال در آنجا زنده گی کرد، بعد از آن دوباره به بصره آمد و از آنجا به بغداد رفت و در همانجا وفات نمود، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: الاشتقاق في الأنساب، المقصور والممدود، شرحه، الجمهرة في اللغة وغيره. شهاب الدين أبو عبد الله ياقوت بن عبد الله الرومي الحموي (المتوفى: 626هـ)، معجم الأدباء = إرشاد الأريب إلى معرفة الأديب، المحقق: إحسان عباس، الناشر: دار الغرب الإسلامي، بيروت، الطبعة: الأولى، 1414 هـ - 1993 م، ج 6 ص 483.

2 - أبو بكر محمد بن الحسن بن دريد الأزدي (المتوفى: 321هـ)، جمهرة اللغة، المحقق: رمزي منير بعلبكي، الناشر: دار العلم للملايين - بيروت، الطبعة: الأولى، 1987م، ج 2 ص 953.

3 - {الاعراف، آیه 31}.

4 - {الفرقان، آیه 67}.

از همین جهت مصطفی العدوی⁽¹⁾ رحمه الله در تفسیر این آیه گفته است: (والذین ینفقون الأموال فی الإضرار بالمسلمین والإضرار بمن استرعاهم الله تعالی إیاهم کلهم مسئولون أمام الله تعالی عن خیانة هذه الأمانة التي حملهم الله تعالی إیاهها).⁽²⁾

ترجمه: کسانی که اموال شان را در ضرر رساندن مسلمانان و ضرر رساندن به کسی که الله متعال از انفاق کننده گان خواسته است تا او را نگهداری کند انفاق و خرچ نمایند، همه شان نزد الله متعال از خیانت این امانت که الله متعال بر گردن شان حمل نموده است مسئول هستند.

به همین شکل صحت و تندرستی از یک طرف نعمت و از طرف هم امانت است، طوری که در حدیث شریف آمده است: عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: « نِعْمَتَانِ مَعْبُودُونَ فِيهِمَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ: الصَّحَّةُ وَالْفَرَاغُ ». ⁽³⁾

ترجمه: از ابن عباس رضي الله عنهما روایت است که: رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمود: دو نعمت است که بسیاری مردم از آن استفاده درست نمی نمایند، تندرستی و آسودگی از کار.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص گردید که صحت و آسودگی بهترین نعمت است، ولی مردم از آن استفاده درست نمی نمایند.

بنابراین، نباید جسم را در مخاطره بیاندازیم، به شکل که از چیز های هلاک کننده جسم مثل دخانیات، شراب، تریاک استفاده نمایم، یا هم موتر را به سرعت حرکت بدهیم و غیره چیزهای که از اسباب نابود شدن این امانت است، بلکه واجب بر بالای مان حفظ این امانت است.⁽⁴⁾

به همین شکل از جمله امانت های که نعمت بزرگ و مفید برای جامعه و مردم است، راهای عامه، شفاخانه، مکتب، مدرسه، پوهنتون، دریا، چاه و أمثال آن است، بنابراین، بر بالای ما واجب است تا قدر و منزلت این نعمت ها را بدانیم و به حفاظت و نگهداری آن تلاش نمایم.⁽⁵⁾

1 - مصطفی العدوی: (1287هـ/1870م)، أبو عبد الله مصطفی بن العدوی، شلبایة المصری، یکی از علمای مشهور ازهر مصر در زمانش بود، در شهر عدوی از شهرهای مصر تولد گردید و در شهر شهر ازهر وفات نمود. معجم الباطین للشعراء العرب المعاصرین (محذوف الأشعار)، ص 7265.

2 - أبو عبد الله مصطفی بن العدوی شلبایة المصری، سلسلة التفسیر لمصطفی العدوی، المكتبة الشاملة، ج 6 ص 51.

3 - محمد بن اسمعیل بخاری، صحیح البخاری، رقم الحدیث 6413.

4 - عبد الله الشمري سعدون، خیانة الأمانة فی تاریخ الحضارة الإسلامية، جامعة سانت آیمنتس العالمية وهي جزء من متطلبات نیل درجة الدكتوراه فی فلسفة فی تاریخ الحضارة الإسلامية، بغداد، 1431هـ = 2010م، ص 67.

5 - عبدالله سعدون الشمري، خیانة الأمانة فی تاریخ الحضارة الإسلامية، ص 67.

پس هر چیزی را که الله متعال به عنوان نعمت برای ما ارزانی کرده است، روز قیامت از آن سؤال کرده می شویم، بنابراین، بالای ما واجب است تا از یک طرف این نعمت هارا محافظت نموده و بجای درست مصرف نمایم و از طرف هم شکر این نعمت ها همیشه داشته باشیم، طوری که الله متعال می فرماید: **{ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ}**. (1)

ترجمه: سپس در آخرت از نعمت های دنیا از قبیل صحت و امنیت، خوردنیها، نوشیدنیها و غیره پرسیده خواهید شد.

همچنان الله متعال می فرماید: **{... وَمَا أَنَا بِظَالِمٍ لِّلْعَبِيدِ}**. (2)

ترجمه: و من ستمگار نیستم تا کسی را به ناحق و بدون جرم کیفر دهم.

خلاصه: الله متعال هیچ کس را بدون موجب عذاب نمی دهد، بلکه هرکس نظر به جنایت و خیانتش عذاب می بیند، بنابراین، باید شکر تمام نعمت ها را بکشیم و تماماً نعمت های الله متعال را بشکل درست مصرف نمایم و آنها را امانت الهی دانسته و در قبالتش خیانت ننمایم.

مطلب سوم: امانت در معاشرت

هر کدام از زوجین بر اسرار همسر خود امین است، بنابراین، مرد بر همسر خود در قسمت رعایت حقوقش، دفاع از او و محافظت از اسرار او امین است، بنابراین، برای مرد جایز نیست که عیوب همسرش را برای کسی بیان نماید زیرا همسرش برایش لباس است و این زن لباس برای شوهرش در قسمت حفظ اسرار و ستر عورت می باشد و هر دو از یک بستر بر می خیزند، پس چگونه عیوب همدیگرش را به بیرون بیان نمایند؟ در حالی که بیان کردن عیوب همدیگر به دیگران بمثابة بیان کردن عیوب خود است،

الله متعال در مورد می فرماید: **{وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُمُ إِلَىٰ بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنكُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا}**. (3)

ترجمه: چگونه مجاز است برای شما اخذ آن در حالی که در معاشرت همسری از آنها بهره گرفته اید و از شما پیمان محکم و مؤکد گرفتند، منظور از «میثاق غلیظ» عقد نکاح است.

1 - {التكاثر، آیه 8}.

2 - {ق، آیه 29}.

3 - {النساء، آیه 21}.

امام زمخشري⁽¹⁾ رحمه الله در تفسير اين آيه، اين حديث شريف را نقل نموده است: « و اتقوا الله في النساء فإنكم أخذتموهن بأمانة الله واستحللتم فروجهن بكلمة الله». (2)

ترجمه: در مورد زنان از خداوند بترسيد، آنها را با عقد نكاح به امانت گرفته ايد و جماع با آنها براي شما حلال شده است.

وجه استدلال از حديث: امام نووي⁽³⁾ رحمه الله در شرح اين حديث مي گويد: (فِيهِ الْحَثُّ عَلَى مُرَاعَاةِ حَقِّ النِّسَاءِ وَالْوَصِيَّةِ بِهِنَّ وَمُعَاشَرَتِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَقَدْ جَاءَتْ أَحَادِيثُ كَثِيرَةٌ صَحِيحَةٌ فِي الْوَصِيَّةِ بِهِنَّ وَبَيَانِ حُقُوقِهِنَّ وَالتَّحْذِيرِ مِنَ التَّقْصِيرِ فِي ذَلِكَ). (4)

ترجمه: در اين حديث تشويق است بر مراعات كردن حق زنان، وصيت بخاطر زنان و معاشرت با زنان بطريقه نيكو، احاديث زياد و صحيح در قسمت وصيت در زنان، بيان كردن حقوق شان و ترساندن از كوتاهي در قسمت زنان آمده است.

همچنان الله متعال مي فرمايد: {... هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ ...}. (5)

ترجمه: زنان سكون و لباس براي شما و شما سكون و لباس براي آنها هستيد.

وجه استدلال از اين آيه: امام بغوي رحمه الله در تفسير اين آيه مي گويد: (اللباسُ اسمٌ لما يُؤاري الشيءَ فيجوزُ أنْ يكونَ كُلُّ واحدٍ مِنْهُمَا سِتْرًا لِصَاحِبِهِ عَمَّا لَا يَجِلُّ كَمَا جَاءَ فِي الْحَدِيثِ: إِذَا تَزَوَّجَ الْعَبْدُ فَقَدْ كَمَلَ نِصْفَ الدِّينِ، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْبَاقِي).¹

1 - زَمَخْشَرِي: (467 - 538 هـ = 1075 - 1144 م) محمود بن عمر بن محمد بن أحمد، خوارزمي، زمخشري، جار الله، أبو القاسم، یکی از ائمه تفسیر، لغت و ادب بود، در زمخشر یکی از قریه های خوارزم تولد گردید و در جرجانیه از قریه های دیگری خوارزم وفات نمود، مشهورترین تالیفات او: تفسیر الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، أساس البلاغة و المقامات می باشد. أبو العباس شمس الدین أحمد بن محمد بن ابراهیم بن ابي بکر ابن خلکان البرمکی الإربلی (المتوفی: 681هـ)، وفيات الأعيان و أنباء أبناء الزمان، المحقق: إحسان عباس، الناشر: دار صادر - بیروت، م1900م، ج 2 ص 81.

2 - أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد، الزمخشري جار الله (المتوفی: 538هـ)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، الناشر: دار الكتاب العربي - بیروت، الطبعة الثالثة - 1407 هـ، ج 1 ص 492. همچنین این حديث در صحيح مسلم آمده است: صحيح مسلم، رقم الحديث 1218.

3- امام نووي، أبو زكريا، محيي الدين، يحيى بن شرف (المتوفی: 676هـ)، یکی از محدثین و علام اسلام است، و فقيه مذهب شوافع، تالیفات زياد دارد از جمله: المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، رياض الصالحين، الاذكار و غيره. السبكي، تاج الدين عبد الوهاب بن تقي الدين (المتوفی: 771 هـ)، طبقات الشافعية الكبرى، المحقق: محمود محمد الطناحي و عبد الفتاح محمد الحلو، الناشر: هجر للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة: الثانية، 1413 هـ، ج 5 ص 165. ابن قاضي شهبة الأسدی، أبو بكر بن أحمد بن محمد بن عمر الشهبي الدمشقي، تقي الدين (المتوفی: 851 هـ)، طبقات الشافعية، المحقق: الحافظ عبد العليم خان، دارالنشر: عالم الكتب - بيروت، الطبعة: الأولى، 1407 هـ، ج 2 ص 153.

4 - ابو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي (المتوفی: 676هـ)، المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة: الثانية، 1392 هـ، ج 8 ص 183.

5 - {البقرة، آيه 187}.

ترجمه: لباس اسم است برای چیزی که چیزی را می پوشاند، پس جایز است که هر کدام از زوجین به همدیگر شان از آنچه که حلال نیست بپوشاند، طوری که در حدیث شریف آمده است: « إذا تزوج العبد فقد كمل نصف الدين، فليتق الله في النصف الباقي ».(2)

ترجمه: وقتی که بنده ازدواج نمود، نصف دینش را تکمیل نمود، پس در نصف آخر از خداوند بترسد.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث واضح و مشخص گردید که با ازدواج نصف دین تکمیل می گردد، زیرا شخص از رفتن به فساد، فحشا و خیانت به ناموس دیگران مصئون می گردد و از طرف هم مسئولیت پذیر می گردد و تلاش می کند تا حقوق زن را ادا نموده و با او بشکل نیکو و حسن معاشرت زندگی نماید.

خلاصه: واضح و مشخص شد که هر کدام از زوجین در قسمت معاشرت نیکو با همدیگرش امین هستند و کوشش نمایند تا حق و حقوق همدیگر را بشکل درست ادا نمایند تا سعادت و نیک بختی دنیا و آخرت را بدست آورند.

مطلب چهارم: امانت در تربیه اولاد

اولاد ثمره زندگی زوجین و آرزوی شان اند، آنها در گردن پدران امانت اند، بنابراین، مناسب است تا به اولاد از روزی که تولد می شود تا روزی که به بلوغ می رسند مورد توجه شان قرار دهند، وقتی که برای اطفال شان شیر دادن را مساعد می سازند، باید آذان را هم در گوش های شان بشنوند و هم بهترین اسم را به آنها انتخاب نمایند و برای شان سنت عقیقه (3) را انجام دهند، و موی سرشان را تراش نمایند و بمقدار وزن موی سرشان را از طلا و یا هم نقره به فقراء و نیازمندان صدقه نمایند،

1 - بغوی، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن = تفسیر البغوی، ج 1 ص 207.

2 - صدر الدین، أبو طاهر السلفی أحمد بن محمد بن أحمد بن محمد بن إبراهیم بیلقه الأصبهانی (المتوفی: 576هـ)، الطیوریات، دراسة وتحقیق: دسمان یحیی معالی، عباس صخر الحسن، الناشر: مكتبة أضواء السلف، الرياض، الطبعة: الأولى، 1425 هـ - 2004 م، ج 2 ص 552. ابوالفداء عجلونی رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. إسماعیل بن محمد بن عبد الهادی الجراحی العجلونی دمشقی، أبو الفداء (المتوفی: 1162هـ)، كشف الخفاء ومزيل الإلباس، تحقیق: عبد الحمید بن أحمد بن یوسف بن هنداوی، الناشر: المكتبة العصرية، بیروت، الطبعة: الأولى، 1420 هـ - 2000 م، رقم الحدیث 2432.

3 - عقیقه ذبیحه ای است که برای نوزاد ذبح می شود. و هم گفته شده است: عقیقه گوسفندی است که برای نوزاد در نخستین هفته ولادتش ذبح می شود. فقه السنه، ج 6 ص 333.

طوری که در حدیث شریف آمده است: عَنْ سَمْرَةَ بْنِ جُنْدَبٍ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «كُلُّ غُلَامٍ رَهِينَةٌ بِعَقِيْقَتِهِ تُذْبَحُ عَنْهُ يَوْمَ سَابِعِهِ وَيُحْلَقُ وَيُسَمَّى».(1)

ترجمه: از سمره بن جندب رضی الله عنه روایت است که، پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: پرورش نیکو و شایسته و صلاح و حفظ طفل نوزاد در گرو عقیقه ای است که بجای او ذبح می شود در هفتمین روز ولادتش که مویش را می تراشند و او را نامگذاری می کنند.

وجه استدلال از این حدیث: در این حدیث مشخص و واضح گردید که طفل در گرو عقیقه ای است که بجای او ذبح می شود در هفتمین روز ولادتش که مویش را هم می تراشند و او را نامگذاری هم می کنند، بنابراین، پدران باید این سنت های حسنه را عملی نمایند.

همچنان امانت تربیه و تعلیم اولاد را تقاضا می کند و برای پدران جایز نیستند که اطفال و اولاد شان را بدون تعلیم و تربیه بگذارند تا در نتیجه از شهر، راه و هم سن و سال شان خصلت های سوء و نادرست را یاد بگیرند، بنابراین، پدر حیثیت چوپان را دارد و از زیردستان شان سؤال می شود، پس کسی که موجب رعایت و مسئولیت شان گردد، بشکل که برای اولاد شان غذا، لباس، نفقه، تعلیم و تربیه را در نظر بگیرد، الله متعال او را از جمله متقین و پرهیزگاران حشر می سازد، الله متعال در مورد می فرماید: {وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْنَأْكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرِزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى}.(2)

ترجمه: ای محمد! خانواده و امت خود را به ادای نماز امر کن و در ادای آن با خضوع و خشوع شکبیا باش، تو را مکلف به روزی خود و خانواده ات نساخته ایم بلکه متضمن روزی تو و آنان هستیم و سرانجام از آن تقوا و پرهیزگاری است.

در این آیه دیده شد که الله متعال محمد صلی الله علیه وسلم را دستور می دهد تا خانواده و امت خود را به ادای نماز امر کند، زیرا نماز بهترین مکتب برای تربیه و تعلیم است و هم انسان را از فحشاء و منکر مانع می گردد، و هم در این آیه دیده شد که بیشتر به نماز توجه کند، زیرا رزق و روزی انسانیت نمی دهد، اما نماز انسانیت برای انسان می آورد، بنابراین، هر مسلمان در قدم نخست بر

1 - سنن أبي داود، رقم الحديث 2838. مسند الإمام أحمد بن حنبل، رقم الحديث 20083. ألبانی رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. محمد ناصر الدین الألبانی (المتوفی: 1420 هـ)، صحیح وضعیف سنن أبي داود، برنامج منظومة التحقيقات الحديثية - المجاني - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية، رقم الحديث 2838.

2 - {طه، آیه 132}.

اولاد و اعضای فامیلش تعلیم و تربیه را مساعد نماید و یکی از اسباب تربیه نماز است تا امانت اولاد رعایت گردد. (1)

همچنان بالای پدران لازم است تا میان اولادان شان مساوات را مراعات نمایند، بنابراین، تمیز میان دختر و پسر در داخل خانواده قایل نگردند، بلکه همه را به نظر یکسان دیده و در قسمت تحفه، غذا، لباس و غیره بصورت برابر برای شان توزیع و اعطاء نمایند، تا میان اولادها محبت و الفت بوجود آمده و از امراض قلبی از قبیل بغض، کینه، عداوت، دشمنی و ضعف شخصیتی جلوگیری بعمل آید، همچنان پدران باید به اولادهای رحمت و محبت داشته باشند تا اولادها بشکل خودشان رحمت و محبت پیدا کنند و این همان امانت است که الله متعال بالای پدران لازم نموده است. (2)

در حدیث شریف آمده است: عن عائشة رضي الله عنها قالت: قديم ناس من الأعراب على رسول الله صلى الله عليه وسلم، فقالوا: أتقبلون صبيانكم؟ فقال: «نعم» قالوا: لکننا والله ما نُقبَل، فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «أَو أملك إن كان الله نزع من قلوبكم الرحمة». (3)

ترجمه: از عایشه رضي الله عنها روایت شده که گفت: گروهی از بادیه نشینان به حضور رسول الله صلی الله علیه وسلم آمده گفتند: آیا صورت بچه های تان را بوسه می زنید؟ فرمود: بلی. گفتند: ولی ما به خدا نمی بوسیم. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: هرگاه خداوند از دل های شما رحمت را بیرون کرده باشد، من چه کاری انجام داده می توانم بدهم.

وجه استدلال از حدیث: از این حدیث واضح گردید که بوسه ای که پدران از پیشانی فرزندان شان می گیرند، این بوسه رنگی از رنگهای رحمت و امانت است که الله متعال پدران را به ادای آن مکلف نموده است. (4)

مطلب پنجم: امانت در اموال

امانت یک مدرسه ای است برای مسلمان که مسلمان را نمی گذارد تا مال را از هر طریقی که بخواهد جمع نماید و در هر طریق که بخواهد مصرف نماید، بلکه مطابق قرآن کریم شخص امین میان طریقه های مشروع برای کسب روزی و مال و طریقه های غیر مشروع فرق قایل می گردد و

1 - عبدالله سعدون الشمري، خيانة الأمانة في تاريخ الحضارة الإسلامية، ص 69.

2 - حسن أيوب، السلوك الاجتماعي في الإسلام، بيروت، الناشر: دار التراث العربي للطباعة والنشر، الطبعة الخامسة، 1407 هـ - 1987 م، ص 236.

3 - مسلم بن الحجاج النيسابوري، صحيح مسلم، رقم الحديث 64.

4 - حسن أيوب، السلوك الاجتماعي في الإسلام، ص 235.

طریقه های مشروع را انتخاب نموده و از طریقه های غیر مشروع خود داری می نماید، طوری که
الله متعال می فرماید: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنِ
تَرَاضٍ مِنْكُمْ ...}. (1)

ترجمه: ای کسانی که بخداوند و پیامبرش باور دارید به ناحق اموال یکدیگر را مخورید و ناحق هر
چیز که از دیدگاه شریعت مجاز نیست، نظیر سرقت، خیانت، غصب، سود، قمار و امثال آن، مگر
آنکه به طریقه شرعی باشد نظیر تجارت که خداوند آن را حلال گردانیده است.

وجه استدلال از آیه: در این آیه دیده شد که الله متعال از خوردن اموال بطریقه باطل منع کرد و در
مقابل طریقه مشروع را برای جمع آوری مال واضح ساخت که تجارت است، یعنی خرید و فروش با
رضایت در بین مردم. (2)

همچنان از جمله امانت در اموال دوری از هر نوع غش، فریب و خیانت در جمع کردن مال است، الله
متعال در مورد می فرماید: {وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدُلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ
أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ}. (3)

ترجمه: شما اموال همدیگر را بصورت غیر مشروع نخورید بگونه که به زمامداران رشوه پردازید
تا در ربودن برخی از اموال مردم بصورت ناروا بشما کمک کنند و شما می دانید که بصورت غیر
مشروع حرام را می خورید.

امام بغوی رحمه الله در تفسیر (اکل بالباطل) می گوید: (وَالْأَكْلُ بِالْبَاطِلِ أَنْوَاعٌ، قَدْ يَكُونُ بِطَرِيقِ
الْغُصْبِ وَالنَّهْبِ وَقَدْ يَكُونُ بِطَرِيقِ اللَّهْوِ كَالْقَمَارِ وَأَجْرَةَ الْمُغْنَى وَنَحْوَهُمَا، وَقَدْ يَكُونُ بِطَرِيقِ الرِّشْوَةِ
وَالْخِيَانَةِ). (4)

ترجمه: خوردن بطریقه باطل دارای اقسام می باشد، بعضی وقت بطریقه غصب و چپاول صورت
می گیرد و بعضی وقت بطریقه لهو و بازی صورت می گیرد مثل قمار و کرایه آواز خوان و امثال
آن، و بعضی وقت بطریقه رشوت و خیانت صورت می گیرد.

از صفت مؤمنین خوردن اموال مردم بطریقه باطل نیست، بلکه این کار از صفت رهبران مذهبی
یهودیان، پاپ های مسیحیان و عابدان مسیحی هستند که مردم را از راه خداوند ممانعت می کنند،

1 - {النساء، آیه 29}.

2 - عصام العبد زهد، الأمانة في القرآن الكريم، (دراسة موضوعية)، الطبعة الأولى، 1430 هـ-2009 م، ص 17.

3 - {البقرة، آیه 188}.

4 - بغوی، معالم التنزيل في تفسير القرآن = تفسير البغوي، ج 1 ص 210.

طوری که الله متعال می فرماید: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَآكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ...} (1).

ترجمه: ای مؤمنان! بسیاری از علمای یهودی، پاپ های مسیحی، عابدان مسیحی اموال مردم را به حرام می ستانند و آنان را از راه خدا باز می دارند.

در این آیه مشخص گردید که اموال را از راه باطل و نا مشروع علمای یهودی، پاپ های مسیحی، عابدان مسیحی و این خیانت بزرگ را آنها مرتکب می شوند.

همچنان امانت تقاضای تحریم ربا را می کند، زیرا ربا خوردن اموال مردم بطریقه گناه وبدون کوشش ومشارکت در نقص وفایده است، طوری که الله متعال می فرماید: {... وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا...} (2).

ترجمه: الله متعال خرید و فروش را حلال و ربا را حرام ساخته است.

محمد رشید رضا (3) رحمه الله می گوید: (كما أن الأمانة تدفع صاحبها إلى الإنفاق من المال الحلال الطيب على الفقراء واليتامى والمساكين وذوي الحاجة والمعوزين من أبناء المجتمع لسد حاجتهم والنهوض بهم إلى مستوى الأغنياء). (4)

ترجمه: همان طوری که امانت دعوت می کند صاحب خود را تا از مال حلال و پاکیزه اش انفاق نماید برای فقراء، اهل یتیم، مساکین، بینوایان از فرزندان که برای رفع حاجت های شان اجتماع نموده اند و برخاسته اند تا برابر ثروتمندان شوند.

خلاصه: وقتی که مردم در قسمت مال طریقه مشروع و امانت داری را لازم بگیرند و مال را جمع نمایند و بطریقه مشروع انفاق و خرچ نمایند، در این صورت یک زندگی راحت را می داشته باشند و

1 - {التوبة، آیه 34}.

2 - {البقرة، آیه 275}.

3 - محمد رشید رضا: (1282 - 1354 هـ = 1865 - 1935 م)، محمد رشید بن علی رضا بن محمد شمس الدین بن محمد بهاء الدین بن منلا علی خلیفة القلمونی، بغدادی الأصل، صاحب تفسیر المنار و مجله المنار، یکی از علمای تفسیر، حدیث، تاریخ، ادب و سیاست بود، تولد و نشأت او در قلمون یکی از قریه های طرابلس شده است، بعد از آن به مصر رحلت نمود و در آنجا شاگرد شیخ محمد عبده گردید، در آنجا مدتی فتوا هم صادر می نمود و هم مشغول نشر و پخش دعوت از طریق مجله المنار و در همانجا وفات نمود و در قاهره دفن گردید. خیر الدین بن محمود بن محمد بن علی بن فارس، الزرکلی دمشقی (المتوفی: 1396 هـ)، الأعلام، الناشر: دار العلم للملایین، الطبعة: الخامسة عشر - أيار / مايو 2002 م، ج 6 ص 125 - 126.

4- محمد رشید بن علی رضا بن محمد شمس الدین بن محمد بهاء الدین بن منلا علی خلیفة القلمونی الحسینی (المتوفی: 1354 هـ)، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، الناشر: الهيئة المصرية العامة للكتاب، 1990 م، ج 2 ص 201.

هم ثروت اقتصادی شان حفظ می کردند و هم اجتماع شان یک اجتماعی مملو از اخوت و برادری و همبستگی گردیده و از جنگ و نا آرامی میان شان رهای پیدا می کنند.

مطلب ششم: امانت در تعامل همراه مردم

الله متعال بر حفاظت از امانت در تعامل همراهی مردم امر نموده است، برابر است در کتابت قرض باشد و یا هم حقوق، بشکل که کتابت بر اصل توافق طرفین بدون تغییر و تبدیل و بدون زیادت یا نقصان صورت گیرد، الله متعال در مورد می فرماید: **{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ ... }** (1).

ترجمه: ای مؤمنان! هرگاه با دین مؤجل معامله کردید آنرا بنویسید، خداوند در این آیه بندگان را دستور به ثبت و نوشتن معاملات مؤجل می دهد تا زمان پرداخت و مقدار دین مصئون بماند، کاتب عادل آن را بنویسد و بر هیچ یکی از طرف ستم و خیانت روا ندارد.

همچنان الله متعال بعد از این آیه فرموده است: **{ ... فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ ... }** (2).

ترجمه: اگر داین از مدیون مطمئن باشد و بنابر اعتماد که بر مدیون دارد از گرفتن گرو صرف نظر نماید، باید مدیون دین را بپردازد و در رعایت حقوق امانت از خداوند بترسد.

ابوزهره (3) رحمه الله در تفسیر این آیه می گوید: (في إضافة الأمانة في قوله تعالى: (أَمَانَتُهُ) فإن الأمانة هي في الواقع للدائن أو المعطي من حيث إنه مالك للدين وللوديعة ونحوها، ولكن أضيفت إلى المدين من حيث إنها عبء عليه يجب أن يؤدي، وبأدائه يزيل ما عليه من عبء فإن الأمانة عبء ثقيل لمن عرف حقها). (4).

1 - {البقرة، آیه 282}.

2 - {البقرة، آیه 283}.

3 - أبو زهرة: (1316 - 1394 هـ = 1898 - 1974 م)، محمد بن أحمد بن مصطفى بن أحمد معروف به أبو زهرة، یکی از بزرگترین مفسر و علمای معاصر است، در مدینه منوره تولد و پرورش گردید، سپس به تحصیل علم قضاء پرداخت و بعداً به علوم شرعی روی آورد، سپس به دروس علوم شرعی پرداخت، سپس به تالیف روی آورد و بیش از چهل کتاب تالیف نمود، زهرة التفاسیر، الجدل في الإسلام، أصول الفقه، الملكية ونظرية العقد في الشريعة الإسلامية وغيره، بالآخره در قاهره مصر وفات یافت. خیر الدین بن محمود بن محمد بن علی بن فارس، الزرکلی دمشقی (المتوفی: 1396 هـ)، الأعلام، الناشر: دار العلم للملايين، الطبعة: الخامسة عشر - أيار / مايو 2002 م، ج 6 ص 25 - 26.

4 - محمد بن أحمد بن مصطفى بن أحمد المعروف بأبي زهرة (المتوفی: 1394 هـ)، زهرة التفاسیر، دار النشر: دار الفكر العربي، بيروت، ج 2 ص 1080.

ترجمه: در نسبت دادن امانت در این قول الله متعال (أَمَانَتُهُ) برای شخص مدیون، در حالی که امانت در واقع از داین یا اعطاء کننده است از جهت که مالک دین و ودیعه و امثال آنها داین و اعطاء کننده است، ولی اضافت و نسبت امانت به مدیون از آن جهت است که امانت حمل شده است بالای مدیون و واجب است تا ادا نماید و با ادا کردن امانت، آنچه که حمل شده بود بالای مدیون دور می گردد، پس امانت یک حمل و بار بسیار گران است برای کسی که حق آن را بشناسد.

سید قطب⁽¹⁾ رحمه الله در تفسیر این آیه می گوید: والمدین مؤتمن علی الدین ، والدائن مؤتمن علی الرهن؛ وكلاهما مدعو لأداء ما أوتمن علیه باسم تقوی الله ربه. والرب هو الراعي والمربي والسيد والحاكم والقاضي. وكل هذه المعاني ذات إحياء في موقف التعامل والائتمان والأداء . وفي بعض الآراء أن هذه الآية نسخت آية الكتابة في حالة الإئتمان . ونحن لا نرى هذا ، فالكتابة واجبة في الدين إلا في حالة السفر . والإئتمان خاص بهذه الحالة والدائن والمدین كلاهما - في هذه الحالة - مؤتمن.⁽²⁾

مدیون بر پرداخت دین امین شناخته شده است ، و داین بر مال گرو امین به حساب آمده است. و هر دوی ایشان تحت عنوان تقوی و ترس از خدای که پروردگارشان است، برای ادای امانتداری و نشان دادن آن در آنچه ایشان را بر آن امین دانسته اند، دعوت شده اند. (رَبِّ) عبارت است از: چوپان، پرورش دهنده، سرور، امیر، و قاضی . همه این معانی در موقعیت گوناگون خرید و فروش و اطمینان کردن و اداء امانت، به ذهن می گذرد و الهام بخش است. مطابق برخی از آراء و نظریات مفسرین، این آیه، نوشتن در حالت امین دانستن را منسوخ نموده است. ولی ما چنین معتقد نیستیم، نوشتن دین واجب است مگر در حالت سفر. امین دانستن ویژه این حالت است. مدیون و داین هر دو - در این حالت - امین شناخته شده اند.

همچنان الله متعال می فرماید: {وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ}.⁽³⁾

ترجمه: مؤمنان امانت های را که نزد شان است حفاظت می نمایند و در آن خیانت روا نمی دارند و پیمان های را که بسته اند، نقض نمی کنند.

11- سیدقطب (۱۳۲۴- ۱۳۸۷ هـ مطابق ۱۹۰۶- ۱۹۶۷)، سید قطب بن ابراهیم متفکر اسلامی مصری متولد موشای اسیوط که در سال ۱۳۵۲ هـ (۱۹۳۴م) از دانشکده دارالعلوم (قاهره) فارغ و در جریده الاهرام آغاز به کار نمود. و در سال (۱۹۳۸- ۱۵) ترکیب هیات برنامه های تعلیمی به امریکا سفر کرد، که با برگشت از سفر برنامه مصری را انتقاد کرد و در صدد اصلاح خوانی آن بود. تالیفات آن: فی الظلال قرآن، النقد ادبی اصوله و مناهجه، العدالة الاجتماعية فی الاسلام، التصوير الفنی فی القرآن وغيره. الاعلام، ج 2 ص 147 - 148.

2 - سید قطب بن ابراهیم، فی ظلال القرآن، دار النشر: دار الفكر العربي، بیروت، الطبعة الثانية، 1422 هـ، ج 1 ص 318.

3 - {المؤمنون، آیه 8}.

سعدی رحمه الله در تفسیر این آیه **{وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ}** می گوید: (آی: مراعون لها، ضابطون، حافظون، حریصون على القيام بها وتنفيذها، وهذا عام في جميع الأمانات التي هي حق لله، والتي هي حق للعباد، قال تعالى: **{إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ}** فجميع ما أوجبه الله على عبده أمانة، على العبد حفظها بالقيام التام بها، وكذلك يدخل في ذلك أمانات الأدميين، كأمانات الأموال والأسرار ونحوهما، فعلى العبد مراعاة الأمرين، وأداء الأمانتين).⁽¹⁾

ترجمه: یعنی آن را حفاظت می کنند و به آن پایبند هستند، و برای اجرای آن می کوشند. این شامل همه امانتهاست، امانتهایی که حق خداوند هستند، و امانتهایی که حق بندگان خدا می باشند. خداوند متعال فرموده است: **{إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا}**.⁽²⁾

ترجمه: ما فرائض و تکالیف شرعی را به آسمانها، زمین و کوه ها عرضه داشتیم آنها بنا بر سنگینی و شدت این بار امانت از حمل آن خود داری کردند و انسان آن را حمل نمود و بطور قطع انسان بر خویشتن بسیار ستم روا می دارد و نسبت به عواقب امور بسیار نا آگاه است.

پس همه چیزهایی که خداوند بر بنده اش واجب نموده امانت است و باید کاملاً آنها را انجام دهد و حفظ نماید. همچنین امانتهایی که انسانها بر دوش یکدیگر می گذارند، مانند مالهایی که به امانت داده می شود، و رازهایی که بطور امانت با کسی در میان نهاده می شود، و امثال آن. پس بنده باید هر دو امانت را ادا نماید.

نفس بشری نظر به فطرتش تمایل دارد تا معامله همراهی شخص امین و صادق نماید، حتی غیر مسلمانان هم متأثر از شخص امین اند، طوری که در قصه اهل نجران وقتی که به پرداخت جزیه، موافقه کردند، آمده است: **{إِنَّا نُعْطِيكَ مَا سَأَلْتَنَا، وَابْعَثْ مَعَنَا رَجُلًا أَمِينًا، وَلَا تَبْعَثْ مَعَنَا إِلَّا أَمِينًا}**. فَقَالَ: **{لَأُبْعَثَنَّ مَعَكُمْ رَجُلًا أَمِينًا حَقَّ أَمِينٍ}**، فاستشرفت له أصحاب رسول الله - صلى الله عليه وسلم -، فقال: **{قُمْ يَا أَبَا عُبَيْدَةَ بْنَ الْجَرَّاحِ!}** ، فَلَمَّا قَامَ؛ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صلى الله عليه وسلم: **{هَذَا أَمِينٌ هَذِهِ الْأُمَّةُ}**.⁽³⁾

1 - السعدی، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، ج 2 ص 547.

2 - {الاحزاب، آیه 72}.

3 - محمد بن اسمعیل بخاری، صحیح البخاری، رقم الحدیث 4380.

ترجمه: هر چه از ما بخواهی، به تو عطا می‌کنیم. مرد امینی را همراه ما بفرست و نباید جز امین، فردی دیگر باشد. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: مرد امینی را که واقعاً امین باشد، همراه شما خواهم فرستاد. هر يك از یاران رسول خدا صلی الله علیه وسلم آرزو می‌کرد که فرد امین، او باشد. آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: ای ابو عبیده بن جراح! بلند شو. هنگامی که او برخاست، رسول خدا صلی الله علیه وسلم - فرمود: این مرد، امین این امت است.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث واضح و مشخص شد که حتی کفار هم از شخص امین متأثر اند و به پیامبر صلی الله علیه وسلم پیشنهاد می‌نمایند تا شخص امین را همراهی شان بفرستند و این از یک ظرف دلالت بر اهمیت امانت را ثابت می‌کند و از طرف هم به این دلالت می‌کند که کفار هم خوش داشتند تا هر نوع معامله را با شخص امین انجام دهند.

همچنان امانت در خرید و فروش یک منزلت بزرگ در اطمینان نفس و آشکار گردیدن امن دارد، زیرا معامله با مردم همراهی صداقت و امانت، یک وسیله ای خوبی برای زیادت شدن محبت و الفت میان شان است، از همین جهت پیامبر صلی الله علیه وسلم تجاران را به لازم گرفتن صدق، تقوی و امانت توصیه نموده است، تا به درجه صدیقین و شهداء نایل گردند، طوری که در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي سَعِيدٍ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «التَّاجِرُ الصَّدُوقُ الْأَمِينُ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّدِيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ».(1)

ترجمه: از ابوسعید الخدری رضی الله عنه روایت است، که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: تاجر راستگویی و امانت دار با پیامبران، صدیقان و شهیدان است.

وجه استدلال از حدیث: این حدیث از یک طرف اهمیت صداقت و امانت را بازگو می‌کند و از طرف هم بیان گر آن است که اگر تاجر صداقت و امانت را در معاملاتش لازم ببیند، همراهی پیامبران، صدیقان و شهیدان حشر می‌گردد و این بهترین جاگاه برای تاجرین است.

همچنان اسلام به التزام گرفتن امانت و سهل گیری در معامله و طلب حق دعوت می‌کند و برای کسی که این کار را انجام می‌دهد پیامبر صلی الله علیه وسلم دعای خیر نموده است، و این یک ادب بلند و اخلاق نیکی اجتماعی است که مردم را میان هم نزدیک می‌گرداند، زیرا امانت و آسان گیری در نفوس و قلوب آرامش را بوجود می‌آورد و کینه و نفرت را دور می‌گرداند و این سبب نزدیکی

1 - ابوداود، سنن الترمذی، رقم الحدیث 1203. آلبانی رحمه الله می‌گوید: این حدیث صحیح لغیره است. محمد ناصر الدین الالبانی، صحیح الترمذی و الترهیب، الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، الرياض - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، 1421 هـ - 2000 م، رقم الحدیث 1782.

میان مردم می‌گردد، در حدیث شریف آمده است: عَنْ جَابِرٍ، رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «رَحِمَ اللهُ رَجُلًا سَمَحًا إِذَا بَاعَ، وَإِذَا اشْتَرَى، وَإِذَا اقْتَضَى».(1)

ترجمه: از جابر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: خداوند بر بنده ای رحم میکند که هنگام خرید و فروش و طلب حق خود، سهل گیر باشد.

وجه استدلال از حدیث: این بطلان رحمه الله در شرح این حدیث می‌گوید: (فیه: الحَضُّ عَلَى السَّمَاةِ وَحَسَنُ الْمَعَامَلَةِ وَالْإِمَانَةُ، وَاسْتِعْمَالُ مَعَالَى الْأَخْلَاقِ وَمَكَارِمِهَا، وَتَرْكُ الْمَشَاحَةِ وَالرَّقَّةِ فِي الْبَيْعِ، وَذَلِكَ سَبَبٌ إِلَى وَجُودِ الْبِرْكَاتِ فِيهِ لِأَنَّ النَّبِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَحْضُ أُمَّتَهُ إِلَّا عَلَى مَا فِيهِ النِّفْعُ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ).(2)

ترجمه: در این حدیث: تشویق کردن بر سهل گیری، نیکوی معامله و امانت داری است، و هم تشویق کردن به استعمال اخلاقی بلند و جایگاه آن است و هم تشویق کردن به ترک بخل است و نرمش کردن در معامله و این کار سبب بوجود آمدن برکت در معامله می‌گردد، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم امتش را تشویق نمی‌کرد مگر در چیزی که برای شان نفع در دنیا و آخرت داشت.

خلاصه: مراعات کردن امانت در هر معامله سبب محبت، الفت و عطوفت میان مردم می‌گردد و از طرف هم این کار سبب برکت در مال گردیده و انجام دهنده آن همراهی پیامبران، صدیقین و شهداء حشر می‌گردد، همچنان امانت داری سبب سعادت و نیک بختی شخص معامله گر در دنیا و آخرت می‌گردد.

مطلب هفتم: امانت در وظیفه

شخص امین و امانت دار در وظیفه، شخصی است که در وظیفه اش با استفاده از منصب و مقامش بهره و استفاده نمی‌کند که منجر به منفعت شخصی و یا هم خویشاوندانش گردد، زیرا خود را سیر کردن از مال عامه جرم است و مشهور است که حکومت ها، شرکت ها و مؤسسه های خیریه که برای مؤظفین و کارمندان شان وظایف مشخص می‌دهند و برای شان یک معاش معین نظر به کار شان تعیین می‌کنند، بنابراین، گرفتن اضافه از معاش از طریق رشوت، اختلاس، فریب، کتمان

1 - محمد بن اسمعیل بخاری، صحیح البخاری، رقم الحدیث 2076.

2 - شرح صحیح البخاری لاین بطلان، ج 6 ص 210.

وغيره يك كسب حرام است، از همين جهت پيامبر صلى الله عليه وسلم فرمود: «مَنْ اسْتَعْمَلَنَا عَلَى عَمَلٍ فَرَزَقْنَاهُ رِزْقًا فَمَا أَخَذَ بَعْدَ ذَلِكَ فَهُوَ غُلُولٌ» (1)

ترجمه: هرکس را بکاري گمارديم و براي آن روزي داديم، پس از اين مقرري و روزي که بوي مي دهيم، هر چيزي را که بگيرد خيانت و رشوه است.

وجه استدلال از اين حديث: در اين حديث مشخص و واضح گرديد که هرکس بعد از مقرري اش در حالي که براي معاش مشخص در نظر گرفته شده است، چيزي را بگيرد، براي خيانت و رشوه است.

همچنان در حديث ديگر آمده است: عن عَدِي بْنِ عُمَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: «مَنْ اسْتَعْمَلَنَا مِنْكُمْ عَلَى عَمَلٍ، فَكُنْمَنَا مَخِيطًا فَمَا فَوْقَهُ، كَانَ غُلُولًا يَأْتِي بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ أَسْوَدٌ مِنَ الْأَنْصَارِ، كَانَتْ أُنْظَرُ إِلَيْهِ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَقْبَلْ عَنِي عَمَلَكَ قَالَ: «وَمَا لَكَ؟» قَالَ: سَمِعْتُكَ تَقُولُ كَذَا وَكَذَا، قَالَ: «وَأَنَا أَقُولُهُ الْآنَ: مَنْ اسْتَعْمَلَنَا عَلَى عَمَلٍ فَلْيَجِيءْ بِقَلِيلِهِ وَكَثِيرِهِ، فَمَا أُوتِيَ مِنْهُ أَخَذَ وَمَا نُهِى عَنْهُ أَنْتَهَى» (2)

ترجمه: از عدي بن عميره رضي الله عنه روايت شده که گفت: از رسول الله صلي الله عليه وسلم شنيدم که فرمود: هرگاه کسي را بر کاري مؤظف سازيم و سوزني يا بالاتر از آن را از ما پنهان دارد، خائن و دزد شمرده شده، و در روز قيامت با آن حاضر مي شود. مرد سياهي از انصار برخاست، گويي من اکنون بسويش مي نگرم و گفت: يا رسول الله صلي الله عليه وسلم وظيفه ات را که به من دادي پس بگير! فرمود: ترا چه شده؟ گفت: شنيدم که چنين و چنان فرمودي! فرمود: حالا هم مي گويم هرگاه کسي را به کاري مقرر سازيم بايد کم و زيادش را بما رساند. آنچه از آن به او داده مي شود، بگيرد و آنچه به دوري از آن امر شود، از آن دوري گزيند.

وجه استدلال از حديث: در اين حديث وعيد شديدي است براي کارمند و مأموري که در وظيفه اش خيانت مي کند، خواه کم باشد، يا زياد. (3)

1 - سنن أبي داود، رقم الحديث 2943. ابن الاثير می گوید: این حديث سندش کاملاً صحيح است. مجد الدين أبو السعادات المبارك بن محمد بن محمد بن محمد ابن عبد الكريم الشيباني الجزري ابن الاثير (المتوفى : 606هـ)، جامع الأصول في أحاديث الرسول، تحقيق : عبد القادر الأرناؤوط - التتمة تحقيق بشير عيون، الناشر : مكتبة الحلواني - مطبعة الملاح - مكتبة دار البيان، الطبعة : الأولى، 1389 هـ ، 1969 م، رقم الحديث 8144.

2 - مسلم بن الحجاج النيسابوري، صحيح مسلم، رقم الحديث 1833.

3 - ابي زكريا يحيي بن شرف نوري دمشقي (631 - 676 هـ)، ترجمه ي فارسي رياض الصالحين، ترجمه و شرح: عبد الله خاموش هروي، محله جنگی پشاور، المكتبة القریشية، ج 2 ص 224.

همچنان این یک فعل و عملی حرام است، زیرا اختلاس از مال جماعت و عامه است که بر ضعفاء، فقراء و نیازمندان انفاق می گردد و یا هم برای مصالحه بزرگی از قبیل راهای عامه، شفاخانه، مدرسه، مکتب، پوهنتون، مسجد و غیره مصرف می گردد، الله متعال در مورد می فرماید: {وَمَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يُغْلَ وَمَنْ يُغْلَ يَأْتِ بِمَا عَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ}. (1)

ترجمه: شرعاً و عقلاً مجاز نیست که یکی از پیامبران در مال غنیمت خیانت ورزد و کسی که در مال غنیمت خیانت ورزد، در روز قیامت به نشانه رسوایی آن مال به گردنش آویزان و در برابر دیدگان مردم قرار می گیرد، سپس برای هرکس جزای عملش بدون کم و کاست داده می شود، جزای عادلانه و بدون کم و کاست به وی داده می شود، نه بر عقاب گنهگار افزوده می شود و نه از پاداش فرمانبردار کاسته.

تفسیر المنیر در تفسیر این آیه می گوید: (والغلول هو أخذ الشيء من الغنائم خفية واختلاساً فأخذه يأتي يوم القيامة حاملاً إياه على عنقه ، أي متحملاً مسؤولية فعله ووزر ما ارتكبه ، وبذلك يستوجب العقاب، يوم توحى كل نفس في الآخرة ما كسبت من خير أو شر فينال الغال جزاء فعله دون ظلم). (2)

ترجمه: غلول عبارت از گرفتن یک چیز از اموال غنایم بشکل پنهان و اختلاس است، بنابراین، گیرنده آن را روز قیامت آورده می شود، در حالی که آن چیز اختلاس شده برگردنش حمل شده است، یعنی مسئولیت فعل و وگناهی را که مرتکب شده بود، متحمل کرده است و به همین خاطر مستوجب عذاب می گردد، روزی که تمام نفوس در آخرت بخاطر آنچه از خیر و شر کسب کرده است زنده گردانده می شود، پس برای خاین جزای فعلش بدون ظلم می رسد.

همچنان از جمله امانت گذاشتن شخص متعهد، متخصص، امین، کارا و مناسب در وظایف می باشد، بنابراین، سپردن وظیفه برای شخص بدون کفایت و ناکارا جایز نیست، زیرا اعمال و وظایف عامه امانات اند که باید به اهل شان سپرده شوند، از همین جهت در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي ذَرٍّ، قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَلَا تَسْتَعْمِلُنِي؟ قَالَ: فَضْرَبَ بِيَدِهِ عَلَى مَنْكِبِي، ثُمَّ قَالَ: «يَا أَبَا ذَرٍّ، إِنَّكَ ضَعِيفٌ، وَإِنَّهَا أَمَانَةٌ، وَإِنَّهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ خِزْيٌ وَنَدَامَةٌ، إِلَّا مَنْ أَخَذَهَا بِحَقِّهَا، وَأَدَّى الَّذِي عَلَيْهِ فِيهَا». (3)

ترجمه: از ابو ذر رضی الله عنه روایت شده که گفت: گفتم: یا رسول الله صلی الله علیه وسلم! آیا مرا بوظیفه مقرر نمی نمایید؟ آنحضرت صلی الله علیه وسلم دست خود را به شانۀ ام زده فرمود: ای

1 - {آل عمران، آیه 161}.

2 - وهبة الزحيلي، التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، ج 4 ص 148.

3 - مسلم بن الحجاج النيسابوري، صحيح مسلم، رقم الحديث 4823.

اباذر همانا تو ناتوانی! و همانا آن امانت است، و نتیجه آن در روز قیامت خواری و پشیمانی است، مگر کسیکه آن را بحقش گرفته و واجبی را که در این مورد بر دوش اوست بجای آورد.

وجه استدلال از حدیث: گرفتن وظیفه گناه برای کسیست که اهلیت ولایت را ندارد و یا عدالت را در وظیفه اش رعایت نمی کند و یا هم از وظیفه امانت داری درست کرده نمی تواند، اما آنکه اهل امانت بوده و عدالت را در آن مرعی می دارد، فضیلتی بس بزرگ را دارا می باشد، و او از جمله هفت کسیست که خداوند در روز قیامت وی را در سایه اش پناه می دهد. (1)

در این قسمت بهترین الگو و نمونه، یوسف صدیق و امین علیه السلام است، که نفسش را برای اداره مالی و اقتصادی مصر از جهت نبوت و تقوایش برای ملک مصر پیشنهاد نکرد، بلکه از جهت تعهد و تخصصی که در این قسمت داشت، پیشنهاد کرد، طوری که الله متعال می فرماید: **{قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ}**. (2)

ترجمه: یوسف به شاه گفت: مرا مسئول دارای سرزمین خود قرار بدار، من در مورد آنچه برایم میدهی بسی آمین و راجع به اجرای برنامه آگاه هستم.

حضرت یوسف بخاطر علاقمندی که به اقامه حق و عدالت داشت، خواستگاری ولایت شد و این سخن را نه بخاطر تزکیه نفس بلکه برای ابراز کفایت و اهلیت خود بر عهده داری پست بیت المال، اظهار داشت. (3)

وقتی که ابوذر رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم طلب ولایت کرد، پیامبر صلی الله علیه وسلم وظیفه را برایش مناسب ندید، بلکه از مسئولیت گرفتن او را ترسانید، بنابراین، امانت تقاضا می کند که باید بهترین مردم برای وظایف برگزیده شود، ولی در صورتی که این موضوع در نظر گرفته نشود، بلکه انتخاب اشخاص به اساس روابط، واسطه، رشوت، قرابت و هوا و هوس باشد، انتخاب کننده مرتکب خیانت بزرگ و عظیمی شده است، طوری که پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید:

1 - عبدالله خاموش هروی، ترجمه ی فارسی ریاض الصالحین، ج 2 ص 68.

2 - {یوسف، آیه 55}.

3 - الصابونی، صفوة التفاسیر، ج 1 ص 243.

«مَنْ اسْتَعْمَلَ رَجُلًا مِنْ عِصَابَةٍ وَفِي تِلْكَ الْعِصَابَةِ مَنْ هُوَ أَرْضَىٰ لِلَّهِ مِنْهُ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَخَانَ رَسُولَهُ وَخَانَ الْمُؤْمِنِينَ» (1).

ترجمه: کسی که یک شخص را از یک جماعت می‌گمارد و در این جماعت شخصی هم است که الله متعال از او راضی تر است، گمارنده با الله خیانت کرده است، با پیامبر صلی الله علیه وسلم خیانت کرده است و با مؤمنین خیانت کرده است.

وجه استدلال از حدیث: این حدیث تحذیر است برای کسی که در قسمت تقرری اشخاص سهل انگاری می‌نماید و اشخاص بهتر و شایسته تر را انتخاب از میان مردم نمی‌کند، بلکه بدون دقت و غیره هر شخص را بوظایف مختلف می‌گمارد، بنابراین، این شخص با الله، رسول و مؤمنین خیانت نموده است.

خلاصه: امانت در وظایف آن است که باید اشخاص متعهد، متخصص، با کفایت و درایت برای وظایف گماریده شود و از اشخاص ضعیف و ناکارا در تقرری خود داری گردد و همچنان در صورت سهل انگاری در این قسمت، شخص مسئول که مقرری بدست او است، خاین محسوب گردیده و نزد الله متعال مجازات می‌گردد.

مطلب هشتم: امانت در مجالس

برای مجالس که انسان ها در آن اشتراک می‌نمایند حقوق است، بنابراین، ظاهر کردن و افشاء نمودن اسرار مجالس جایز نیست، بسیاری از علاقمندی ها از اشتراک کردن در مجالس قطع می‌گردند و هم بسیاری از مصلحت ها معطل می‌شوند، از جهت بی‌پروائی بعضی اشخاص در قسمت امانت مجالس و حفظ اسرار آن، الله متعال در مورد می‌فرماید: {وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا} (2).

1 - أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبي الطهماني النيسابوري المعروف بابن البيع (المتوفى: 405هـ)، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: مصطفیٰ عبد القادر عطا، الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، 1411 - 1990م، رقم الحدیث 7023. صنعانی رحمه الله می‌گوید: این حدیث صحیح لغیره است. الحسن بن أحمد بن یوسف بن محمد بن أحمد الرباعي صنعاني (المتوفى: 1276هـ)، فتح الغفار الجامع لأحكام سنة نبينا المختار، المحقق: مجموعة باشراف الشيخ علي العمران، الناشر: دار عالم الفوائد، الطبعة: الأولى، 1427هـ، رقم الحدیث 6275.

2 - {الاسراء، آیه 36}.

ترجمه: از آنچه که آگاهی نداری پیروی مکن، بلکه در درستی خبر که بتو می رسد، سعی کن، مسلماً انسان در روز قیامت از حواس خویش: گوش، چشم، دل و آنچه اعضای وی انجام داده است، مورد باز پرس و جو قرار می گیرد.

پس برای هر شخص حرام است که پشت جماعت و مردم راه برود و سخنان آنها را گوش نماید، در حالی که آنها از این حالت نفهمند و آگاه نشوند، سپس آن سخنان را به مردم بازگو و افشاء نمایند، در مورد حدیث شریف است: عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ حَدَّثَ فِي مَجْلِسٍ بِحَدِيثٍ، فَالْتَفَتَ، فَهِيَ أَمَانَةٌ» (1).

ترجمه: از جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه فرمود: کسی که در مجلس سخنی را گفت، و این سخن مورد توجه قرار گرفت، پس این سخن مورد توجه امانت است. وجه استدلال از حدیث: در این حدیث دیده شد که سخن مهم و مورد توجه در مجلس امانت است و نباید افشاء گردد و هرکس آن را افشاء و میان مردم اظهار کند در امانت خیانت نموده است.

حرمت های مجالس باید مصئون و محفوظ نگاه داشته شوند تا وقتی که این مجالس بر اساس قوانین ادبی و احکام دین استوار باشند، ولی اگر از احکام دین و قوانین ادب خارج گردند، در این صورت این مجالس از مقام حرمت بیرون می گردند و این مجالس بدون حرمت به سه مجلس خلاصه می گردند:

1- مجلسی که در آن ریختن خون حرام فیصله گردد، در همچنین مجلس واجب است تا آشکار

و

افشاء گردد و پوشاندن و کتمان آن جایز نیست، بلکه پوشاندن آن یک خیانت عامه است و هم خیانت به مقتول و اولیای مقتول است و هم خیانت به حق الله است، پس این چنین مجلس نه برای حرمت است و نه برایش امانت، زیرا اصحاب این گونه مجالس با الله خیانت می کنند در مورد کسی که الله متعال او را امان داده است و هم با برادرش خیانت می کنند که بر حیات او تجاوز می کنند و حیات او را می خواهند سلب نمایند و این ها امین با برادرشان نیستند،

1 - مسند الإمام أحمد بن حنبل، رقم الحديث 14474. ابن الاثير می گوید: این حدیث حسن است. جامع الأصول في أحاديث الرسول، 4768.

پس طرح ریزی قتل برادرش را می کنند. پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد می فرماید: « الْمَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ إِلَّا ثَلَاثَةً مَجَالِسَ سَفْكَ دَمٍ حَرَامٍ أَوْ فَرْجٍ حَرَامٍ أَوْ اقْتِطَاعِ مَالٍ بِغَيْرِ حَقٍّ ». (1)

ترجمه: مجالس به امانت است، مگر سه مجلس، 1- مجلس که در آن فیصله به ریختن خون حرام گردد. 2- مجلس که در آن تجاوز به زنا فیصله گردد. 3- مجلس که در آن گرفتن مال حرام فیصله گردد.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث واضح گردید که یکی از مجالس که امانت در آن وجود ندارد همان مجلس است که در آن فیصله به ریختن خون حرام گردد. از همین جهت امام مناوی رحمه الله می فرماید: (فمن قال في مجلس أريد قتل فلان أو الزنا بفلانة أو أخذ مال فلان فلا يجوز للمستمع كتمه بل عليه افشائه دفعا للمفسدة). (2)

ترجمه: پس کسی که در مجلس گفت: قتل فلان را، یا زنا با فلان زن را، یا گرفتن مال فلان را اراده دارم، برای شنونده کتمان آن جایز است، بلکه بر شنونده است تا او را افشاء نمایند از جهت دفع فساد.

2- مجلس که در آن فیصله بر تجاوز و عرض مردم که همان ناموس است صورت گیرد، پس این گونه مجلس هم حرمت و امانت ندارد، بشرطی که چهار شاهد شهادت دهند که این مجلس برای تجاوز به ناموس مردم صورت گرفته است، تا منجر به قذف و تهمت نگردد. طوری که پیامبر

صلی الله علیه وسلم فرمود: « ... أَوْ فَرْجٍ حَرَامٍ... ». (3)

ترجمه: مجلس که در آن تجاوز به زنا فیصله گردد، حرمت ندارد.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث واضح گردید که یکی از دیگر مجالس که در آن حرمت و

امانت وجود ندارد، مجلس است که در آن تجاوز به زنا فیصله گردد.

1 - سنن أبي داود، رقم الحديث 4871. مسند الإمام أحمد بن حنبل، 14693. متقی الهندی رحمه الله می گوید: سند این حدیث حسن است. کنز

العمال فی سنن الأقوال والأفعال، رقم الحديث 25379.

2 - زين الدين عبد الرؤوف المناوي، التيسير بشرح الجامع الصغير، دار النشر / مكتبة الإمام الشافعي - الرياض، الطبعة: الثالثة، - 1408 هـ -

1988م، ج 2 ص 879.

3 - ابوداود، سنن أبي داود، رقم الحديث 4871. مسند الإمام أحمد بن حنبل، 14693. متقی الهندی رحمه الله می گوید: سند این حدیث حسن

است. کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، رقم الحديث 25379.

3- همچنان مجلس که در آن تجاوز به مال مردم بشکل ناحق فیصله گردد، پس این چنین مجلس

هم حرمت و امانت ندارد، زیرا منکر و بدی در این مجلس وجود دارد، طوری که پیامبر

صلی الله علیه وسلم فرمود: «أَوْ اقْتِطَاعُ مَالٍ بَغَيْرِ حَقِّ» (1).

ترجمه: مجلس که در آن گرفتن مال حرام فیصله گردد.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث هم واضح گردید هر مجلس که در آن گرفتن مال حرام

فیصله گردد، حرمت و امانت ندارد.

از همین جهت مناسب است تا همراهی مردم با تقوا مصاحبت شود و هم همراهی مردم با تقوا

مجلس صورت گیرد، زیرا نشستن همراهی مردم با تقوا به خیر و نفع مردم تمام می گردد و

هم نشستن همراهی مردم با تقوا سبب دوری از مجالس سوء می گردد، پیامبر صلی الله علیه

وسلم می فرماید: «مَثَلُ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ وَمَثَلُ الْجَلِيسِ السُّوِّءِ، كَحَامِلِ الْمَسْكِ وَنَافِخِ الْكَبِيرِ،

فَحَامِلِ الْمَسْكِ إِذَا أَنْ تَبْتَاعَ مِنْهُ، وَإِذَا أَنْ تَجِدَ مِنْهُ رِيحًا طَيِّبَةً، وَنَافِخِ الْكَبِيرِ، إِذَا أَنْ يُحْرِقَ ثِيَابَكَ،

وَإِذَا أَنْ تَجِدَ مِنْهُ رِيحًا خَبِيثَةً» (2).

ترجمه: مثال همنشین صالح و همنشین بد، مانند دارنده ی مشک و دمنده ی کوره ی آهنگر

است؛ دارنده ی مشک، یا از آن به تو می بخشد، یا آن را از او می خری، یا از او بوی

خوشی را استشمام می کنی؛ اما دمنده ی کوره، یا لباس را می سوزاند، یا از او بوی

ناخوشی استشمام می کنی.

وجه استدلال از حدیث: قاضی عیاض⁽³⁾ رحمه الله در شرح این حدیث می گوید: (فی تمثیل

الجلس

السوء والجلس الصالح بحامل المسك أو نافع الكير : فيه تجنب خلطاء السوء ومجالسة

الأشرار وأهل البدع والمغتائبين للناس ؛ لآعن جميع هؤلاء ينفذ أثرهم إلى جلسهم ، والحض

على مجالسة أهل

الخير وتلقى العلم والأدب ، وحسن الهدى والاعلاق الحميدة). (1)

1 - ابوداود، سنن أبي داود، رقم الحديث 4871. مسند الإمام أحمد بن حنبل، 14693. متقی الهندی رحمه الله می گوید: سند این حدیث حسن

است. کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، رقم الحديث 25379.

2 - محمد بن اسمعیل بخاری، صحیح البخاری، رقم الحديث 5534.

3 - قاضی عیاض: (476 - 544 هـ = 1083 - 1149 م)، یاض بن موسی بن عیاض بن عمرو بن الیحصبی السبئی، أبو الفضل، یکی از

امامان مغرب زمین و از علمای مشهور حدیث در زمانش بود، در قریه سبته تولد گردیده و در غرناطه رشد نموده و در مراکش به اثر

مسمومیت وفات نمود، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: الشفا بتعریف حقوق المصطفی، الغنیة فی ذکر مشیخته، ترتیب المدارک و تقریب

المسالك فی معرفة أعلام مذهب الإمام مالک، شرح صحیح مسلم، مشارق الأنوار فی الحدیث، الإلماع إلى معرفة أصول الروایة وتقیید السماع

فی مصطلح الحدیث وغیره. وفيات الأعیان، ج 1 ص 382. أحمد بن یحیی بن أحمد بن عمیره، أبو جعفر الضبی (المتوفی: 599هـ)، بغیة

الملمس فی تاریخ رجال أهل الأندلس، الناشر: دار الکتب العربی - القاهرة، 1967 م، ج 2 ص 19.

ترجمه: در تمثیل همنشین بد و همنشین صالح به دارنده ی مشک و دمنده ی کوره ی آهنگر: از این حدیث چنین برمیآید که از اشتراک همراهی افراد اوباش و بی سر و پا، و نشستن همراهی مردمان اشرار، اهل بدعت و غیبت کننده گان برای مردم باید اجتناب نمود، زیرا نشستن همراهی تمام این گروه ها بالای شخص تاثیر می گذارد، از طرف هم تشویق به نشستن همراهی اهل خیر و ملاقات با اهل علم و ادب، اهل هدایت نیکو و اخلاق حمیده شده است.

مطلب نهم: امانت در عبادت

یکی دیگر از موارد امانت عبادت است و مقصود از عبادت هر قول و عملی است که با انجام آن برای بنده از طرف الله متعال ثواب داده می شود و متوقف بر نیت صحیح است.⁽²⁾

پس فرایض دین از قبیل نماز، روزه، نیکی با والدین و غیره از فرایض که بالای مسلمانان ادای آن لازم و ضروری اند و امانتی اند که از جانب پروردگار عالمیان بالای مسلمانان وضع گردیده است، و هم امانت در عبادت شامل تمام چیزهای است که الله متعال بر بالای انسانها به ودیعت گذاشته و به حفاظت آن دستور داده است، پس در آن حفظ اعضای انسان از هر آنچه که الله متعال ناراض است تا توسط اعضاء صورت نگیرد داخل است و هم داخل است حفظ آنچه که برای انسان بشکل امانت از حقوق مردم سپرده شده است، به همین شکل امانت در عبادت شامل تمام واجباتی که بر انسان است برابر است از ابتدا بالای شان واجب گردیده باشد و آن عبارت از تکالیف که تمام مردم در آن برابر اند از قبیل نماز، روزه، زکات، حج و غیره، یا در ابتدا بالای انسان واجب نیست، ولی بسبب از اسباب واجب می گردد از قبیل نذر و کفارات.⁽³⁾

در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: " خَمْسٌ مِنْ جَاءَ بِهِنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ إِيْمَانٍ دَخَلَ الْجَنَّةَ، مَنْ حَافَظَ عَلَى الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ عَلَى وَجْهِهِنَّ، وَرُكُوعِهِنَّ، وَسُجُودِهِنَّ، وَمَوَاقِيْتِهِنَّ، وَأَعْطَى الزَّكَاةَ مِنْ مَالِهِ طَيِّبَ النَّفْسِ بِهَا: قَالَ: وَكَانَ يَقُولُ: وَإِيْمُ اللَّهِ لَا يَفْعَلُ ذَلِكَ

1 - أبو الفضل عياض اليعصبی (544 هـ)، إكمال المعلم شرح صحيح مسلم - للقاظي عياض، الناشر: دارالفکر، بیروت، ج 8 ص 51.
2 - ابن عابدين، محمد أمين بن عمر بن عبد العزيز عابدين الدمشقي الحنفي (المتوفى: 1252 هـ)، رد المحتار على الدر المختار، الناشر: دار الفكر-بيروت، الطبعة: الثانية، 1412 هـ - 1992 م، ج 1 ص 72.
3 - عبدالله سعدون الشمري، خيانة الأمانة في تاريخ الحضارة الإسلامية (دراسة تاريخية قانونية)، ص 46.

إِلَّا مُؤْمِنٌ، وَصَامَ رَمَضَانَ وَحَجَّ الْبَيْتَ إِنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا، وَأَدَّى الْأَمَانَةَ " قَالُوا: يَا أَبَا الدَّرْدَاءِ وَمَا
أَدَاءُ الْأَمَانَةِ؟ قَالَ: «الْعُسْلُ مِنَ الْجَنَابَةِ» (1).

ترجمه: از ابودرداء رضی الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: پنج چیز است، کسی که به این پنج چیز روز قیامت همراهی ایمان بیاید، به جنت داخل می گردد، کسی که بر نماز های پنج گانه بر همان طریقه شان، رکوع شان، سجود شان و به وقت شان محافظت نماید و از مالش با پاکیزه گی نفس زکاتش را پرداخت نماید، ابودرداء می گوید: و پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: و سوگند به الله این کار را جز مؤمن کسی انجام نمی دهد. و روزه رمضان را بگیرد و حج بیت الله را انجام دهد اگر توان رفتن بسوی او را داشت و امانت را اداء نماید. شاگردان ابودرداء به ابودرداء گفتند: ای ابودرداء ادای امانت چیست؟ ابودرداء رضی الله عنه گفت: غسل کردن از جنابت است.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث واضح و معلوم گردید که حفاظت و پابندی به پنج چیز که تذکر رفت، سبب دخول حفاظت کننده در جنت می گردد و هم ادای امانت که غسل از جنابت است و این ها در کل امانت هستند.

خلاصه: تمام عبادات بالای انسان ها امانت است و باید بشکل درست آن مراعات نمایند و در صورتی که به عبادات خیانت نمایند و به آنها حفاظت و پابندی نکنند، در این صورت جزای خیانت شان را می چشند.

مطلب دهم: امانت در حق رعیت و زیردستان

یکی دیگر از موارد امانت، امانت بر رعیت و زیردستان است، یعنی بالای هر شخص که در زیردست خود رعیت دارد لازم است تا امانت را بر بالای آنها مراعات کند، از همین جهت پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَقُولُ: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، الْإِمَامُ رَاعٍ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَالرَّجُلُ رَاعٍ فِي أَهْلِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ فِي بَيْتِ زَوْجِهَا وَمَسْئُولَةٌ عَنْ رَعِيَّتِهَا، وَالْخَادِمُ رَاعٍ فِي

1 - البيهقي، شعب الإيمان، رقم الحديث 2495. أبو عبد الله عبيد الله بن محمد بن محمد بن حمدان العُكْبَرِي المعروف بابن بَطَّة العكبري (المتوفى: 387هـ)، الإبانة الكبرى لابن بطة، المحقق: رضا معطي، وعثمان الأثيوبي، ويوسف الوابل، والوليد بن سيف النصر، وحمد التويجري، الناشر: دار الراجية للنشر والتوزيع، الرياض، الطبعة: الأولى، 1415 هـ، رقم الحديث 894. متقى الهندي رحمه الله می گوید: این حدیث حسن است. كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، رقم الحديث 43513.

مَالِ سَيِّدِهِ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ». قَالَ: وَحَسِبْتُ أَنْ قَدْ قَالَ: «وَالرَّجُلُ رَاعٍ فِي مَالِ أَبِيهِ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَكُلُّكُمْ رَاعٍ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ». (1)

ترجمه: از ابن عمر رضي الله عنهما روایت شده که گفت: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: همه شما چوپانید، و هر کدام شما از رعیت خود پرسیده می شوید، رهبر چوپان است، و مسئول رعیت خود است، مرد در خانواده اش شبان و مسئول از رعیت خود است، و زن در خانه شوهر خود شبان و مسئول رعیت خود است و خدمتگار در مال آقای خود شبان است و از رعیت خود بازخواست می شود، و همه شما شبانید و از رعیت خویش پرسیده می شوید. راوی می گوید: به گمانم آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - این جمله را نیز افزود: مرد هم مسئول مال پدر خود می باشد. و همه شما مسئول هستید و از شما در مورد مسئولیت تان، سؤال خواهد شد.

وجه استدلال از حدیث: ابن رجب⁽²⁾ رحمه الله در شرح این حدیث می گوید: (علی أن الأمير في البلدان والقرى - وإن لم يكن من الأمصار الجامعة - أن يقيم الجمعة لأهلها، لأنه راع عليهم، ومسئول عنهم، ومما يجب عليه رعايته: أمر دين رعيته، واهمه الصلاة).⁽³⁾

ترجمه: در شهرها و قریه ها بر بالای امیر است - گرچند از شهرهای جامع هم نباشد - تا نماز جمعه را برای باشندگان آنها اقامه نماید، زیرا امیر حیثیت چوپان را بالای رعیت شان دارد و مسئول از آنها است و از آنچه که بالای امیر رعایت آن واجب است: امر و سرنوشت دین رعیتش می باشد و مهمترین امر دین نماز است.

همچنان ابن الملتن⁽⁴⁾ رحمه الله در شرح این حدیث می گوید: (الراعي هو الحافظ المؤمن الملتزم صلاح ما قام عليه، وما هو تحت نظره، فكل من كان تحت نظره شيء فهو مطلوب بالعدل فيه، والقيام

1 - محمد بن اسمعیل بخاری، صحیح البخاری، رقم الحدیث 893.

2 - ابن رجب: (736 - 795 هـ = 1335 - 1393 م) عبد الرحمن بن أحمد بن رجب، سلامی، بغدادی، دمشقی، أبو الفرج، زین الدین، یکی از فقها و علمای حدیث است، تولدش در بغداد، پرورش و وفات او در دمشق شده است، از جمله تألیفاتش: فتح الباری شرح صحیح البخاری و قواعد الفقهیه می باشد. أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: 852 هـ)، الدرر الكامنة في أعيان المائة الثامنة، المحقق: محمد عبد المعيد ضان، الناشر: مجلس دائرة المعارف العثمانية - صيدر اباد الهند، الطبعة: الثانية، 1392 هـ / 1972 م، ج 11 ص 151.

3 - زین الدین عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، السلامی، البغدادي، ثم الدمشقي، الحنبلي (المتوفى: 795 هـ)، فتح الباري شرح صحیح البخاری، تحقیق: محمود بن شعبان بن عبد المقصود وغيره، الناشر: مكتبة الغرباء الأثرية - المدينة النبوية، الطبعة: الأولى، 1417 هـ - 1996 م، ج 8 ص 141.

4 - ابن الملتن: (723 - 804 هـ = 1323 - 1401 م)، عمر بن علي بن أحمد، أنصاري، شافعي، سراج الدین، أبو حفص ابن النحوي، معروف به ابن الملتن، یکی از بزرگان و اکابر علمای حدیث، فقه و تاریخ بود، اصلش از وادی واش که یک قریه از قریه های اندلس بود، ولی تولد و وفات او در قاهره شده است، تألیفات او به سه صد کتاب می رسد از جمله: التوضیح لشرح الجامع الصحیح، إكمال تهذيب الكمال

بمصالحه في دينه ودنياه ومتعلقاته، فإن وفي ما عليه من الرعاية؛ حصل له الحظ الأوفر، والأجر الأكبر، وإن كان غير ذلك طالبه كل أحد من رعيته بحقه).⁽¹⁾

ترجمه: منظور از راعی همان حفاظت کننده، امین و التزام شونده است به صلاحیت که بر آن قایم شده است و آنچه که در تحت نظر و زیردست او است، پس هر کسی که زیردست و اداره اش چیزی و یا کسی است، پس از او خواسته شده است تا عدالت را در او تطبیق کند و هم برای مصلحت دین، دنیا و متعلقات زیردست خود بر خیزد، در صورتی که بر آنچه بالایش از رعایت کردن لازم است وفاء نماید، برایش یک حصه کامل و بدون نقص و اجر بزرگ حاصل می گردد، ولی اگر آن را رعایت نکرد، هر کدام از رعیت و زیردستان حق خود را از او روز قیامت مطالبه می نمایند.

مطلب یازدهم: امانت در ولایت کردن

امانت در ولایت کردن به این معنا است که هر شخص را الله متعال در امری از امور مسلمانان ولایت داده است، پس آن امر برایش امانت است و از ادای آن مسئولیت دارد، که آیا شریعت و قانون الله متعال را در آن امر اقامه کرده است؟ آیا مال مسلمانان را در آن بخش حفظ کرده است؟ آیا امر به معروف و نهی از منکر در جریان ولایتش کرده است؟ آیا در تقرری هایش کار را به اهل کار سپرده است؟⁽²⁾

از همین جهت پیامبر صلی الله علیه وسلم در جواب شخصی که از او سوال کرد که امانت چگونه ضایع می گردد، فرمود: «إِذَا وُسِّدَ الْأَمْرُ إِلَىٰ غَيْرِ أَهْلِهِ فَانْتَظِرِ السَّاعَةَ».⁽³⁾

ترجمه: چون کار به نا اهلان سپرده شود، انتظار قیامت را بکش.

وجه استدلال از حدیث: ابن حجر عسقلانی⁽¹⁾ رحمه در شرح این حدیث می گوید: (أَنَّ الْأَيْمَةَ قَدْ ائْتَمَنَهُمُ اللَّهُ عَلَىٰ عِبَادِهِ وَفَرَضَ عَلَيْهِمُ النَّصِيحَةَ لَهُمْ فَيَنْبَغِي لَهُمْ تَوَلِيَةُ أَهْلِ الدِّينِ فَإِذَا قَلَدُوا غَيْرَ أَهْلِ الدِّينِ فَقَدْ ضَيَعُوا الْأَمَانَةَ الَّتِي قَلَدَهُمُ اللَّهُ تَعَالَىٰ إِيَّاهَا).⁽²⁾

في أسماء الرجال تراجم، التذكرة في علوم الحديث، الإعلام بفوائد عمدة الأحكام وغيره. عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين السيوطي (المتوفى: 911هـ)، ذيل طبقات الحفاظ، المحقق: الشيخ زكريا عميرات، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، ص 197. شمس الدين أبو الخير محمد بن عبد الرحمن بن محمد بن أبي بكر بن عثمان بن محمد السخاوي (المتوفى: 902هـ)، الضوء اللامع، الناشر: منشورات دار مكتبة الحياة - بيروت، ج 6 ص 100.

1 - ابن الملقن سراج الدين أبو حفص عمر بن علي بن أحمد الشافعي المصري (المتوفى: 804هـ)، التوضيح لشرح الجامع الصحيح، المحقق:

دار الفلاح للبحث العلمي وتحقيق التراث، الطبعة: الأولى، 1429 هـ - 2008 م، ج 7 ص 447.

2 - عبدالله سعدون الشمري، خيانة الأمانة في تاريخ الحضارة الإسلامية (دراسة تاريخية قانونية)، ص 52.

3 - محمد بن اسمعيل بخارى، صحيح البخارى، رقم الحديث 59.

ترجمه: امامان را که الله متعال بر بالای بنده هایش امین مقرر کرده است و بالای امامان نصیحت و توصیه را برای رعیت شان فرض نموده است، بنابراین، برای امامان مناسب است تا ولایت را به اهل دین بسپارد، ولی در صورتی که غیر از اهل دین را والی بسازند، امانتی را که الله متعال بر آنها سپرده است، ضایع نمودند.

خلاصه: مشخص گردید که هرکس ولایتی را به عهده می گیرد، این ولایت امانت است و باید درست از آن مواظبت نماید و حق و حقوق مردم را درست مراعات نماید و هم کار را به اهل کارش بسپارد.

مطلب دوازدهم: امانت در کلام

یکی دیگر از موارد امانت ها این است که مسلمان زیبا سخن بگوید و اهمیت و قدر کلام خود را بداند. کلام، صاحبش را وارد بهشت می کند و او را از اهل تقوی قرار می دهد، طوری که الله متعال در مورد می فرماید: **{أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ}**.⁽³⁾

ترجمه: آیا ندیدی خدا چگونه مثل زده سخنی پاک که مانند درختی پاک است که ریشه اش استوار و شاخه اش در آسمان است. خداوند این مثال را برای سخن ایمان و سخن شرک زده است و از سخن ایمان به درخت نیک و از سخن شرک به درخت بد مثال زده است، ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: مراد از کلمه طیب "لااله الا الله" و مراد از درخت نیک مؤمن است، که ریشه آن در زمین ثابت است و شاخه‌هایش در هوا پراکنده است.⁽⁴⁾

1 - ابن حجر عسقلانی، (773 - 852 هـ = 1372 - 1449 م)، أحمد بن علي بن محمد الكناني العسقلاني، أبو الفضل، شهاب الدين، مشهور به ابن حجر، یکی از علمای فقه، حدیث، جرح و تعدیل، تاریخ و اصول بود، در عسقلان فلسطین تولد گرفته است، پرورش و وفاتش در قاهره شده است، تألیفات زیادی از خود بجا گذاشته است، از جمله: الدرر الكامنة في أعيان المئة الثامنة، لسان الميزان، الإحكام لبيان ما في القرآن من الأحكام، ديوان شعر، الكافي الشاف في تخريج أحاديث الكشاف، ذيل الدرر الكامنة، ألقاب الرواة، تقريب التهذيب في أسماء رجال الحديث، الإصابة في تمييز أسماء الصحابة، تهذيب التهذيب في رجال الحديث، تعجيل المنفعة بزوائد رجال الأئمة الأربعة، تعريف أهل التقديس معروف به طبقات المدلسين، بلوغ المرام من أدلة الأحكام، المجمع المؤسس بالمعجم المفهرس، تحفة أهل الحديث عن شيوخ الحديث، نزهة النظر في توضيح نخبة الفكر في اصطلاح الحديث، فتح الباري شرح صحيح البخارى و غيره. الزركلى، الاعلام، ج 1 ص 178. الضوء اللامع، ج 2 ص 36. محمد بن علي بن محمد بن عبد الله الشوكاني اليمني (المتوفى: 1250 هـ)، البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع، الناشر: دار المعرفة - بيروت، ج 1 ص 87.

2 - أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، فتح الباري شرح صحيح البخاري، الناشر: دار المعرفة - بيروت، 1379 هـ، ج 11 ص 324.

3 - {ابراهيم، آيه 24}.

4 - ترجمه فارسی صفة التفاسير، ج 2 ص 292.

و بعضی وقت انسان کلمه کفر را به زبان می راند، در این صورت از اهل جهنم می گردد، طوری که الله متعال در مورد می فرماید: **{وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ}**. (1)

ترجمه: و مثال سخن کفر که بد است همانند درخت حنظل⁽²⁾ بد است که بنا بر ناپایداریش ریشه های آن از زمین کنده شده است و استقرار و ثبات ندارد، بدنگونه سخن کفر نیز دارای ثبات، ساز و برگ و برکت نیست. (3)

پیامبر صلی الله علیه وسلم اهمیت و اثر کلام را بیا کرده است، طوری که در حدیث شریف آمده است: **«إِنَّ أَعْدَكُمْ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ مِنْ رِضْوَانِ اللَّهِ، مَا يَظُنُّ أَنْ تَبْلُغَ مَا بَلَغَتْ، فَيَكْتُبُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ بِهَا رِضْوَانَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَإِنَّ أَعْدَكُمْ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ مِنْ سُخْطِ اللَّهِ، مَا يَظُنُّ أَنْ تَبْلُغَ مَا بَلَغَتْ، فَيَكْتُبُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ بِهَا سُخْطَهُ إِلَى يَوْمِ يَلْقَاهُ»**. (4)

ترجمه: همانا مرد کلمه ای از رضای خداوند را بر زبان می آورد، در حالیکه گمان نمی کند که به آنچه رسیده، برسد، خداوند به سبب آن برایش رضای خود را تا روزی که با وی روبرو شود، می نویسد. و همانا مرد کلمه ای از قهر خدا را بر زبان میراند، در حالیکه گمان نمی کند که بدانچه رسیده، برسد و به سبب آن خداوند بر وی قهر و غضبش را تا روزی که وی را ملاقی شود، می نویسد.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث واضح و معاموم گردید که کلام دو گونه است، اول: کلام که در رضای خداوند در نظر گرفته می شود و نتیجه آن رضای خداوند تا روزی که با وی ملاقات می کند. دوم: کلام که قهر خداوند را بوجود می آورد تا روزی که با وی ملاقات می کند، پس زبان یک نعمت و امانت الهی است، کوشش صورت گیرد تا از آن کلامی صادر گردد که رضای الله خداوند بوجود آید.

همچنان در حدیث شریف آمده است: **عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «كُلُّ سَلَامِي مِنَ النَّاسِ عَلَيْهِ صَدَقَةٌ، كُلَّ يَوْمٍ تَطَّلَعُ فِيهِ الشَّمْسُ، يَعْدِلُ بَيْنَ الْإِثْنَيْنِ صَدَقَةٌ، وَيُعِينُ**

1 - {ابراهيم، آیه 26}.

2 - حنظل: تربوز ابوجهل، میوه ای است به شکل تربوز، کوچکتر از نارنج با رنگی زرد و طمعی بسیار تلخ. فرهنگ معین، ج 2 ص 218.

3 - ترجمه فارسی صفة التقاسیر، ج 2 ص 292 - 293.

4 - سنن ابن ماجه، رقم الحدیث 3969. سنن الترمذی، رقم الحدیث 2319. آلبانی رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. محمد ناصر الدین الألبانی (المتوفی: 1420 هـ)، صحیح وضعیف سنن الترمذی، برنامج منظومة التحقیقات الحدیثية - المجاني - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية، رقم الحدیث 2319.

الرَّجُلَ عَلَى دَابَّتِهِ فَيَحْمِلُ عَلَيْهَا، أَوْ يَرْفَعُ عَلَيْهَا مَتَاعَهُ صَدَقَةً، وَالْكَلِمَةَ الطَّيِّبَةَ صَدَقَةً، وَكُلُّ خُطْوَةٍ يَخْطُوهَا إِلَى الصَّلَاةِ صَدَقَةٌ، وَيُمِيطُ الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ صَدَقَةٌ» (1).

ترجمه: از ابو هریره رضي الله عنه روایت است که: رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمود: بر هر مفصل و بند از مردم در هر روزي که آفتاب بر وي مي تابد، صدقه لازم است. میان دو کس عدالت مي کني صدقه است. مردی را در باز کردن ستورش ياري مي کني يا خودش را بر آن سوار مي کني صدقه است. سخن نيکو صدقه است، و به هر گامي که بسوي نماز مي نهي صدقه است. دور کردن پليدي از راه صدقه است.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث هم بصورت واضح گفته شده است که سخن نيکو صدقه است. پس تلاش گردد تا هر وقت سخن نيکو گفته شود.

خلاصه: مشخص شد که یکی از موارد امانت، امانت در کلام است پس تلاش گردد تا این امانت الهی بدرستی آن مراعت گردیده و بهترین ثواب و صدقه را توسط آن بدست آوریم.

مطلب سیزدهم: امانت علمی

یکی دیگر از موارد امانت، نشر و پخش کردن علم است، یعنی الله متعال علم را بالای اهلش به امانت گذاشته است تا این علم را برای مردم ابلاغ نموده و هیچ گاه کتمان نکند، طوری که الله متعال می فرماید: {وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَأُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبَسَّ مَا يَشْتَرُونَ} (2).

ترجمه: ای محمد! هنگامی را بیاد آور که خداوند در تورات از یهودیان پیمان مؤکد گرفت مبنی بر اینکه

احکام کتاب الله را بیان داشته و آن را مخفی مدارید، این پیمان را پشت سر گذاشتند و آن را با متاع ناچیز دنیا مبادله کردند چه مبادله زشت و چه عقد زیان باریست. (3)

امام بغوی در تفسیر این آیه می گوید: (هَذَا مِيثَاقُ أَخَذَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى أَهْلِ الْعِلْمِ فَمَنْ عَلِمَ شَيْئًا فَلْيُعَلِّمُهُ وَإِيَّاكُمْ وَكَيْتَمَانَ الْعِلْمِ فَإِنَّهُ هَلَكَةٌ) (4).

1 - محمد بن اسمعيل بخارى، صحيح البخارى، رقم الحديث 2989. مسلم بن الحجاج النيسابورى، صحيح مسلم، رقم الحديث 1009.

2 - {آل عمران، آیه 187}.

3 - ترجمه فارسی صفوة التفاسير، ج 1 ص 275.

4 - معالم التنزيل في تفسير القرآن = تفسير البغوي، ج 2 ص 149.

ترجمه: این پیمانی است که الله متعال از اهل علم گرفته است، پس کسی که چیزی را می داند باید او را برساند و تعلیم دهد و خود را از کتمان علم دور سازید، بخاطر که هلاک می سازد.

از همین جهت پیامبر صلی الله علیه وسلم اهل کتمان از علم را تحذیر نموده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ سُئِلَ عَنْ عِلْمٍ يَعْلَمُهُ فَكَنَّمَهُ الْجَمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ» (1).

ترجمه: از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: کسی که از او در باره دانشی بپرسند و او آن را بپوشد، در روز قیامت به لگامی از آتش لگام کرده می شود.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث دیده شد که کتمان علم بزرگترین خیانت و گناه است که حتی کتمان کننده آن روز قیامت به لگامی از آتش لگام کرده می شود.

امام مناوی رحمه الله در شرح این حدیث می گوید: (من سُئِلَ عَنْ عِلْمٍ) علمه قطعاً وَهُوَ يَحْتَاجُ إِلَيْهِ السَّائِلُ فِي دِينِهِ (فكتمه) عَنْ أَهْلِهِ (الجمه لله يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ) أَيِ ادْخُلَ فِي فِيهِ لِجَامًا مِنْ نَارٍ جَزَاءً لَهُ عَلَى فَعْلِهِ حَيْثُ أُجْمِ نَفْسُهُ بِالسُّكُوتِ فِي مَحَلِّ الْكَلَامِ لِأَنَّهُ تَعَالَى أَخَذَ الْمِيثَاقَ عَلَى الَّذِينَ أوتُوا الْكِتَابَ لِيُبَيِّنَهُ. (2)

ترجمه: کسی را که از علمش سوال شود، یعنی علم آن کس قطعی و یقینی باشد و سوال کننده در قسمت دینش به آن نیاز داشته باشد، پس آن را از اهلش کتمان کند، در روز قیامت الله متعال به لگامی از آتش لگام می نماید، یعنی در دهانش لگامی از آتش را داخل می سازد، این جزا بخاطر فعل او است، از این جهت که نفس خود را در محل کلام به سکوت لگام کرده است، زیرا الله متعال پیمان از اهل کتاب گرفته است تا به مردم حقیقت را بیان نماید.

1 - سنن أبي داود، رقم الحديث 3658. سنن ابن ماجه، رقم الحديث 264. آلبانی رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. صحیح وضعیف سنن أبي داود، رقم الحديث 3658.

2 - زين الدين محمد المدعو بعبد الرؤوف بن تاج العارفين بن علي بن زين العابدين الحدادي ثم المناوي القاهري (المتوفى: 1031هـ)، التيسير بشرح الجامع الصغير، الناشر: مكتبة الإمام الشافعي - الرياض، الطبعة: الثالثة، 1408هـ - 1988م، ج 2 ص 422.

فصل سوم

آثار رعایت کردن امانت و اضرار عدم رعایت کردن آن از نگاه قرآن و

حدیث

در این فصل دو مبحث مورد بررسی قرار می‌گیرد:

مبحث اول: آثار رعایت کردن امانت در قرآن و حدیث

مبحث دوم: اضرار عدم رعایت کردن امانت در پرتو قرآن و حدیث

مبحث اول

آثار رعایت کردن امانت در قرآن و حدیث

این مبحث دارای مطالب ذیل است:

مطلب اول: آثار دنیوی امانت از نگاه قرآن و سنت

مطلب دوم: آثار اخروی امانت از نگاه قرآن و سنت

مطلب اول: آثار دنیوی امانت از نگاه قرآن و سنت

نکته مهم دیگری که اهمیت امانت را برجسته تر می سازد، همانا اثرات خوب و مثبت دنیوی، دینی و اخروی آن است که میتوان برخی از آثار آن را چنین بر شمرد:

فرع اول: جلب اعتماد عمومی

امانت داری فضای اعتماد عمومی را در جامعه به وجود می آورد، طوری که خداوند متعال اعتماد دختران شیخ مدین را به امانتداری موسی علیه السلام، حکایت نموده فرموده است: **{قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ}**. (1)

ترجمه: یکی از آن دو دختر گفت: پدر او را استخدام کن، زیرا بهترین کسی که می توانی استخدام کنی کسی است که قوی و امین باشد و او همین مرد است.

وجه استدلال از آیه: در این آیه دیده شد که یکی از دختران شعیب علیه السلام به پدرش پیشنهاد داد که این شخص را استخدام کن، زیرا دختران شعیب علیه السلام قبل از این مشوره، از موسی علیه السلام قوت و امانتداری را دیده بود و این قوت و امانتداری موسی علیه السلام سبب جلب اعتماد آنان به موسی علیه السلام گردیده بود، طوری که در تفسیر این آیه نقل شده است: این سخن را بدان سبب گفته که آن دختر هر دو صفت را در موسی علیه السلام مشاهده کرده بود و این دو صفت سبب جلب اعتماد آن نسبت به موسی علیه السلام شده بود، قوتش را از آن دانسته بود که او با آنکه مسافر بود، چوپانان از او ترسیدند و راه را برایش گذاشتند تا آنکه گوسفندان را آب داد. و امانتش را بدان سبب دانست که هنگامی که موسی علیه السلام را بنا به درخواست پدرش فراخواند، به هنگام بازگشت، آن دختر پیش شد، موسی علیه السلام برایش گفت: من پیش می روم و تو به دنبال من بیا، و هنگامی که راه را خطا کردم باسنگریزه مرا رهنمای کن و او چنین کرد، به همین اساس آن دختر، موسی علیه السلام را به قوی و امین توصیف نموده از پدرش خواست تا او را استخدام نماید. (2)

و نیز یوسف علیه السلام امانت دار بودنش را دلیل نیل به خزائن سرزمین مصر قرار داده بود، فرمود: **{قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ}**. (3)

1 - {القصص، آیه 26}.

2 - محمد اکرام الدین بدخشانی، ازهر البیان فی تفسیر کلام الرحمن، مکتبه اسلامیة، اردو بازار (لاهور) پاکستان، چاپ اول، 1392 هجری شمسی مطابق 2013 میلادی، ج 6 ص 437 - 438.

3 - {یوسف، آیه 55}.

ترجمه: یوسف گفت: مرا بر (سرپرستی) خزائن زمین (مصر) قرار بده، که من نگهدارنده ای آگاهم.

در تفسیر این آیه گفته شده است: هنگامی که برائت یوسف از همه جوانب به اثبات رسید، این امر شیفتگی، اعتماد و علاقه پادشاه را به یوسف بیشتر ساخت لذا هر چه زودتر او را نزد خود فراخواند و برای او امتیاز خاصی قائل شد: **{ وَقَالَ الْمَلِكُ اَنْتُوْنِي بِهٖ اَسْتَخْلِصُهٗ لِنَفْسِي... }** (1)

ترجمه: پادشاه گفت: او را پیش من بیاورید تا او را از مقربان خاص خود کنم.

یوسف پیش از آنکه به زندان برود از مقربان عزیز مصر بود، اما اکنون از رجال خاص پادشاه از جهت امانت داری اش می گردد تا شاه از علم و درایت او استفاده کند. چنانچه طبق دستور شاه او را به نزد شاه حاضر نمودند: **{ فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ اِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِيْنٌ اَمِيْنٌ }** (2)

ترجمه: پس هنگامی که شاه با یوسف صحبت کرد، گفت: ای یوسف تو امروز نزد ما صاحب قدرت و منزلت و امین هستی.

یعنی هرچه بخواهی بکنی ممانعتی نیست، تو صلاحیت عام و تام داری و در همه چیز امین هستی. (3)
خلاصه: از این آیات مشخص گردید که امانت داری سبب جلب اعتماد مردم نسبت به شخص امین می گردد، از همین جهت این موضوع در داستان موسی و یوسف علیهما السلام بوضوح معلوم می گردد.

فرع دوم: امانت داری سبب جلب محبت و رضای الهی

امانت داری در واقع یک نوع احساس مسئولیتی است که انسان در برابر امانت های الهی و دیگران دارد و جداً موجب جلب رضایت الهی، خشنودی و محبت پروردگار الهی می گردد، طوری که در حدیث شریف آمده است: **«مَنْ سَرَّهُ اَنْ يُحِبَّهُ اللهُ وَرَسُوْلُهُ فَلْيَصْدُقْ حَدِيْثَهُ اِذَا حَدَّثَ، وَلْيُوَدِّ اَمَانَتَهُ اِذَا اَتْتُمْنَ، وَلْيَحْسِبْ جَوَارَهُ اِذَا جَاوَرَ»**. (4)

1 - {یوسف، آیه 54}.

2 - {یوسف، آیه 54}.

3 - محمد اکرام الدین بدخشانی، ازهر البیان فی تفسیر کلام الرحمن، ج 4 ص 609 - 610.

4 - شعب الإیمان، رقم الحدیث 1440. سیوطی رحمه الله می گوید: این حدیث حسن است. عبد الرحمن بن ابی بکر، جلال الدین السیوطی (المتوفی: 911هـ)، جامع الأحادیث (ویشتمل علی جمع الجوامع للسیوطی والجامع الأزهر وکنوز الحقائق للمناوی، والفتح الکبیر للنبهانی)، المحقق: مختار إبراهیم الهائج - عبد الحمید محمد ندا - حسن عیسی عبد الظاهر، الناشر: الأزهر الشریف، القاهرة - جمهورية مصر العربية، الطبعة: الثانية، 1426 هـ - 2005 م، رقم الحدیث 21756.

ترجمه: کسی که می خواهد الله و رسولش اورا دوست بگیرد، پس در سخنش وقتی که سخن می گوید، راست بگوید، و امانتش را وقتی برای سپرده شده است ادا نماید و با همسایه اش وقتی در کنارش قرار می گیرد نیکی نماید.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث واضح گردید که یکی از اسباب جلب محبت و دوستی الله متعال باینده هایش امانت داری بنده هایش می باشد.

فرع سوم: امانت داری یکی از اسباب نجات

یکی دیگر از آثار امانت داری آن است که شخص امین از اضرار و مصایب در امان می ماند، طوری که در حدیث شریف آمده است: «ثَلَاثٌ إِذَا كُنَّ فِيكَ لَمْ يَضُرَّكَ مَا فَاتَكَ مِنَ الدُّنْيَا: صِدْقُ الْحَدِيثِ، وَحِفْظُ أَمَانَةٍ، وَعِفَّةٌ فِي طُعْمَةٍ» (1).

ترجمه: سه خصلت است وقتی در تو باشد به تو ضرر نمی رساند، آنچه که از دنیا از پیشت فوت شده باشد: راست سخن گفتن، امانت را حفظ کردن و عفت کردن در مهمانی.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث یکی از خصلت های که انسان را از چیزهای که در دنیا از او فوت شده است نجات می دهد، حفظ کردن امانت خوانده شده است.

فرع چهارم: امانت داری سبب غنامندی

یکی دیگر از آثار امانت داری آن است که امانتداری سبب غنامندی است، طوری که در حدیث شریف آمده است: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَهُوَ غَنِيٌّ لَا فَقْرَ بَعْدَهُ وَالْأَمَانَةُ غِنَى» (2).

ترجمه: کسی که قرآن را قرائت کند، پس او غنی است و بعد از او فقیر نمی گردد و امانت سبب غنامندی است.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث دیده شد که امانت سبب غنامندی است.

1 - أبو بكر عبد الله بن محمد بن عبید بن سفیان بن قیس البغدادي الأموي القرشي المعروف بابن أبي الدنيا (المتوفى: 281هـ)، مكارم الأخلاق، المحقق: مجدي السيد إبراهيم، الناشر: مكتبة القرآن - القاهرة، رقم الحديث 271. از هری می گوید: این حدیث صحیح است. أحمد بن محمد بن الصديق بن أحمد، أبو الفيض الغماري الحسني الأزهري (المتوفى: 1380 هـ)، المداوي لعلل الجامع الصغير وشرحي المناوي، الناشر: دار الكتبي، القاهرة - جمهورية مصر العربية، الطبعة: الأولى، 1996، ج 1 ص 490.

2 - أبو عثمان سعيد بن منصور بن شعبة الخراساني الجوزجاني (المتوفى: 227هـ)، التفسير من سنن سعيد بن منصور، دراسة وتحقيق: سعد بن عبد الله بن عبد العزيز آل حميد، الناشر: دار الصمعي للنشر والتوزيع، بيروت، الطبعة: الأولى، 1417 هـ - 1997 م، رقم الحديث 5. امام سيوطي رحمه الله می گوید: این حدیث حسن است. جمع الجوامع المعروف بـ «الجامع الكبير»، رقم الحديث 10157.

مطلب دوم: آثار دینی و اخروی امانت از نگاه قرآن و سنت

به همین شکل برای امانت داری آثار دینی و اخروی وجود دارد، که این آثار قرار ذیل اند:

فرع اول: فلاح و رستگاری

بزرگترین اثر دینی و اخروی امانت داری فلاح و رستگاری است، طوری که خداوند متعال می فرماید: **{قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ... وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ}**. (1)

ترجمه: مسلماً مؤمنان رستگار اند ... آنان که امانت های را که نزد شان است حفاظت می نمایند و در آن خیانت روا نمی دارند و پیمان های را که بسته اند نقض نمی کنند.

در این آیات دیده شد که مؤمنین رستگار اند در صورتی که امانات و عهد شان را مراعات کنند.

فرع دوم: امانت داری نشانه مؤمن و دلیل بر کمال ایمان

اثر دینی دیگر امانت داری این است که الله متعال رعایت امانت را یکی از صفات برجسته مؤمنان معرفی نموده، فرموده است: **{قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ... وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ}**. (2)

ترجمه: مسلماً مؤمنان رستگار اند ... آنان که امانت های را که نزد شان است حفاظت می نمایند و در آن خیانت روا نمی دارند و پیمان های را که بسته اند نقض نمی کنند.

در این دو آیه **{قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ... وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ}**. (3) دیده شد که امانت داری یکی از صفات برجسته مؤمنین است. طوری که سعدی رحمه الله در تفسیر این دو آیه می گوید: (أَي: قد فازوا وسعدوا ونجحوا، وأدركوا كل ما يرام المؤمنون الذين آمنوا بالله وصدقوا المرسلين الذين من صفاتهم الكاملة أنهم ... مراعون لها، ضابطون، حافظون، حريصون على القيام بها وتنفيذها، وهذا عام في جميع الأمانات التي هي حق لله، والتي هي حق للعباد). (4)

ترجمه: مؤمنان که به خداوند ایمان آورده اند و پیامبران را تصدیق نموده اند، رستگار و موفق شده و همه آنچه را که يك انسان سعادتتمد به دنبال آن است، به دست آورده اند. یکی از صفتهای کمال آنان این است که امانتها و پیمانهایشان را رعایت می کنند. یعنی آن را حفاظت می کنند و به آن پایبند

1 - {المؤمنون، آیه 1 و 8}.

2 - {المؤمنون، آیه 1 و 8}.

3 - {المؤمنون، آیه 1 و 8}.

4 - السعدی، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، ج 2 ص 547.

هستند، و برای اجرای آن می کوشند. این شامل همه امانتها است، امانت های که حق خداوند هستند، و امانت های که حق بندگان خدا می باشند.

و دلیل این که امانتداری نشانه کمال ایمان است، این حدیث شریف است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ، وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ».(1)

ترجمه: آنکه امانت ندارد ایمان ندارد و آنکه به تعهدش پای بند نباشد دین ندارد.

وجه استدلال از حدیث: امام صنعانی رحمه الله بر شرح این حدیث می گوید: (لا ایمان) کامل (لمن لا أمانة له) لأن الأمانة من أهم خصال الإيمان.(2)

ترجمه: ایمان کامل ندارد کسی که امانت ندارد، زیرا امانت از مهمترین خصلت های ایمان است.

فرع سوم: امانتداری یکی از اسباب قبول شدن دعا است.

اثر دیگر امانتداری این است که رعایت امانت و حفظ آن سبب قبول شدن دعا و حتی دور شدن مصیبت و ناهنجاری ها می گردد، طوری که در حدیث غار آمده است: «بَيْنَمَا ثَلَاثَةٌ نَفَرٍ يَتَمَشَّوْنَ أَخَذَهُمُ الْمَطَرُ، فَأَوُوا إِلَى غَارٍ فِي جَبَلٍ، فَانْحَطَّتْ عَلَى فَمِ غَارِهِمْ صَخْرَةٌ مِنَ الْجَبَلِ، فَانْطَبَقَتْ عَلَيْهِمْ، فَقَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: انظُرُوا أَعْمَالًا عَمِلْتُمُوهَا صَالِحَةً لِلَّهِ، فَادْعُوا اللَّهَ تَعَالَى بِهَا، لَعَلَّ اللَّهَ يَفْرُجُهَا عَنْكُمْ، ... وَقَالَ الْآخَرُ: اللَّهُمَّ إِنَّهُ كَانَتْ لِي ابْنَةٌ عَمَّ أَحَبَبْتُهَا كَأَشَدَّ مَا يُحِبُّ الرَّجَالُ النِّسَاءَ، وَطَلَبْتُ إِلَيْهَا نَفْسَهَا، فَأَبَتْ حَتَّى آتَيْتَهَا بِمِائَةِ دِينَارٍ، فَتَعَبْتُ حَتَّى جَمَعْتُ مِائَةَ دِينَارٍ، فَجِئْتُهَا بِهَا، فَلَمَّا وَقَعْتُ بَيْنَ رِجْلَيْهَا، قَالَتْ: يَا عَبْدَ اللَّهِ اتَّقِ اللَّهَ، وَلَا تَفْتَحِ الْخَاتَمَ إِلَّا بِحَقِّهِ، فَقُمْتُ عَنْهَا، فَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنِّي فَعَلْتُ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ وَجْهِكَ، فَافْرُجْ لَنَا مِنْهَا فُرْجَةً، فَفَرَجَ لَهُمْ، وَقَالَ الْآخَرُ: اللَّهُمَّ إِنِّي كُنْتُ اسْتَأْجَرْتُ أَجِيرًا بِفَرَقِ أَرْضٍ، فَلَمَّا قَضَى عَمَلَهُ قَالَ: أَعْطِنِي حَقِّي، فَعَرَضْتُ عَلَيْهِ فِرْقَهُ فَرَغِبَ عَنْهُ، فَلَمْ أَزَلْ أَزْرَعُهُ حَتَّى جَمَعْتُ مِنْهُ بَقْرًا وَرِعَاءَهَا، فَجَاءَنِي فَقَالَ: اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تَظْلِمْنِي حَقِّي، قُلْتُ: أَذْهَبُ إِلَى تِلْكَ الْبَقَرِ وَرِعَائِهَا، فَخَذَهَا فَقَالَ: اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تَسْهَرِي بِي فَقُلْتُ: إِنِّي لَا أَسْهَرِي بِكَ، خُذْ ذَلِكَ الْبَقَرِ وَرِعَاءَهَا، فَأَخَذَهُ فَذَهَبَ بِهِ، فَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنِّي فَعَلْتُ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ وَجْهِكَ، فَافْرُجْ لَنَا مَا بَقِيَ، فَفَرَجَ اللَّهُ مَا بَقِيَ».(3)

1 - مسند الإمام أحمد بن حنبل، رقم الحديث 12383. آلبانی رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدین، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأسقودري الألباني (المتوفى: 1420 هـ)، صحیح الجامع الصغیر وزياداته، الناشر: المكتب الإسلامي، بيروت، رقم الحديث 7179.

2 - الصناعی، التَّوْبِيرُ شَرْحُ الْجَامِعِ الصَّغِيرِ، ج 11 ص 72.

3 - محمد بن اسمعيل بخاری، صحیح البخاری، رقم الحديث 2272. مسلم بن الحجاج النيسابوري، صحیح مسلم، رقم الحديث 2743.

ترجمه: سه نفر از امت های گذشته، به همراه یکدیگر (در سفری)، می رفتند، تا این که شبانگاه، به غاری پناه بردند که شب را به روز آورند، چون داخل غار شدند، سنگی از کوه فرو غلتید و ورودی غار را بر آنها مسدود کرد، (و آنها) به همدیگر گفتند: از این سنگ نجات پیدا نمی کنیم، مگر این که خداوند را به کارهای شایسته و خالصانه ی خود بخوانیم (و بدانها توسل کنیم. دیگری گفت: بارخدا! (می دانی که من) دختر عمویی داشتم که عزیزترین کس نزد من بود -[و در روایتی دیگر آمده است که گفت: «او را برابر شدیدترین عشق مردان به زنان، دوست داشتم»]- او را خواستم و کام خود را از او طلبیدم، (ولی او) امتناع کرد، تا این که قحط سالی پیش آمد و زندگی بر او تنگ شد، پیش من آمد، یکصد و بیست دینار به او دادم مشروط بر این که او با من خلوت کند، چنین کرد و چون بر کامجویی از او قدرت یافتم -[و در روایتی دیگر آمده است که: «چون در میان دو پای او قرار گرفتم»]- به من گفت: از خدا بترس و مهر مرا جز از راه مشروع نشکن، فوراً از او (و پولی که به او بخشیده بودم) صرف نظر کردم، در حالی که او، نزد من، محبوب ترین خلق بود؛ پروردگارا! اگر من، این عمل را خالصانه و فقط برای رضایت تو انجام داده ام، ما را از این وضعیت نجات بخش و گشایشی مرحمت فرما.

پس (از این حرف) سنگ جنبید و گشایش (دهانه ی غار) بیشتر شد، ولی هنوز نمی توانستند از غار خارج شوند؛ سومی گفت: خداوندا! عده ای کارگر استخدام کرده بودم و مزد آنها را دادم، جز یک نفرشان که مزدش را جای گذاشت و رفت، من، مزد او را به جریان معامله انداختم تا این که مال زیادی شد؛ پس از مدتی، نزد من آمد و گفت: ای بنده ی خدا! مزد مرا بپرداز، به او گفتم: آنچه از شتر و گاو و گوسفند و برده می بینی، همه از مزد تو به دست آمده است (و حق حلال توست)، آن مرد گفت: این بنده ی خدا! مسخره ام نکن! گفتم: خیر، تو را مسخره نمی کنم، و او تمام مال را تحویل گرفت و آن را حرکت داد و راند و چیزی باقی نگذاشت؛ خدا! اگر من، این عمل را خالصانه و برای رضایت تو انجام داده ام، ما را از این وضعیت نجات بخش و گشایشی مرحمت فرما. ناگهان، سنگ از جای خود بجنبید و همه از غار بیرون آمدند و راه خود را ادامه دادند.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث دیده شد که هر دو شخص در دعای خود اعمال صالحه ایشان را وسیله قرار دادند و ظاهراً هر دو از چیزهای یاد می کنند که آن را حفاظت و نگهداری نمودند و به آنها خیانت نکردند، در نتیجه دعای شان قبول گردید و مشکل و مصیبت از بالای شان بر طرف گردید.

مبحث دوم

اضرار عدم رعایت کردن امانت در پرتو قرآن و حدیث

این مبحث دارای مطالب ذیل است:

مطلب اول: اضرار عدم رعایت کردن در پرتو قرآن

مطلب دوم: اضرار عدم رعایت کردن امانت در پرتو حدیث

مطلب اول: اضرار عدم رعایت کردن در پرتو قرآن

در صورتی که امانت مراعات نگردد، بلکه خیانت در مقابل آن صورت گیرد، جزاهای ذیل متوجه شخص خاین نظر به جرم خیانتش در قرآن کریم بیان گردیده است:

1- الله متعال انسان خاین را دوست ندارد.

الله متعال هیچ گاه و هیچ وقت انسان خاین را دوست ندارد، طوری که الله متعال در مورد می فرماید: **{إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ}**. (1)

ترجمه: خداوند مؤمنان را پیروز و مشرکان را دور می کند، این مژده پیروزی برای مؤمنان است که برکافران چیره خواهند شد، خداوند هر فرد خاین و ناسپاس را دوست نمی دارد.

امام زمخشری رحمه الله در تفسیر این آیه می گوید: (وهم الخونة الكفرة الذين يخونون الله والرسول ويخونون أماناتهم ويكفرون نعم الله ويغمطونها). (2)

ترجمه: منظور خاین، کفار هستند که با الله و رسول خیانت می کنند و در امانات شان خیانت می کنند و از نعمت های الله متعال کفران می نمایند و سبک می شمارند.

همچنان الله متعال می فرماید: **{إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا (105) وَاسْتَغْفِرِ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا رَحِيمًا (106) وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنْفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا (107)}**. (3)

ترجمه: ما برای تو ای محمد قرآن را که حق است نازل کردیم تا در بین مردم به آنچه که خداوند برایت شناسایی و وحی نموده داورى کنی و مدافع خائنان باش که از آنها به دفاع بپردازى، از خداوند آمرزش بخواه، خداوند برای کسی که طلب آمرزش می کند نهایت آمرزنده و مهربان است و از کسانی که با ارتکاب معاضی برخویشتن ستم روا روا می دارند دفاع مکن، خداوند کسانی را که در خیانت و گناه فرو رفتند دوست ندارد.

در این آیه هم دیده شد که الله متعال انسان خاین را دوست ندارد.

1 - {الحج، آیه 38}.

2 - الزمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج 3 ص 159.

3 - {النساء، آیات 105 - 107}.

2- وعید الله متعال بر کسانی که چشم شان را وسیله خیانت می سازند

الله متعال در مورد کسانی که با چشم شان به نامحرم نگاه و نظر می کنند، چنین بیان نموده است: **{وَأَنْذَرُهُمْ يَوْمَ الْأَرْفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاطْمِينَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ (18) يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ}**. (1)

ترجمه: آنان را از روز هولناک قیامت بترسان، در آن روز از شدت بیم و ترس نزدیک است دلپایشان به گلوگاه برسد "کاطمین" مملو از غم و اندوه اند و برای ستمگاران نه دوستی صمیمی است که سودی بدانان برساند و نه میانجی که آنان را از عذاب نجات بدهد، خداوند چشم های خاینین را که دزدانه به نامحرم می نگرد و اسرار سینه هارا می داند.

امام بغوی رحمه الله در تفسیر این جزء از آیه **{يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ}** می گوید: (أَي: خِيَانَتَهَا وَهِيَ مُسَارَقَةُ النَّظَرِ إِلَى مَا لَا يَجِلُّ). (2)

ترجمه: یعنی خیانت چشم ها عبارت از این که دزدانه نظر می کند به سوی چیزی که برایش حلال نیست.

امام بیضاوی رحمه الله در تفسیر **{يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ}** می گوید: (تقرير لعلمه بخائنة الأعين وقضائه بالحق ووعيد لهم على ما يقولون ويفعلون). (3)

ترجمه: این تثبیت علم خداوند است برای چشم های خاینین و فیصله خداوند مطابق حق است و هم برای خاینین چشم بر آنچه که می گویند و انجام می دهند وعید است.

3- عدم دفع عذاب از خائن

طوری که الله متعال می فرماید: **{ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاهِلِينَ}**. (4)

ترجمه: خداوند در عدم بهره برداری کافران از قرابت شان با مؤمنان به همسر نوح و همسر لوط مثال می زند، این دو در عقد نکاح دو پیامبر بزرگوار ما نوح و لوط قرار داشتند و هر دو آنان با

1 - {غافر، آیه 18 - 19}.

2 - معالم التنزيل في تفسير القرآن = تفسير البغوي، ج 7 ص 144.

3 - بیضاوی، أنوار التنزيل وأسرار التأويل، ج 5 ص 54.

4 - {التحریم، آیه 10}.

انتخاب کفر به شوهر شان خیانت ورزیدند و آن دو پیامبر نتوانستند چیزی از عذاب خدارا از همسران شان دفع کنند و نگهبانان دوزخ بدانان می گویند: با سایر کافران جرم پیشه به دوزخ وارد شوید.

امام زمخشری رحمه الله در تفسیر این آیه می گوید: (لما نافقتا و خاننا الرسولین لم یغن الرسولان عنهما بحق ما بینهما و بینهما من وصلة الزواج إغناء ما من عذاب الله و قیلَ لهما عند موتهما أو یوم القيامة).⁽¹⁾

ترجمه: وقتی که هر دو زن هر دو پیامبر منافقت کردند و با هر دو پیامبر خیانت کردند، هر دو پیامبر عذاب را از آنها دفع کرده نمی توانند بوسیله حق که میان هر دو زن و هر دو پیامبر از وصل ازدواج هستند و برای هر دو زن گفته شد: در وقت مرگ شان یا هم روز قیامت که پیامبران عذاب را از شما دفع کرده نمی توانند.

امام قرطبی رحمه الله می گوید: (تَنْبِيهَا بِذَلِكَ عَلَى أَنَّ الْعَذَابَ يُدْفَعُ بِالطَّاعَةِ لَا بِالْوَسِيلَةِ).⁽²⁾

ترجمه: این یک تنبیه و آگاهی است که عذاب بوسیله طاعت دفع می گردد نه بوسیله کردن.

4- خائنین به اهداف شان نمی رسند

الله متعال هرکس را به اهداف خیری که دارند می رساند، ولی خائنین که اهداف شوم و شر دارند، هیچ گاه آنها را الله متعال به اهداف شان نمی رساند، طوری که می فرماید: {ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ}.⁽³⁾

ترجمه: این کار را که فرستاده شاه را برگشتاندم بدان خاطر کردم تا عزیز مصر بداند که من در غیابش به همسر او خیانت نورزیدم و دامن عفت آلوده نساختم و اینکه خداوند خائنان را به هدف نمی رساند و نیرنگ شان را راست نمی سازد.

امام طبری رحمه الله در تفسیر این جزء از آیه {وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ} می گوید: (وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَسُدُّ صَنِيعَ مَنْ خَانَ الْأَمَانَاتِ، وَلَا يَرشُدُ فَعَالِهِمْ فِي خِيَانَتِهِمْ).⁽⁴⁾

1 - الزمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج 4 ص 571.

2 - الجامع لأحكام القرآن = تفسیر القرطبی، ج 18 ص 202.

3 - {یوسف، آیه 52}.

4 - محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب الأملی، أبو جعفر الطبري (المتوفى: 310هـ)، جامع البیان فی تأویل القرآن، المحقق: أحمد محمد شاكر، الناشر: مؤسسة الرسالة، بیروت، الطبعة: الأولى، 1420 هـ - 2000 م، ج 16 ص 141.

ترجمه: الله متعال راست و استوار نمی سازد فعل کسی را که در امانات خیانت می کند و هم فعل شان را در خیانت ها رشد نمی سازد.

مطلب دوم: اضرار عدم رعایت کردن امانت در پرتو حدیث

در احادیث شریف برای خیانت اضراری بیان گردیده است، که این اضرار بدو بخش تقسیم می گردد:

فرع اول: اضرار خیانت در دنیا

فرع دوم: اضرار خیانت در آخرت

فرع اول: اضرار خیانت در دنیا

برای خیانت در دنیا ضررهای متوجه می گردد، که این ضررها قرار ذیل است:

1- خیانت از علایم نفاق است

یکی از ضررهای مهم خیانت برای انسان آن است که خیانت کردن از علایم منافق است، طوری که در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: «آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ: إِذَا حَدَّثَ كَذَبًا، وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ، وَإِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ».(1)

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که نبی اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: نشانه منافق، سه چیز است: اول اینکه در صحبت های خود، دروغ می گوید. دوم اینکه خلاف وعده، عمل می کند. سوم اینکه در امانت، خیانت می کند.

وجه استدلال از حدیث: در این مشخص و بیان گردید که یکی از علایم نفاق آن است که در امانت خیانت نماید.

در روایت دیگر آمده است: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: «أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ مُنَافِقًا خَالِصًا، وَمَنْ كَانَتْ فِيهِ خَصْلَةٌ مِنْهُنَّ كَانَتْ فِيهِ خَصْلَةٌ مِنَ النِّفَاقِ حَتَّى يَدَّعِيَهَا: إِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ، وَإِذَا حَدَّثَ كَذَبًا، وَإِذَا عَاهَدَ غَدَرَ، وَإِذَا خَاصَمَ فَجَرَ».(2)

ترجمه: از عبد الله بن عمرو رضی الله عنهما روایت است که نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرمود: هر کس که این چهار خصلت در او دیده شود، منافق خالص است. و هر کس، در او یکی از

1 - محمد بن اسمعیل بخاری، صحیح البخاری، رقم الحدیث 33.

2 - محمد بن اسمعیل بخاری، صحیح البخاری، رقم الحدیث 34.

آنها دیده شود، يك خصلت از نفاق دارد مگر زمانی که آن را ترك کند. آن چهار خصلت عبارتند از:
1- هرگاه، امانتی به او سپرده شود، خیانت می کند. 2- هنگام صحبت کردن، دروغ می گوید. 3- اگر عهد و پیمانی ببندد، پیمانش را می شکند. 4 - هنگام دعوا، دشنام میدهد و ناسزا میگوید.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث هم مشخص گردید که یکی از علایم و نشانه نفاق خیانت در امانت است.

گرچند بین این دو حدیث «آیة الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ...» و «أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ مُنَافِقًا خَالِصًا...». ظاهراً تعارض دیده می شود، زیرا در حدیث اولی علایم نفاق را سه تا خوانده است، ولی در حدیث دوم علایم نفاق را چهار تا خوانده است، اما امام مناوی رحمه الله در این مورد چنین نظر داده است: (لا منافاة بین قوله: " ثلاث " وقوله في خبر يجيء: " أربع " بزيادة: " إذا عاهد غدر " فرب شيء واحد له علامات كل منها تحصل بها صفة شيئا وقد تكون العلامة واحدا وقد تكون أشياء أو أن الأربعة ترجع إلى ثلاثة بإدخال " إذا عاهد غدر " في " إذا اتنم خان).⁽¹⁾

ترجمه: منافات میان این قول پیامبر صلی الله علیه وسلم که علایم نفاق را « سه » گفته است و این قولش که در حدیث بعدی آمده است و «چهار» گفته است با زیادت «إذا عاهد غدر» نیست، بخاطر که بسیاری از چیزها یک است و برایش علامت ها است، که هر کدام آنها به حیث صفت حاصل می گردد و بعضی وقت نشانه برای یک چیز یک تا می باشد و بعضی وقت برای او چندین چیز نشانه می باشد، یا چهار در سه با داخل کردن «إذا عاهد غدر» در «إذا اتنم خان» راجع کرده می شود.

2- خیانت بدترین خصلت باطنی است

یکی دیگر از اضرار امانت آن است که امانت بدترین خصلت باطنی است، طوری که در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُوعِ، فَإِنَّهُ بِنَسِ الضَّجِيعِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخِيَانَةِ، فَإِنَّهَا بِنَسِ الْبِطَانَةِ.⁽²⁾

ترجمه: از ابوهریره رضي الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم (در دعا) می فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُوعِ، فَإِنَّهُ بِنَسِ الضَّجِيعِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخِيَانَةِ، فَإِنَّهَا بِنَسِ الْبِطَانَةِ»: بار خدایا! من از گرسنگی به تو پناه می برم؛ زیرا که همخواب بدی است و از خیانت به تو پناه می برم؛ زیرا که از بدترین خصلت باطنی است.

1 - المناوی، فیض القدير شرح الجامع الصغير، ج 1 ص 63.

2 - سنن أبي داود، رقم الحديث 1547. سنن ابن ماجه، رقم الحديث 3354. این حدیث حسن است. صحیح وضعیف سنن أبي داود، رقم الحديث 1547.

وجه استدلال از حدیث: رحمانی مبارکفوری⁽¹⁾ رحمه الله در شرح این حدیث می گوید: (وأعوذ بك من الخيانة) هي ضد الأمانة. قال الطيبي: هي مخالفة الحق بنقض العهد في السر، والأظهر أنها شاملة لجميع التكاليف الشرعية... (فإنها بنُست البطانة)، أي الخصلة الباطنة⁽²⁾.

ترجمه: (وأعوذ بك من الخيانة) یعنی بار خدایا! من از خیانت به تو پناه می برم، خیانت ضد امانت است، امام طیبی رحمه الله می فرماید: خیانت عبارت از مخالفت کردن حق با نقض عهد در پنهانی است و ظاهراً خیانت شامل تمام تکالیف شرعی می گردد، (فإنها بنُست البطانة)، پس خیانت بدترین خصلت باطنی است.

3- مردود شدن شهادت خائن

یکی دیگر از اضرار خیانت آن است که مرد وزن خاین را از ادای شهادت منع می کند، یعنی کرد وزن خاین دیگر شهادت داده نمی توانند، طوری که در حدیث شریف آمده است: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَجُوزُ شَهَادَةُ خَائِنٍ وَلَا خَائِنَةٍ، وَلَا زَانٍ وَلَا زَانِيَةٍ، وَلَا ذِي غِمْرٍ عَلَى أَخِيهِ»⁽³⁾.

ترجمه: از عبدالله بن عمرو رضي الله عنه روایت است که رسول خدا صلي الله عليه وآله وسلم فرمود: «گواهی زن و مرد خیانت کار، و (گواهی) فرد کینه توز نسبت به برادرش روا نیست، و گواهی خدمتکار برای اهل خانه جایز نیست» احمد و ابوداود روایت کرده اند.

وجه استدلال از حدیث: از این حدیث بوضوح معلوم گردید که شهادت زن و مرد خیانت کار درست نیست.

1 - رحمانی مبارکفوری: (1327 - 1414 هـ) (1909 - 1994 م)، عبید الله بن عبد السلام، رحمانی، مبارکفوری، یکی از علمای فقه و حدیث بود، در مبارکفور از قریه های اعظم اُترا پرادیش هند تولد گردید و در 22 رجب در همان قریه به 85 سالگی وفات نمود، دارای تالیفات است از جمله: مرعاة المفاتیح في شرح مشکاة المصابیح، تاریخ المنوال، فضائل الصیام و أحكامها، حکم التأمین في الإسلام وغيره. محمد خیر بن رمضان بن إسماعیل یوسف، تَکْمَلَةُ مُعْجَمِ الْمُؤَلِّفِينَ، وَفیات (1397 - 1415 هـ) = (1977 - 1995 م)، الناشر: دار ابن حزم للطباعة والنشر والتوزيع، بیروت - لبنان، الطبعة: الأولى، 1418 هـ - 1997 م، ص 368.

2 - أبو الحسن عبید الله بن محمد عبد السلام بن خان محمد بن أمان الله بن حسام الدين الرحمانی المبارکفوری (المتوفى: 1414 هـ)، مرعاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، الناشر: إدارة البحوث العلمية والدعوة والإفتاء - الجامعة السلفية - بنارس الهند، الطبعة: الثالثة - 1404 هـ، 1984 م، ج 8 ص 229.

3 - سنن أبي داود، رقم الحدیث 3601. سنن ابن ماجه، رقم الحدیث 2366. ألبانی رحمه الله می گوید: این حدیث حسن است. صحیح وضعیف سنن أبي داود، رقم الحدیث 3601.

فرع دوم: اضرار خیانت در آخرت

برای خیانت کار در آخرت جزاهای داده می شود، که تفصیل آن قرار ذیل اند:

1- از نیکی های شخص خائن روز قیامت گرفته می شود

عَنْ بُرَيْدَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «حُرْمَةُ نِسَاءِ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ كَحُرْمَةِ أُمَّهَاتِهِمْ، وَمَا مِنْ رَجُلٍ مِنَ الْقَاعِدِينَ يَخْلُفُ رَجُلًا مِنَ الْمُجَاهِدِينَ فِي أَهْلِهِ فَيُخُونُهُ فِيهِمْ، إِلَّا وَقَفَ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَيَأْخُذُ مِنْ عَمَلِهِ مَا شَاءَ، فَمَا ظَنُّكُمْ؟» (1).

ترجمه: از بریده رضی الله عنه روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: حرمت زنان مجاهدین بر نشستگان (خانه نشینانی که روی معاذیری با مجاهدان نرفته اند) مانند حرمت مادران شان است. هیچ مردی از نشستگان نیست که سرپرستی خانه مردی از مجاهدین را نموده و با وی در مورد شان خیانت می کند، مگر اینکه در روز قیامت در برابر او ایستاده کرده می شود و از نیکی هایش هر چه بخواهد، می گیرد تا راضی شود. بعد رسول الله صلی الله علیه وسلم به جانب ما التفات نموده و فرمود: گمان شما چیست؟.

وجه استدلال از حدیث: امام نووی رحمه الله در شرح این حدیث می گوید: (قَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الَّذِي يَخُونُ الْمُجَاهِدَ فِي أَهْلِهِ (إِنَّ الْمُجَاهِدَ يَأْخُذُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ حَسَنَاتِهِ مَا شَاءَ فَمَا ظَنُّكُمْ) مَعْنَاهُ مَا تَطْتُونَ فِي رَعْبَتِهِ فِي أَخْذِ حَسَنَاتِهِ وَالْإِسْتِغْنَارِ مِنْهَا فِي ذَلِكَ الْمَقَامِ أَيْ لَا يَبْقَى مِنْهَا شَيْئًا). (2)

ترجمه: قول پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد کسی که در خانواده مجاهد خیانت می کند: «إِنَّ الْمُجَاهِدَ يَأْخُذُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ حَسَنَاتِهِ مَا شَاءَ فَمَا ظَنُّكُمْ» ترجمه: برآستی مجاهد از حسنات و نیکی های شخص خاین روز قیامت آنچه که بخواهد می گیرد، پس گمان شما چیست؟، معنایش: در قسمت رغبت و علاقمندی مجاهد که حسنات و نیکی های خاین را می گیرد و زیاد گرفتن مجاهد از حسنات در این مقام، یعنی که برای خاین چیزی باقی نماند، شما چه گمان می کنید.

یعنی معلوم گردید که مجاهد از حسنات و نیکی های خاین روز قیامت می گیرد، حتی برای خاین از حسنات چیزی باقی نمی ماند و این بزرگترین ضرر و آسیب است که خاین می بیند.

1 - مسلم بن الحجاج النیسابوری، صحیح مسلم، رقم الحدیث 1897.

2 - محیی الدین النووی، المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، ج 13 ص 41.

2- محروم شدن رهبر خائن از جنت

یکی دیگر از ضررهای که برای خاین در روز قیامت نصیب می‌گردد، آن است که شخص خاین به جنت نمی‌رود، طوری که در حدیث شریف آمده است: عَنْ مَعْقِلِ بْنِ يَسَارٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَا مِنْ عَبْدٍ يَسْتَرِعِيَهُ اللَّهُ رَعِيَّةً يَمُوتُ يَوْمَ يَمُوتُ وَهُوَ غَاشٌّ لِرَعِيَّتِهِ إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ». (1)

از معقل بن یسار رضی الله عنه روایت شده است که: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می‌فرمود: هیچ بنده ای نیست که خداوند او را به چوپانی و رهبری رعیتی برگزیده و او می‌میرد در حالیکه او برای رعیت خود خیانت ورزیده، مگر اینکه خداوند بهشت را بر وی حرام می‌سازد.

وجه استدلال از حدیث: امام نووی رحمه الله در شرح این حدیث می‌گوید: (فَقَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ فِيهِ التَّأْوِيلَانِ الْمُتَقَدِّمَانِ فِي نِظَائِرِهِ أَحَدُهُمَا أَنَّ مَحْمُولٌ عَلَى الْمُسْتَحِلِّ وَالثَّانِي حَرَّمَ عَلَيْهِ دُخُولَهَا مَعَ الْفَائِزِينَ السَّابِقِينَ وَمَعْنَى التَّحْرِيمِ هُنَا الْمَنْعُ). (2)

ترجمه: پس قول پیامبر صلی الله علیه وسلم که بالای خاین جنت حرام است، در آن دوگونه تأویل است که قبلاً در نظایر آن بیان گردید، یکی از آن دو تأویل: این سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم محمول است بر کسی که خیانت را حلال می‌داند. تأویل دوم: دخول خاین همراهی پیروز شوندگان اولی و ابتدای حرام است و معنای تحریم در این حدیث به معنای منع است.

3- الله متعال با خاین روز قیامت دشمن است

یکی دیگر از ضررهای بزرگ و عظیم که روز قیامت متوجه خاین می‌گردد، آن است که الله متعال با او در آن روز دشمن است، طوری که در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: " قَالَ اللَّهُ: ثَلَاثَةٌ أَنَا خَصْمُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: «رَجُلٌ أَعْطَى بِي ثُمَّ عَدَرَ، وَرَجُلٌ بَاعَ حُرًّا فَأَكَلَ ثَمَنَهُ، وَرَجُلٌ اسْتَأْجَرَ أَجِيرًا فَاسْتَوْفَى مِنْهُ وَلَمْ يُعْطِ أَجْرَهُ». (3)

ترجمه: از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: خداوند فرمود: سه کس است که من در روز قیامت خصم و طرف دعوی آنها می‌باشم: مردی که بنام من

1 - محمد بن اسمعیل بخاری، صحیح البخاری، رقم الحدیث 7151. مسلم بن الحجاج النیسابوری، صحیح مسلم، رقم الحدیث 142.

2 - محیی الدین النووی، المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، ج 2 ص 166.

3 - محمد بن اسمعیل بخاری، صحیح البخاری، رقم الحدیث 2227.

پیمان داد و باز خیانت نمود و آن پیمان را شکست و مردی که انسان آزادی را فروخته و قیمتش را خورد و مردیکه کارگری را بمزد گرفت و کار خود را بر او تمام کرد، ولی مزدش را نداد.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث بیان گردید، شخصی که بنام الله شخص را پیمان داد، سپس بر او خیانت نمود و پیمان را بشکند، این شخص روز قیامت دشمن و خصم الله متعال است، طوری که امام مناوی رحمه الله در شرح این حدیث می گوید: (رجل أعطى بي) أي أعطى الأمان باسمي أو بذكری أو بما شرعته من الدين كأن يقول عليك عهد الله أو ذمته (ثم غدر) أي نقض العهد الذي عاهد عليه).⁽¹⁾

ترجمه: (رجل اعطى بي) یعنی امان را با اسم من یا ذکر من یا با چیزی که از جمله دین مشروع قرار داده ام، مثل اینکه بگوید: بالای تو عهد الله است یا ذمه الله است، (ثم غدر) یعنی سپس عهدی را که با آن شخص عهد نموده است نقض نماید.

1 - المناوی، فیض القدير شرح الجامع الصغير، ج 3 ص 315.

نتیجه گیری

از این رساله نتایج ذیل بدست می آید:

- 1- قرآن کریم و احادیث نبوی به امانت و امانت داری اهمیت و جایگاه بلند قایل شده اند و حتی تمام حقوق، فرایض، واجبات، حدود، اشیای مادی و معنوی که انسان با آنها سر و کار دارد امانت دانسته اند و به رعایت آن تاکید نموده اند.
- 2- امانت و امانت داری با پیدایش انسان آغاز گردیده است و شامل تمام زندگی انسان است.
- 3- هر انسان تلاش نماید تا حق و حقوق مردم را در دنیا اداء نماید، ولی اگر چنین کاری نکرد، روز قیامت هر شخص حق و حقوق خود را از دیگر شخص می گیرد.
- 4- یکی اسباب عزت، اعتماد، اعتبار و ارزش یک انسان نزد دیگر انسانان همین امانت و امانت داری است، که حتی کفار این خصلت را مورد پسندشان قرار می دادند و اشخاص خائن را دوست نداشتند.
- 5- یکی از اسباب موفقیت و قبولیت دعا امانت داری است، بنابراین، دعای اشخاص خائن هیچ گاه مورد قبول و پذیرش الله متعال قرار نمی گیرد و هم اشخاص خائن هیچ گاه به اهدافشان موفق نمی گردند.
- 6- اشخاص امین در دنیا و آخرت سربلند، کامیاب و رستگارند، ولی اشخاص خائن هم در دنیا و هم در آخرت خوار و ذلیل می باشند.

پیشنهادات

برای اینکه مردم مسلمان افغانستان راجع به امانت و امانتداری، فضیلت آن، موارد آن، آثار رعایت آن و اضرار عدم رعایت آن، از یک طرف آگاهی بهتر و خوبتر حاصل نمایند و از طرف دیگر به امانتداری و رعایت آن تمرکز کنند و از خیانت کردن دوری نمایند، موارد ذیل را پیشنهاد می‌کنم:

- 1- برای پوهنتون سلام که یک پوهنتون علمی و آکادمی و تحقیقی است، پیشنهاد می‌نمایم تا در این عرصه باز هم تحقیقات بیشتر و بهتر انجام دهند و این تحقیقات را برای نسل جوان تقدیم نمایند تا با آگاهی از این موضوع، نسل جوان از یک طرف تمرکز شان را به امانتداری که فایده دینی و دنیوی دارند، نموده و از خیانت که جزء فلاکت، بدبختی و رسوای در دنیا و آخرت دارد خود داری نمایند. بر این اساس موضوع را که من کار کردم، امانت از نگاه قرآن و سنت بود و به شکل عام کار شده است، ولی عناوین دیگری است که بهتر است تا روی آنها هم به حیث منوگراف لیسانس و تیزس ماستری قرار گرفته و کار شوند، از جمله:
 - 1- نقش امانت و امانتداری در کاهش جرم، نا امنی و بی ثباتی از نگاه قرآن و سنت.
 - 2- عوامل فساد و خیانت از نگاه قرآن و سنت
 - 3- ودیعت و احکام آن از نگاه قرآن و سنت.
 - 4- خلفای اسلامی و نقش آنها در امانت داری.
 - 5- نقش امام ابن کثیر در تفسیرش از آیات امانت.
 - 6- نقش امام قرطبی در تفسیرش از آیات امانت.
 - 7- انبیاء الهی و نقش موفقیت آنها به وسیله امانت داری.
 - 8- صحابه پیامبر و نقش امانت داری آنها در راهی دعوت.
 - 8- امام ابن حجر و نقش آن در شرح احادیث امانت و امانت داری و غیره.
- 2- برای علمای کرام پیشنهاد می‌کنم تا سیستم آگاهی دهی شان را در رسانه های صوتی و تصویری روی این موضوع و سائر موضوعات که نفع دینی و دنیوی دارند، بیشتر نمایند و از اهمیت و فضیلت امانت که تضمین کننده امنیت، ایمان و آخرت انسان است، به مردم بازگو نمایند، در مقابل از خیانت که سبب ناکامی دنیا و آخرت انسان می‌گردد، مردم را هشدار دهند تا مردم در این قبال اصلاح گردند.
- 3- در اخیر برای تمام معلمین و اساتید محترم پیشنهاد می‌نمایم تا روی این موضوع در صنوف درسی شان حد اقل یکبار در هفته تمرکز نمایند و برای متعلمین و محصلین انگیزه امانت و امانتداری را ایجاد نموده و انگیزه خیانت، فساد و غیره از اعمال سوء و مضر را از اذهان شان دور نمایند.

فهرست آیات قرآن کریم

شماره	آیات	سوره	شماره آیت	صفحه
1	{هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ}.	البقرة	187	80
2	{وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتَذَلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ}.	البقرة	188	86
3	{... وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا ...}.	البقرة	275	87
4	{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى فَآكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ ...}.	البقرة	282	88
5	{... فليؤدِّ الذي أوْتَمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ ...}.	البقرة	283	23، 39، 88
6	{ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نَّعَاسًا...}	آل عمران	154	29
7	{وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ وَ مَن يَغُلَّ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ}.	آل عمران	161	94
8	{وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبَيَّسَ مَا يَشْتَرُونَ}.	آل عمران	187	106
9	{وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ...}	النساء	6	24
10	{فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا}.	النساء	65	43
11	{وَكَيفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا}	النساء	21	82
12	{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ ...}.	النساء	29	86
13	{إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا}	النساء	58	15، 23، 40، 66، 77

14	{وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أذَاعُوا بِهِ...}	النساء	83	26، 26،
15	{إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا (105) وَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا (106) وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنْفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَانًا أَثِيمًا (107)}.	النساء	105 - 107	119
16	{وَأَنِ احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمْ أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ}.	المائدة	49	42
17	{أَفْحَكُمِ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ}.	المائدة	50	42
18	{... فَايُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ}.	الانعام	81	27
19	{الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ}	الانعام	82	27، 28
20	{وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ}.	الاعراف	31	79
21	{قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ * قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ * أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ}.	الاعراف	60 - 62	56
22	{وَإِلَى عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ}.	الاعراف	65	57
23	{أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ}	الاعراف	67	57
24	{أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ}	الاعراف	68	58
25	{إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ...}	الانفال	11	28
26	{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ}	الانفال	27	9، 18،
27	{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَخْبَارِ وَالرُّهْبَانِ	التوبة	34	87

			لِيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ {...}	
69	111	التوبة	{إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ...}	28
61	15	يوسف	{فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَاجْمَعُوا أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غِيَابَةِ الْجَبِّ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ}.	29
62	23	يوسف	{وَرَأَوْنَاهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ}	30
62	28 - 29	يوسف	{فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قَدْ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدِكُنَّ عَظِيمٌ * يُوسُفُ أَعْرَضَ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِدُنْبِكَ إِنَّكَ كُنْتَ مِنَ الْخَاطِئِينَ}.	31
121، 63	52	يوسف	ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ}.	32
95، 64، 112	54 - 55	يوسف	{وَقَالَ الْمَلِكُ انْتَوْنِي بِهِ أَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ * قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ}.	33
104	24	ابراهيم	{أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ}	34
105	26	ابراهيم	{وَمِثْلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ}	35
53	50	النحل	{يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ}	36
92	36	الاسراء	{وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا}.	37
84	132	طه	{وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْنَلِكُ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى}	38
53	27	الانبياء	{عِبَادٌ مُكْرَمُونَ * لَا يسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ}	39

119	38	الحج	{إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ}.	40
115 ، 114	1	المؤمنون	{قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ}.	41
،90 ، 20 115 ، 114	8	المؤمنون	: { وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ }.	42
18	1	النور	{سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا...}	43
24	33	النور	{وَلَيْسَتَعَفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا}	44
79	67	الفرقان	{وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا}.	45
58	144	الشعراء	{إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ}.	46
59	162	الشعراء	{إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ}	47
60	178	الشعراء	{إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ}	48
53	193	الشعراء	{نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ}	49
،65 ، 25 111	26	القصص	{قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبْتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ}	50
5٣	14	العنكبوت	{وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا ...}	51
43	36	الاحزاب	{وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا}.	52
،51 ، 48 ،68 ، 67 90	72	الاحزاب	{إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا}.	53
35	36	الزمر	{أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ}	54
120	19	غافر	يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ}.	55
54	- 17 18	الدخان	{... وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ * أَنْ أَدْوَا إِلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ}.	56
41	18	الجاثية	{ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ	57

			أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ}	
81	29	ق	{ ... وَمَا أَنَا بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ }	58
41	56	الذاريات	{ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ }	59
52	6	التحريم	{ ... لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ }.	60
120	10	التحريم	{ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَاتَمَهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ }	61
54	21	التكوير	{ مُطَاعٍ ثُمَّ أَمِينٍ }	62
81	8	التكاثر	{ ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ }.	63

فهرست احاديث نبوي

شماره	حديث	صفحه
1	«لَتُؤَدَّنَ الْحُقُوقَ إِلَى أَهْلِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُفَادَ لِلشَّاةِ الْجُلْحَاءِ مِنَ الشَّاةِ الْقُرْنَاءِ».	23 - 22
2	لَيْسَ كَمَا تَقُولُونَ {لَمْ يَلْبَسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ} [الأنعام: 82] بِشِرْكِ، أَوْلَمْ تَسْمَعُوا إِلَى قَوْلِ لُقْمَانَ لِابْنِهِ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ».	27
3	«أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ دِينَكَ، وَأَمَانَتَكَ، وَخَوَاتِيمَ عَمَلِكَ».	32
4	«لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ، وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ».	22، 33، 69، 115
5	«آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ: إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ، وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ، وَإِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ».	33، 70، 122
6	«أَدُّ الْأَمَانَةَ إِلَى مَنْ أَنْتَمَنَّاكَ، وَلَا تَخُنْ مَنْ خَانَكَ».	71
7	«مَنْ قَرَأَ بِالْأَيْبِينَ مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْبَقَرَةِ فِي لَيْلَةٍ كَفَنَاهُ».	35
8	«مَنْ اسْتَعْمَلَ رَجُلًا مِنْ عِصَابَةٍ وَفِي تِلْكَ الْعِصَابَةِ مَنْ هُوَ أَرْضَى اللَّهُ مِنْهُ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَخَانَ رَسُولَهُ وَخَانَ الْمُؤْمِنِينَ»	36، 96
9	«يَا أَبَا ذَرٍّ، إِنَّكَ ضَعِيفٌ، وَإِنَّهَا أَمَانَةٌ، وَإِنَّهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ خِزْيٌ وَنَدَامَةٌ، إِلَّا مَنْ أَخَذَهَا بِحَقِّهَا، وَأَدَّى الَّذِي عَلَيْهِ فِيهَا».	37، 95
10	« الْمَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ إِلَّا ثَلَاثَةٌ مَجَالِسَ سَفْكَ دَمٍ حَرَامٍ أَوْ فَرْجٍ حَرَامٍ أَوْ اقْتِطَاعِ مَالٍ بِغَيْرِ حَقٍّ ».	43، 98
11	«الْمُسْتَشَارُ مُؤْتَمَنٌ».	44
12	«مَنْ أَقْتَى بِغَيْرِ عِلْمٍ كَانَ إِثْمُهُ عَلَى مَنْ أَقْتَاهُ وَمَنْ أَشَارَ عَلَى أَخِيهِ بِأَمْرٍ يَعْلَمُ أَنَّ الرُّشْدَ فِي غَيْرِهِ فَقَدْ خَانَهُ».	45
13	«أَنَّ الْأَمَانَةَ نَزَلَتْ فِي جَذْرِ قُلُوبِ الرَّجَالِ ...».	50

52	«الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ النَّاسُ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ، وَالْمُؤْمِنُ مَنْ أَمِنَهُ النَّاسُ عَلَى دِمَائِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ»	14
103 ، 72 ، 66	«فَإِذَا ضُيِّعَتِ الْأَمَانَةُ فَانْتَظِرِ السَّاعَةَ». قَالَ: كَيْفَ إِضَاعَتُهَا؟ قَالَ: «إِذَا وُسِدَ الْأَمْرُ إِلَى غَيْرِ أَهْلِهِ فَانْتَظِرِ السَّاعَةَ»	15
68	«ثَلَاثَةٌ يُؤَدَّبْنَ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ: الرَّحِمُ تُوَصَّلُ كَأَنَّكَ بَرَةٌ أَوْ فَاجِرَةٌ، وَالْأَمَانَةُ تُؤَدَّى إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ، وَالْعَهْدُ يُؤْفَى بِهِ لِلْبَرِّ وَالْفَاجِرِ».	16
102 ، 69	«كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ ...».	17
74	«لا تقوم الساعة حتي ... يُؤتمن الخائن، ويخون الأمين»	18
77	«الْقَتْلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُكَفِّرُ الذَّنُوبَ كُلَّهَا أَوْ قَالَ: يُكَفِّرُ كُلَّ شَيْءٍ إِلَّا الْأَمَانَةَ ...».	19
80	«نِعْمَتَانِ مَغْبُورٌ فِيهِمَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ: الصَّحَّةُ وَالْفِرَاعُ».	20
84	«كُلُّ غُلَامٍ رَهِينَةٌ بِعَقِيْقَتِهِ تُدْبِحُ عَنْهُ يَوْمَ سَابِعِهِ وَيُحْلَقُ وَيُسَمَّى».	21
85	«أَوْ أَمْلِكُ إِنْ كَانَ اللَّهُ نَزَعَ مِنْ قُلُوبِكُمُ الرَّحْمَةَ».	22
91	«لَأُبْعَثَنَّ مَعَكُمْ رَجُلًا أَمِينًا حَقَّ أَمِينٍ»، فَاسْتَشْرَفَ لَهُ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -، فَقَالَ: «قُمْ يَا أَبَا عُبَيْدَةَ بْنِ الْجَرَّاحِ!»، فَلَمَّا قَامَ؛ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «هَذَا أَمِينٌ هَذِهِ الْأُمَّةُ».	23
91	«التَّاجِرُ الصَّدُوقُ الْأَمِينُ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ».	24
92	: «رَحِمَ اللَّهُ رَجُلًا سَمَحًا إِذَا بَاعَ، وَإِذَا اشْتَرَى، وَإِذَا اقْتَضَى».	25
93	«مَنْ اسْتَعْمَلَنَاهُ عَلَى عَمَلٍ فَرَزَقْنَاهُ رِزْقًا فَمَا أَخَذَ بَعْدَ ذَلِكَ فَهُوَ غُلُولٌ».	26
93	«مَنْ اسْتَعْمَلَنَاهُ مِنْكُمْ عَلَى عَمَلٍ، فَكَتَمْنَا مَخِيطًا فَمَا فَوْقَهُ، كَانَ غُلُولًا يَأْتِي بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»	27

99	«... أَوْ فَرُجٌ حَرَامٌ...».	28
99	«مَثَلُ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ وَمَثَلُ جَلِيسِ السُّوءِ، كَحَامِلِ الْمِسْكِ وَنَافِخِ الْكَبِيرِ، فَحَامِلُ الْمِسْكِ إِمَّا أَنْ تَبْتَاعَ مِنْهُ، وَإِمَّا أَنْ تَجِدَ مِنْهُ رِيحًا طَيِّبَةً، وَنَافِخُ الْكَبِيرِ، إِمَّا أَنْ يُحْرِقَ ثِيَابَكَ، وَإِمَّا أَنْ تَجِدَ مِنْهُ رِيحًا خَبِيثَةً.».	29
101	«وَأَدَى الْأَمَانَةَ " قَالُوا: يَا أَبَا الدَّرْدَاءِ وَمَا آدَاءُ الْأَمَانَةِ؟ قَالَ: «مِنَ الْجَنَابَةِ»	30
105	«إِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ مِنْ رِضْوَانِ اللَّهِ، مَا يَظُنُّ أَنْ تَبْلُغَ مَا بَلَغَتْ، فَيَكْتُوبُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ بِهَا رِضْوَانَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَإِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ مِنْ سُخْطِ اللَّهِ، مَا يَظُنُّ أَنْ تَبْلُغَ مَا بَلَغَتْ، فَيَكْتُوبُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ بِهَا سُخْطَهُ إِلَى يَوْمِ يَلْقَاهُ»	31
106	«... وَالْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ...».	32
107	«مَنْ سُئِلَ عَنْ عِلْمٍ يَعْلَمُهُ فَكَتَمَهُ أَجَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ.».	33
112	«مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُحِبَّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ فَلْيَصْدُقْ حَدِيثَهُ إِذَا حَدَّثَ، وَلْيُؤَدِّ أَمَانَتَهُ إِذَا اتَّخَمَ، وَلْيُحْسِنِ جَوَارَهُ إِذَا جَاوَرَ»	34
113	«ثَلَاثٌ إِذَا كُنَّ فِيكَ لَمْ يَضُرَّكَ مَا فَاتَكَ مِنَ الدُّنْيَا: صِدْقُ الْحَدِيثِ، وَحِفْظُ أَمَانَةٍ، وَعِفَّةٌ فِي طُعْمَةٍ.».	35
114	« مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَهُوَ غَنَى لَا فَقْرَ بَعْدَهُ وَالْأَمَانَةَ غِنَى.».	36
116 - 115	«... يَا عَبْدَ اللَّهِ اتَّقِ اللَّهَ، وَلَا تَفْتَحِ الْخَاتَمَ إِلَّا بِحَقِّهِ، فَقُمْتَ عَنْهَا...».	37
123	«أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَتْ مُنَافِقًا خَالِصًا، وَمَنْ كَانَتْ فِيهِ خَصْلَةٌ مِنْهُنَّ كَانَتْ فِيهِ خَصْلَةٌ مِنَ النِّفَاقِ حَتَّى يَدَّعِيَهَا: إِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ، وَإِذَا حَدَّثَ كَذَبَ، وَإِذَا عَاهَدَ غَدَرَ، وَإِذَا خَاصَمَ فَجَرَ.».	38
124	«... وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخِيَانَةِ، فَإِنَّهَا بَسَّتِ الْبِطَانَةَ»	39
124	«لَا تَجُوزُ شَهَادَةُ خَائِنٍ وَلَا خَائِنَةٍ، وَلَا زَانٍ وَلَا زَانِيَةٍ، وَلَا ذِي غَمْرٍ عَلَى أُخِيهِ.».	40
125	«حُرْمَةُ نِسَاءِ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ كَحُرْمَةِ أُمَّهَاتِهِمْ، وَمَا مِنْ رَجُلٍ مِنَ الْقَاعِدِينَ يَخْلُفُ رَجُلًا مِنَ الْمُجَاهِدِينَ فِي أَهْلِهِ فَيَخُونُهُ فِيهِمْ، إِلَّا وَقَفَ لَهُ يَوْمَ	41

	الْقِيَامَةِ، فَيَأْخُذُ مِنْ عَمَلِهِ مَا شَاءَ، فَمَا ظَنُّكُمْ؟»	
126	«مَا مِنْ عَبْدٍ يَسْتَرِعِيهِ اللَّهُ رَعِيَّةً يَمُوتُ يَوْمَ يَمُوتُ وَهُوَ غَاشٌّ لِرَعِيَّتِهِ إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ»	42
127	" قَالَ اللَّهُ: ثَلَاثَةٌ أَنَا خَصْمُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: «رَجُلٌ أَعْطَى بِي ثُمَّ غَدَرَ، وَرَجُلٌ بَاعَ حُرًّا فَأَكَلَ ثَمَنَهُ، وَرَجُلٌ اسْتَأْجَرَ أَجِيرًا فَاسْتَوْفَى مِنْهُ وَلَمْ يُعْطِ أَجْرَهُ»	43

فهرست اعلام

شماره	اسم	صفحه
1	ابن منظور افریقی	9، 8
2	راغب اصفهانی	65، 18، 8
3	ابن عاشور	74، 9
4	امام قرطبی	121، 31، 9
5	امام غزالی	49، 10
6	ابوالبقاء کفوی	10
7	امام مناوی	69، 71، 11، 107، 98 119
8	ابن سیده	17
9	ابن اعرابی	17
10	امام طبری	121، 18
11	ابن کثیر	51، 19
12	امام زمخشری	116، 20 115
13	امام آلوسی	21
14	امام بیضاوی	120، 25
15	سعدی	90، 39، 26

29	إمام ماوردی	16
،86 ،83 ،29 120 ،107	امام بغوی	17
52 ،32	ملا علي القاری	18
121 ،51 ،34	امام طیبی	19
،82 ، ،37 126 ،125	امام نووی	20
40	ابن ابی حاتم	21
40	امام شعبی	22
43	امام أبوالسعود	23
115 ،44	صنعانی	24
49	زید ابن اسلم	۲۵
49	امام قتاده	۲۶
55 ،54 ،49	ابن کثیر	۲۷
53	امام طبرانی	۲۸
56	فخر رازی	29
58	ابن قَیم جوزی	30
59	ابوبکر الجزائری	31
65	ابوحیان نحوی	32
70	محمد بن صالح عثیمین	33

72	شاه انور شاه کشميري	34
92 ، 73	ابن بطال	35
76	ابن هشام	36
76	امام بخاری	37
79	ابن دريد ازدي	38
80	مصطفى العدوى	39
121 ، 82	امام زمخشرى	40
87	محمد رشيد رضا	41
89	ابوزهره	42
89	سيد قطب	43
99	قاضى عياض	44
102	ابن رجب	45
103	ابن الملقن	46
104	ابن حجر عسقلانى	47
124	رحماني مباركفوري	45

فهرست مصادر و منابع

قرآن كريم

1. ابن ابى شيبة، أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة الكوفي، المصنف في الأحاديث والآثار، الناشر: مكتبة الرشد - الرياض، الطبعة الأولى، 1409هـ.
2. ابن الأثير، مجد الدين أبو السعادات المبارك بن محمد بن محمد بن عبد الكريم الشيباني الجزري ابن الأثير (المتوفى: 606هـ)، جامع الأصول في أحاديث الرسول، تحقيق: عبد القادر الأرئوط - التتمة تحقيق بشير عيون، الناشر: مكتبة الحلواني - مطبعة الملاح - مكتبة دار البيان، الطبعة: الأولى، 1389 هـ، 1969 م.
3. ابن العثيمين، محمد بن صالح بن محمد العثيمين (المتوفى: 1421هـ)، شرح رياض الصالحين، الناشر: دار الوطن للنشر، الرياض، الطبعة: 1426 هـ، ج 4 ص 47.
4. ابن الملقن سراج الدين أبو حفص عمر بن علي بن أحمد الشافعي المصري (المتوفى: 804هـ)، التوضيح لشرح الجامع الصحيح، المحقق: دار الفلاح للبحث العلمي وتحقيق التراث، الطبعة: الأولى، 1429 هـ - 2008 م.
5. ابن الملقن، سراج الدين أبو حفص عمر بن علي بن أحمد الشافعي المصري (المتوفى: 804هـ)، مختصر استدراك الحافظ الذهبي على مُستدرك أبي عبد الله الحاكم، الناشر: دار العاصمة، الرياض - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، 1411 هـ.
6. ابن النجار، محب الدين، ابو عبد الله، محمد بن محمود ابن الحسن بن هبة الله بن محاسن المعروف بابن النجار البغدادي (المتوفى 643 هـ)، ذيل تاريخ بغداد، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، الطبعة: الاولى، دار الطبع: دار الكتب العلمية بيروت - لبنان، 1417 هـ - 1997 م.
7. ابن الهمام، كمال الدين محمد بن عبد الواحد السيواسي المعروف بابن الهمام (المتوفى: 861هـ)، فُتْحُ الْقُدَيْرِ، بيروت، الناشر: دار الفكر.
8. ابن بدوى، وليدُ بنُ حُسَني بنِ بَدوي بنِ مُحَمَّدِ الأُمويِّ، معجم أصحاب شيخ الإسلام ابن تيمية، بيروت، الناشر: دار الفكر، 1430هـ.
9. ابن بطلال أبو الحسن علي بن خلف بن عبد الملك (المتوفى: 449هـ)، شرح صحيح البخارى لابن بطلال، تحقيق: أبو تميم ياسر بن إبراهيم، دار النشر: مكتبة الرشد - السعودية، الرياض، الطبعة: الثانية، 1423هـ - 2003م.

10. ابن بطة، أبو عبد الله عبيد الله بن محمد بن محمد بن حمدان العُكْبَرِي المعروف بابن بَطَّة العكبري (المتوفى: 387هـ)، الإبانة الكبرى لابن بطة، المحقق: رضا معطي، وعثمان الأثيوبي، ويوسف الوابل، والوليد بن سيف النصر، وحمد التويجري، الناشر: دار الراجعية للنشر والتوزيع، الرياض، الطبعة: الأولى، 1415 هـ.
11. ابن حجر، أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: 852هـ)، الدرر الكامنة في أعيان المائة الثامنة، المحقق: محمد عبد المعيد ضان، الناشر: مجلس دائرة المعارف العثمانية - صيدر اباد الهند، الطبعة: الثانية، 1392هـ / 1972م.
12. ابن حجر، أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: 852هـ)، لسان الميزان، المحقق: عبد الفتاح أبو غدة، الناشر: دار البشائر الإسلامية، الطبعة: الأولى، 2002 م.
13. ابن حجر، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، فتح الباري شرح صحيح البخاري، الناشر: دار المعرفة - بيروت، 1379هـ.
14. ابن حجر، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، هدى الساري مقدمة فتح البخاري، الناشر: دار المعرفة - بيروت، 1379 هـ.
15. ابن حجر، أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر أبو الفضل العسقلاني (المتوفى: 852هـ)، إتحاف المهرة بالفوائد المبتكرة من أطراف العشرة، تحقيق: مركز خدمة السنة والسيرة، بإشراف د زهير بن ناصر الناصر، الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف (بالمدينة)، الطبعة: الأولى، 1415 هـ - 1994 م.
16. ابن خلكان، أبو العباس شمس الدين أحمد بن محمد بن إبراهيم بن أبي بكر، البرمكي، الإربلي (المتوفى: 681هـ)، وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان، المحقق: إحسان عباس، الناشر: دار صادر - بيروت، الطبعة: 0، 1900م.
17. ابن رجب، زين الدين عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، البغدادي، السّلامي، ثمّ الدمشقي، الحنبلي (المتوفى: 795هـ)، ذيل طبقات الحنابلة، المحقق: عبد الرحمن بن سليمان العثيمين، الناشر: مكتبة العبيكان - الرياض، الطبعة: الأولى، 1425 هـ - 2005 م
18. ابن رجب، زين الدين عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، السّلامي، البغدادي، ثمّ الدمشقي، الحنبلي (المتوفى: 795هـ)، فتح الباري شرح صحيح البخاري، تحقيق: محمود بن شعبان بن عبد المقصود وغيره، الناشر: مكتبة الغرباء الأثرية - المدينة النبوية، الطبعة: الأولى، 1417 هـ - 1996 م.

19. ابن سلامة، أبو عبد الله محمد بن سلامة بن جعفر بن علي بن حكيم القضاة المصري (المتوفى: 454هـ)، مسند الشهاب، المحقق: حمدي بن عبد المجيد السلفي، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: الثانية، 1407 - 1986م.
20. ابن سيده، أبو الحسن علي بن إسماعيل بن سيده المرسي [ت: 458هـ]، المحكم والمحيط الأعظم، المحقق: عبد الحميد هنداوي، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، 1421 هـ - 2000 م.
21. ابن عاشور، محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر بن عاشور التونسي (المتوفى: 1393هـ)، التحرير والتنوير «تحرير المعنى السديد وتنوير العقل الجديد من تفسير الكتاب المجيد»، الناشر: دار التونسية للنشر - تونس، 1984 هـ.
22. ابن قاضي شهبة الأسدي، أبو بكر بن أحمد بن محمد بن عمر الشهبي الدمشقي، تقي الدين (المتوفى: 851هـ)، طبقات الشافعية، المحقق: الحافظ عبد العليم خان، دار النشر: عالم الكتب - بيروت، الطبعة: الأولى، 1407 هـ.
23. ابن قدامة، أبو محمد موفق الدين عبد الله بن أحمد بن محمد الجماعلي ثم الدمشقي الحنبلي، الشهير بابن قدامة المقدسي (المتوفى: 620هـ)، المغني لابن قدامة، الناشر: مكتبة القاهرة، تاريخ النشر: 1388هـ - 1968م.
24. ابن قيم جوزي، جمال الدين أبو الفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد الجوزي (المتوفى: 597هـ)، زاد المسير في علم التفسير، المحقق: عبد الرزاق المهدي، الناشر: دار الكتاب العربي - بيروت، الطبعة: الأولى - 1422 هـ.
25. ابن كثير، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: 774هـ)، طبقات الشافعيين، الناشر: مكتبة الثقافة الدينية، تاريخ النشر: 1413 هـ - 1993 م.
26. ابن كثير، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: 774هـ)، البداية والنهاية، الناشر: دار الفكر، بيروت، 1407 هـ - 1986 م.
27. ابن كثير، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير، القرشي، البصري، الدمشقي (المتوفى: 774هـ)، تفسير القرآن العظيم، المحقق: سامي بن محمد سلامة، الناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع، الطبعة: الثانية 1420هـ - 1999م.
28. ابن ماجه، أبو عبد الله محمد بن يزيد القرويني (المتوفى: 273هـ)، سنن ابن ماجه، المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد - محمد كامل قره بللي - عبد اللطيف حرز الله، الناشر: دار الرسالة العالمية، الطبعة: الأولى، 1430 هـ - 2009 م.

29. ابن منصور، أبو عثمان سعيد بن منصور بن شعبة الخراساني الجوزجاني (المتوفى: 227هـ)، التفسير من سنن سعيد بن منصور، دراسة وتحقيق: سعد بن عبد الله بن عبد العزيز آل حميد، الناشر: دار الصميعي للنشر والتوزيع، بيروت، الطبعة: الأولى، 1417 هـ - 1997 م.
30. ابن منظور، محمد بن مكرم بن علي، أبو الفضل، جمال الدين الأنصاري الرويفعي الإفريقي (المتوفى: 711هـ)، لسان العرب، الناشر: دار صادر - بيروت، الطبعة: الثالثة - 1414 هـ.
31. ابن مهران، أبو القاسم عبد الملك بن محمد بن عبد الله بن بشران بن محمد بن بشران بن مهران البغدادي (المتوفى: 430هـ)، أمالي ابن بشران - الجزء الثاني، المحقق: أحمد بن سليمان، الناشر: دار الوطن للنشر، الرياض، الطبعة: الأولى، 1420 هـ - 1999 م.
32. ابن هشام، عبد الملك بن هشام بن أيوب الحميري المعافري، أبو محمد، جمال الدين (المتوفى: 213هـ)، السيرة النبوية لابن هشام، تحقيق: مصطفى السقا وإبراهيم الأبياري وعبد الحفيظ الشلبي، الناشر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده بمصر، الطبعة: الثانية، 1375 هـ - 1955 م.
33. أبو اسحاق الشيرازي، إبراهيم بن علي بن يوسف (المتوفى: 476هـ)، المهذب في فقه الإمام الشافعي، بيروت، الناشر: دار الكتب العلمية.
34. أبو بكر الجزائري، جابر بن موسى بن عبد القادر بن جابر، أيسر التفاسير لكلام العلي الكبير، الناشر: مكتبة العلوم والحكم، المدينة المنورة، المملكة العربية السعودية، الطبعة: الخامسة، 1424 هـ/2003 م.
35. أبو بكر عبد الله بن محمد بن عبيد بن سفيان بن قيس البغدادي الأموي القرشي المعروف بابن أبي الدنيا (المتوفى: 281هـ)، مكارم الأخلاق، المحقق: مجدي السيد إبراهيم، الناشر: مكتبة القرآن - القاهرة.
36. أبو حيان، محمد بن يوسف بن علي بن يوسف بن حيان أثير الدين الأندلسي (المتوفى: 745هـ)، البحر المحيط في التفسير، المحقق: صدقي محمد جميل، الناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة: 1420 هـ.
37. أبو طاهر السلفي، صدر الدين، أحمد بن محمد بن أحمد بن محمد بن إبراهيم سلفه الأصبهاني (المتوفى: 576هـ)، الطيوريات، دراسة وتحقيق: دسمان يحيى معالي، عباس صخر الحسن، الناشر: مكتبة أضواء السلف، الرياض، الطبعة: الأولى، 1425 هـ - 2004 م.

38. أبو السعود العمادي، محمد بن محمد بن مصطفى (المتوفى: 982هـ)، تفسير أبي السعود = إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.
39. أبوداود، سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني (المتوفى: 275هـ)، سنن أبي داود، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد، الناشر: المكتبة العصرية، صيدا - بيروت.
40. ابوزهره، محمد بن أحمد بن مصطفى بن أحمد المعروف بأبي زهرة (المتوفى: 1394هـ)، زهرة التفاسير، دار النشر: دار الفكر العربي، بيروت.
41. احمد بن حنبل، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني (المتوفى: 241هـ)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، وآخرون، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولى، 1421 هـ - 2001 م.
42. الأزهرى، أحمد بن محمد بن الصديق بن أحمد، أبو الفيض العُمَارِي الحسني الأزهرى (المتوفى: 1380 هـ)، المداوي لعلل الجامع الصغير وشرحي المناوي، الناشر: دار الكتبي، القاهرة - جمهورية مصر العربية، الطبعة: الأولى، 1996.
43. الأزهرى، أحمد بن غانم بن سالم ابن مهنا، شهاب الدين النفراوي الأزهرى المالكي (المتوفى: 1126هـ)، الفواكه الدواني على رسالة ابن أبي زيد القيرواني، بيروت، الناشر: دار الفكر، الطبعة الأولى، 1415 هـ - 1995 م.
44. الإسنوي، عبد الرحيم بن الحسن بن علي الشافعي، أبو محمد، جمال الدين (المتوفى: 772هـ)، طبقات الشافعية، تحقيق: كمال يوسف الحوت، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى 2002 م.
45. الأصبهاني، إسماعيل بن محمد بن الفضل بن علي القرشي الطليحي التيمي أبو القاسم، الملقب بقوام السنة (المتوفى: 535هـ)، الترغيب والترهيب، المحقق: أيمن بن صالح بن شعبان، الناشر: دار الحديث - القاهرة، الطبعة: الأولى 1414 هـ - 1993 م.
46. الألباني، أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري (المتوفى: 1420 هـ)، صحيح موارد الظمان إلى زوائد ابن حبان، الناشر: دار الصميعي للنشر والتوزيع، الرياض - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، 1422 هـ - 2002 م.

47. الألباني، أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري (المتوفى: 1420هـ)، صحيح الجامع الصغير وزياداته، الناشر: المكتب الإسلامي، بيروت.
48. الألباني، أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري (المتوفى: 1420هـ)، سلسلة الأحاديث الصحيحة وشيء من فقهها وفوائدها، الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، الرياض، الطبعة: الأولى، 1415 هـ - 1995 م.
49. الألباني، محمد ناصر الدين (المتوفى: 1420هـ)، صحيح وضعيف سنن أبي داود، برنامج منظومة التحقيقات الحديثية - المجاني - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية.
50. الألباني، محمد ناصر الدين (المتوفى: 1420هـ)، صحيح وضعيف سنن الترمذي، برنامج منظومة التحقيقات الحديثية - المجاني - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية.
51. الألباني، محمد ناصر الدين، صَحِيحُ التَّرْغِيبِ وَالتَّرْهِيْبِ، الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، الرياض - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، 1421 هـ - 2000 م.
52. الألوسي، شهاب الدين محمود بن عبد الله الحسيني (المتوفى: 1270هـ)، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، المحقق: علي عبد الباري عطية، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، 15 جلد، الطبعة: الأولى، 1415 هـ.
53. الامير، محمد بن إسماعيل بن صلاح بن محمد الحسني، الكحلاني ثم الصنعاني، أبو إبراهيم، عز الدين، المعروف كأسلافه بالأمير (المتوفى: 1182هـ)، التَّنْوِيرُ شَرْحُ الْجَامِعِ الصَّغِيرِ، المحقق: محمَّدُ إِسْحَاقَ محمَّدُ إبراهيم، الناشر: مكتبة دار السلام، الرياض، الطبعة: الأولى، 1432 هـ - 2011 م.
54. الباباني، إسماعيل بن محمد أمين بن مير سليم البغدادي (المتوفى: 1399هـ)، هدية العارفين أسماء المؤلفين وآثار المصنفين، الناشر: طبع بعناية وكالة المعارف الجليلة في مطبعتها البهية استانبول 1951م.
55. الباجي، أبو الوليد سليمان بن خلف الباجي الأندلسي (المتوفى: سنة 474 هـ)، الإشارة في معرفة الأصول والوجازة في معنى الدليل، دراسة وتحقيق وتعليق: محمد علي فركوس، الناشر: المكتبة المكية (مكة المكرمة) - دار البشائر الإسلامية (بيروت)، الطبعة: الأولى، 1416 هـ - 1996 م.

56. البخارى، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه = صحيح البخاري، المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، الناشر: دار طوق النجاة، الطبعة: الأولى، 1422هـ.
57. بدخشاني، محمد اكرام الدين بدخشاني، ازهر البيان فى تفسير كلام الرحمن، مكتبه اسلاميه، اردو بازار (لاهور) باكستان، چاپ اول، 1392 هجرى شمسى مطابق 2013 ميلادى.
58. البغوي، أبو محمد الحسين بن مسعود (المتوفى: 510هـ)، معالم التنزيل في تفسير القرآن = تفسير البغوي، المحقق: حقه وخرج أحاديثه محمد عبد الله النمر - عثمان جمعة ضميرية - سليمان مسلم الحرش، الناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع، الطبعة: الرابعة، 1417 هـ - 1997 م.
59. البوطي، محمد سعيد رمضان، فقه السيرة النبوية مع موجز لتاريخ الخلافة الراشدة، الناشر: دار الفكر - دمشق، الطبعة: الخامسة والعشرون - 1426 هـ.
60. البهوتي، منصور بن يونس بن صلاح الدين ابن حسن بن إدريس الحنبلي، (المتوفى: 1051هـ)، كشف القناع عن متن الإقناع، الناشر: دار الكتب العلمية.
61. البيضاوي، ناصر الدين أبو سعيد عبد الله بن عمر بن محمد الشيرازي (المتوفى: 685هـ)، أنوار التنزيل وأسرار التأويل، المحقق: محمد عبد الرحمن المرعشلي، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة: الأولى - 1418 هـ.
62. البيهقي، أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخُسْرُوْجَردي الخراساني، أبوبكر، (المتوفى: 458هـ)، السنن الكبرى للبيهقي، المحقق: عبد المعطي أمين قلججي، دار النشر: جامعة الدراسات الإسلامية، كراتشي - باكستان، الطبعة: الأولى، 1410 هـ - 1989 م.
63. البيهقي، أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخُسْرُوْجَردي الخراساني، أبو بكر البيهقي (المتوفى: 458هـ)، شعب الإيمان، حقه وراجع نصوصه وخرج أحاديثه: عبد العلي عبد الحميد حامد، الناشر: مكتبة الرشد للنشر والتوزيع بالرياض بالتعاون مع الدار السلفية ببومباي بالهند، الطبعة: الأولى، 1423 هـ - 2003 م.
64. الترمذي، محمد بن عيسى بن سورة بن موسى بن الضحاك، أبو عيسى (المتوفى: 279هـ)، سنن الترمذي، تحقيق وتعليق: أحمد محمد شاكر، الناشر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر، الطبعة: الثانية، 1395 هـ - 1975 م.

65. الجزائري، جابر بن موسى بن عبد القادر بن جابر أبو بكر، أيسر التفاسير لكلام العلي الكبير، الناشر: مكتبة العلوم والحكم، المدينة المنورة، المملكة العربية السعودية، الطبعة: الخامسة، 1424هـ/2003م.
66. حاجي خليفة، مصطفى بن عبد الله كاتب حلبى القسطنطينى(المتوفى: 1067هـ)، كشف الظنون عن أسامى الكتب والفنون، الناشر: مكتبة المثنى - بغداد، تاريخ النشر: 1941م.
67. حاكم نيسابورى، أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبى الطهمانى النيسابورى المعروف بابن البيع (المتوفى: 405هـ)، المستدرك على الصحيحين، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، 1411 - 1990م.
68. حسن أيوب، السلوك الاجتماعى فى الإسلام، بيروت، الناشر: دار التراث العربى للطباعة والنشر، الطبعة الخامسة، 1407هـ - 1987م.
69. حسن جبل، محمد حسن. المؤصل المعجم الاشتقاقى لألفاظ القرآن الكريم، القاهرة، الناشر: دار الحديث، الطبعة الأولى، 1422هـ.
70. حطبية، الطبيب أحمد، شرح الترغيب والترهيب للمنذرى، الناشر: دار النفائس، القاهرة، 1413هـ.
71. الحكرى، مغلطاي بن قليج بن عبد الله البكجى المصرى الحنفى، أبو عبد الله، علاء الدين (المتوفى: 762هـ)، إكمال تهذيب الكمال فى أسماء الرجال، المحقق: أبو عبد الرحمن عادل بن محمد - أبو محمد أسامة بن إبراهيم، الناشر: الفاروق الحديثة للطباعة والنشر، الطبعة: الأولى، 1422 هـ - 2001 م.
72. الخرائطى، أبو بكر محمد بن جعفر بن محمد بن سهل بن شاكى الخرائطى السامرى (المتوفى: 327هـ)، مكارم الأخلاق ومعاليها ومحمود طرائقها، تقديم وتحقيق: أيمن عبد الجابر البحرى، الناشر: دار الآفاق العربىة، القاهرة، الطبعة: الأولى، 1419 هـ - 1999 م.
73. الخرائطى، أبو بكر محمد بن جعفر بن محمد بن سهل بن شاكى، الخرائطى، السامرى (المتوفى: 327هـ)، المنتقى من كتاب مكارم الأخلاق ومعاليها ومحمود طرائقها، تحقيق: محمد مطيع الحافظ، وغزوة بدير، الناشر: دار الفكر - دمشق سورىة، 1406 هـ.
74. خطيب الشربىنى، محمد. مغنى المحتاج إلى معرفة معانى ألفاظ المنهاج، عدد الأجزاء: 4، بيروت، الناشر دار الفكر.

75. الدارمي، محمد بن حبان بن أحمد بن حبان بن معاذ بن مَعْبَد، التميمي، أبوحاتم، البُستي (المتوفى: 354هـ)، صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، المحقق: شعيب الأرنؤوط، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، 17 جلد، الطبعة: الثانية، 1414 - 1993م.
76. الداوودي، محمد بن علي بن أحمد، شمس الدين المالكي (المتوفى: 945هـ)، طبقات المفسرين للداوودي، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت.
77. الذهبي، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قَإِماز (المتوفى: 748هـ)، تاريخ الإسلام وَوَفِياتِ المشاهير وَالأعلام، المحقق: بشار عوَّاد معروف، الناشر: دار الغرب الإسلامي، الطبعة: الأولى، 2003 م.
78. الذهبي، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قَإِماز (المتوفى: 748هـ)، سيرالاعلام النبلا، الناشر: دار الحديث- القاهرة، الطبعة: 1427هـ-2006م.
79. راجي، عبد القدوس، شناخت مكى و مدنى قرآن، كابل، انتشارات سعيد، چاپ اول، 1395هـ ش.
80. راغب اصفهاني، الحسين بن محمد بن المفضل المعروف بالراغب الأصفهاني أبو القاسم، التفسير الراغب الاصفهاني، دراسةً و تحقيِّقًا، من أول سورة آل عمران وحتى نهاية الآية 311 من سورة النساء، عادل بن علي بن أحمد الشدى، الناشر: دارالنفائس، القاهرة.
81. راغب الأصفهاني، أبو القاسم الحسين بن محمد المعروف (المتوفى: 502هـ)، المفردات في غريب القرآن، المحقق: محمد سيد كيلاني، الناشر: دار المعرفة، الطبعة: الأولى - 1412هـ.
82. الرحماني المباركفوري، أبو الحسن عبيد الله بن محمد عبد السلام بن خان محمد بن أمان الله بن حسام الدين (المتوفى: 1414هـ)، مرعاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح، الناشر: إدارة البحوث العلمية والدعوة والإفتاء - الجامعة السلفية - بنارس الهند، الطبعة: الثالثة - 1404 هـ، 1984 م.
83. الزحيلي، وهبة بن مصطفى، التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، الناشر: دار الفكر المعاصر - بيروت، دمشق، 30 جلد، الطبعة: الثانية، 1418 هـ.
84. الزركلي، خير الدين بن محمود بن محمد بن علي بن فارس، الدمشقي (المتوفى: 1396هـ)، الاعلام، الناشر: دار العلم للملايين، الطبعة: الخامسة عشر - أيار / مايو 2002 م.

85. الزمخشري، أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد، الزمخشري جار الله (المتوفى: 538هـ)، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، الناشر: دار الكتاب العربي - بيروت، الطبعة: الثالثة - 1407 هـ.
86. الزيلعي، جمال الدين أبو محمد عبد الله بن يوسف بن محمد (المتوفى: 762هـ)، تخريج الأحاديث والآثار الواقعة في تفسير الكشاف للزمخشري، المحقق: عبد الله بن عبد الرحمن السعد، الناشر: دار ابن خزيمة - الرياض، الطبعة: الأولى، 1414 هـ.
87. السبكي، تاج الدين عبد الوهاب بن تقي الدين (المتوفى: 771هـ)، طبقات الشافعية الكبرى، المحقق: محمود محمد الطناحي وعبد الفتاح محمد الحلوة، الناشر: هجر للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة: الثانية، 1413 هـ.
88. السخاوي، شمس الدين أبو الخير محمد بن عبد الرحمن بن محمد بن أبي بكر بن عثمان بن محمد (المتوفى: 902هـ)، الضوء اللامع، الناشر: منشورات دار مكتبة الحياة - بيروت.
89. السعدي، عبد الرحمن بن ناصر بن عبد الله (المتوفى: 1376هـ)، تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان، المحقق: عبد الرحمن بن معلا اللويحق، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولى 1420 هـ - 2000 م.
90. السوسي، محمد بن محمد بن سليمان بن الفاسي بن طاهر السوسي الردواني المغربي المالكي (المتوفى: 1094هـ)، جمع الفوائد من جامع الأصول ومجمع الزوائد، تحقيق وتخريج: أبو علي سليمان بن دريع، الناشر: مكتبة ابن كثير، الكويت - دار ابن حزم، بيروت، الطبعة: الأولى، 1418 هـ - 1998 م.
91. السهيلي، أبو القاسم عبد الرحمن بن عبد الله بن أحمد السهيلي (المتوفى: 581هـ)، الروض الأنف، الناشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت، الطبعة: الأولى، 1412 هـ.
92. سيد قطب بن إبراهيم، في ظلال القرآن، دار النشر: دار الفكر العربي، بيروت، الطبعة الثانية، 1422 هـ.
93. سيد سابق (المتوفى: 1420هـ)، فقه السنة، الناشر: دار الكتاب العربي، بيروت - لبنان، الطبعة: الثالثة، 1397 هـ - 1977 م.
94. السيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين (المتوفى: 911هـ)، بغية الوعاة في طبقات اللغويين والنحاة، المحقق: محمد أبو الفضل إبراهيم، الناشر: المكتبة العصرية - لبنان / صيدا.

95. السيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين (المتوفى: 911هـ)، جامع الأحاديث ويشتمل على جمع الجوامع للسيوطي والجامع الأزهر وكنوز الحقائق للمناوي، والفتح الكبير للنبهاني)، المحقق: مختار إبراهيم الهائج - عبد الحميد محمد ندا - حسن عيسى عبد الظاهر، الناشر: الأزهر الشريف، القاهرة - جمهورية مصر العربية، الطبعة: الثانية، 1426 هـ - 2005 م.
96. السيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين (المتوفى: 911هـ)، ذيل طبقات الحفاظ، المحقق: الشيخ زكريا عميرات، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت.
97. السيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين (المتوفى: 911هـ)، طبقات الحفاظ، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، 1403 هـ.
98. شاه انور شاه كشميري، محمد أنور شاه بن معظم شاه الكشميري الهندي ثم الديوبندي (المتوفى: 1353هـ)، فيض الباري على صحيح البخاري، المحقق: محمد بدر عالم الميرتهي، الناشر: دار الكتب العلمية بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، 1426 هـ - 2005 م.
99. الشوكاني، محمد بن علي بن محمد بن عبد الله اليمني (المتوفى: 1250هـ)، البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع، الناشر: دار المعرفة - بيروت.
100. الصابوني، محمد علي، ترجمه فارسي صفوة التفاسير، مترجم: عبدالباري ابراهيمي، مكتبه فاروقيه، محله جنگی پشاور، 4 جلد.
101. صالح بن عبد الله بن حميد إمام وخطيب الحرم المكي، نضرة النعيم في مكارم أخلاق الرسول الكريم - صلى الله عليه وسلم، الناشر: دار الوسيلة للنشر والتوزيع، جدة، الطبعة: الرابعة.
102. الصنعاني، الحسن بن أحمد بن يوسف بن محمد بن أحمد الرباعي (المتوفى: 1276هـ)، فتح الغفار الجامع لأحكام سنة نبينا المختار، المحقق: مجموعة بإشراف الشيخ علي العمران، الناشر: دار عالم الفوائد، الطبعة: الأولى، 1427 هـ.
103. الضبي، أحمد بن يحيى بن أحمد بن عميرة، أبو جعفر (المتوفى: 599هـ)، بغية الملتمس في تاريخ رجال أهل الأندلس، الناشر: دار الكاتب العربي - القاهرة، 1967 م.
104. الطبراني، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم (المتوفى: 360هـ)، تفسير القرآن العظيم المنسوب للإمام الطبراني، دار النشر: مكتبة ابن تيمية - القاهرة، الطبعة: الثانية.

105. الطبراني، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم (المتوفى: 360هـ)، المعجم الكبير، المحقق: حمدي بن عبد المجيد السلفي، دار النشر: مكتبة ابن تيمية - القاهرة، الطبعة: الثانية، 1415 هـ - 1994 م.
106. الطبراني، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم (المتوفى: 360هـ)، الروض الداني (المعجم الصغير)، المحقق: محمد شكور محمود الحاج أمرير، الناشر: المكتب الإسلامي، دار عمار - بيروت عمان، الطبعة: الأولى، 1405 هـ = 1985 م.
107. الطبري، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملي، أبو جعفر (المتوفى: 310هـ)، جامع البيان في تأويل القرآن، المحقق: أحمد محمد شاكر، الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة: الأولى، 1420 هـ - 2000 م.
108. الطحاوي، أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة بن عبد الملك بن سلمة الأزدي الحجري المصري المعروف بالطحاوي (المتوفى: 321هـ)، شرح مشكل الآثار، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة: الأولى - 1415 هـ، 1494 م.
109. الطيبي، شرف الدين الحسين بن عبد الله (743هـ)، شرح الطيبي على مشكاة المصابيح المسمى بـ (الكاشف عن حقائق السنن)، المحقق: عبد الحميد هنداوي، الناشر: مكتبة نزار مصطفى الباز (مكة المكرمة - الرياض)، الطبعة: الأولى، 1417 هـ - 1997 م.
110. عادل نويهض، معجم المفسرين «من صدر الإسلام وحتى العصر الحاضر»، الناشر: مؤسسة نويهض الثقافية للتأليف والترجمة والنشر، بيروت - لبنان، الطبعة: الثالثة، 1409 هـ - 1988 م.
111. عبد الله الشمري سعدون، خيانة الأمانة في تاريخ الحضارة الإسلامية، جامعة سانت أليمنتس العالمية وهي جزء من متطلبات نيل درجة الدكتوراه في فلسفة في تاريخ الحضارة الإسلامية، بغداد، 1431 هـ = 2010 م.
112. عبد الرحيم بن الحسن بن علي الإسنوي الشافعي، أبو محمد، جمال الدين (المتوفى: 772هـ)، طبقات الشافعية، تحقيق: كمال يوسف الحوت، بيروت، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى 2002 م.
113. العجلوني، إسماعيل بن محمد بن عبد الهادي الجراحي العجلوني الدمشقي، أبو الفداء (المتوفى: 1162هـ)، كشف الخفاء ومزيل الإلباس، تحقيق: عبد الحميد بن أحمد بن يوسف بن هنداوي، الناشر: المكتبة العصرية، بيروت، الطبعة: الأولى، 1420 هـ - 2000 م.

114. عصام العبد زهد وزكريا إبراهيم الزميلي، أساليب البيان في القرآن والسنة، دار المقداد للطباعة، حلب، الطبعة الأولى، 1428 هـ - 2007 م.
115. عصام العبد زهد، الأمانة في القرآن الكريم، (دراسة موضوعية)، الطبعة الأولى، 1430 هـ - 2009 م.
116. عفيف عبد الفتاح طبارة، مع الأنبياء في القرآن الكريم، دار العلم للملايين، بيروت، لبنان، الطبعة: 15، 1985 م.
117. العكري، عبد الحي بن أحمد بن محمد ابن العماد الحنبلي، أبو الفلاح (المتوفى: 1089 هـ)، شذرات الذهب في أخبار من ذهب، حققه: محمود الأرنؤوط، الناشر: دار ابن كثير، دمشق - بيروت، الطبعة: الأولى، 1406 هـ - 1986 م.
118. علوان، نعمة الله بن محمود النخجواني، ويعرف بالشيخ علوان (المتوفى: 920 هـ)، الفواتح الإلهية والمفاتيح الغيبية الموضحة للكلم القرآنية والحكم الفرقانية، الناشر: دار ركابي للنشر - الغورية، مصر، الطبعة: الأولى، 1419 هـ - 1999 م.
119. الغزالي، أبو حامد محمد بن محمد الطوسي (المتوفى: 505 هـ)، إحياء علوم الدين، الناشر: دار المعرفة - بيروت.
120. الغزالي، محمد، خلق المسلم، الناشر: دار نهضة مصر، الطبعة: الأولى.
121. القاسمي، محمد جمال الدين، محاسن التأويل، دار العلم للملايين، بيروت، لبنان، الطبعة الأولى، 1407 هـ.
122. قاضي عياض، أبو الفضل عياض اليحصبي (544 هـ)، إكمال المعلم شرح صحيح مسلم - للقاضي عياض، الناشر: دار الفكر، بيروت.
123. قاضي عياض بن موسى بن عياض بن عمرو اليحصبي السبتي، أبو الفضل (المتوفى: 544 هـ)، مشارق الأنوار على صحاح الآثار، بيروت، دار النشر: المكتبة العتيقة ودار التراث.
124. القرطبي، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين (المتوفى: 671 هـ)، الجامع لأحكام القرآن = تفسير القرطبي، تحقيق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش، الناشر: دار الكتب المصرية - القاهرة، الطبعة: الثانية، 1384 هـ - 1964 م.
125. الكتاني، محمد عبْد الحَيّ بن عبد الكبير ابن محمد الحسني الإدريسي، المعروف بعبد الحي (المتوفى: 1382 هـ)، فهرس الفهارس والأثبات ومعجم المعاجم والمشیخات

- والمسلسلات، المحقق: إحسان عباس، الناشر: دار الغرب الإسلامي - بيروت، الطبعة: 2، 1982م.
126. كحالة دمشق، عمر بن رضا بن محمد راغب بن عبد الغني (المتوفى: 1408هـ)، معجم المؤلفين، الناشر: مكتبة المثنى - بيروت، دار إحياء التراث العربي بيروت.
127. الكفوي، أيوب بن موسى الحسيني القريمي أبو البقاء الحنفي (المتوفى: 1094هـ)، الكليات معجم في المصطلحات والفروق اللغوية، المحقق: عدنان درويش - محمد المصري، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت.
128. الكناني، أبو العباس شهاب الدين أحمد بن أبي بكر بن إسماعيل بن سليم بن قايمار بن عثمان البوصيري الكناني الشافعي (المتوفى: 840هـ)، إتحاف الخيرة المهرة بزوائد المسانيد العشرة، المحقق: دار المشكاة للبحث العلمي بإشراف أبو تميم ياسر بن إبراهيم، دار النشر: دار الوطن للنشر، الرياض، الطبعة: الأولى، 1420 هـ - 1999 م.
129. لجنة علماء برئاسة نظام الدين البلخي، الفتاوى الهندية، بيروت، الناشر: دار الفكر، الطبعة: الثانية، 1310 هـ.
130. الماوردي، أبو الحسن علي بن محمد بن محمد بن حبيب البصري البغدادي، الشهير بالماوردي (المتوفى: 450هـ)، تفسير الماوردي = النكت والعيون، المحقق: السيد ابن عبد المقصود بن عبد الرحيم، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان.
131. الماوردي، أبو الحسن علي بن محمد بن محمد بن حبيب البصري البغدادي، (المتوفى: 450هـ)، الأحكام السلطانية، القاهرة، الناشر: دار الحديث.
132. مباركفوري، صفي الرحمن، خورشيد نبوت ترجمه فارسي «الرحيق المختوم»، محمد علي لساني فشاركي، محله جنگی پشاور، مكتبة القریشية.
133. محسن العوني، مفاهيم الامانة في القرآن والسنة وأعمال المفسرين، القاهرة، الناشر: دارالمحور، 2003م.
134. محمد خير بن رمضان بن إسماعيل يوسف، تكملة معجم المؤلفين، وفيات (1397 - 1415 هـ) = (1977 - 1995 م)، الناشر: دار ابن حزم للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، 1418 هـ - 1997 م.
135. محمد رشيد بن علي رضا بن محمد شمس الدين بن محمد بهاء الدين بن منلا علي خليفة القلموني الحسيني (المتوفى: 1354هـ)، تفسير القرآن الحكيم (تفسير المنار)، الناشر: الهيئة المصرية العامة للكتاب، 1990م.

136. محمد صديق خان، أبو الطيب بن حسن بن علي ابن لطف الله الحسيني البخاري القنوجي (المتوفى: 1307هـ)، التاج المكلل من جواهر متأثر الطراز الآخر والأول، الناشر: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية، قطر، الطبعة: الأولى، 1428 هـ - 2007 م.
137. محمد فؤاد عبد الباقي، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الكريم، القاهرة، الناشر: دار الحديث، الطبعة الأولى.
138. محمد گل گمشاد زهي، ترجمه معاني قرآن كريم، صفحه آرايي و ترتيب: گروه علمي فرهنگي موحدين، المكتبة الشاملة الفارسيّة اهل السنة.
139. محمود الجيزي و فريق من الباحثين مذكورة أسماءهم في خانة المؤلف، معجم البابطين للشعراء العرب المعاصرين، هذا الكتاب من كتب المستودع بموقع المكتبة الشاملة.
140. المزي، جمال الدين أبو الحجاج يوسف بن عبد الرحمن (المتوفى: 742هـ)، تحفة الأشراف بمعرفة الأطراف، المحقق: عبد الصمد شرف الدين، طبعة: المكتب الإسلامي، والدار القيّمة، الطبعة: الثانية: 1403هـ، 1983م.
141. مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري (المتوفى: 261هـ)، المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم = صحيح مسلم، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.
142. مصطفى العدوي، أبو عبد الله مصطفى بن العدوي شلباية المصري، سلسلة التفسير لمصطفى العدوي، المكتبة الشاملة.
143. ملا علي القاري، علي بن (سلطان) محمد، أبو الحسن نور الدين الملا الهروي القاري (المتوفى: 1014هـ)، مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح، الناشر: دار الفكر، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، 1422 هـ - 2002 م.
144. الملتقى الهندي، علاء الدين علي بن حسام الدين ابن قاضي خان القادري الشاذلي الهندي البرهانفوري ثم المدني فالمكي الشهير بالمتقي الهندي (المتوفى: 975هـ)، كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، المحقق: بكري حياني - صفوة السقا، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الطبعة الخامسة، 1401هـ/1981م.
145. المناوي، زين الدين محمد المدعو بعبد الرؤوف بن تاج العارفين بن علي بن زين العابدين الحدادي ثم المناوي القاهري (المتوفى: 1031هـ)، فيض التقدير شرح الجامع الصغير، الناشر: المكتبة التجارية الكبرى - مصر، الطبعة: الأولى، 1356هـ.

146. المناوي، زين الدين محمد المدعو بعبد الرؤوف بن تاج العارفين بن علي بن زين العابدين الحدادي ثم المناوي القاهري (المتوفى: 1031هـ)، التيسير بشرح الجامع الصغير، الناشر: مكتبة الإمام الشافعي - الرياض، الطبعة: الثالثة، 1408هـ - 1988م.
147. المناوي، محمد بن إبراهيم بن إسحاق السلمي المناوي ثم القاهري، الشافعي، صدر الدين، أبو المعالي (المتوفى: 803هـ)، كَشَفُ الْمَنَاهِجِ وَالتَّنَاقِيحِ فِي تَخْرِيجِ أَحَادِيثِ الْمَصَابِيحِ، دِرَاسَةٌ وَتَحْقِيقٌ: د. مُحَمَّدٌ إِسْحَاقُ مُحَمَّدٌ إِبْرَاهِيمَ، الناشر: الدار العربية للموسوعات، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، 1425 هـ - 2004 م.
148. المناوي، محمد عبد الرؤوف، التوقيف على مهمات التعاريف، تحقيق: محمد رضوان الداية، الناشر: دار الفكر المعاصر، دار الفكر - بيروت، دمشق، الطبعة الأولى، 1410هـ.
149. النسفي، عمر بن محمد بن أحمد بن إسماعيل، أبو حفص، نجم الدين (المتوفى: 537هـ)، طلبه الطلبة، الناشر: المطبعة العامرة، مكتبة المثنى ببغداد، 1311هـ.
150. النووي، ابو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف (المتوفى: 676هـ)، المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة: الثانية، 1392هـ.
151. النووي، أبوزكريا، محيي الدين يحيى بن شرف، (المتوفى: 676هـ)، روضة الطالبين وعمدة المفتين، تحقيق: زهير الشاويش، الناشر: المكتب الإسلامي، بيروت- دمشق- عمان، الطبعة: الثالثة، 1412هـ / 1991م.
152. النووي، ابي زكريا يحيى بن شرف دمشقي (631 - 676 هـ)، ترجمه ي فارسي رياض الصالحين، ترجمه و شرح: عبد الله خاموش هروي، محله جنگی پشاور، المكتبة القریشية.
153. وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية، الموسوعة الفقهية الكويتية، طباعة ذات السلاسل، الكويت، الطبعة الثانية، 1409هـ = 1989م.
154. الهيثمي، أبو الحسن نور الدين علي بن أبي بكر بن سليمان (المتوفى: 807هـ)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، المحقق: حسام الدين القدسي، الناشر: مكتبة القدسي، القاهرة، 1414 هـ، 1994 م.

Summary of the Research:

One of the most important and fundamental issues that the divine law has mentioned the greatness and all religions have addressed it and it has also been discussed in a human society and the consistency and permanence of the society has depended on it; is safekeeping.

in light of holy Quran and Hadith safekeeping is considered as one of valuable issues, because in many verses of the Holy Quran, it is recommended to observe safekeeping and fidelity and consider it as an attribute of the believers on one hand and their well-being and salvation on the other. It is emphasized in the noble hadiths and the faith of a Muslim is firm to it and even the consistency and permanence of human life is dependent on it.

This dissertation consists of one introduction and three chapters. The first chapter discusses the generalities, the second chapter focuses on the virtue of safekeeping, its types and cases in the Quran and hadith, and the third chapter discusses the effects of observing safekeeping and harm. Non-observance of it has been discussed from holy Quran and Hadith point of view and has ended with conclusions, suggestions, and indexes.

Safekeeping is the opposite of betrayal, and the safekeeping refers to protection of human beings, anything that is suitable to be kept, such as rights, duties, obligations, limits, natural and spiritual objects, is equal to God Almighty or from the human side.

in the light of holy Quran and Hadith, safekeeping has different meanings and concepts, such as presumption, deposit, fear of being safe, salvation, comfort and self-confidence, people and all duties, the sign and symptoms of faith and sufficiency.

There are two types of safekeeping, natural and spiritual, which include safekeeping in deposit, in blessing, in association, in children, in property, in interaction with people, in duty, in assemblies, in worship, on subjects and subordinates, in Guarding, preserving property, in words, in scientific trust, etc.

For safekeeping, there are phenomena, these phenomena include terrestrial, religious terrestrial, include gaining public trust, promising peace and tranquility, attracting love and divine satisfaction, causing love of people, one of the means of salvation from evil Pests, the cause of wealth, etc., but its religious terrestrial phenomena are prosperity and salvation, the sign and perfection of faith, one of the reasons for the acceptance of prayer, consistency and permanence of the universe, the axis of religion, social mercy, goodness and blessing, etc.

The harms of not observing the safekeeping in the light of holy Quran and Hadith are divided into two parts, the harms of not observing the safekeeping in holy Quran and the harms of not observing the safekeeping in the Hadith, they are severely punished, no one can avert God's punishment from a traitor, traitors do not achieve their goals, and so on.

The harms of not observing the safekeeping in the hadith are divided into two parts. But the harms of betrayal in the other world are: the Day of Judgment will be taken from the good deeds

of the traitor, the Day of Judgment will be considered the enemy of God, he will be deprived of going to Paradise, and so on.



Salaam University

Faculty of Sjariat and Law

Master Program in Tafseer and Hadith



Islamic Aمارat of Afghanistan

Ministry of Higher Education

Dm of Academic - Affairs

Safekeeping in light of Holy Quran and Hadith

Mastere's Thesis

Student: Abdul Ghafoor "Mohammadi"

Supervisor: Dr. Fasihullah "Abdul Baqi"

Year: 2019



Salaam University

Faculty of Shariah and Law

Master Program in Tafseer and Hadith



Islamic Amarat of Afghanistan

Ministry of Higher Education

Dm of Academic - Affairs

Safekeeping in light of Holy Quran and Hadith

Mastere's Thesis

Student: Abdul Ghafoor "Mohammadi"

Supervisor: Dr. Fasihullah "Abdul Baqi"

Year: 2019